



معارف

سال سی و چهارم - شماره دوم، پیاپی ۳۲۱ (ویژه جامعه‌شناسی)

(تابستان ۱۴۰۴)

فصلنامه علمی در زمینه علوم انسانی

صاحب امتیاز: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

مدیر مسئول: سیداحمد رهنمایی

سر دبیر: ابوالفضل ساجدی

دبیر گروه جامعه‌شناسی: محمد فولادی‌وندا

مدیر اجرایی: روح‌الله فریس‌آبادی

ناظر چاپ: حمید خانی

صفحه‌آرا: روح‌الله فریس‌آبادی

چاپ: نینوا

بر اساس مجوز شماره ۳/۶۷۷۶ مورخ ۱۳۸۶/۸/۱۴ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) این نشریه از شماره ۱۱۸ موفق به دریافت درجه «علمی ب» گردید.

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبای نام گروه)

حجت‌الاسلام دکتر سیداکبر حسینی (ادیان) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - دانشیار

دکتر محسن خندان «الویری» (تاریخ) - دانشگاه باقرالعلوم - استاد

آیت‌الله استاد محمود رجبی (تفسیر و علوم قرآنی) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - استاد

حجت‌الاسلام دکتر محمد فولادی‌وندا (جامعه‌شناسی) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - دانشیار

دکتر عباسعلی کدخدایی (حقوق) - دانشگاه تهران - استاد

دکتر محمدکریم خداپناهی (روان‌شناسی) - دانشگاه شهید بهشتی - استاد

حجت‌الاسلام دکتر علیرضا کرمانی (عرفان) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - دانشیار

حجت‌الاسلام دکتر عباسعلی شاملی (علوم تربیتی) - جامعه المصطفی العالمیه - دانشیار

دکتر محمد فنائی اشکوری (فلسفه) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - استاد

حجت‌الاسلام دکتر ابوالفضل ساجدی (کلام) - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - استاد

مقالات این نشریه در sid.ir; isc.gov.ir; magiran.com; noormags.ir قابل دسترسی می‌باشد.

نشانی: قم - بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی - مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی - طبقه چهارم - شماره ۳۳

ص. پ: ۳۷۱۶۵-۱۸۶ تلفن: (تحریریه) ۳۲۱۱۳۴۶۸ - (مشترکان) ۳۲۱۱۳۴۷۱ - دورنگار: ۳۲۹۳۴۴۸۳ (۰۲۵)

رایانامه: marifat@qabas.net

وبگاه: nashriyat.ir

شاپا الکترونیکی: ۲۹۸۰-۸۳۸۳

اهداف و چشم‌انداز

نقش حوزه‌های علمیه و عالمان و پژوهشگران حوزه دین در جنبش نرم‌افزاری و حرکت فکری و روند تمدن‌سازی نقشی سترگ است و طرح انظار متفکران اسلامی در حوزه‌های مختلف علوم، به‌ویژه در قلمرو علوم انسانی، ضرورتی انکارناپذیر در عصر حاضر است. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و برقراری نظام جمهوری اسلامی، نقش و حضور عالمان و اندیشمندان حوزوی در عرصه تحولات فرهنگی داخلی و خارجی پررنگ‌تر و محسوس‌تر شد. بی‌تردید استمرار و بقای این نظام مقدس نیازمند حضور علمی و عینی محققان و صاحب‌نظران معارف اسلامی در ساحت‌های گوناگون فرهنگی و تمدنی است. انتشار مجله علمی «معرفت» در راستای ارتقای پژوهش و آموزش معارف اسلامی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی است و زمینه‌سازی علمی و فرهنگی برای تحقق مدینه فاضله اسلامی و عینیت یافتن آرمان‌ها و ارزش‌های دینی در جامعه بشری را تعقیب می‌کند.

اهداف

۱. تبیین و نشر معارف دینی در حوزه‌های علوم انسانی و ایجاد زمینه برای اسلامی‌سازی علوم؛
۲. صیانت و پاسداری از مبانی و آموزه‌های دینی؛
۳. ایجاد فضایی مناسب برای تضارب آراء و رشد علمی پژوهشگران حوزه و دانشگاه در زمینه علوم اسلامی و انسانی؛
۴. گسترش و تقویت ارتباط علمی میان حوزه و دانشگاه؛
۵. معرفی و نقد آثار، آراء و نظریات علمی و تحقیقاتی در زمینه علوم انسانی و معارف دینی؛
۶. پاسخ‌گویی به شبهات در زمینه علوم و معارف اسلامی.

ضمن استقبال از دستاورد تفکرات و تأملات دین‌پژوهی، پیشنهادها و انتقادهای شما را در مسیر کمال و بالندگی نشریه پذیراییم. خواهشمندیم مقالات خود را از طریق تارنمای نشریه: <http://nashriyat.ir> ارسال فرمایید. **اشتراک:** قیمت هر شماره مجله، ۹۰۰۰۰ تومان، و اشتراک ۴ شماره آن در یک سال، ۳۶۰/۰۰۰ تومان است. در صورت تمایل، وجه اشتراک را به حساب شبای IR910600520701102933448010 بانک مهر ایران، واریز، اصل فیش بانکی یا تصویر آن را همراه با برگ اشتراک به دفتر مجله ارسال نمایید.

راهنمای تهیه و تنظیم مقالات

الف) شرایط عمومی

۱. مقالات ارسالی باید برخوردار از صبغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، و مستند و مستدل بوده و با قلمی روان و رسا به زبان فارسی نگارش یافته باشند.

۲. مقالات خود را در محیط WORD با پسوند Doc از طریق تارنمای نشریه به <http://nashriyat.ir> ارسال نمایید.

۳. حجم مقالات حداکثر در ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) تنظیم شود. از ارسال مقالات دنباله‌دار جداً خودداری شود.

۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی، نشانی صندوق الکترونیکی، شماره تلفن تماس، شماره دورنگار، مؤسسه علمی وابسته، همراه مقاله ارسال شود.

۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی و یا به‌عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند. و نیز همزمان برای چاپ به سایر مجلات علمی ارسال نشده باشند.

۶. از ارسال مقالات ترجمه شده خودداری شود. نقد مقالات علمی و یا آثار و کتاب‌های منتشر شده، که حاوی موضوعات بدیع یا نکات علمی ویژه، که با مقتضیات و نیاز جامعه علمی تناسب داشته باشد، امکان چاپ دارند. البته، چاپ مقالات پژوهشی و تألیفی بر این‌گونه مقالات اولویت خواهد داشت.

ب) نحوه تنظیم مقالات

مقالات ارسالی باید از ساختار علمی برخوردار باشند؛ یعنی دارای عنوان مشخصات نویسنده، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.

۱. چکیده: چکیده فارسی مقاله (در صورت امکان به همراه چکیده انگلیسی) حداکثر ۱۵۰ کلمه تنظیم گردد و به اختصار شامل: بیان مسئله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و اجمالی از یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آن‌ها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ و بیان شعاری خودداری گردد.

۲. کلیدواژه‌ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوا که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.

۳. مقدمه: در مقدمه مقاله، مسئله تعریف، به پیشینه پژوهش اشاره، ضرورت و اهمیت پژوهش طرح، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله براساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله تعریف گردد.

۴. بدنه اصلی: در سامان‌دهی بدنه اصلی مقاله، یکی از شرایط زیر لازم است:

الف - ارائه‌کننده نظریه و یافته جدید علمی؛

ب - ارائه‌کننده تقریر و تبیین جدید از یک نظریه؛

ج - ارائه‌کننده استدلال جدید برای یک نظریه؛

د - ارائه نقد جامع علمی یک نظریه.

۵. نتیجه‌گیری: نتیجه بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به‌صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد. از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.

۶. فهرست منابع: اطلاعات کتاب‌شناختی کامل منابع و مأخذ تحقیق (اعم از فارسی، عربی، و لاتین) در انتهای مقاله براساس شیوه زیر آورده می‌شود:

نام خانوادگی، نام نویسنده، سال نشر، نام کتاب، ترجمه یا تحقیق، نوبت چاپ (بجز چاپ اول)، محل نشر، ناشر.

نام خانوادگی، نام نویسنده، سال نشر، «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه، صفحات ابتدا و انتهای مقاله.

۷. آدرس‌دهی باید بین متنی باشد (نام خانوادگی نویسنده، سال نشر، شماره جلد، شماره صفحه).

ج). یادآوری

۱. حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای مجله محفوظ است.

۲. مجله حداکثر پس از ۴ الی ۶ ماه از دریافت مقاله، نتیجه پذیرش یا عدم پذیرش را به نویسنده اطلاع خواهد داد.

۳. حق چاپ مقاله پس از پذیرش برای مجله محفوظ و امکان نقل مطالب در جای دیگر با ذکر نشانی نشریه بلامانع است.

۴. مطالب مقالات مبین آراء نویسندگان آنهاست و مسئولیت آن نیز بر عهده آنهاست.

۵. مقالات دریافتی، نرم‌افزارها، و... در صورت تأیید یا عدم تأیید بازگردانده نمی‌شود.

در این شماره می‌خوانید

قانون اسلامی و قانونگذاری اسلامی / ۵

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح یزدی

ویژه جامعه‌شناسی

ملاک‌های قرآنی انتخاب افراد برای تصدی مسئولیت‌های اجتماعی / ۱۳

یونس حسینی

راهبردهای قرآن کریم در مبارزه با مبانی اعتقادی دشمنان با محوریت جنگ شناختی و نرم / ۲۳

محسن جوادی صدر / سیدروح‌الله موسوی

هم‌نوایی اجتماعی در سیره ائمه اطهار (ع) / ۳۵

ملیحه شیخی‌زاده بافتی / محمدعلی محیطی اردکان

جایگاه و نقش راهبرد فرهنگ‌سازی در افزایش باروری و جمعیت / ۴۷

اسماعیل چراغی کوتیانی

نقش انتظار فرج در زندگی انسان معاصر با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی / ۶۱

خدیجه نظری

تأثیر سبک زندگی بر پیشگیری از بزه‌دیدگی با نگاهی به مبانی اسلامی / ۷۳

وحید نکونام

واکاوی معنویت در گردشگری / ۸۳

سجاد فردوسی / نسرین کاظمی

The Islamic Law and the Islamic Legislation

Ayatollah Allameh Mohammad Taqi Misbah Yazdi

Abstract

Based on the discussions presented earlier, value-oriented behavior can be political provided that it is shown with the intention of achieving social goals and interests. Individuals, groups, and adherents of various schools of thought and religions differ in setting goals and the paths to achieve them. This paper seeks to better elucidate the Islamic perspective in this regard. The goal of Islam regarding social life and the management of society is to provide conditions for the majority of people to attain the highest life benefits, both in this world and the hereafter. The fundamental distinction between Islam and other schools lies in the fact that Islam's objectives are not limited to just this world, i.e., social life must also be organized to facilitate spiritual growth and, consequently, lead to man's eternal happiness. In other words, there is a relation between politics and ethics. This article expounds on the relation between politics and ethics, the elements of politics, the characteristics of the chief legislator, and the hierarchy of legislation.

Keywords: law, legislation, ethics, politics, hierarchy of Legislation, elements of politics.

قانون اسلامی و قانونگذاری اسلامی*

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح یزدی *

چکیده

بر اساس آنچه گذشت، رفتارهای ارزشی در صورتی که به قصد تأمین هدف‌ها و مصالح اجتماعی انجام شود، مصداق رفتار سیاسی خواهد بود. افراد، گروه‌ها و اصحاب مکاتب و مذاهب مختلف در تعیین هدف و راهی که به هدف منتهی می‌شود، اختلافاتی دارند. در این گفتار در صدد شناخت بهتر دیدگاه اسلام در این زمینه هستیم. هدف اسلام از زندگی اجتماعی و مدیریت جامعه، فراهم کردن زمینه برای اینکه بیشترین افراد بتوانند به بیشترین مصالح زندگی، اعم از دنیوی و اخروی، برسند. نقطه اختلاف اساسی اسلام با سایر مکاتب، این است که هدف در اسلام، منحصر به هدف دنیوی نیست و زندگی اجتماعی نیز باید به گونه‌ای شکل داده شود که زمینه رشد معنوی، و در نتیجه، دستیابی به سعادت ابدی را برای انسان فراهم کند. به این معنا، بین سیاست و اخلاق ارتباط وجود دارد. این مقاله به تفصیل به بررسی پیوند اخلاق و سیاست، عناصر سیاست، ویژگی‌های قانونگذار اصلی و مراتب قانونگذاری می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: قانون، قانونگذاری، اخلاق، سیاست، مراتب قانونگذاری، عناصر سیاست.

* این مقاله قلمی شده درس اخلاق استاد علامه مصباح یزدی * برای طلاب علوم دینی در دفتر مقام معظم رهبری در قم است.

پیوند اخلاق و سیاست

اخلاق، معانی و کاربردهای گوناگون دارد. این اصطلاح در عام‌ترین مفهومش شامل همه رفتارهای اختیاری انسان در رابطه با اهدافشان می‌شود. از این رو هم مسائل فردی را دربر می‌گیرد و هم شامل مسائل گروهی، اجتماعی و حتی بین‌المللی می‌شود. در جایی که رفتارهای اختیاری انسان با زندگی اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند، اهداف سیاسی، موضوعی برای ارزش اخلاقی هستند و به اصطلاح، از نظر مصداق، اتحاد عام و خاص پیدا می‌کنند؛ به این معنا که مسائل سیاسی، خاص است و اخلاق چتری است که روی همه رفتارهای اختیاری، از جمله رفتارهای سیاسی، گسترده می‌شود. بنابراین از نظر اسلام، پذیرفتنی نیست که اخلاق و سیاست دو قلمرو متباین و متضاد داشته باشند.

برای تبیین دیدگاه اسلام دربارهٔ سیاستی که موضوع ارزش‌های اخلاقی واقع می‌شود، به عنوان مقدمه، نخست باید به این نکته توجه کرد که قوام رفتار ارزشی به بایدها و نبایدها و حسن و قبح‌هاست و این بدان معناست که در رفتار ارزشی، محدودیت وجود دارد. این دیدگاه در مقابل لیبرالیسم اخلاقی قرار دارد. ارزش در دنیای امروز به معنای ارزش‌های حیوانی و مساوی با بی‌بندوباری است. هنگامی که سخن از آزادی به میان می‌آید، آن را بالاترین ارزش‌ها معرفی می‌کنند تا بر اساس آن، هر کس هر کاری می‌خواهد، بتواند انجام دهد و شرایط برایش فراهم باشد و البته تنها محدودیتی که برای آن در نظر می‌گیرند آن است که رفتار یک فرد، مزاحم آزادی رفتار دیگران نشود؛ چون آزادی را برای همه معتبر می‌دانند. متأسفانه این تفکر رایج در فرهنگ غرب، میان بعضی از وطنی‌های غرب‌زده و تحصیل‌کرده‌های متأثر از فرهنگ غرب هم وجود دارد.

صرف‌نظر از بحث دربارهٔ معنای آزادی و تبیین دیدگاه اسلام دربارهٔ آن، در مقام بیان این نکته هستیم که وقتی سخن از ارزش به میان می‌آید، به این معناست که «باید و نباید» و «خوب و بد» در کار است و روشن است که ارزش و لزوم به معنای محدودیت است. بنابراین می‌توان گفت که لیبرالیسم اخلاقی (آزادی مطلق)، نه تنها با اسلام، بلکه با هیچ مکتب سیاسی، اخلاقی و دینی سازگار نیست؛ هر چند این گرایش در غرب حکمفرماست و ترویج می‌شود. پذیرش لیبرالیسم اخلاقی به معنای کنار گذاشتن دین است؛ زیرا دین

دربارندهٔ ارزش‌های اخلاقی و شرعی است و حلال و حرام دارد. آیات قرآن کریم، حتی در سوره‌های کوچک که بیشتر در مدینه نازل شده و مربوط به روزهای نخستین بعثت است، شاهد این سخن است؛ برای نمونه خداوند متعال در سوره «انفطار» می‌فرماید: «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ» (انفطار: ۱۳-۱۴)؛ قطعاً نیکان به بهشت اندرند و بی‌شک بدکاران در دوزخند. در این آیات، در برابر نیکان، کفار به کار نرفته است؛ بلکه مردم یا در زمره نیکان هستند یا در زمره فجار. فاجر به معنای بی‌بندوبار و غیرمتعهد است؛ همان گونه که قرآن کریم می‌فرماید: «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ» (قیامت: ۵)؛ ولی نه، انسان می‌خواهد که در پیشگاه او فسادکاری کند.

انسان قیدوبندها و اوامر و نواهی را دوست ندارد و می‌خواهد آقابالاسر نداشته باشد تا آزادانه هر کاری خواست، انجام دهد. این روحیه، در مقابل روحیهٔ عبودیت و بندگی خداوند متعال است. دنباله‌روی بی‌بندوباری و فسق و فجور در قرآن کریم نکوهش شده است. قرآن کریم دربارهٔ جامعهٔ گرفتار این معضل به پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ» (مائده: ۴۹)؛ و میان آنان به موجب آنچه خدا نازل کرده، داوری کن و از هواهایشان پیروی مکن و از آنان بر حذر باش. مبدا تو را در بخشی از آنچه خدا بر تو نازل کرده، به فتنه دراندازند. پس اگر پشت کردند، بدان که خدا می‌خواهد آنان را فقط به [سزای] پاره‌ای از گناهانشان برساند و در حقیقت بسیاری از مردم نافرمانند.

نه تنها اسلام، بلکه هیچ مکتب اخلاقی دینی بدون مفاهیم ارزشی (مانند «باید و نباید» و «خوب و بد») شکل نمی‌گیرد و مفاهیم ارزشی به معنای محدودیت است. بنابراین هنگامی که سخن از پیوند اخلاق و سیاست به میان می‌آید، باید انتظار داشت که در سیاست نیز «باید و نباید» و «خوب و بد» وجود داشته باشد. برای انتزاع این دسته از مفاهیم، باید رابطهٔ بین چند چیز یا حالت و وضعیت خاصی در نظر گرفته شود (ر.ک. مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، درس‌های پانزدهم و بیستم). از این رو هنگام انطباق یک مفهوم اخلاقی بر رفتاری سیاسی باید رابطهٔ مزبور در انتزاع مفاهیم ارزشی

باید درباره هرکدام از این سه عنصر بحث کرد. به‌راستی چه مقررات سیاسی‌ای در اسلام وجود دارد که هدف از رعایت آنها دستیابی به مصالح جامعه است؟ قوانین مزبور را چه کسی باید تعیین کند؟ حاکمی که باید به مردم در تأمین مصالحشان کمک، و آنها را به رعایت قانون الزام کند، چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

خدا؛ تنها قانونگذار

از مسائل مهم فلسفه سیاست آن است که چه کسی باید قانون را وضع کند؟ این مسئله در تاریخ فلسفه غرب سابقه طولانی دارد (ر.ک. فنایی اشکوری، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۹۵-۳۰۷). یکی از نقاط اختلاف دیدگاه اسلام با مکاتب فلسفی بشری، در نوع پاسخ‌گویی به این سؤال است. بر اساس دیدگاه اسلام، اصل قانون را باید خداوند وضع کند و قوانین فرعی هم باید توسط افرادی وضع شود که از طرف خداوند متعال اجازه قانونگذاری داشته باشند؛ به عبارت دیگر حق قانونگذاری تنها در اختیار خداوند متعال است که یا خود، مستقیماً قانون را وضع می‌کند یا به فرد یا افراد مورد تأییدش این اجازه را می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء: ۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید. پس هرگاه در امری [دینی] اختلاف‌نظر یافید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید. این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است.

اختصاص داشتن تشريع به خداوند متعال در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم آمده است (قانون اساسی، اصل دوم).

ویژگی‌های قانونگذار اصلی

به‌راستی چرا قوانین را باید خدا تعیین کند و چرا خود مردم قانونگذار نباشند؟ پاسخ آن است که:

اولاً، هدف قانون آن است که مصلحت کسانی که قانون درباره‌شان اجرا می‌شود، تأمین شود و زمینه را برای سعادت دنیوی و اخروی انسان فراهم کند. عمل سیاسی، مقدمه‌ای لازم برای دستیابی انسان به این هدف به حساب می‌آید. انسان‌ها حداکثر

در نظر گرفته شود. به‌طورکلی همه رفتارهای اختیاری انسان، در حوزه اخلاق قرار می‌گیرد و آنچه فقط مربوط به زندگی اجتماعی است، در حوزه سیاست قرار دارد. بنابراین حوزه سیاست، بخشی از حوزه اخلاق است و همان‌گونه در گفتارهای پیشین توضیح داده شد، برای ارزشیابی اخلاقی رفتارهای سیاسی باید دو حیثیت حسن فعلی و حسن فاعلی آن را در نظر گرفت. بر این اساس یک رفتار سیاسی در صورتی به لحاظ اخلاقی خوب است که اولاً خود رفتار، خوب باشد و ثانیاً کنشگر سیاسی، آن را با نیت خوب و الهی انجام دهد.

ازاین‌رو برای بررسی دقیق رابطه اخلاق و سیاست از منظر اسلام و برای ارزشیابی رفتارهای سیاسی باید به محتوای سیاست و عناصر رفتار سیاسی توجه کنیم تا معلوم شود مفاهیم ارزشی در حوزه سیاست بر چه اموری اطلاق می‌شود.

عناصر سیاست

سیاست رفتارهایی است که زمینه را فراهم می‌کند تا حداکثر افراد جامعه به حداکثر مصالحشان دست یابند. برای دستیابی به این هدف باید مقرراتی وجود داشته باشد تا یک کار بر اساس مقررات، حسن فعلی داشته باشد و خوب تلقی شود. طبیعی است که هر قانونی مخاطب دارد. هنگامی که در مسائل سیاسی رفتاری خوب دانسته می‌شود، به این معناست که همه افراد جامعه، حتی کسی که در بالاترین مقام آن جامعه واقع شده، به یک معنا مخاطب هستند و وظیفه‌ای نسبت به آن دارند. حال اگر این وظیفه را با نیت خوب انجام دهند، ارزش اخلاقی دارد؛ اما اگر برای خودنمایی یا دیگر اهداف دنیوی باشد، دارای ارزش اخلاقی مثبت نیست؛ بلکه خود، اخلاقی فاسد و زشت است؛ هرچند به دلیل مخفی بودن نیت، کسی متوجه آن نشود.

بنابراین سیاست بر پایه سه عنصر استوار است:

۱. مقرراتی که باید رعایت شود؛
 ۲. مردمی که باید مقررات را رعایت کنند؛
 ۳. نیروی حاکم و قاهری که بتواند مردم را به رعایت قوانین الزام، و از تخلفات و ظلم و فساد در جامعه جلوگیری کند و نیازهای برزمین‌مانده جامعه را به‌منظور تأمین مصالح جامعه برطرف سازد.
- در راستای شناخت دیدگاه اسلام درباره رابطه اخلاق با سیاست

بشر تا ابد مطرح می‌شود را یک‌باره تبیین کرد. از این رو به ناچار باید واسطه‌هایی وجود داشته باشند که پس از دریافت کلیات و اصول ضروری از خداوند متعال، به بیان فروع، جزئیات و تفصیل آنها بپردازند. خداوند متعال، حاکمیت و قضاوت را به دست پیامبر گرامی اسلام سپرده است (نساء: ۱۰۵) و مردم باید از اوامر او و اولوا الامر، که ائمه علیهم‌السلام و نوابان ایشان هستند، اطاعت کنند (نساء: ۵۹).

مراتب قانونگذاری

در جمهوری اسلامی ایران، طبق قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی قانون وضع می‌کند (اصل ۷۱). ممکن است این سؤال مطرح شود که اگر بر اساس دیدگاه اسلام، قانونگذار تنها خداوند متعال است، چرا این حق به مجلس شورای اسلامی داده شده است؟ در پاسخ باید گفت که وضع قوانین به منظور دستیابی به مصالحی است و مصالح درجاتی دارد. در وضع قانون، بالاترین درجات در نظر گرفته می‌شود؛ هرچند در مقام عمل لزوماً به بالاترین درجه آن دست نمی‌یابیم و گاه موانعی رخ می‌دهد که رسیدن به آن درجه را غیرممکن می‌سازد و بر اساس حکم عقل، به ناچار باید به درجات پایین‌تر تنزل کرد و به دنبال دستیابی به مصالح در رتبه پایین‌تر بود.

این مسئله شبیه بحث اقل و اکثر استقلالی و ارتباطی در اصول فقه است (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۴). در اقل و اکثر استقلالی، بین صد و صفر مراتب متعددی است که اگر امکان انجام دادن مراتب بالا نبود، به مراتب پایین‌تر بسنده می‌شود؛ اما در اقل و اکثر ارتباطی، مراتب مختلف وجود ندارد. مصالح جامعه از نوع اقل و اکثر ارتباطی نیست که گفته شود یا همه باید پیغمبر باشند یا همه ابلیس. بین ابلیس تا مقام پیامبری به مراتب اختلاف درجه وجود دارد اگر به مرتبه عالی دسترسی نداشتیم، به مرتبه پایین‌تر از آن مراجعه می‌کنیم و اگر دسترسی به آن درجه نیز امکان نداشت، به درجه پایین‌تر بسنده می‌شود و همین‌طور با رعایت سلسله مراتب ادامه می‌یابد تا به حداقل ممکن برسد که دیگر نمی‌توان از آن صرف‌نظر کرد.

جایگاه وجود رهبر

بنا به فرموده خداوند متعال باید از پیامبر اطاعت کرد (نساء: ۵۹). این در حالی است که در زمان کنونی به پیامبر دسترسی نداریم و در

می‌توانند مصالح دنیوی خود را بشناسند؛ هرچند غالباً حتی مصالح دنیوی خود را هم درست نمی‌شناسند؛ چه رسد به آنکه بخواهند تأثیر هر رفتار در سعادت اخروی انسان را درک کنند. کدام عقل بشری می‌تواند بفهمد که اگر برای نماز صبح به جای دو رکعت، سه رکعت بخوانیم، چه می‌شود و چه ضرری برای آخرت انسان دارد؟ فقط خداوند است که از تأثیر رفتارهای انسان بر سعادت اخروی‌شان باخبر است. بنابراین بهترین قانونگذار اوست. صرف‌نظر از مصالح اخروی، درباره مصالح دنیوی نیز بین صاحب‌نظران و قانونگذاران بشری اختلاف وجود دارد. روشن است که هیچ‌کس بهتر از آن کسی که انسان را آفریده و همه مراحل زندگی‌اش را می‌داند، به مصالح زندگی او علم ندارد؛

ثانیاً، هرچند ممکن است برخی به مصلحت‌هایی علم داشته باشند، اما چه بسا منافع شخصی یا حزبی و گروهی مانع ابراز آن مصالح شود و در مقام رأی دادن یا قانونگذاری، خلاف مصالح مزبور عمل کنند. برای آنکه انسان به مصالح خود دست یابد، لازم است قانونگذار منافع شخصی خود را لحاظ نکند و مانع پایمال شدن مصالح دیگران نشود. خداوند متعال این شرط را نیز در بالاترین حد داراست. او هیچ نیازی به هیچ‌کس ندارد (بقره: ۲۶۳ و ۲۶۷؛ نمل: ۴۰؛ لقمان: ۱۲؛ زمر: ۷؛ تغابن: ۶) و حتی امرونی‌های او صرفاً به نفع بندگانست. او از هرگونه خودخواهی، طمع، ظلم، تجاوز و تبعیض دور است و جز خیر بندگان را نمی‌خواهد (نساء: ۴۰؛ یونس: ۴۴؛ کهف: ۴۹). این قضیه شرطیه را حتی هر کافر و مشرکی می‌تواند تصدیق کند که اگر خدایی با چنین ویژگی‌هایی (علم مطلق و خیرخواهی مطلق) وجود داشته باشد، برای قانونگذاری از همه برتر است؛

ثالثاً، بر اساس دیدگاه اسلام و ادیان حقیقی، انسان بنده خداست و هرچه انسان دارد از اوست؛ زیرا خداوند متعال، خالق و مالک حقیقی ماسوا، و هستی‌بخش ممکنات است. خداوند متعال نعمت‌هایی را در اختیار انسان قرار داده است و هروقت بخواهد می‌تواند آنها را از انسان بگیرد. حال که همه چیز مال خداوند است، تصرف در آنها هم باید با اجازه او باشد. بنابراین قانونگذار باید خدا باشد.

البته امکان ندارد خداوند در همه جزئیات، بی‌واسطه با مردم سخن بگوید؛ زیرا از سویی همه مردم شایستگی دریافت وحی را ندارند و از سوی دیگر نمی‌توان همه جزئیات و موضوعاتی که برای

است، باید هنگام امر و نهی، مصالح و مفاسد هر مورد را به درستی بشناسد و تشخیص دهد.

امام خمینی^{۱۱} زمانی که هیچ کس جرئت نمی کرد درباره شاه سخنی به زبان آورد با صراحت در گفتار و عمل در برابر شاه خائن ایستاد (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۴۷۵). در همان زمان برخی به امام اعتراض کردند که چرا ادب در گفتار را رعایت نمی کنی؟! مؤمن باید با ادب حرف بزند! امام^{۱۲} وقتی امریکا ایران را در پی تسخیر لانه جاسوسی تحریم و تهدید کرد، فرمود: «شما می بینید که الآن مرکز فساد امریکا را جوان ها رفته اند گرفته اند و امریکایی هایی هم که در آنجا بوده، گرفتند و آن لانه فساد را به دست آوردند و امریکا هم هیچ غلطی نمی تواند بکند و جوان ها هم مطمئن باشند که امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند. بی خود صحبت اینکه اگر دخالت نظامی [کند] مگر امریکا می تواند دخالت نظامی در این مملکت بکند؟ امکان برایش ندارد تمام دنیا توجهشان الآن به اینجاست. مگر امریکا می تواند مقابل همه دنیا بایستد و دخالت نظامی بکند؟ غلط می کند دخالت نظامی بکند. نترسید، ترسانید. همین تعبیری که جوان های ما از روی احساسات جوانی کردند که اگر چنانچه امریکا بخواهد دخالت نظامی بکند ما چه خواهیم کرد، اصلاً این «اگر»ش را هم نباید بگویند. امریکا عاجز از این است که دخالت نظامی در اینجاها بکند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۵۱۶-۵۱۷).

باز هم برخی نسبت به این گونه سخن گفتن با امریکا به امام اعتراض کرده، به آیاتی مانند: «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره: ۸۳) (با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید)، و «قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (احزاب: ۷۰) (سخنی استوار گویند) استناد می کردند! (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۲۷۸) غافل از اینکه اگر امام به دشمنان دین و مردم فقط حرف های خوشایند زده بود، نوکری و ذلت ادامه می یافت و امروز معلوم نبود اصلاً مسلمان باشیم. امام خمینی^{۱۳} بر اساس تشخیص درست، در مقابل مزدوران و نوکران شیاطین محکم ایستاد و با قدرت و صلابت، عزت اسلامی را حفظ کرد. نتیجه این تشخیص درست آن بود که امریکا عقب نشینی کرد. تجربه سیاسی نشان داد که این اقدام امام خمینی^{۱۴} نه تنها ایران را از مزدوری امریکا نجات داد، بلکه باعث بیداری کشورهای اسلامی شد و هویت اسلامی را در جوامع ایجاد کرد.

تشخیص اینکه در کدام موقعیت باید با قاطعیت و جسارت صحبت کرد و در کدام موقعیت باید با مدارا و خواهش پیش رفت،

احکام حکومتی نیازمند دستورات ایشان هستیم؛ احکامی که برای موقعیت و شرایط ویژه زمان حاضر لازم است و باید مصلحت امروزه جامعه در چنین احکامی لحاظ شده باشد. هرچند فقها، احکام شرعی را از منابع - از جمله سنت - استنباط می کنند، اما برخی مصالح جامعه، امری متغیر و متجدد است و امکان ندارد که مصالح امروز جامعه ما از زمان صدر اسلام با ذکر جزئیات زمانی و مکانی تعیین و بیان شده باشد؛ زیرا هنوز این زمان فرا نرسیده است تا اقتضائات و شرایط و مصالح این زمان در نظر گرفته شده، حکم حکومتی متناسب با آن وضع و بیان شود.

هرچند برای احکام فقهی عبادی نیازمند رهبر نیستیم و مردم بر اساس فتوای فقهای جامع الشرایط به وظایف شرعی خود عمل می کنند، اما برای تشخیص وظیفه شرعی در جامعه امروزی نیازمند رهبر هستیم. از آنجاکه گاه در مسائل تخصصی هم بین متخصصان اختلاف نظر قابل توجه در تشخیص حکم رخ می دهد، باید به کسی مراجعه کرد که از همه برتر باشد.

جایگاه مجلس شورای اسلامی

واقعیت آن است که تنها با احکام فقهی کلی نمی توان جامعه را مدیریت کرد و رهبر جامعه افزون بر آن، برای تشخیص موضوعات و احکام فقهی در مسائل اجتماعی باید اطلاعات دیگری هم داشته باشد؛ از جمله اینکه باید دنیا را بهتر بشناسد، شناخت بهتری نسبت به دوست و دشمن داشته باشد و بداند رفتارهای اجتماعی چه پیامدهایی دارند و چگونه می توان از مفاسد آنها جلوگیری کرد. این نوع شناخت، تنها با فقاقت به دست نمی آید؛ بلکه فقه سیاسی و اجتماعی، تشخیص موضوعات و راه ها و تاکتیک های پیاده سازی برنامه ها را نیز باید بداند. در این میان، موضوع شناسی بسیار اهمیت دارد؛ همچنان که پزشک، افزون بر دانستن راه درمان یک بیماری باید توانایی تشخیص بیماری را نیز داشته باشد. اهمیت تشخیص بیماری، کمتر از دانستن راه درمان آن بیماری نیست. بنابراین کسی که رهبری یک جامعه را به عهده می گیرد، باید با موضوع شناسی درست، درد جامعه را تشخیص دهد و بداند چه دشمنانی با چه توطئه ها و چه اهدافی به دنبال ضربه زدن به جامعه اسلامی هستند؛ در غیر این صورت هر چقدر هم با اخلاص و تقوا برای جامعه دلسوزی کند، چه بسا نتیجه عکس بدهد. کسی که متصدی حکومت

است (برای نمونه، ر.ک: کلینی، ۱۳۲۹ق، ج ۱، ص ۱۶۸-۱۶۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۳۶-۱۳۷؛ صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۸۴). پس هر اطاعتی بر اساس دیدگاه اسلامی باید به اطاعت از خداوند متعال برگردد و ویژگی قانون اسلامی آن است که به حکم و قانون خداوند متعال می‌رسد.

منابع

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. تحقیق مؤسسه آل البیت ع. قم: مؤسسه آل البیت ع.
صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*. تصحیح علی‌اکبر غفاری. چ دوم. تهران: اسلامیه.
فناپی اشکوری، محمد (۱۳۹۱). *درآمدی بر تاریخ فلسفه غرب*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۲۹ق). *الکافی*. قم: دار الحدیث.
مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹). *فرهنگ‌نامه اصول فقه*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۸). *آموزش فلسفه*. چ پنجم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. چ پنجم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ع.

فقط با خواندن کتاب فقه یا تدریس فقه به دست نمی‌آید؛ بلکه افزون بر بهره‌مند بودن از زیرکی و فراست خدادادی و توکل بر خداوند متعال، نیازمند تجربه‌ای طولانی در مسائل سیاسی است. از دیدگاه اسلام، حکم اصلی برای خداست؛ اما درباره جزئیات و شرایط غالباً موقت و متغیر مربوط به هر زمان، به کسی نیاز است که در هر زمان احکام مربوطه را انشا کند. این دسته از احکام - که احکام ولایتی، احکام حکومتی یا احکام سیاسی به معنای خاص نام دارند - را کسی صادر می‌کند که افزون بر بهره‌مندی از فقاقت و تقوا، موضوع‌شناس هم باشد و بتواند تشخیص دهد که در هر زمان، مصلحت جامعه اسلامی چه چیزی را اقتضا می‌کند تا مقررات نیز بر همان اساس وضع شود.

میان غیرمعصومان افرادی که به تنهایی موضوعات و مصلحت‌ها را تشخیص دهند، بسیار کم هستند. بنابراین چاره‌ای جز مشورت وجود ندارد. از آنجاکه رهبر بر همه مصالح و مفاسد احاطه ندارد، نیازمند مشاوران متخصصی است تا دست کم نسبت به موضوعات و مصالح و مفاسد اطمینان بیشتری پیدا کند. امام خمینی ع این گونه تشخیص دادند که امروزه می‌توان مشورت به حاکم اسلامی را از طریق نمایندگان کارشناس و صالح مردم با وضع قوانین در مجلس شورای اسلامی تأمین کرد. روشن است که اعتبار قوانین مربوطه، مشروط به امضای رهبر است؛ اگرچه آن امضا با عدم مخالفت ایشان با قوانین مزبور احرار شده باشد.

بنابراین جایگاه مجلس اصالتاً جایگاه مشورتی برای رهبر است. البته از آنجاکه ما در دنیا با مردمی روبه‌رو هستیم که خدا و دین را قبول، و از اولی‌الامر و ولی فقیه تصور درستی ندارند، به ایشان می‌گوییم همان‌طور که شما مجلس عوام، مجلس سنا و... دارید، ما هم مجلس شورای اسلامی داریم؛ ولی کارکرد این مجلس تفاوتی اساسی با دیگر مجالس دنیا دارد. اعتبار قوانین مجلس شورای اسلامی به امضای ولی فقیه است و نظر ولی فقیه، فوق همه قوانین دیگر است. حتی اگر این نکته در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیامده بود، اعتقاد دینی درست، چنین اقتضائی را دارد.

همچنین اگر در نظام اسلامی، اطاعت از حکم دولت اسلامی واجب شمرده می‌شود، به پشتوانه اطاعت از ولی امر است. اطاعت از ولی امر به این دلیل است که او نائب امام زمان ع است و امام ع جانشین پیغمبر اسلام ع، و پیامبر اسلام ع پیام‌آور خداوند متعال

The Qur'anic Criteria for Selecting Individuals for Social Responsibilities

Younes Hassani /  PhD in Qur'anic and Hadith Sciences, the Imam Khomeini Institute for Education and Research
Received: 2025/01/12 - Accepted: 2025/02/24 Hasaniyounes@gmail.com

Abstract

Given the principle of meritocracy in selecting individuals and assigning social responsibilities, whether in governmental sectors or private institutions, proper individual selection depends on awareness of traits suited to the responsibilities undertaken. The Holy Qur'an refers to "selection" using terms like istifā and ijtibā for prophets, God's friends, and some righteous individuals. Although the divine prophets represent the highest rank in the Holy Qur'an, others must also possess shared qualifications at a lower level to assume social responsibilities. This descriptive-analytical study aims to outline the Qur'anic criteria for choosing qualified individuals, concluding that faith, piety, trustworthiness, knowledge and expertise, jihadi membership, tolerance, and adherence to divine guardianship (wilāyah) are the key criteria for taking different social positions.

Keywords: responsibility, elections, selection criteria, management, the Holy Qur'an

نوع مقاله: ترویجی

ملاک‌های قرآنی انتخاب افراد برای تصدی مسئولیت‌های اجتماعی

Hasaniuones@gmail.com

یونس حسینی /  دکترای علوم قرآن و حدیث مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۶

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

چکیده

با توجه به اصل شایسته‌سالاری در گزینش افراد و واگذاری مسئولیت‌های اجتماعی به آنها چه در بخش‌های دولتی و چه در نهادها و سازمان‌های خصوصی، انتخاب درست در گرو آگاهی از ویژگی‌هایی متناسب با مسئولیتی است که افراد متصدی آن می‌شوند. قرآن کریم از «انتخاب» با تعابیر متناظری همچون «اصطفا»، «اجتبا» و... درباره انبیا و اولیا و برخی از صالحان نام برده است؛ هرچند انبیای الهی در عالی‌ترین مراتب صفات و ویژگی‌های مطرح‌شده در قرآن می‌باشند، اما دیگران نیز در مرتبه پایین‌تری باید واجد شرایط مشترک با آنها برای بر عهده گرفتن مسئولیت‌های اجتماعی باشند. پژوهش حاضر با هدف بیان ملاک‌های قرآنی انتخاب شایسته افراد با روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته و به این نتیجه رسیده که ایمان، تقوا، امانتداری، آگاهی و تخصص، سابقه جهاد، سعه صدر و ولایت‌پذیری از جمله ملاک‌های قرآنی افراد برای تصدی انواع مسئولیت‌های اجتماعی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت، انتخابات، ویژگی‌های انتخاب، مدیریت، قرآن.

مقدمه

انتخاب درست مسئولان می‌پردازد، نه مطلق انتخاب‌ها در زندگی؛ اما راجع به ویژگی‌های مدیران و انتخاب مدیر شایسته آثاری نوشته شده و تا حدودی مشابه پژوهش حاضر است، اما با روش تحقیق متفاوت با تحقیق حاضر، برای نمونه مقاله «تبیین ویژگی‌های مدیران از دیدگاه حضرت علیؓ در نهج البلاغه» (آرش آقاجانی، ۱۳۸۵)، که تحقیقی حدیثی است. برخی پژوهش‌ها نیز بر اساس قرآن و روایات انجام نگرفته، همچون مقاله «ویژگی‌های مدیر موفق» (مریم مبارکی)، که به ویژگی‌های فردی مدیر و توانمندی و تعامل او با کارکنان در محل کار اشاره شده که بیشتر صبغه تجربی و با روش میدانی است. اما اثری که تنها با محوریت آیات قرآن، ملاک‌های انتخاب درست را استخراج و تبیین کند، یافت نشد. از این رو با توجه به اهمیت ذاتی مسئله و خلأ تحقیقات پیشین، ضرورت تحقیق در مسئله موجه می‌شود.

در آیات قرآن برای مفهوم «انتخاب» واژگان و تعابیر متناظری همچون «اصطفا»، «اجتبا»، «اختیار» و... به کار رفته است.

۱. مفهوم انتخاب و مفاهیم متناظر با آن در قرآن

انتخاب از ماده «نخب» به معنای انتزاع و برگرفتن، اختیار و «نخبه» نیز به معنای شایسته و برگزیده است (ر.ک. جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۲۲۳؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۶۹). در قرآن واژه انتخاب و مشتقات آن به کار نرفته، اما تعابیری که متناظر با مفهوم انتخاب باشد، «اصطفا» (بقره: ۲۴۷)، «اختیار» (طه: ۱۳) و «اجتبا» (یوسف: ۶) است که در آیات متعددی ذکر شده است.

«اصطفا» از ماده «صفو»، یعنی ضد کدورت و تیرگی، و خلوص چیزی از هرگونه شائبه و ناخالصی است و «اصطفا» به معنای برگزیدن خالص چیزی است و معنای نزدیکی با واژه «اختیار» دارد (ر.ک. ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۲، ص ۱۷۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۹۲). «اختیار» نیز به معنای طلب خیر و خوبی است در برابر شر و بدی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۰۱). «اجتبا» نیز به معنای جمع‌آوری چیزی بر سبیل اختیار و گزینش خالص چیزی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۸۶).

با توجه به مفهوم‌شناسی لغوی، می‌توان گفت واژه «انتخاب» با سه واژه قرآنی مزبور معنای نزدیکی دارد. نکته‌ای که درباره

خداوند سبحان انسان را دارای اراده و اختیار و قدرت گزینش و انتخاب آفریده که در دو راهی‌ها و چندراهی‌های پیش‌روی خود توان گزینش راه درست را دارد. سعادت یا شقاوت دنیوی و اخروی انسان نیز در زندگی بستگی به نوع انتخاب او دارد. همه اضلاع و ابعاد زندگی انسان چه در مسائل کوچک یا بزرگ، وابسته به گزینش‌ها و انتخاب‌های مختلف اوست. با تعمق و دقت بیشتر، معلوم می‌شود هیچ رفتار و کنشی از انسان بدون انتخاب نیست! چه توجه داشته باشد یا نه؛ در میان انواع انتخاب‌ها، انتخاب و گزینش افراد برای واگذاری مسئولیت‌های اجتماعی است که از جایگاه خطیری در جامعه برخوردار بوده و در سرنوشت جامعه اثرگذار است؛ این انتخاب یا توسط مسئول یا مسئولان و مدیران رتبه بالا صورت می‌گیرد یا توسط توده مردم و در قالب انتخابات سراسری و یا اساساً انتخاب فردی و شخصی در یک مورد مانند انتخاب وصی یا وکیل و نماینده و جانشین برای خود و از این قبیل موارد زیاد است. به‌هرروی شایسته‌سالاری به‌عنوان یک اصل عقلی و عقلایی در مدیریت‌ها و مسئولیت‌های مختلف جامعه امری بدیهی و ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. هر فردی شایستگی تصدی هر مقام و منصب و جایگاهی را ندارد، قطعاً باید دارای صلاحیت‌های متناسب با مسئولیت محول‌شده و پاره‌ای از شایستگی‌ها باشد، در غیر این صورت افراد جامعه با چالش‌ها و مشکلات مختلفی مواجه خواهند شد، چه‌بسا کیان جامعه در خطر افتاده و در پرتگاه سقوط و نابودی قرار بگیرد. مسئله پژوهش حاضر این است که از منظر قرآن، فرد منتخب برای تصدی مسئولیت‌های اجتماعی دارای چه ملاک‌ها و ویژگی‌هایی باید باشد. با توجه به جایگاه والای قرآن و مصونیت و معصومیت محتوای آن از هرگونه خطای معرفتی و قابلیت قرآن برای نظریه‌پردازی در علوم مختلف انسانی ازجمله علوم اجتماعی در عرصه‌های مختلف مدیریتی و سیاسی، تحقیق حاضر، بر محور آیات قرآن درصدد پاسخ‌گویی به این مسئله در دو محور چستی «انتخاب» و تعابیر و واژگان متناظر با آن در کاربردهای قرآنی با هدف بیان ملاک‌های انتخاب درست افراد برای واگذاری مسئولیت اجتماعی از منظر قرآن سامان می‌پذیرد.

آثاری که درباره اصل مسئله انتخاب و تأثیر آن در زندگی نوشته شده، بیگانه از مسئله پژوهش حاضر است که به ملاک‌های قرآنی

معرفت داشته و به تکالیف دینی خود عمل می‌کند و دیگران را نیز به سوی خدا فرامی‌خواند با فاسقی که از اطاعت و فرمان الهی بیرون شده و به گناه و معصیت مرتکب می‌شود یکسان نیست (ر. ک. طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۸۱۹). در مسئول نیز باید عنصر ایمان موج بزند؛ زیرا غیرمؤمنی که در برابر خدا سرپیچی می‌کند، چگونه در برابر مردم احساس مسئولیت خواهد کرد؟!

ضرورت وجود ایمان در مسئول از این جهت است که ایمان مستلزم تعهد و امانت است. ایمان به خدا و جهان آخرت و یادآوری محاسبه اعمال در روز جزا، باور به وعده و وعیدهای قرآن، مسئول را در انجام وظیفه و تکالیف در حیطه مسئولیت خود و خدمت‌رسانی هرچه بهتر و بیشتر به مردم یاری می‌رساند؛ زیرا عنصر ایمان، انگیزه نیرومندی در مسئول بر انجام وظایف محوله در قلمرو مسئولیتی خویش که درواقع امانتی بیش نیست، ایجاد می‌کند؛ درنتیجه ریاست و مدیریت و هر سمتی را که دارد، با چشم امانت و فرصتی برای خدمت خالصانه و تحصیل رضا و قرب الهی می‌بیند نه فرصتی برای مال‌اندوزی و جاه‌طلبی و فخرفروشی برای مردم. امیرالمؤمنین علیؑ در نامه ۵ نهج/البلاغه که به عامل خود در آذربایجان نوشته، چنین می‌فرماید: «وَإِنْ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَلَكِنَّهُ فِي غَنُوكَ أَمَانَةٌ...» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۳۶۶)؛ حوزه فرمانروایت طعمه تو نیست، بلکه امانتی است بر گردن تو... .

۲-۲. تقوا

ثمره ایمان در مقام عمل، تقوای الهی است. «تقوا» عبارت است از: نگه داشتن چیزی از آنچه سبب آزار یا رساندن زیان به آن می‌شود، و ترس، لازمه تقواست، نه معنای آن؛ و «تقوا» مفهومی انتزاعی و به معنای نگهداشتن خود از هر چیزی که از آن بیمناک است می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸). و سعادت انسان را به خطر می‌اندازد؛ این خطر، اعم از انجام کارهای حرام یا ترک کارهای واجب است. از این رو مفهوم تقوا اعم از انجام کارهای شایسته و ترک کارهای حرام و گناه است. تقوا حالت برحذر بودن، درواقع ملکه و نیروی بازدارنده‌ای است که انسان را از گناه بازمی‌دارد و ملاک ارجمندی انسان در نزد خدا تقواست: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ...» (حجرات: ۱۳). از این رو ضرورت دارد عنصر تقوا به عنوان یکی از ملاک‌های مهم گزینش افراد برای مناصب و مدیریت‌های اجتماعی مد نظر باشد.

«انتخاب» می‌توان مطرح کرد این است که هرچند مفهوم لغوی انتخاب، برگزیدن خوب و خیر بوده و مفهوم مثبتی دارد، اما در عرف جامعه کاربرد عام‌تری دارد و شامل همه انتخاب‌ها، اعم از انتخاب درست یا غلط می‌شود. به عبارتی دیگر، انتخاب در عرف جامعه لزوماً برگزیدن خیر و خوب نیست، چه بسا تنها به زعم و گمان انتخاب‌کننده، خوب باشد، اما درواقع خوب و خیر نباشد. ممکن است انتخابی اساساً اشتباه باشد، درحالی که در اصل وضع لغوی این واژه، تنها گزینش خوب را «انتخاب» می‌گویند. به هرروی برای تصدی مسئولیت‌های اجتماعی، ملاک‌ها و ویژگی‌هایی در قرآن مطرح شده که باید در گزینش افراد، آن را مد نظر قرار داده و انتصاب و انتخابی آگاهانه و درست انجام داد.

۲. ملاک‌های افراد شایسته

مسئولیت‌های اجتماعی دربرگیرنده همه سطوح و لایه‌های مختلف مدیریتی از عالی‌ترین مرتبه آن، یعنی حاکمیت و رهبری جامعه اسلامی تا پایین‌ترین مراتب مدیریتی می‌باشد. بر این اساس در همه مراتب آن، ملاک‌ها و شاخصه‌های کلی که بیان خواهیم نمود، باید در افراد احراز شود، هرچند به تناسب مسئولیت‌های خرد و کلان، تأکید بر چنین ملاک‌هایی شدت و ضعف دارد. به عبارتی تأکید بر وجود این ملاک‌ها برای مسئولیت حساس‌تر و مهم‌تر و گسترده‌تر بیشتر از مسئولیت‌های کوچک‌تر و محدودتر است.

واگذاری مناصب و مسئولیت‌های اجتماعی به اهلش امری منطقی و معقول و از بدیهیات دانش مدیریت است؛ زیرا سرنوشت ملت بزرگ با داشتن اهداف و آرمان‌های اساسی و مهم نیازمند افراد امین و شایسته با مدیریت صحیح است تا بتواند جامعه را به سر منزل مقصود برساند.

۲-۱. ایمان

ایمان و باور به اصول اعتقادی اسلام، عنصر اصلی سعادت انسان (بنگرید آیات: بقره: ۲۵۷؛ نحل: ۹۷؛ عصر: ۳) و نخستین ملاک انتخاب افراد برای تصدی مسئولیت‌های اجتماعی است. از نگاه قرآن مؤمن با غیرمؤمن مساوی نیست: «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ» (سجده: ۱۸)؛ آیا شخص مؤمن و شخص فاسق با هم برابر هستند؟! کسی که حقیقتاً به خدا باور دارد و به خدا و پیامبران او

چنان‌که علامه طباطبائی منظور از امانات در آیه را اعم از امانت‌های مالی و امانت‌های معنوی از قبیل علوم و معارف حقه دانسته که باید این معارف به اهلش برسد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۳۷۸) و از خیانت در امانت نیز نهی کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (انفال: ۲۷)؛ ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید، (با مخالفت احکام دین) به خدا و فرستاده او خیانت نورزید و در امانت‌های خود (امانت‌های خلقی و خالق) خیانت نکنید، درحالی‌که می‌دانید (که خیانت در نزد شرع و وجدان قبیح است).

همچنین اطلاق «امانات» در آیه، شامل احکام شریعت نیز می‌شود که امانت الهی نزد مردم است و نیز سیره و سنت رسول خدا ﷺ و اموال و اسرار مردم نیز امانت به‌شمار می‌آیند است (ر.ک. طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۹، ص ۵۵).

کسی‌که چیزی را به دیگری به‌عنوان امانت می‌سپارد، درواقع از آسیب دیدن آن چیز از ناحیه دیگران در امنیت و آرامش است، سپس امانت‌گیرنده‌ای که امین باشد، آن را صحیح و سالم و تمام و کامل به امانت‌دهنده برمی‌گرداند.

در تقسیم کلی، «امانت» به امانت مالی و امانت غیرمالی بخش‌پذیر است. امانت مالی ممکن است فردی و شخصی باشد، مثلاً کسی، چیزی را به‌عنوان امانت به ما سپرده باشد؛ یا جنبه عمومی داشته باشد، مثل اموال بیت‌المال که از منظر اسلام، مهم‌تر و حساس‌تر بوده و تأکید بسیاری به رعایت آن شده است.

امانت غیرمالی نیز به امانت جانی و بدنی و امانت‌های معنوی قابل انقسام است. اعضای بدن آدمی در دست خودش امانت است، انسان همچنین در برابر جان دیگران نیز مسئولیت دارد. برای نمونه کودکان در دست یک مربی ورزشی برای آموزش و تمرین حرکات ورزشی امانت به‌شمار می‌آید. مربی باید امین باشد؛ زیرا جسم و جان آنها در دست او امانتی است که باید مراقب باشد. همچنین شاگردان در دست معلمان و دبیران امانت هستند؛ هم امانت جانی و هم معنوی؛ به‌این‌معنا که روح و روان و افکار و اندیشه آنان در اختیار دبیران امانتی است که باید آنها را درست آموزش و پرورش بدهند و استعدادها و ظرفیت‌های فکری و روانی آنان را به‌طور صحیح رشد و ارتقا داده و آنان را از هرگونه انحراف و گمراهی بازدارند. به‌هرروی مصادیق «امانت» مختلف است و ما نیز درصدد پرداختن به همه

مسئول باید اهل تقوا و خداترس باشد تا این جایگاه را جولانگاه منافع خود یا حزب و گروه و فامیل خود نکند. مسئول باتقوا قطعاً از هرگونه خیانت و کم‌کاری و کوتاهی در قلمرو مسئولیت خویش پرهیز خواهد کرد و این مسئولیت را وسیله‌ای برای خدمت خالصانه به مردم در راستای تقرب به درگاه الهی خواهد دانست.

قرآن، رهبر حکومت نوپای اسلامی، یعنی شخص پیامبر اکرم ﷺ را با آن جایگاه والا و مقام عصمت و مصونیت از هرگونه لغزش و خطا، باز هم به تقوای الهی دعوت می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ...» (احزاب: ۱)، این امر حاکی از ضرورت وجود عنصر تقوا در رهبران جامعه است. سایر مسئولان و مدیران جامعه نیز فراخور مسئولیت خویش باید باتقوا باشند تا وظایف خود را به نحو شایسته‌تر در برابر ارباب رجوع انجام داده و با انجام خدمت مخلصانه به خاطر خدا به درگاه الهی تقرب بجویند. روشن است کسی که تقوای الهی نداشته باشد ممکن است تنها منافع شخصی خود را در نظر بگیرد و از انجام وظایف محوله در حیطه مسئولیت خویش کوتاهی یا حتی سرپیچی کند.

۲-۳. امانتداری

از ملاک‌های قرآنی مسئولیت‌پذیری، امین بودن است؛ هرچند این ویژگی از ایمان و تقوا جدا نیست، اما به خاطر اهمیت و جایگاه آن، در آیات و روایات به‌طور مستقل به آن تصریح شده و در اینجا نیز ما جداگانه می‌آوریم. «امانت» و جمع آن «امانات»، هر دو در قرآن به کار رفته است (بقره: ۲۸۳؛ نساء: ۵۸؛ انفال: ۲۷؛ احزاب: ۷۲). این واژه از ریشه «امن» به‌معنای آرامش قلب و تصدیق (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۳۳) است. اصل معنای «امن»، اطمینان نفس و از بین‌رفتن ترس است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۹۰). «امانت»، نقیض «خیانت» بوده و به چیزی می‌گویند که انسان نسبت به آن امین شمرده می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶ ص ۲۰۲).

به‌هرروی قرآن به ادای امانت دستور داده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء: ۵۸)؛ خداوند به شما امر می‌کند تا امانت را به اهلش بسپارید. با توجه به اطلاق آیه، مناصب و مسئولیت‌ها نیز از مصادیق امانت‌هایی هستند که باید به اهلش سپرد. در روایات اهل‌بیت ﷺ نیز ولایت امر و جایگاه امامت، مهم‌ترین مصداق امانت در آیه شمرده شده که تنها ائمه اطهار ﷺ شایستگی چنین منصبی را دارند (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۳۴).

موارد آن نیستیم. مقصود در اینجا امانتداری در مسئولیت‌ها و مدیریت‌های اجتماعی است.

چنان‌که گفته شد از دیدگاه اسلام، منصب و جایگاهی که مسئول دارد، امانت است، نه طعمه و فرصتی برای کاسبی و مال‌اندوزی. مسئول، متناسب با نوع مسئولیت خویش و گستره وظایف و اختیاراتی که به او واگذار شده، نسبت به اموال و جان‌ها و عیرض و آبروی افراد جامعه باید متعهد و امانتدار خوبی باشد.

از منظر قرآن، مسئول باید امین و مورد اعتماد باشد. قرآن حضرت یوسف علیه السلام را والامقام و امین معرفی می‌کند: امین بودن آن حضرت نسبت به زنان، به‌ویژه در مواجهه با همسر عزیز مصر که بر درخواست نامشروع خود پافشاری می‌کرد. حضرت یوسف علیه السلام عفت ورزید و آلوده به گناه نگردید؛ هنگامی هم که آن حضرت با پادشاه مصر صحبت کرد و سرگذشت‌های خود را بازگو کرد، پادشاه از مجموع جریان‌ها و حکایت‌ها اطلاع و آگاهی یافت و به مقام و جایگاه والای او در امانت و تنزه و پاکی، علم تعبیر خواب، فهم و درایت و حکمت و دیگر فضائل و کمالات اخلاقی او پی برد. در نتیجه به ایشان چنین خطاب کرد: «قَالَ إِنَّكَ أَلِيمٌ لَدُنَّا مَكِينٌ أَمِينٌ...» (یوسف: ۵۴)؛ گفت: تو امروز نزد ما جایگاهی والا داری، و مورد اعتماد هستی.

همچنین قرآن با ذکر داستان حضرت شعیب علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام به امین بودن حضرت موسی علیه السلام اشاره و تأکید می‌کند. بخشی از این داستان چنین است که حضرت موسی علیه السلام در میان انبوهی از جمعیتی که سر چاهی برای برداشتن آب جمع شده بودند، دید دو نفر دختر جوان کناری ایستاده و منتظرند مردان کنار بروند تا از چاه آب برداشته و به گوسفندان‌شان بدهند. حضرت موسی علیه السلام کمکشان کرد و برای گوسفندان آن دو از چاه آب کشید و در حق آنان چنین خدمتی کرد (ر.ک. قصص: ۲۳-۲۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۳۹۰). هنگامی که دختران شعیب علیه السلام پیش پدرشان برگشتند، یکی از آنها پیشنهاد داد، پدرش، موسی علیه السلام را اجیر خود قرار بدهد؛ چراکه

مسئولان، مدیران و کسانی که منصب و ریاستی دارند و به‌ویژه کسانی که بیت‌المال در اختیار آنان است، باید بیت‌المال را به چشم امانت نگاه کرده و نسبت به آن حساس باشند.

۲-۴. آگاهی و تخصص

آگاهی و شناخت، نقشه راه آدمی در رسیدن به اهداف تعیین شده است. در مسئله مدیریت و مسئولیت اجتماعی نیز علم و آگاهی چراغ راه مسئولان در تشخیص درست وظایف خویش است. تعهد و تخصص به‌عنوان دو بال برای مدیریت امور، از یکدیگر تفکیک‌ناپذیر است و در کنار ایمان و تقوا، تخصص و علم کافی

نیرومند و امین است: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص: ۲۶)؛ یکی از آن دو زن گفت: ای پدر، او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی که استخدامش کنی (این مرد) نیرومند با امانت است.

از این آیات معلوم می‌شود برای استخدام و واگذاری مسئولیت

خویش باید تخصص و آگاهی و تجربه، به‌ویژه سوابق اجمالی در آن کار را داشته باشد. اگر اثر علمی اعم از کتاب یا مقاله و... نیز مرتبط با مدیریت و مسئولیت خود داشته باشد، بهتر است و در مواردی نیز ممکن است ضرورت داشته باشد.

۲-۵. سابقه جهاد در راه خدا

سابقه جهاد در عرصه‌های مختلف، به‌ویژه عرصه نظامی از دیدگاه قرآن یکی از برتری‌های افراد بر دیگران است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَ كَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء: ۹۵)؛ بازنشستگان مؤمنان از جهاد (مستحب یا واجب کفایی) که ضرر جسمی و عذر دیگری ندارند هرگز با جهادگران در راه خدا به مال‌ها و جان‌هایشان یکسان نیستند؛ خداوند جهادکنندگان به مال‌ها و جان‌هایشان را بر بازنشستگان به رتبه‌ای (بلند) برتری بخشیده، و خداوند هریک را وعده پاداش نیک (بر ایمان و عملش) داده، و جهادگران را بر بازنشستگان به پاداشی بزرگ مزیت عطا کرده است. آیه به دو دسته از مؤمنان اشاره می‌کند؛ مؤمنانی که در جنگ بدون عذر شرکت نکردند، و مؤمنانی که در جنگ شرکت کردند. خداوند گروه دوم را بر گروه نخست برتری داده است. از این آیه معلوم می‌شود وجوب جهاد در آیه، کفایی بوده نه عینی؛ زیرا در صورت عینی بودن وجوب آن، کسی حق تخلف از جهاد را نخواهد داشت (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۴۸). در آیه در سه مرحله به عدم تساوی این دو گروه اشاره شده است: مرحله نخست عدم تساوی این دو گروه با عبارت «لَا يَسْتَوِي...» بیان شده؛ مرحله دوم به تفضیل و برتری مجاهدین از لحاظ درجه و منزلت بر قاعدین با عبارت «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً» اشاره شده؛ و در مرحله سوم به برتری مجاهدین بر قاعدین از لحاظ اجر و پاداش بزرگ با عبارت «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» اشاره شده است.

به‌هرروی مجاهدین و اهل جهاد و جبهه بر دیگران از این جهت برتری و اولویت دارند. در دوره معاصر نیز طبعاً افرادی که در انقلاب اسلامی سهیم بوده و اهل جبهه و جنگ و جهاد در راه خدا بوده‌اند و

برای تصدی مسئولیت ضروری است. مسئول در گستره مسئولیت خویش و آنچه مربوط به وظایف سازمانی اوست، باید حد نصاب اطلاعات و آگاهی و تجارب و تخصص لازم را داشته باشد. هر اندازه هم با ایمان و خداترس باشد، بدون علم و آگاهی توان عهده‌داری مسئولیت و مدیریت شایسته را نخواهد داشت. عدم علم و تخصص کافی در حیطه مسئولیت و قلمرو وظایف خود، سبب سردرگمی در اضلاع و ابعاد امور و مسائل و عدم تشخیص درست در تصمیم‌گیری‌ها چه‌بسا جامعه را با مشکلات جدی مواجه ساخته و آسیب‌های جبران‌ناپذیری در عرصه‌های مختلف سیاسی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... وارد کند.

قرآن با اشاره به داستان حضرت یوسف علیه السلام او را شخصی بسیار دانا معرفی می‌کند. یوسف علیه السلام با توجه به اطلاع و آگاهی خود از آمدن سال‌های فراوانی و قحطی در مصر و نیاز حاکمیت به حسن تدبیر و مدیریت بحران در آن زمان، خطاب به پادشاه مصر چنین فرمود: «گفت: مرا بر خزانه‌های این سرزمین بگمار، که همانا من نگهبان و دانایم» (یوسف: ۵۵).

حضرت یوسف علیه السلام از پادشاه درخواست کرد که او را به وزارت مالی و خزانه‌داری سرزمین مصر منصوب کرده و امور مالی و اقتصادی کشور را به وی واگذارد؛ زیرا کسی جز او توان مدیریت بحران خشکسالی را در آن سرزمین نداشت. چنان‌که حضرت درخواست خویش را چنین تعلیل کرد که من حفیظ و علیم هستم؛ زیرا این دو ویژگی از صفاتی است که متصدی آن جایگاه باید داشته باشد و بدون آن دو نمی‌تواند چنین مقامی را تصدی نماید (ر.ک. طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱، ص ۲۰۱).

همچنین قرآن به تعیین و انتخاب الهی طالوت، به‌عنوان فرمانده سپاه توسط یکی از پیامبران بنی‌اسرائیل برای رویارویی با سپاه ظالم جالوت، به دو ویژگی علم و تخصص و قدرت بدنی طالوت اشاره می‌کند: «قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (بقره: ۲۴۷)؛ (پیامبرشان) گفت: بی‌تردید خدا او را بر شما برگزیده و او را در دانش و نیروی بدنی فرونی بخشیده. علم و آگاهی طالوت به مصالح عمومی مردم و مفاسد و توان بدنی برای مدیریت شایسته امور نظامی از ضروریات یک فرمانده به‌عنوان مسئول در عرصه جهادی و نظامی است (ر.ک. طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۲۸۷).

در انواع مسئولیت‌های اجتماعی نیز فرد متناسب با مسئولیت

در راه برپایی نظام اسلامی از جان و مال خود گذشتند، نسبت به دیگران در تصدی مسئولیت‌ها از این جهت اولویت دارند؛ زیرا اهل جهاد، در کوران حوادث مختلف، در بحبوحه مجاهدت‌های میدانی انواع سختی‌ها دیده و تجربه‌های فراوانی اندوخته‌اند. البته این به‌معنای نادیده‌انگاری و عدم احراز سایر شرایط و ویژگی‌های لازم در افراد برای تصدی مسئولیت‌ها نیست.

خداوند متعالی در آیهای دیگر به صورت کلی پیشگامان در اسلام و ایمان و هجرت و نصرت دین الهی را ستوده است: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه: ۱۰۰).

مراد از سبقت در آیه با توجه به سیاق آن، سبقت در ایمان و هجرت و یاری پیامبر خدا ﷺ است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۹، ص ۳۷۲). کسانی که در صدر اسلام پیش از دیگران به خدا و رسول او ایمان آوردند؛ خانه و کاشانه خود را در مکه رها کرده و برای یاری دین الهی از روی ایمان و باورهای دینی به مدینه هجرت کرده و دین و پیامبر خدا ﷺ را یاری نمودند و پا به پای آن حضرت و در رکاب او در راه خدا جهاد کردند؛ البته به شرطی که در ایمان و اطاعت از رسول خدا ﷺ و یاری او ثابت‌قدم باشند.

در آیهای دیگر نیز خداوند، سبقت‌گیرندگان را مقربان درگاه الهی می‌داند: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»، مقصود از سابقون در آیه، پیشگامان در اعمال خیر هستند؛ در نتیجه پیشگام در امرزش و رحمت الهی به‌شمار می‌آیند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۹، ص ۱۱۷).

به‌هرروی سبقت و پیشگامی در عرصه ایمان و عمل صالح، که مصداق بارز عمل صالح، مجاهدت در راه خداست، جزو امتیازات و برتری‌های افراد شمرده شده است. از این‌رو در گزینش افراد برای واگذاری مدیریت‌های اجتماعی نیز باید لحاظ شود.

۶-۲. سعه صدر و تاب‌آوری در برابر سختی‌ها

با توجه به سنگینی مسئولیت‌های انبیاء و رهبران الهی، ویژگی صبر و مقاومت از ضروریات آنان است. قرآن با اشاره به داستان حضرت موسی ﷺ، شرح صدر را به‌عنوان یکی از درخواست‌های آن حضرت در انجام رسالت خویش بیان می‌کند که به خداوند چنین عرضه داشت: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» (طه: ۲۵)؛ گفت: پروردگارا،

سینه‌ام را گشاده گردان (صبر و حوصله فراوان به من بده). «شرح صدر»، یعنی گشودن سینه، تعبیری کنایی است و مراد از آن افزایش ظرفیت و گنجایش انسان در برابر ناملایمات و سختی‌های مسئولیت است (ر.ک. طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۱۴۵). حضرت موسی ﷺ برای رویارویی به سردسته طاغیان و مستکبران، یعنی فرعون که ادعای ربوبیت داشت، نیاز به شرح صدر، مقاومت و در نتیجه عدم بیم و هراس داشت؛ زیرا انجام رسالت الهی در برابر سختی‌ها و مخالفت‌های احتمالی دیگران صبر و مقاومت بیشتری می‌طلبد.

همچنین خداوند در یادآوری مواهب و نعمت‌های مهم به رسول اکرم ﷺ شرح صدر را ذکر می‌کند: «لَا تَنْشُرْ لَكَ صَدْرَكَ» (شرح: ۱)؛ آیا ما سینه‌ات را برایت نگشودیم؟

مقصود از شرح صدر رسول خدا ﷺ گستردگی و وسعت نظر ایشان در دریافت حقایق الهی است، به‌طوری‌که ظرفیت دریافت معارف وحیانی و توان تبلیغ آن به مردم را داشته باشد و در برابر سختی‌ها و ناملایماتی که در این راه می‌بیند تاب و تحمل داشته باشد؛ یعنی نفس مقدس آن حضرت را طوری نیرومند سازد که نهایت درجه استعداد را برای قبول افاضات خداوند متعالی پیدا کند (ر.ک. طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۱۴).

در آیاتی دیگر نیز خداوند سبحان منصب امامت را به وجود ویژگی‌هایی همچون صبر و یقین در افراد برگزیده تعلیل می‌کند: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» (سجده: ۲۴)؛ و از آنان پیشوایانی قرار دادیم که (مردم را) به دستور ما هدایت می‌کردند، از آن‌رو که صبر ورزیدند و آیات ما را باور داشتند.

در روایات تفسیری ذیل این آیه به علم پیشین الهی بر صبر امامان اشاره شده است؛ یعنی از آنجاکه خداوند می‌دانسته آنان صبر خواهند کرد، آنان را امام قرار داد. در روایتی نیز صبر نسبت به ایمان، همچون سر آدمی به بدن او شمرده شده است (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۳۳)؛ یعنی چنان‌که اگر سر آدمی برود، بدن او نیز از بین می‌رود، صبر نیز چنین است؛ اگر آدمی صبر نداشته باشد، ایمانش نیز از بین خواهد رفت.

با توجه به مضمون آیات، ضرورت صبر و حوصله در دیگر مسئولان رده پایین جامعه نیز روشن می‌شود؛ به تناسب مسئولیت‌ها و مدیریت‌های مختلف در سطح جامعه، مسئول باید صبر و تحمل

نه عقب بمانیم، بلکه ملازم و همراه او مشی و سلوک داشته باشیم. این امر ریشه در باورهای دینی ما نسبت به حضرات معصومان علیهم‌السلام دارد، برای نمونه در «صلوات شعبانیه» چنین می‌خوانیم: «... الْمُنْقَذُ لَهُمْ مَارِقٌ وَ الْمَتَّخِرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَ اللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ...» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۵)؛ پیش‌افتاده از آنان، از دین خارج است و عقب‌مانده از آنان نابود است و همراه آنان، ملحق به حق است.

ولی فقیه عادل حجت و نائب عام امام عصر علیه‌السلام در غیبت کبری است و اطاعتش بر همگان واجب است. در توقیعی که از امام عصر علیه‌السلام توسط محمد بن عثمان، دومین نائب خاص ایشان بر اسحاق بن یعقوب صادر شده، حضرت در زمان غیبت همگان را به راویان حدیث آنان، یعنی مجتهدان و کارشناسان دین ارجاع فرموده و آنان را حجت خود برای ما قرار داده است: «... وَ أَمَّا الْخَوَاتِمُ الْأَوَّاعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةٍ حَدِيثَنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ...» (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۸۴)؛ ... و اما در رخدادهای تازه‌ای که پیش می‌آید (برای کسب تکلیف دینی خود) در آنها به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شما و من حجت الهی بر آنان هستم.

در هندسه معارف دینی، ولایت با نقش محوری و مرکزیت امور، در رأس جامعه و حکومت دینی قرار دارد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام درباره مسئله خلافت با اشاره به جایگاه خویش در بخشی از خطبه شقشقیه چنین می‌فرماید: «... وَ إِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى...» (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۸۷)؛ ... و او (ابوبکر) قطعاً می‌داند همانا جایگاه من از خلافت، همچون جایگاه قطب از آسیاب است...؛ یعنی محور خلافت من هستم. اگر ولی الهی در جامعه نباشد، شیرازه جامعه از هم می‌پاشد و مردم دچار اختلاف شده و در نتیجه متفرق و پراکنده می‌شوند.

براین اساس، ولی الهی همچون نخ تسبیچی که دانه‌های آن را منسجم و متحد ساخته و از پراکندگی و تفرقه، آن را نگه می‌دارد، آحاد جامعه را منسجم و متحد می‌سازد. انسجام و وحدت جامعه به وجود ولی فقیه بستگی دارد؛ مسئولان و آحاد مردم باید با تعامل خوب خود و همدلی با یکدیگر، سلسله‌وار متصل و مرتبط با هم و در نهایت با ولایت‌مداری و اطاعت از ولی فقیه، در تأمین اهداف و آرمان‌های جامعه گام بردارند.

ولایت‌مداری آدمی را از خودکامگی و استبداد و غرور و تکبر

داشته باشد. صبر و تاب‌آوری از ضروریات تفکیک‌ناپذیر مسئولان است، مدیر شایسته و توانمند در برابر سختی‌های مسئولیت و رویارویی با ناگواری‌ها و حوادث گوناگون باید صبور و مقاوم باشد و در برخورد با ارباب رجوع سعه صدر و حوصله داشته باشد. این امر از دو جهت ضرورت دارد: یکی ذات مسئولیت و کارهایی که به عهده او گذاشته شده، طبعاً سختی‌های خودش را دارد و دیگری مواجهه با افراد گوناگون و با سلیقه‌ها و اخلاق متفاوت، چه‌بسا تحمل آنها بر او سخت باشد؛ هم در برخورد و هم در گفت‌وگو با آنان، ضرورت دارد صبر و شکیبایی و بردباری و حسن خلق داشته باشد. از جمله سفارش‌های امیرالمؤمنین علیه‌السلام به مالک اشتر، محبت و لطف و مهربانی با رعیت و توده مردم است که این نیازمند سعه صدر و صبر و حوصله و خویش‌داری است. حضرت چنین می‌فرماید: «... وَ أَشْعِرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ سَبْعًا ضَارِبًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ...» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۴۲۶)؛ مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز، چنان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی.

۲-۷. ولایت‌مداری

ایمان و باور به امامان معصوم علیهم‌السلام به‌عنوان جانشینان برحق پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم و پذیرش ولایت و خلافت الهی و مرجعیت علمی آن بزرگواران طبق نصوص متعدد قرآنی و روایی از مسلمات و ضروریات مذهب ما است. آیات متعددی مرتبط با ولایت و وجوب اطاعت از آنان به‌عنوان صاحبان امر، یعنی «اولی الامر» (ر.ک. مائده: ۵۵ و ۶۷؛ نساء: ۵۹) و احادیث بسیاری (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۱۵؛ ج ۸، ص ۳۰؛ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۷؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۹۷-۵۰۸) پیرامون مسئله ولایت حضرات معصومان علیهم‌السلام مطرح شده است. پذیرش و التزام به ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام شرط ایمان بوده (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۱۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵، ص ۱۷۰-۱۷۵) و در عصر غیبت نیز پذیرش نیابت نائبان عام و در رأس آنها ولایت ولی فقیه عادل که نائب برحق امام عصر علیه‌السلام است و ولایت او در طول ولایت حضرات معصومان علیهم‌السلام تلقی شده، برای همگان، به‌ویژه خواص و مسئولان جامعه لازم و ضروری است.

ولایت‌پذیری و بالاتر از آن، ولایت‌مداری به این است که در زندگی و رفتارها و موضع‌گیری‌های خود از ولی جامعه نه جلو بزنیم و

بازمی‌دارد؛ بر این اساس التزام به ولایت فقیه و پیروی از ایشان، به‌ویژه بر مسئولان و خواص جامعه ضروری است و در انتخاب و انتصاب افراد نیز باید این ویژگی در فرد مورد نظر احراز شود.

نتیجه‌گیری

قرآن قابلیت نظریه‌پردازی در علوم مختلف انسانی، ازجمله دانش سیاست و حکمرانی و مدیریت جامعه را دارد. استخراج اصول و معیارهای انتخاب از منظر قرآن به خاطر وحیانیت الفاظ و معانی و مصونیت و معصومیت قرآن از هرگونه خطای محتوایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با استنباط ملاک‌های انتخاب درست بر محور آیات، و گفتمان‌سازی آن در جامعه و آگاهی‌دهی و بصیرت‌افزایی در مدیران و مسئولان و همچنین توده مردم در انتخاب درست افراد می‌توان مسیر پیشرفت و ارتقاء جامعه را هموار ساخت.

با توجه به اصل شایسته‌سالاری، دستیابی به اهداف و چشم‌اندازهای جامعه آرمانی در گرو انتخابات و انتصابات درست افراد برای تصدی مسئولیت‌ها است. ملاک‌های انتخاب افراد شایسته در محور بینشی عبارت از تخصص و آگاهی و در محور گرایشی، ایمان و ولایت‌پذیری و در محور کنش و رفتار، امانتداری، سعه صدر، سابقه جهاد و ولایت‌مداری در مقام عمل است.

منابع

- قرآن کریم.
 نهج البلاغه (۱۴۱۴ق). قم: هجرت.
 آرش آقاچانی، علی (۱۳۸۵). تبیین ویژگی‌های مدیران از دیدگاه حضرت علیؑ در نهج البلاغه. اندیشه صادق، ۲۴، ۳۳-۱.
 ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
 ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة. تحقیق احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دارالمالین.
 حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نورالتقلین. چ چهارم. قم: اسماعیلیان.
 راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالشامیه.
 صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال. قم: جامعه مدرسین.
 صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶). الامالی. چ ششم. تهران: کتابچی.
 صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸ق). عیون اخبار الرضاؑ. تهران: جهان.
 صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). کمال‌الدین و تمام النعمه. چ دوم. تهران: اسلامیه.
 صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. چ دوم. قم: جامعه مدرسین.
 طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. چ دوم. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
 طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. چ سوم. تهران: ناصر خسرو.
 طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین. چ سوم. تهران: مرتضوی.
 طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). مصباح‌المتجهج و سلاح‌المتعب. بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
 طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. چ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 مبارکی، مریم. ویژگی‌های مدیر موفق، در: maryammobaraki.net
 مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. چ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم: کنگره شیخ مفید.

The Holy Quran's Strategies for Confronting Enemies' Ideological Foundations: Cognitive and Soft Warfare

✉ **Mohsen Javadi Sadr**  / Assistant Professor at the Department of Islamic Speculative Theology (Kalam) and Philosophy, Imam Hossein University m.j.sadr@chmail.ir
Seyyed Rouhollah Musavi / Assistant Professor at the Department of Islamic Jurisprudence and Law, Imam Hossein University
Received: 2025/01/12 - **Accepted:** 2025/04/07 srmoosavi1360@chmail.ir

Abstract

The Islamic teachings and knowledge are founded on reason. They provide a comprehensive program for man's life both for this world and the hereafter. The enemies of monotheistic religions and the followers of Satan relentlessly undermine belief in monotheism and religiosity through various tactics. Attacking ideological foundations has long been employed and persists today in diverse forms. Meanwhile, the Holy Qur'an encourages its followers to counter such assaults. The battle between truth and falsehood has existed since man's creation and entails specific strategies. Cognitive warfare targets beliefs and minds to control individuals' perception of their surroundings. In the Qur'an, cognitive warfare focuses on enemies' intellectual domains and ideological foundations. Using descriptive-analytical method, this library-based research shows that God and His prophets have outlined strategies for cognitive warfare. On the one hand, it is essential to undermine enemies' convictions and weaken their morale against God and His signs. To unveil their weakness, one should demand them to present their proofs. A purposeful discreditation of their theorists is another strategy to counter them. On the other hand, for believers, there are some strategies including preserving unity, seizing opportunities, and maintaining scientific superiority.

Keywords: strategy, cognitive warfare, the Holy Qur'an, ideological foundations, struggle.

نوع مقاله: ترویجی

راهبردهای قرآن کریم در مبارزه با مبانی اعتقادی دشمنان با محوریت جنگ شناختی و نرم

m.j.sadr@chmail.ir

srmoosavi1360@chmail.ir

کماله محسن جوادی صدر  / استادیار گروه کلام و فلسفه اسلامی دانشگاه افسری امام حسین (ع)

سیدروح‌الله موسوی / استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه افسری امام حسین (ع)

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

چکیده

آموزه‌های و معارف دین مبین اسلام مبتنی بر عقل شکل گرفته و برنامه‌ای مدون و کامل را برای زندگی دنیوی و اخروی بشر به ارمغان آورده است. دشمنان ادیان توحیدی و رهروان شیطان برای از میان بردن اعتقاد به توحید و دینداری، تمام تلاش خود را کرده و با حرب‌های مختلف دست به عمل زده‌اند. از دیرباز حمله به مبانی فکری مورد استفاده بوده و امروزه نیز به صورت‌های مختلفی اعمال می‌شود. در این میان، قرآن کریم نیز برای مبارزه با آن، پیروان خویش را ترغیب نموده است. جنگ میان حق و باطل، از روز اول خلقت انسان وجود داشته است. این نوع جنگ، راهبردهای خاص خود را دارد. جنگ شناختی عبارت است از: حمله به باورها و اذهان برای کنترل شناخت افراد نسبت به جهان پیرامون آنها. جنگ شناختی در قرآن عرصه‌های فکری و مبانی اعتقادی دشمنان را هدف قرار داده است. این تحقیق بر اساس منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده و نتایج پژوهش نشان می‌دهد که خداوند متعال و پیامبران او، راهبردهایی را برای جنگ شناختی بیان کرده‌اند. از یک سو نسبت به دشمنان لازم است در باورهایشان تزلزل ایجاد کرد و روحیه آنان را در مقابل خداوند متعال و آیات او تضعیف کرد و برای نشان دادن ضعف او، درخواست برهان کرد. تخریب هدفمند نظریه پردازان آنان نیز راهبرد دیگری در این عرصه است. از سوی دیگر، راهبردهایی نیز جزء وظایف خودی‌هاست که می‌توان به حفظ وحدت برای موحدان، بهره‌گیری از فرصت‌ها و حفظ برتری علمی اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: راهبرد، جنگ شناختی، قرآن کریم، مبانی اعتقادی، مبارزه.

مقدمه

علیه دشمنان اقدام کرده و مسلمانان را نیز به انجام چنین عملیاتی ترغیب نموده است (حجرات: ۶ و ۱۲؛ بقره: ۴۲).

در راستای این موضوع می‌توان به آثار ذیل اشاره کرد: کتاب‌های جنگ نرم (شریفی، ۱۳۸۹؛ رنجبران، ۱۳۸۸؛ عبدی، ۱۳۹۰)، که هریک امتیازاتی دارد؛

کتاب استکبارستیزی در قرآن (فرقانی، ۱۳۸۳) نیز در این موضوع نکات نابی را بیان داشته است؛

مقاله «مبانی جنگ شناختی از منظر قرآن کریم و رهبر انقلاب» (بابائیان و تالاندرستی، ۱۴۰۲)؛

مقاله «واکاوی اهداف جنگ شناختی دشمن و راهکارهای تاب‌آوری مقابله با آن با تأکید بر آموزه‌های قرآن» (عراقی و دیگران، ۱۴۰۱)؛

مقاله «دشمن‌شناسی و شیوه‌های تعامل با دشمنان از دیدگاه قرآن، روایات و فقه امامیه» (حقی و دیگران، ۱۴۰۳)؛

مقاله «بررسی مبانی اعتقادی و قلمرو برائت در پرتو آیات و روایات» (پناهی و رضوی، ۱۳۹۶).

نوآوری نوشتار حاضر نسبت به سایر تحقیق‌ها نگاهی عمیق‌تر به راهبردهای قرآنی جنگ شناختی است.

سؤال اصلی این است که قرآن کریم چه راهبردی را برای مبارزه با مبانی فکری دشمنان به وسیله جنگ شناختی بیان نموده است؟ این تحقیق بر اساس منابع وحیانی و کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده است.

۱. جنگ شناختی، نرم و روانی

جنگ شناختی از انواع جنگ‌ها به‌شمار می‌آید. این نوع جنگ بر خلاف جنگ سخت و نیمه‌سخت، بدون هزینه‌های نظامی است. این نوع جنگ با عناوین مختلفی مانند جنگ نرم و یا روانی شناخته می‌شود. مفهوم اصلی جنگ روانی عبارت است از: «استفاده طراحی‌شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن برای نفوذ در خصوصیات فکری دشمن، با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی شود» (کالینز، ۱۳۷۰، ص ۴۷۸).

تهدید نرم نیز مجموعه اقداماتی است که باعث دگرگونی هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی شود. تهدید نرم نوعی سلطه در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از

تردیدی در این نیست که خداوند متعال، رسولانی را برای هدایت بندگان به سوی حق و عدالت برگزیده و به میان مردمان فرستاده است. پیامبران الهی برای رسیدن به هدف والای خویش، همواره مورد تعرض، خیانت، اتهامات، ضربات روحی و جسمی بودند. این اقدامات عموماً توسط افرادی انجام می‌گرفته که مخالف دعوت رسولان الهی بودند و با گرویدن مردم به آنها، منافع مادی خویش را در خطر می‌دیدند. اقداماتی که مخالفان رسولان الهی علیه آنان و مؤمنان به آنها مرتکب می‌شدند، جنبه‌های مختلفی را دربر می‌گرفت. تحمیل جنگ نظامی و شکنجه پیامبران و پیروان آنان از طرفی و به راه انداختن جنگ روانی علیه آنان از سوی دیگر، از سری اقداماتی بوده که توسط این افراد، انجام گرفته است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا» (بقره: ۲۱۷)؛ و فتنه [شرک و بت‌پرستی] از کشتار بزرگ‌تر است و مشرکان همواره با شما می‌جنگند تا شما را اگر بتوانند از دینتان برگردانند. در این آیه از جنگ دائمی دشمنان با دینداران خبر داده شده است. البته این جنگ دائمی بسته به موقعیت‌های زمانی و مکانی و شرایط فرهنگی و علمی، شکل و شمایل خاص خود را پیدا می‌کند. مجموعه عملیات روانی که توسط دشمنان انجام گرفته، امروزه با عناوینی چون «جنگ نرم» یا «شناختی» معروف است. جنگ شناختی جنگی است که در آن هدف ایجاد دید منفی در مردم و القای یأس و نومیدی در آنهاست. این نوع جنگ مردم را ترغیب به انجام کنش‌های اعتراض‌آمیز و اختلاف و شکاف در میان جامعه مخاطب، به‌ویژه نسل جوان کرده و بر وجود ناامنی اجتماعی و نیز انتشار اخبار جعلی و غیرواقعی و ایجاد هراس و نگرانی در میان افکار ملت‌ها دامن می‌زند (هاشمی و کیانا، ۱۳۹۲، ص ۲۵-۲۶). بنابراین جنگ شناختی همان مبارزه فکری و شناختی است. اقداماتی از این قبیل، عموماً توسط خداوند متعال در قالب وحی، توسط رسولان و انبیاء پاسخ داده می‌شد و سعی در خنثا کردن این مجموعه عملیات بوده است، ولی ناگفته پیداست که موضع پیامبران و اولیاء الهی همیشه پاسخ دادن و واکنش منفعلانه نبوده، بلکه ایشان علاوه بر به رخ کشیدن قدرت نظامی، به عملیات و جنگ‌های روانی و شناختی علیه دشمنان خدای متعال اقدام نموده‌اند. خداوند متعال در قرآن کریم، به جنگ روانی

۲. تأثیر جنگ شناختی بر فکر و اختیار افراد

اگر جنگ را یک نوع رویارویی، مقابله و کشمکش بین دو طرف تصور کنیم، در این جنگ هریک از طرفین به دنبال اهدافی هستند. هرگاه مهاجمی، جنگ نرم را علیه مجموعه‌ای آغاز کند، در جامعه هدف به دنبال دستیابی به چهار هدف عمده است:

۱. ایجاد تغییر در اعتقادات و باورها؛ ۲. ایجاد تغییر در افکار و اندیشه‌ها؛ ۳. ایجاد تغییر در رفتار؛ ۴. ایجاد تغییر در ساختار سیاسی (ر.ک. رنجبران، ۱۳۸۸، ص ۳۳-۳۴). اساس و مبنا در جنگ نرم، تصرف قلب و مغز است. در این نوع جنگ افرادی که قلب و ذهنشان تصرف شده در راستای هدف دشمن خویش عمل می‌نمایند. به‌طوری‌که خود آنها خواسته‌های دشمن را محقق می‌کنند. عوامل جنگ شناختی با بهره‌گیری از روش اقناع و یا اغوا با مجاب‌سازی و تبدیل ادراک به دنبال آن هستند تا افکار و اندیشه و ذهن مخاطب را تحت تأثیر قرار دهند. دشمن در این زمینه از روش مدیریت ادراک بهره می‌برد. دشمن برای رسیدن به هدف خود، می‌کوشد تا مبانی و اصول ایدئولوژیک خویش را در میان مردم جامعه هدف، ترویج دهد؛ آنگاه با ابزارها و روش‌های القائی، اقدامات خود را عملیاتی کند (ابراهیمی، ۱۳۹۶، ص ۲۷). غرب در زمینه جنگ سخت، تجربه چندان موفق در جهان اسلام ندارد؛ اما در زمینه جنگ نرم، تجربه‌های موفق و تاریخی در اختیار دارد؛ تجربه اندلس. جنگ نرم غرب مسیحی، علیه اندلس موجب شد که تقریباً تمام آثار اسلامی آن دیار از بین برود؛ سرزمینی که در طول تقریباً هفت قرن شاهکارهای علمی، فرهنگی و هنری فراوانی پدید آورده بود و اندیشمندان بزرگی چون ابن‌رشد و ابن‌عربی و ابن‌بطوطه را تحویل جامعه اسلامی داده بود. این سرزمین در اثر جنگ نرم و تغییر ذهنیت مردم و ایجاد شبهه در باورها و ارزش‌های آنان، به طور کامل به تسخیر غرب درآمد و همه سوابق درخشان و تمدن و فرهنگ فروزان، به تاریخ پیوست (شریفی، ۱۳۸۹، ص ۳۷).

تأثیر این جنگ‌ها بر اذهان است و درواقع افکار و اندیشه‌ها را هدف قرار می‌دهد. با رسوخ در افکار حریف می‌توان محاسبات او را تحت کنترل گرفت و یا مختل نمود. از طرفی اراده‌ای که از فکر و تعقل حاصل می‌شود، در اثر این جنگ می‌تواند تحت اداره دشمن باشد. ازجمله اصطلاحاتی که در زمینه جنگ شناختی یا نرم کاربرد دارد، نبرد محاسباتی است. به این ترتیب که در آن بازیگر عامل

طریق استحاله الگوهای رفتاری در این حوزه‌ها ایجاد شده و نمادها و الگوهای نظام سلطه جایگزین آنها می‌گردد (عبدی، ۱۳۹۰، ص ۲۹).

در تعریف جنگ شناختی نیز چنین آمده است: «دستکاری در عقاید، از راه به کار گرفتن یک یا چند رسانه ارتباط جمعی مثل ماهواره، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، برای ناتوان کردن دشمن. این عملیات با هدف ایجاد نگرش منفی در مردم، القای یأس و نومیدی، ترغیب مردم به انجام کنش‌های اعتراض‌آمیز، ایجاد اختلاف و شکاف در میان جامعه مخاطب به‌خصوص نسل جوان، تأکید بر وجود ناامنی اجتماعی، انتشار اخبار جعلی و غیرواقعی و ایجاد هراس و نگرانی در میان افکار ملت‌ها، انجام می‌گیرد» (هاشمی و کیانا، ۱۳۹۲، ص ۲۵-۲۶).

برخی جنگ نرم و شناختی را به یک معنا دانسته و ابعاد و خصوصیات هر دو را مشترک بیان کرده‌اند. در این باره چنین نوشته‌اند که جنگ نرم در تلاش برای ایجاد تردید در مبانی و زیرساخت‌های فرهنگی نظام سیاسی است و نیروی مهاجم به دنبال بحران‌سازی برای حکومت مستقر و مشروعیت‌زدایی است. نیز در جنگ نرم عواطف، احساسات و اندیشه‌ها از طرف نیروی مهاجم هدف گرفته می‌شود (امیری، ۱۳۹۰، ص ۳۱). آنچه به عنوان جنگ نرم، روانی یا شناختی بیان شده است، از ابتدای مبارزه میان حق و باطل در جریان بوده است. تنها وسایل و ابزار بوده‌اند که تغییر کرده‌اند. بنابراین اینکه در زمان رسول خدا ﷺ وسایل ارتباط جمعی وجود نداشته است، تأثیر در اصل مسئله ندارد؛ زیرا ابزار مبارزه و جنگ مطابق نوع جنگ و شرایط زمانی و مکانی متفاوت بوده است.

رسانه‌ها، اعم از تلویزیون، مطبوعات، ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، عرصه‌های هنری ازجمله گروه‌های تئاتر و موسیقی، انواع سازمان‌های مردم‌نهاد در شبکه‌های انسانی که با هدف خاصی تشکیل شده و عموماً درصدد تغییر فرهنگی جامعه هدف هستند، از ابزارهای جنگ شناختی یا نرم به‌شمار می‌روند. جامعه هدف در این جنگ‌ها جوانان، دانشجویان، فعالان اجتماعی، زنان، سیاستمداران، نخبگان عملی و فرهنگی و اساتید هستند. رسانه‌ها با تأثیر در عقاید، ارزش‌ها، تصویرها، درک‌ها و ذهنیت‌های جامعه، بستر را برای قانع‌سازی و قبول فراهم می‌کنند و در نتیجه پیام‌ها، نمادها، خبرها و اطلاعات اهمیت ویژه پیدا کرده‌اند. در جنگ شناختی و نرم، رسانه‌ها ذهن‌ها و دل‌های مخاطبان بسیار وسیعی را در کشورها و جوامع مختلف هدف قرار داده‌اند تا بتوانند نیروی نرم یک گروه یا کشور حریف یا دشمن را ضعیف کنند (جوانی، ۱۳۹۸، ص ۵۱).

برخی از راهبردهای قرآنی برای مبارزه با مبانی فکری و روش‌های مبارزه در دو بخش بیان می‌شود:

۳-۱. در مواجهه با دشمنان

راهبردهای قرآن کریم در مواجهه با دشمنان را می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۳-۱-۱. ایجاد تزلزل در باور و اعتقاد دشمن

اولین و اصلی‌ترین راهبرد خداوند متعال در برابر دشمنان، اعم از کافران، مشرکان و منافقان، حمله به باورهای الحادی آنان بوده است. این امر در قرآن کریم در برابر تفکرات مختلف به صورت‌های گوناگون مطرح شده است. به این صورت که در مقابل تفکرات الحادی زندقه، دهری، ماتریالیست و آتئیست با روشی خاص حمله نموده و در برابر مشرکان بت‌پرست و اهل کتاب به نوعی دیگر، منافقان را نیز با روش دیگری به چالش کشیده است. بنابراین لازم است تا به صورت جداگانه راهبرد قرآنی در مورد این دسته‌ها بیان شوند:

الف. حمله و تزلزل در باور دشمن ملحد (دهری، ماتریالیست و آتئیست)

تفکر الحادی دهری از گذشته‌های بسیار دور تاکنون در میان مردم طرفدارانی داشته است. مبانی اساسی این گروه این است که اعتقاد به خدا نداشته و جهان را ازلی و ابدی می‌داند (معلوف، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۴۱). از نمونه‌های آن می‌توان به آیین جین در هند اشاره نمود که از میانه هزاره اول پیش از میلاد به وجود آمد. در این آیین وجود هر موجود متعال یا خدا انکار می‌شود و از دیدگاه آنان این جهان همیشه بوده و هرگز خلق نشده است (سلیمانی اردستانی، ۱۳۹۴، ص ۶۷-۷۰). این تفکر تا به امروز ادامه داشته و با عناوینی همچون ماتریالیسم خود را نشان داده است. در این مکتب اصالت به ماده است و روان هیچ اصالتی ندارد (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۰۰). آتئیسم هم همان بی‌خدایی و خداناباوری بوده و تنها عنوان تغییر یافته است. در هر صورت در میان اعراب جاهلی و هنگام نزول قرآن هم افرادی هرچند انگشت‌شمار در جرگه آتئیست‌ها بوده‌اند. شواهدی از آیات و تاریخ نشان می‌دهد که این افراد با انبیاء الهی و رسول‌الله ﷺ تقابل داشته‌اند. دهریون عده اندکی از جماعت اعراب جاهلی را قبل و حین

می‌کوشد تا با اختلال و تغییر دستگاه محاسباتی بازیگر هدف، بر اراده او اثر بگذارد و در نتیجه، رفتار او را تحت کنترل درآورد یا تغییر دهد. به گونه‌ای که هدف‌های بازیگر عامل را محقق سازد یا هدف‌هایی مغایر با اهداف او را دنبال نکند (باقری چوکامی، ۱۳۹۵، ص ۳۱۱). در این نوع جنگ، بازیگر عامل با ابزارهای گوناگون، شامل ابزار سخت و نرم مانند دیپلماسی، بیانی، قطعنامه، عملیات روانی رسانه‌ای، فریب راهبردی، کوشش دارد تا نیروی محاسبه و درک بازیگر هدف را مختل نموده و در نهایت دچار خطای محاسباتی کند. اساساً در این نوع نبرد، نظام تصمیم‌گیری مخاطب خواست عاملان در کانال خاصی قرار گرفته و در راستای منافع آنها پیش می‌رود. در این جنگ‌ها سیاست‌مداران، فرماندهان نظامی و متخصصان و مجریان جنگ‌های روانی، بنا بر بینش و نوع تفکر حاکم بر افراد خودی و نیروهای دشمن برای تحریک احساسات آنان برنامه‌ریزی و اقدام می‌کنند (هاشمیان فرد، ۱۳۸۹، ص ۱۹۰).

۳. راهبردهای قرآن در مبارزه با مبانی فکری دشمن

بیان شد که از دیرباز تاکنون دشمنان انبیاء و اولیاء با هر روشی به دنبال خاموش کردن نور هدایت الهی بوده‌اند و در این مسیر از عملیات‌های روانی، ترور شخصیت و جنگ شناختی بهره برده‌اند. قرآن کریم نیز برای رسیدن به هدف والای خویش دشمنان را به مبارزه طلبیده و علاوه بر ترغیب مؤمنان به قتال و جنگ نظامی، راهبردهای مؤثر دیگری را هم بیان کرده است که به عنوان جنگ نرم شناخته می‌شوند.

امروزه دشمنان خدا از هر راهکاری برای رسیدن به هدف خویش بهره می‌برند. رسانه‌های مختلف دیداری و شنیداری، اعم از ماهواره و اینترنت تا شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی برای در هم کوبیدن اعتقادات و باورهای مذهبی و دینی به صورت گسترده فعالیت می‌کنند. هدف از ایجاد و گسترش این شبکه‌ها با رصدی جزئی کاملاً پیداست. با وجود این حجم از تبلیغات و ترویج افکار الحادی و اباحی‌گری که مسلماً دست شیاطین انسی و جنی در آنها هویداست، متدینان نباید منفعلانه برخورد کرده و تنها به پاسخ‌گویی به شبهات مطرح‌شده، بسنده کنند؛ بلکه با استعانت از حق تعالی نیازمند بهره‌برداری از راهبردی هستند که قرآن کریم برای مبارزه و حمله شناختی علیه دشمنان خدا، آموزش داده است. در همین راستا

مطروود و ممنوع شد. قرآن کریم برای هدف قرار دادن اعتقاد به بت و بت‌پرستی چندین نوع حمله را انتخاب کرده و راهبردی که بیان کرده امروزه نیز کاربرد دارد. راهبردها به شرح ذیل است:

– نسبت دادن جهل و نادانی

نسبت دادن نادانی به افراد خصوصاً افرادی که بدون هیچ‌گونه آگاهی و تخصص نسبت به مسائل نظر می‌دهند از دیدگاه عقل و عرف امری پذیرفته است. به این دلیل که هیچ فردی نمی‌تواند ادعای علم کامل داشته باشد و به همین عنوان می‌توان افراد را جاهل نامید. از طرفی افرادی که بدون تخصص و آگاهی و قطع، نسبت به مسئله‌ای نظریه‌پردازی می‌نمایند، همیشه مورد طرد افراد آگاه جامعه انسانی بوده‌اند. قرآن کریم با نسبت دادن جهل به بت‌پرست‌ها آنان را فاقد هر نوع علم و برهانی برای افکارشان معرفی کرده است: «قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنَّ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (یونس: ۶۸)؛ گفتند: خدا برای خود فرزند برگزیده است، خدا (از این تهمت‌ها) منزّه است. آنچه که در آسمان‌ها و زمین است، به خدا اختصاص دارد. شما دلیلی برای این مدعا ندارید. آیا جا دارد آنچه را که نمی‌دانید درباره خدا بگویید.

در شأن نزول این آیه چنین گفته شده که جمعی از کفار قریش معتقد بودند ملائکه دختران خدایند و یهود، عُزیر را پسر خدا می‌دانستند و نصارا، مسیح را پسر خدا می‌پنداشتند. هر زمان به آنها اعتراض می‌شد که توالد و تناسل ملازم با ازدواج و جسمیت است، چنین پاسخ می‌دادند که خدا آنان را به فرزندی پذیرفته است. در نهایت آنان بر جهالت و نادانی و نسبت دادن این مطالب به خداوند سبحان تبویح شده‌اند (تقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۳۴). این سخن سراسر برگرفته از جهل است و طبعاً هر سخنی که از روی جهل و نادانی و بدون برهان باشد، از طرف خرد و خردمندان باید مردود اعلام شود. همین راهبرد به‌عنوان یک جنگ شناختی کاربرد داشته و امروزه هم کاربرد دارد و در مقابل مشرکان می‌توان از آن بهره‌برداری نمود. مسیحیت امروزه نیز بر بُنوت (فرزند) عیسی معتقد است و هیچ برهانی برای آن اقامه نمی‌نمایند.

– تلقین بی‌استفاده بودن بت

ابراهیم علیه السلام برای تخطئه مشرکان عصر خویش به مبانی فکری آنها

ظهور اسلام تشکیل می‌دادند (عاطف الزین، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۶۸). ابی‌بن خلف از جمله این افراد بوده است و آیه ۷۸ سوره «یس» در مورد او نازل گشته است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۱۸، ص ۴۵۸). مطابق تفسیر، وی استخوان مرده‌ای را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آورد و بعد از خرد کردن قسمتی از استخوان از رسول اکرم صلی الله علیه و آله پرسید که چه کسی قدرت دارد بر این استخوان پوشیده لباس حیات بپوشاند؟

خداوند متعال برای از میان بردن چنین اعتقادی، مبانی فکری آنان را هدف می‌گیرد. در عین حال به پرسش آنان هم پاسخ می‌گوید. قرآن کریم در پاسخ به این فرد، وی را به خلقت ابتدایی‌اش رهنمون می‌شود. درواقع خداوند متعال باور او به ازلی بودن دنیا و ماده را به چالش می‌کشد؛ چراکه حیات بخشیدن از هیچ از دید یک انسان مادی بسیار سخت‌تر از حیات بخشیدن به چیزی است که قبلاً وجود داشته است. «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ» (جاثیه: ۲۴)؛ جز همین زندگی ما، در دنیا در کار نیست، گروهی از ما می‌میرند و گروهی زنده می‌شوند و چیزی جز دهر و گذشت روزگار، ما را هلاک نمی‌کند. در سوره انعام، آیه ۲۹ و سوره مؤمنون، آیه ۳۷ هم علاوه بر انکار خدای متعال، معاد نیز مورد انکار این عده قرار گرفته است. خداوند متعال هم در مقام پاسخ‌گویی از شبهه و هم متزلزل نمودن باور سست آنان، پیروی آنها از ظن و گمان را یادآور می‌شود جاثیه: ۲۴). به این معنا که ملحدین متهم به حرفی می‌شوند که هیچ علم، دلیل و برهانی برای آن اقامه نمی‌کنند. درواقع این کلام می‌فهماند که ملحدین خود، به مبانی خویش هم پایبند نیستند؛ زیرا عقیده‌ای را بیان کرده‌اند که به آن علم ندارند. امروزه نیز می‌توان این راهبرد را در برابر خداناباورها به کار گرفت؛ زیرا اعتقاد به ازلی و ابدی بودن ماده، خود نیازمند دلیل و برهان است و هیچ‌کدام از افرادی که باور به آتئیسم دارند، دلیلی مبنی بر اصالت ماده و ازلی بودن آن اقامه نکرده‌اند.

ب. حمله و تزلزل در باور دشمن مشرک

شرک به معنای قرار دادن شریک برای خدای سبحان است؛ این جریان نیز همانند بسیاری از مکاتب در تاریخ بشریت وجود داشته است. برخی به صورت عملی و ظاهری شرک خود را با پرستش و تقدیس بت‌ها و اصنام نشان می‌دادند و برخی دیگر با گفته و باورهای درونی. هر دو نوع شرک از نظر ادیان توحیدی و توسط پیامبران الهی،

۳-۱-۲. تضعیف روحیه دشمن در برابر خداوند متعال و آیات او از دیگر راهبردهای مورد توجه در جنگ شناختی با دشمنان می‌توان به ضعیف جلوه دادن دشمن اشاره نمود. همان‌گونه که دشمن به هر دستاویزی برای تضعیف روحیه مؤمنان چنگ می‌زند، خداوند متعال خود اقدام به اخلال در محاسبات دشمن نموده و با راهبردی ویژه آنها را به چالش می‌کشد. در این راهبرد، روحیه دشمن تضعیف شده و برای بازیابی راهی نخواهد داشت. این تضعیف درواقع راه‌های شناخت‌شناسی دشمن را هدف قرار می‌دهد؛ زیرا دشمن دین، معمولاً بر مبانی علوم تجربی در پی تکذیب دین، غیب، وحی، شیاطین، خدای متعال و دیگر مبانی دینی است. زمانی که در این روش به ضعف معرفت‌شناسی تجربی اشکال وارد شود، طبعاً در مبانی دشمن اختلال ایجاد خواهد شد. به عبارت دیگر، هنگامی که ضعف علوم تجربی آشکار گردید، استناد به آن هم متزلزل می‌شود. نشان دادن ضعف علم تجربی و هر آنچه که مبنای عقیدتی است، می‌تواند هدف از این راهبرد باشد. مبانی فکری و شناخت‌شناسی دشمنان دین، نوعاً خارج از عقل و تجربه یا نقل نیستند و این همه به واسطه تضعیف مبنا، درهم شکسته خواهند شد. قرآن کریم علاوه بر اشاره به عدم توانایی بت‌ها در هر اقدامی، مشرکان را با چالش روبه‌رو می‌سازد. از سوی دیگر، در برخی سوره‌ها حتی به چیزی اشاره می‌کند که مشرکان عرب، خود را در آن توانا و سرآمد می‌دانند. فصاحت، بلاغت و آشنایی با شعر و ادبیات در میان عرب جاهلی بسیار گسترش یافته و غنای زبان توانسته عرب را به شاعرانی چیره‌دست بدل نماید. قرآن کریم با در نظر گرفتن این امر و با اشاره به اتهاماتی که به رسول خدا ﷺ زده می‌شد، عرب را به مبارزه دعوت کرده و می‌فرماید: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (یونس: ۳۸). نشان دادن ضعف برای تضعیف روحیه از طرفی و پاسخ به اتهامات و ایجاد اختلال در نظام محاسباتی از اهداف نزول این آیه می‌تواند باشد. قرآن کریم در حرکتی بسیار جالب تمام بشریت را به مبارزه دعوت کرده و از جنس بشر، آفریدن موجودات از هیچ را خواستار شده و عجز او را به رُخش می‌کشد. ادعای دانشمندان علوم تجربی و جنس بشر، از ابتدای تاریخ، خودبرتربینی و خود اله‌پنداری بوده است. خداوند متعال برای از میان بردن این تکبر از بشر، خواستار آفریدن یک موجود می‌شود: «إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَ لَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ» (حج: ۷۳). این مثال گرچه در برابر مشرکان عرب ذکر شده، ولی با توجه به اینکه مخاطب همه مردم جهان هستند، «یا

حمله کرد که قرآن کریم در سوره «شعراء» بدان پرداخته است: «... قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمُ إِذْ تَدْعُونَ أَوْ يَنْفَعُونَكُمُ أَوْ يَضُرُّونَ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» (شعراء: ۶۹-۷۴)؛ گفت: آیا هنگامی که آنها را می‌خوانید، سخن شما را می‌شنوند؟ یا به شما سود و زبانی می‌رسانند؟ گفتند: نه، بلکه پدرانمان را یافتیم که به این صورت عبادت می‌کردند. سوالات ابراهیم ﷺ کاملاً منطقی و در سطح فهم و درک مشرکان بوده‌اند. وی از آنها چنین سؤال می‌کند که چه چیز را پرستش می‌نمایید و عبادت شما چگونه است؟ آنها در پاسخ از بت‌هایی می‌گفتند که از فلز و یا سنگ و یا چوب ساخته و از نظر آنها سبب توجه و تقرب به ارباب انواع بوده‌اند. ابراهیم ﷺ در اینجا این پرسش را مطرح نموده که عبادت و پرستش به منظور اظهار حاجت به پیشگاه معبود است تا آنچه را که حاجت دارد، مسئلت نماید و معبود نیز آن را شنیده و پاسخ دهد و حاجت و سؤال عابد را بپذیرد و برآورد، درحالی‌که اصنام نه می‌شنوند و نه می‌توانند خیر و شری برسانند؛ زیرا اجسامی بی‌جان و بی‌شعور هستند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۳۷).

– تلقین تبعیت کورکورانه

برخی از آیات قرآن به تقلید کورکورانه و بی‌برهان مشرکان از دیگران اشاره دارند. خداوند متعال می‌فرماید: «وَ كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ» (زخرف: ۲۳)؛ همین‌گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو پیامبری انذارکننده نفرستادیم، مگر اینکه ثروتمندان مست و مغرور گفتند ما پدران خود را بر مذهبی یافتیم و به آثار آنها اقتدا می‌کنیم.

این آیات در زمینه بهانه اصلی مشرکان برای بت‌پرستی (یعنی عمل نیاکان به آن) را بیان داشته و این بهانه، به زمان نبی مکرم اسلام ﷺ اختصاص نداشته است. اسلام و ادیان الهی به دنبال رها کردن مردمان از زیر یوغ مترفین و مفسدین هستند و مترفین و ثروتمندان مغرور و مست برای تحمیق و تخدیر افراد به هر بهانه‌ای دست می‌زنند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۲۱، ص ۳۸). از آن جمله بازگشت به دین آباء و اجدادی که از روی جهل بوده و تبعیت از آن تنها به دلیل عمل آنهاست. خداوند متعال یکی از پرکاربردترین راهبردها را برای حمله به مشرکان و حتی دیگر دشمنان بیان نموده و آن تخطئه مبانی فکری تقلیدی است.

ارزش عقلانی داشته و نقضی متوجه آنها نباشد. زمانی که دشمن از آوردن چنین براهینی عاجز باشد، حتماً در راهی که برای معرفت‌شناسی انتخاب نموده، دچار تردید خواهد شد. به همین دلیل است که قرآن کریم به این روش در جنگ شناختی اقدام نموده است.

۳-۱-۴. تخریب هدفمند نظریه‌پردازان دشمن

در برخی از آیات قرآن کریم با یک روش مبارزاتی مواجه می‌شویم که در آن شخصیت‌های دشمن گاهی به صورت خاص و گاه به صورت عام مورد هجمه هدفمند واقع می‌شوند. اساساً این شخصیت‌ها به دلایل مختلفی مانند مقام یا ثروت و یا عنوان علمی مورد توجه عموم هستند. به عبارت دیگر، غلبه مقام و جاه آنها نسبت به دیگران و یا ثروت آنها در چشم مردم باعث ایجاد کرنش می‌شود و گاهی علم سبب پیدایش حس تقلید از آنها می‌گردد. مؤلفه‌های دیگری هم می‌توانند موجب پذیرفته شدن آنها از جانب مردمان باشند و همین اصل سبب گردیده تا خداوند متعال روشی خاص را برای مبارزه با آنها بیان نماید. به نظر می‌رسد این برخورد برای سبک‌انگاری این دسته از دشمنان است تا ابتدا مردم را به بی‌اعتبار بودن ارزش‌های مادی آگاه ساخته و در مرتبه بعد، پوشالی بودن اینچنین افرادی را به آنها بنمایاند. نسبت اسراف به فرعون از جمله مواردی است که در قرآن به آن اشاره شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ» (غافر: ۴۳)؛ و فرعون در سرزمین [مصر] ستمگری سرکش بود و به واقع [با ادعای خدایی] عصیان و طغیان را از حد گذرانید.

اسراف امروزه با عنوان «مصرف‌گرایی» شناخته می‌شود و افراد بشر به پیامدهای آن کاملاً آگاه هستند. دشمنان خدا به واسطه تبعیت از افکار شیطانی نیز خود اسراف‌کارند و هم مصرف‌گرایی را ترویج می‌دهند تا به منافع شخصی خویش دست یابند. ناگفته پیداست که منابع زمینی محدود هستند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۱، ص ۳۰۸). در صورتی که بشر به سمت مصرف‌گرایی برود، بسیاری از افراد انسانی با کمبود مواجه خواهند شد. طبعاً مصرف‌گرایی و تولید بی‌رویه علاوه بر آسیب‌هایی که به طبیعت، منابع را از میان برده و زیان‌هایی که به محیط‌زیست می‌رسد، غیرقابل جبران خواهند بود. روشن است که افراد اسرافکار از دیدگاه عقلا و عرف مردم مذموم هستند و همین امر سبب شده تا خدای متعال با تخریب چهره این افراد، به مبارزه با آنها اقدام نماید. امروزه نیز این جریان ادامه دارد و کشورهای توسعه‌یافته مانند

اِيْهَا النَّاسُ»، اختصاصی به بت‌های سنگی و چوبی ندارد. تمام معبودهایی را که جز خدا می‌پرستند (اعم از فرعون‌ها و نمورها و بت‌های شخصیت‌های کاذب و قدرت‌های پوشالی و مانند آن) در این مثال شرکت داده و آنها نیز بر این مثال منطبق هستند. آنها نیز اگر دست به دست هم دهند و تمام لشکر و عسکرشان را جمع و جور کنند و اندیشمندان و فرزانشان را دعوت کنند، قادر به خلق مگسی نیستند. حتی اگر مگسی ذره‌ای از سفره آنها بگیرد، توانایی باز گرداندن آن را ندارند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۱۴، ص ۱۷۵).

۳-۱-۳. درخواست برهان از دشمن برای نشان دادن ضعف او

از دیگر راهبردهای قرآن کریم برای جنگ شناختی در میان دشمنان، می‌توان به آیتی اشاره نمود که در آنها از دشمنان، تقاضای برهان و حجت می‌کند: «أَمْ يَدْعُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَلِلَهُ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (نمل: ۶۴)؛ [آیا بت‌ها و خدایان متفرق بهترند] یا خداوند یکتایی که آفرینش مخلوق را اراده می‌فرماید و دوباره آن را [به نیستی] بازگشت می‌دهد، همان خدایی که به شما از نعمات آسمان و زمین رزق و روزی عنایت می‌فرماید؟ آیا خدای دیگری غیر از خداوند یکتای قادر متعال وجود دارد [که این نعمات را به شما ارزانی دارد؟] [ای پیامبر!] بگو: دلیل خود را ارائه دهید، اگر راست می‌گوئید.

این آیات اساساً ضعف برهان دشمنان را بیان داشته و به معرفت‌شناسی آنها حمله می‌کند. منطق برهان‌طلبی اسلام، حکایت از محتوای نیرومند و غنی آن دارد؛ زیرا سعی دارد با مخالفان خود هم برخورد منطقی داشته باشد. آیات قرآن مجید مملو از استدلال‌ات منطقی و براهین علمی در سطوح مختلف برای مسائل گوناگون است. این درست بر خلاف چیزی است که مسیحیت تحریف‌یافته امروز روی آن تکیه کرده و مذهب را فقط کار دل می‌داند و عقل را از آن بیگانه معرفی می‌نماید و حتی تضادهای عقلی (همچون توحید در تثلیث) را در مذهب می‌پذیرد. این در حالی است که اگر مذهب از عقل و استدلال جدا شود، هیچ دلیلی بر حقانیت آن وجود نخواهد داشت و آن مذهب و ضد آن یکسان خواهد بود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۱۵، ص ۵۲۳). روشن است که درخواست برهان از مشرکان، اختصاص به آنها ندارد؛ بلکه می‌تواند از هر کسی که علیه اسلام و دین اقدام می‌نماید، درخواست شود. از طرفی براهین خواسته شده، باید

را هم کم خواهد نمود. خصوصاً اگر تخریب چهرهٔ چنین افرادی با دلایلی موجه صورت گیرد. دشمنان دین امروزه با شعارهای زیبا به فریب جوامع می‌پردازند؛ مانند آنچه در ملل غربی صورت می‌گیرد. این مسئله در قرآن کریم هم مورد عنایت واقع شده است (بقره: ۲۰۴). این افراد و گروه‌ها سوگند یاد می‌کنند که مصلح هستند (بقره: ۱۱). این افراد خود را مصلح دانسته و دیگران را سفیه و نادان معرفی می‌کنند (بقره: ۱۳). شعارهایی مانند حقوق بشر و حقوق زن و دیگر اعلامیه‌ها و اسناد بشردوستانه؛ این همه فریب افکار عمومی هستند. تبیین اندیشه‌های ملحدانه، مشرکانه و مزورانه این گروه‌ها برای جوامع انسانی، صد البته موضوعی است که به عنوان راهبرد قرآن می‌تواند معرفی شود؛ زیرا خداوند متعال گروه‌هایی نظیر اینها را با شناساندن رسوا ساخته و خطراتشان را گوشزد کرده است.

۳-۲- وظایف خودی‌ها

برای دانستن راهبردهای قرآن کریم به وظایف خودی‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۳-۲-۱. حفظ وحدت

ازجمله راهبردهایی که قرآن کریم برای مبارزه با دشمنان بیان نموده، حفظ وحدت و در عین حال، تبعیت از حاکم امت است. طبعاً هیچ چیزی به اندازه وجود اختلاف در جبهه حق نمی‌تواند دشمن را به هدف خویش نزدیک نماید. دشمن به هر ترتیب که شده به دنبال ایجاد اختلاف و خلل در میان امت برای پیشبرد اهداف خود خواهد بود. خداوند متعال، نسبت به تمام امور، عالم مطلق بوده و راهکارهای دشمنان را می‌داند و به همین دلیل برای مبارزه، راهبردی را تعیین نموده و به جبهه حق دستور اجرای آن را داده است. روشن است که این راهبرد با نگاهی کاملاً جامع نسبت به آینده تدوین و بیان شده است. در آیات قرآن این راهبرد به دو صورت بیان شده است:

الف. به صورت ایجابی

از دیدگاه برخی مفسران، مراد از «حبل الله» در آیه ۱۰۳ آل عمران که مسلمانان را به تمسک و اعتصام به آن سفارش نموده، «قرآن» است. به عقیده ابن عباس و ابی‌زید، مقصود از حبل الله، «دین اسلام» است. ابان بن تغلب از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمودند:

ایالات متحده، بدون ملاحظه، فرهنگ مصرف را به دیگر کشورها تحمیل نموده و سبب تخریب منابع کره زمین و از میان رفتن محیط‌زیست و در نهایت زیان‌های گسترده به انسان‌های بی‌گناه می‌شوند. راهبرد قرآن کریم در مواجهه با چنین افرادی تخریب چهره و روشنگری علیه آنهاست. قرآن کریم گاهی دانشمندان بی‌عمل را هدف تخریب قرار داده است. چهره‌های علمی به دلیل نفوذ کلام در میان جوامع انسانی همیشه مورد توجه و محل رجوع مردم بوده‌اند. مجامع علمی و دانشمندان تا زمانی که در مقابل خدای متعال و مردم نباشند مورد احترام هستند، ولی هنگامی که از شیطان تبعیت نموده و سعی در تخریب خداواری داشته و در پی مطامع و هواهای نفسانی خویش بروند، مورد هجمه قرار خواهند گرفت. راهبرد قرآن در مقابل این افراد تخریب چهره آنان و شناساندن به مردم است؛ زیرا این افراد دانش خود را در راه نفسانیت و شیطان به کار می‌برند. خداوند متعال این افراد را از چارپایان پست‌تر معرفی می‌نماید: «مَثَلُ الَّذِينَ خُمِلُوا الثَّورَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهِ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (جمعه: ۵)؛ وصف کسانی که عمل کردن به تورات به آنان تکلیف شده است، آنگاه به آن عمل نکردند، مانند درازگوشی است که کتاب‌هایی را [که هیچ آگاهی به محتویات آنها ندارد] حمل می‌کند. چه بد است سرگذشت مردمی که آیات خدا را تکذیب کردند و خدا مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند.

چنانچه بشر، نیروی بینایی و شنوایی خود را بر اساس فکر و خرد کار نبرد، از مقام انسانیت سقوط نموده و از الهامات ملکوت غیبی بی‌بهره گشته و در صف چهارپایان قرار می‌گیرد. ضرر و خطری بیش از این برای بشر تصور نمی‌رود؛ زیرا نعمت‌های بی‌شمار پروردگار را کفران نموده و بهره‌ای جز محرومیت همیشگی و استحقاق عقوبت ابدی نخواهد داشت. این گروه از مردم، پست‌تر از چهارپایان و درندگان هستند. حیوان درنده هرگز دست به جنایت نمی‌زند و چنانچه بر حیوانی دست بیابد، به طعمه خود دست یافته، اما بشر با نیروی حیل و سلاح نیرنگ، بدون نیاز هم، دست به سخت‌ترین جنایت‌ها می‌زند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۱۴۴). بنابراین برای تخریب مبانی فکری افرادی که به دشمنی با دین الهی دست می‌زنند، یکی از راهکارها تخریب نظریه‌پردازان دشمن است؛ چنان که خداوند متعال در مورد دانشمندان یهود فرموده است (جمعه: ۵)، خوار شدن این افراد در چشم مردم، استقبال از آنها

حبل الله ما هستیم و معتقد است که مراد آیه، «ائمہ طاهرین» است. بهترین قول اینکه می‌توان آیه را به تمامی این معانی حمل نماییم (داورپناه، ۱۳۷۵، ج ۶ ص ۳۴۵). در سورة انفال، آیه ۴۶ به تبعیت از رسول الله ﷺ فرمان داده شده است. این آیه هم بنا بر ایجاب وحدت با تبعیت از پیامبر اکرم ﷺ دارد.

ب. به صورت سلبی

آیات قرآن هر نوع اختلاف و مخالفت با رسول خدا ﷺ را سرزنش نموده‌اند: «وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا» (نساء: ۱۱۵)؛ و هر کس پس از آنکه راه راست برای او مشخص شده، با پیامبر مخالفت ورزد و راهی سوی راه مؤمنان برگزیند، وی را به همان سوی که روی کرده واگذاریم و [سرانجام] او را به دوزخ درافکنیم و چه بد بازگشتگاهی است. در آیه ۱۳ انفال همین مطلب دیده می‌شود. شدت بیان شده در آیه به خاطر حفظ نظام اجتماع و برطرف کردن اختلال و فساد در میان مردم باشد. شقاق اگر در امور خارجی صورت بگیرد و یا در امور معنوی ملازم با به هم خوردن نظم و اختلال در امور جامعه و پیدایش فساد و اضطراب در برنامه‌های زندگی مادی و معنوی خواهد بود. در صورتی که این شکاف و شقاق در برنامه الهی باشد، بیشتر موجب فساد و اختلال در نظم خواهد شد و هم عقاب و مجازات بیشتری خواهد داشت؛ زیرا که او با خداوند مقابله کرده است (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۹، ص ۳۰۰).

۳-۲-۲- بهره‌گیری از فرصت‌ها

یکی دیگر از راهبردهایی که قرآن کریم برای پیروان خویش برای مبارزه با دشمنان در نظر گرفته، عدم اتلاف وقت برای کسانی است که به هر دلیل به دنبال شنیدن موعظه و یا براهین مفصل نیستند. این راهبرد در این مقال با عنوان عدم وجود اقتناع‌سازی شناسانده شده است. ابراهیم ﷺ در مواجهه با بت‌پرستان و دیگر مکاتب خودساخته بشری این‌گونه برخورد می‌نماید: «وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيمُ لَآبِيهِ اَزْرَا تَتَّخِذُ اَصْنَامًا اِلَهَةً اِنِّىْ اَرَاكَ وَ قَوْمَكَ فِى ضَلَالٍ مُّبِينٍ وَ كَذَلِكَ نُرِىْ اِبْرَاهِيْمَ مَلَكُوْتِ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ لِيَكُوْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَاىْ كَوْكَبًا قَالَ هٰذَا رَبِّىْ فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا اُحِبُّ الْاٰفِلِيْنَ فَلَمَّا رَاىَ الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هٰذَا رَبِّىْ فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِنْ لَّمْ يَهْدِنِىْ رَبِّىْ لَآكُوْنَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّيْنَ فَلَمَّا رَاىَ الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هٰذَا رَبِّىْ هٰذَا

اَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ يَا قَوْمِ اِنِّىْ بَرِىُّ مِمَّا تُشْرِكُوْنَ» (انعام: ۷۴-۷۷)؛ و به یاد آور وقتی که ابراهیم به پدرش آزر گفت: آیا بت‌هایی را خدایان خود می‌گیری؟ من تو و قوم تو را در گمراهی آشکار می‌بینم. و اینچنین به ابراهیم ملکوت آسمان‌ها و زمین را نشان می‌دهیم و برای اینکه از یقین‌کنندگان گردد. پس همین که شب او را پوشانید ستاره‌ای را دید، گفت: این پروردگار من است. سپس همین که غروب کرد گفت: من غروب‌کنندگان را دوست ندارم. پس از آن وقتی که ماه را دید که طلوع کرد، گفت: این پروردگار من است سپس ماه که غروب کرد، گفت: اگر پروردگار من، مرا هدایت نکند از گروه گمراهان خواهم بود. در این آیات ابراهیم ﷺ به دنبال بحث‌های مفصل و جدل با بت‌پرستان و مشرکان نیست. بلکه تنها به تخریب مبانی فکری دشمن اقدام نموده و در همان جا در پی گرفتن نتیجه نیست؛ زیرا این کار، گاه موجب فرصت‌سوزی است. بنابراین تنها به تخریب مبانی فکری و اتمام حجت بسنده می‌نماید. قرآن کریم به رسول اکرم ﷺ در آیه ۳ سورة شعراء چنین فرموده است: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ اَلَّا يَكُوْنُوْا مُؤْمِنِيْنَ»؛ [ای پیامبر] چه‌بسا که جان خود را از شدت غم‌خواری بر بی‌ایمانی [این مردمان] از دست بدهی. در آیه ۸۲ سوره نحل هم به همین ترتیب وظیفه پیامبر ﷺ را تبلیغ و رساندن پیام الهی در فرصت محدودش معرفی نموده است.

۳-۲-۳- حفظ برتری علمی

علم، علم‌آموزی و آموزش از دیدگاه آموزه‌های دینی بسیار ستوده و سفارش شده است. علم‌آموزی به اندازه‌ای پراهمیت است که علما و دانشمندان هم تراز پیامبران الهی خوانده شده (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۲) و فراگیری دانش بر تمامی مسلمین واجب شمرده شده است (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۲۵). راهبرد قرآن کریم برای مبارزه با دشمنان، ایجاد بستری برای علم‌آموزی و گسترش دانش از طرفی و نیز برتری علمی است. انسان به دلیل جهل و نادانی و حس کمال‌جویی که دارد، همیشه خود را به دنبال رفع جهل می‌بیند. به همین دلیل، دانش را تعقیب کرده و دانشمندان را ارج می‌نهد. خالق هستی بر تمام ابعاد وجودی مخلوق خویش آگاه است و به همین دلیل علم را که کمال است در کنار دیگر کمالات با عنوانی برتر قرار داده است (مجادله: ۱۱). پیروان دین الهی برای مبارزه با دشمن از همین راه باید پیروی کرده و سلطنت خویش را به واسطه علم و دانش بر دیگران اثبات نمایند. امروزه نیز دشمنان با همین روش وارد

منابع.....

- قرآن کریم.
- امیری، ابوالفضل (۱۳۹۰). جنگ نرم از تهدید تا مواجهه. تهران: شوریده.
- ابراهیمی، خدایار (۱۳۹۶). جنگ نرم. تهران: دانشگاه افسری دانشگاه امام حسین ع.
- بابائیان، طیب و کرمی تالاندرستی، آرزو (۱۴۰۲). مبانی جنگ شناختی از منظر قرآن کریم و رهبر انقلاب. قرآنی کوثر، ۷۴، ۱۱۹-۱۴۴.
- باقری چوکامی، سیامک (۱۳۹۵). موج چهارم جنگ نرم، قم: زمزم هدایت.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). المحاسن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- پناهی، علی و رضوی، رسول (۱۳۹۶). بررسی مبانی اعتقادی و قلمرو برائت در پرتو آیات و روایات. پژوهشنامه حج و زیارت، ۴، ۷-۳۳.
- تقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸). تفسیر روان جاوید. تهران: برهان.
- جوانی، محمد (۱۳۹۸). رسانه‌های خبری در ناآرامی‌های اجتماعی. تهران: دانشگاه افسری امام حسین ع.
- حسینی همدانی، سیدمحمدحسین (۱۴۰۴). انوار درخشان. تهران: کتابفروشی لطفی.
- حق، عیسی و دیگران (۱۴۰۳). دشمن‌شناسی و شیوه‌های تعامل با دشمنان از دیدگاه قرآن، روایات و فقه امامیه. مطالعات میان‌رشته‌ای فقه، ۱۴، ۱۳۱-۱۵۵.
- داورپناه، ابوالفضل (۱۳۷۵). انوار العرفان فی تفسیر القرآن. تهران: صدر.
- رنجبران، داود (۱۳۸۸). جنگ نرم، چ پنجم. تهران: ساحل اندیشه.
- سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم (۱۳۹۴). ادیان زنده جهان. قم: طه.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۸۹). جنگ نرم، چ دوم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
- عاطف الزین، سمیع (۱۳۸۱). زندگانی پیامبر اکرم ع در قرآن. ترجمه علی چراغی. تهران: ذکر.
- عبدی، حسین (۱۳۹۰). جنگ نرم، چ سوم. قم: معارف.
- عراقی، عبدالله و دیگران (۱۴۰۱). واکاوی اهداف جنگ شناختی دشمن و راهکارهای تاب‌آوری مقابله با آن با تأکید بر آموزه‌های قرآن. مطالعات دفاع مقدس، ۴۱، ۱۴۱-۱۶۰.
- فرقانی، قدرت‌الله (۱۳۸۳). استکبارستیزی در قرآن. تهران: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- کالینز، جان ام (۱۳۷۰). استراتژی بزرگ. ترجمه کورش بابندی. تهران: دفتر مطالعات وزارت خارجه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۰). تفسیر روشن. تهران: مرکز نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۷). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی. تهران: صدرا.
- معلوف، لوئیس (۱۳۸۶). المنجد. ترجمه مصطفی رحیم‌نیا. تهران: صبا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱ ق). الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب ع.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۳). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- هاشمی، سیدتقی و کیانا، هانیه (۱۳۹۲). جنگ سایبری. تهران: اخوان.
- هاشمیان فرد، زاهد (۱۳۸۹). جهاد دفاعی (الاصول و الزامات). تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

عرصه شده و برتری علمی خویش را دلیل بر حقانیت اعلام می‌نماید. شاید بتوان گفت غفلت مسلمانان و نیز عقب‌افتادگی علمی مانع از گسترش نفوذ اسلام شده است. درحالی‌که نگاه قرآن کریم راهبرد اصلی را تعیین نموده و رفعت مقام علما و دانشمندان، امری تکوینی است که متأسفانه از یاد رفته و مورد استقبال و اهتمام مسلمانان قرار نگرفته است. خصوصاً پس از قرون هفتم و هشتم هجری که جنگ‌های خانمان‌سوز و پدیده استعمار به وجود آمدند.

نتیجه‌گیری

با آنچه گذشت، چنین می‌توان نتیجه گرفت که دین اسلام برنامه‌ای جامع را برای هدایت بشر ایجاد کرده و علاوه بر دفاع از خود با براهین عقلی به مبارزه با دشمنان خود هم اقدام نموده است. مبارزاتی که قرآن و رسولان الهی انجام داده همیشه به صورت نظامی نبوده و جنبه‌های نرم و عملیات روانی هم داشته است. مبارزه‌ای که مبانی فکری دشمن را هدف گرفته و اجازه فعالیت به او را نمی‌دهد. همان‌گونه که دشمنان دین همواره و با روش‌های مختلف به دنبال از میان بردن مبانی فکری و نفوذ در قلب‌ها بوده‌اند، قرآن کریم هم از جنگ شناختی غافل نبوده است. خداوند متعال و انبیاء با هدایت الهی راهبردهای متنوعی را در عرصه‌های مختلف به کار برده‌اند. ازجمله این راهبردها که در طی قرون متمادی و در جغرافیای گوناگون ملل کاربرد داشته و دارند، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ایجاد تزلزل در باور و اعتقادات دشمن؛
- تلقین ضعف در برابر خداوند متعال و آیات او؛
- درخواست برهان از دشمن و نشان دادن ضعف او؛
- تخریب هدفمند نظریه‌پردازان دشمن؛
- حفظ وحدت؛
- بهره‌گیری از فرصت‌ها؛
- حفظ برتری علمی.

البته آنچه گذشت به معنای بیان تمامی راهبردها نیست، بلکه می‌توان با کنکاش به موارد دیگری نیز دست یافت. مبارزاتی که دشمن در عرصه جنگ نرم و شناختی علیه جوامع اسلامی و متدین به راه انداخته، لزوم عمل به راهبردهای قرآنی را بیش از پیش به مسلمانان گوشزد می‌نماید. امروزه علاوه بر مبارزه مسلحانه و نظامی، تکلیف الهی می‌تواند تبیین محسنات دین اسلام بوده و در این راستا نیاز به تخریب مبانی فکری دشمن بسیار حس می‌شود.

Social Conformity in the Conduct of the Infallible Imams

✉ **Malihah Sheikhezadeh Bafqi**  / Level 4 Student at Seminary School (Hawza) of Qur'anic Sciences, Hazrat Zahra Higher Education Institute, Meybod shikhizade59@gmail.com
Mohammad Ali Mohiti Ardakan / Associate Professor at the Department of Philosophy, the Imam Khomeini Institute for Education and Research mohiti@iki.ac.ir
Received: 2024/12/10 - **Accepted:** 2025/02/04

Abstract

Different behaviors of human beings reflect their diverse attitudes. Typically, individuals with similar attitudes form groups. However, through careful analysis, it is revealed that some members within a group hold different views. They refrain from expressing different attitudes and gradually adopt an attitude that is consistent with the members. This phenomenon, which is called conformity, can carry positive or negative value. Beneficial conformity yields individual or social advantages, while conforming to false thoughts of a group inflicts irreparable harm both individually and socially. Using descriptive-analytical method, this research examines how the Infallible Imams (PBUT) confronted this social phenomenon. The research results show that the Infallible Imams' methods varied based on conformity's intra-personal or environmental factors. The method of "attitude change" in the cognitive, emotional, behavioral dimensions for internal factors and the method of "situational assessment and barrier removal" for external factors have been considered to be the most important methods.

Keywords: Infallible Imams (PBUT), social conformity, methodology, confrontation, social psychology.

نوع مقاله: ترویجی

هم‌نوایی اجتماعی در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام

shikhizade59@gmail.com

mohiti@iki.ac.ir

کلمه کلیدی: ملایحه شیخی‌زاده بافقی  / طلبة سطح چهار علوم و معارف قرآنی مؤسسه آموزش عالی حضرت زهرا علیها‌السلام میبدمحمدعلی محیطی اردکان / دانشیار گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام

پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۶

دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰

چکیده

رفتارهای گوناگون انسان‌ها بیانگر نگرش‌های متفاوت آنهاست. به‌طور معمول افراد با نگرش‌ها و رفتارهای یکسان در گروه‌ها، جمع می‌آیند، اما با مطالعه دقیق‌تر مشخص می‌شود برخی افراد داخل در گروه، طرز فکر متفاوتی با اعضای گروه دارند، ولی با حضور در گروه، از ابراز نگرش‌های متفاوت خودداری کرده و به تدریج، نگرشی متناسب با اعضا اتخاذ می‌کنند. این واقعیت، که هم‌نوایی نامیده می‌شود، می‌تواند ارزش‌گیری مثبت یا منفی داشته باشد. هم‌نوایی مطلوب و دارای ارزش‌گیری مثبت، منافع فردی و اجتماعی فراوانی دارد و در مقابل، هم‌نگی با افکار باطل گروه، آسیب‌های جبران‌ناپذیری برای فرد و جامعه خواهد داشت. پژوهش پیش‌رو، با روش توصیفی - تحلیلی روش مواجهه ائمه اطهار علیهم‌السلام با این پدیده اجتماعی را بررسی می‌کند. نتایج حاکی از آن است که شیوه‌های مواجهه ائمه علیهم‌السلام با توجه به عوامل درون فردی یا محیطی هم‌نوایی، متفاوت است؛ شیوه «تغییر نگرش» در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری در قلمرو عوامل درونی، و شیوه «موقعیت‌سنجی و رفع موانع» در قلمرو عوامل بیرونی مهم‌ترین شیوه‌ها رصد شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: ائمه اطهار علیهم‌السلام، هم‌نوایی اجتماعی، روش‌شناسی، مواجهه، روان‌شناسی اجتماعی.

مقدمه

کرده، آسیب‌های وقوع آنها برای اعضای جامعه را یادآور شده، و راهکارهای شکل‌گیری هم‌نوایی مطلوب را نشان داده‌اند. البته میرعرب (۱۳۹۹) در مقاله «تأثیر روابط خویشاوندی در هم‌نوایی اجتماعی محبت‌بنیان از منظر قرآن»، به اثبات درستی نظریه «نیاز جامعه به تقویت روابط خویشاوندی برای هم‌نوایی مطلوب» نیز پرداخته است. پژوهش پیش‌رو سعی دارد شیوه‌های مواجهه ائمه اطهار (ع) با این پدیده را بررسی کند. از این‌رو هم به لحاظ گستره و قلمرو، هم به لحاظ ساختار و محتوا اثری نو به حساب می‌آید. به‌منظور حل مسئله، ابتدا انواع هم‌نوایی و عوامل مؤثر بر آن را توضیح داده، سپس، شیوه‌های مواجهه ائمه (ع) با این پدیده را شرح می‌دهیم.

۱. مفهوم هم‌نوایی

واژه هم‌نوا در لغت به معنای هم‌آواز و هم‌صدا است (دهخدا، ۱۳۳۷، ج ۲، ص ۳۱۸۱). هم‌نوایی در اصطلاح روان‌شناسی اجتماعی به معنای، پیروی از ارزش‌ها، شیوه‌ها، رفتارها و عمل یک گروه، قوم یا جامعه است، به گونه‌ای که آثار و پیامدهای آن در حیات اجتماعی فرد و جامعه ظهور و تبلور پیدا کند. به دیگر سخن، هم‌نوایی فرد با گروه عبارت است از اینکه فرد باورها، ارزش‌ها، نمادها و هنجارهای گروه را درونی کرده و در ساخت شخصیت خود یگانگی بخشیده باشد (روشه، ۱۳۸۸، ص ۱۸۴).

در تبیین ارتباط و نسبت هم‌نوایی با جامعه‌پذیری می‌توان گفت که جامعه‌پذیری نوعی فرایند کنش متقابل اجتماعی است که در خلال آن فرد هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فرا گرفته، درونی کرده و آن را با شخصیت خود یگانه می‌سازد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵، ص ۱۴۴). درواقع، جامعه‌پذیری یک نوع هم‌نوایی داوطلبانه و اختیاری است، درحالی‌که هم‌نوایی اجتماعی مصطلح از توافق سطحی و سازگاری ناخواسته تا اطاعت داوطلبانه از هنجارهای اجتماعی را شامل می‌شود (راسخ، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۳۳۲). بنابراین دو ویژگی سطحی بودن و ناخواسته بودن یا ناآگاهی افراد از هم‌نوایی اجتماعی و سازگاری آنها با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی سبب شده تا تحقیقات زیادی در زمینه مطالعه و بررسی این پدیده روان‌شناختی در روان‌شناسی اجتماعی صورت بگیرد.

هم‌نوایی از انواع نفوذ اجتماعی است که بر اساس آن، یک فرد یا گروه اندیشه و پس از آن، رفتار دیگران را با بهره‌گیری از امکاناتی مانند پاداش‌ها، اطلاعات، جایگاه اجتماعی فرد در جامعه یا علاقه و تحسین دیگران تغییر می‌دهد (فرانزوی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۸-۱۷۹؛ Alkcock & others, 2000, p. 154) این پدیده، فرایندی آگاهانه و یا حتی ناآگاهانه است که طی آن، شخص احساس فشار خیالی یا واقعی از سوی گروه نسبت به خودش دارد و در نتیجه، تلاش می‌کند با توافق درونی با دیگران، رفتار خویش را هم تغییر دهد (ر.ک. فرگاس، ۱۳۷۳، ص ۳۱۹؛ بیرو، ۱۳۸۰، ص ۶۲).

قدرت هم‌نوایی با آزمایش‌های روان‌شناسانه گوناگون به اثبات رسیده است (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۳۶۷). درحالی‌که هم‌نوایی افراد با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه باعث استحکام روابط اجتماعی و رشد اجتماعی افراد است، ولی هم‌نوایی با ضد ارزش‌ها، نگرش‌های نادرست و تمایلات رفتاری ناهنجار از معضلات اجتماعی به حساب می‌آید. با گسترش وسایل ارتباط جمعی و حضور افراد در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی جدید، تأثیرپذیری از این گروه‌ها به وضوح افزایش یافته است. برای حفظ افراد و جامعه از تأثیرات هم‌نوایی نامطلوب ضرورت دارد تا پژوهش در این موضوع روان‌شناختی اجتماعی گسترش یابد. آموزه‌های اسلام و به‌صورت خاص شیوه‌های تعامل ائمه اطهار (ع) با مردم گستره جدیدی از نحوه مواجهه با این پدیده را در اختیار روان‌شناسان اجتماعی قرار خواهد داد. از این‌رو پژوهش حاضر می‌تواند نو و تأثیرگذار به حساب آید.

سؤال اصلی این است که شیوه‌های مواجهه ائمه اطهار (ع) با پدیده هم‌نوایی اجتماعی چگونه است؟ پاسخ به این پرسش را با دنبال کردن پاسخ سؤال‌های فرعی زیر تبیین خواهیم کرد:

۱. هم‌نوایی به چه معناست و چه اقسامی دارد؟
۲. ابعاد هم‌نوایی چیست و چه عواملی در هم‌نوایی اجتماعی مؤثر است؟
۳. ائمه (ع) در مواجهه با هر کدام از این عوامل چه شیوه‌ای اتخاذ می‌کردند؟ تا آنجا که به موضوع ارتباط هم‌نوایی اجتماعی با آموزه‌های دینی مربوط می‌شود، مقاله «درآمدی بر هم‌نوایی اجتماعی از منظر قرآن کریم» (میرعرب و کریمی، ۱۳۹۴)، با مراجعه به آیات الهی، هم‌نوایی‌های قابل تحقق بین اعضای جامعه را شامل دو نوع مطلوب و نامطلوب دانسته‌اند و با تأکید بر اهمیت هم‌نوایی‌های مطلوب، عوامل و پیامدهای شکل‌گیری هم‌نوایی‌های نامطلوب را ترسیم

۲. انواع هم‌نواپی

يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ « (انعام: ۱۱۶)؛ اگر از بیشتر مردم روی زمین پیروی کنی تو را از راه خدا گمراه می‌کند؛ آنان فقط از گمان و پندار (که پایه علمی و منطقی ندارد) پیروی می‌کنند، و تنها به حدس و تخمین تکیه می‌زنند. حتی در آیه‌ای دیگر هم‌نواپی بین افراد را به علت عدم تعقل، ظاهری و سطحی می‌داند: «تَخَسَّبُهُمْ جَمِيعاً وَ قُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (حشر: ۱۴)؛ به ظاهر آنها که می‌نگری آنها را متحد می‌پنداری، درحالی‌که دل‌هایشان پراکنده است، این به خاطر آن است که آنها قومی‌اند که تعقل نمی‌کنند.

ب. هدایت الهی

قرآن کریم هدایت الهی را معیار دیگری برای هم‌نواپی مطلوب بیان می‌کند. از این‌رو هم‌نواپی افراد با قوم خود را که از هدایت الهی برخوردار نیستند نامطلوب می‌داند. خداوند می‌فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَّلُوا كَانُوا آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئاً وَلَا يَهْتَدُونَ» (مائده: ۱۰۴)؛ و هنگامی که به آنان گویند: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر آید، گویند: روش و آیینی که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم، ما را بس است. آیا هرچند پدرانشان چیزی نمی‌دانستند و هدایت نیافته باشند.

قرآن ملاک مطلوبیت و عدم مطلوبیت ناهم‌نواپی را نیز بهره‌مندی از هدایت الهی می‌داند. برای نمونه در داستان اصحاب کهف این‌گونه ناهم‌نواپی تعدادی اندک از جوانان با جامعه زمان خود را به صورت مطلوب توصیف می‌کند: «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَرِذْنَاهُمْ هُدًى» (کهف: ۱۳)؛ جوان‌مردانی که به خداوند ایمان آوردند و خداوند نیز بر هدایتشان افزود. به عبارتی ملاک مطلوبیت ناهم‌نواپی در آنها را بهره‌مندی از هدایت الهی می‌داند.

۵. شیوه‌های مواجهه ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} با پدیده هم‌نواپی

ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} در دوران امامت خود با جمعیت گسترده‌ای روبه‌رو بودند که عقاید، تمایلات رفتاری و ارزش‌های گوناگونی داشتند. عضویت و تعلق خاطر افراد به گروه‌های مختلف فکری، ناخودآگاه تأثیرات بسیاری در نگرش و تمایلات افراد ایجاد می‌کرد. به‌طورقطع ائمه^{علیهم‌السلام} به‌عنوان مصلحان بزرگ اجتماعی به این واقعیت اجتماعی توجه داشتند و تدابیر سنجیده و مؤثری در مواجهه با این پدیده اتخاذ می‌کردند. با بررسی

هم‌نواپی با توجه به دلایل وقوع آن به دو نوع هم‌نواپی اطلاعاتی و هم‌نواپی هنجاری قابل تقسیم است (Sears and others, 1985, p. 358). هنگامی که یک فرد احساس می‌کند فکر گروهی خاص درست است تلاش می‌کند افکار خود را با آن‌ها هماهنگ کند. در نتیجه رفتارهای ظاهری‌اش نیز بسته به نوع تغییر عقیده‌اش تغییر می‌کند. این نوع هم‌نواپی، هم‌نواپی اطلاعاتی (Informative Conformity) نام دارد. گاه نیز ممکن است همراهی با یک جمع به این دلیل باشد که دیگران او را تنبیه نکنند و یا پاداشی را از او دریغ نکنند. این نوع هم‌نواپی، هم‌نواپی هنجاری (Normative Conformity) نامیده می‌شود (فرانزوی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۴). علت این نام‌گذاری آن است که درواقع، فرد با هنجارهای گروه موردنظر همراهی می‌کند، وگرنه باید گرفتار پیامدهای ناخوشایند ناهم‌نواپی شود.

۳. عوامل مؤثر بر هم‌نواپی

اتفاق نظر یا عدم اتفاق نظر اکثریت افراد گروه بر روی یک موضوع، ویژگی افرادی که گروه مورد هم‌نواپی را تشکیل می‌دهند، نوع شخصیت فرد، میزان احساس و امنیت فرد ذکر شده از جمله عوامل مؤثر بر هم‌نواپی فرد با گروه است (کریمی، ۱۳۸۱، ص ۹۳ و ۶۴).

۴. ابعاد هم‌نواپی

هم‌نواپی مطلوب و هم‌نواپی نامطلوب دو بعد متفاوت از هم‌نواپی اجتماعی به حساب می‌آیند که با ملاک‌ها و معیارهایی می‌توان آن دو را از یکدیگر بازشناخت.

۴-۱. ملاک مطلوبیت هم‌نواپی

ملاک مطلوب بودن یا نامطلوب بودن هم‌نواپی را می‌توان با بررسی و مطالعه آیات قرآن به دست آورد. مطابقت هم‌نواپی با حجت درونی یا قدرت تعقل و حجت بیرونی یا هدایت‌های الهی ملاک مطلوبیت یا عدم مطلوبیت هم‌نواپی است:

الف. تعقل

قرآن کریم هم‌نواپی با اهل ظن و گمان را مورد نکوهش قرار داده و از آن نهی می‌کند. خداوند می‌فرماید: «وَإِنْ تَطَعُوا أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ

یکی از شیوه‌های مواجهه ائمه اطهار (ع) با هم‌نوایی نامطلوب، تغییر نگرش است که با اقتناع صورت می‌پذیرد. درواقع، اقتناع، «استفاده از پیام در جهت تغییر نگرش مخاطبان است» (فرانزوی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۰).

روان‌شناسان اجتماعی اقتناع را در قالب دو رویکرد سستی و شناختی بررسی می‌کنند. رویکرد سستی در پی شناسایی ویژگی‌های منبع پیام، خود پیام و مخاطبان پیام است و مجموعه این ویژگی‌ها را عامل متقاعدسازی می‌داند (هاولند و دیگران، ۱۹۴۰، ص ۳۰۱-۳۱۰). این رویکرد بر اساس الگوی یادگیری شکل گرفته و رفتاری‌نگرها بیشترین طرفداران آن را تشکیل می‌دهند به اعتقاد آنها تقویت پاسخ، احتمال وقوع آن را افزایش می‌دهد. بر این اساس، برای تغییر نگرش باید به پیام جدید توجه کرد، آن را ادراک نمود و سپس آن را پذیرفت. در عبور پیام از سه مرحله توجه، ادراک و پذیرش، لازم است به ویژگی‌های پیام، منبع پیام و گیرنده توجه کرد. آنها محتوای پیام، سازمان‌دهی پیام، منبع ارسال، استدلالی یا احساسی بودن پیام، اثر تقدم یا اثر تأخر، کتبی، تصویری یا رودررو بودن پیام، محیط طبیعی یا محیط مصنوعی تبادل پیام، همراهی با تداخل محرک‌ها و حواس‌پرتی یا امکان آرامش و تمرکز کامل، شخصیت گیرنده و همچنین سن و تحصیلات او تمام این عوامل را در متقاعدسازی دیگران مؤثر می‌داند (ر.ک. سالاری‌فر و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۱۳۳).

روی آوردن شناختی از الگوی رایانه‌ای مغز استفاده می‌کند. ازجمله الگوهای موجود در این رویکرد، الگوی قطعی احتمالی و الگوی نظام‌دار و اکتشافی است. در الگوی قطعی احتمالی وقتی فرد پیام اقتناعی را می‌شنود در مورد پیام و استدلال آن فکر می‌کند. درواقع افکار باعث تغییر یا عدم تغییر نگرش می‌شوند نه پیام‌ها (پتی و دیگران، ۱۹۹۵، ص ۹۳-۱۳۰). بر اساس الگوی قطعی احتمالی امکان وقوع دو فرایند مختلف شناختی وجود دارد. این دو فرایند شناختی مسیر مرکزی و مسیر پیرامونی نام دارند. متقاعدسازی از طریق مسیر مرکزی زمانی اتفاق می‌افتد که گیرنده، پیام را مهم و جالب بداند و با تحلیل آن پیام و سنجیدن نقاط قوت و ضعف آن، نگرش و دیگر ساختارهای شناختی فرد تغییر کند، ولی اگر گیرنده، پیام را جالب نداند و به آن توجه نکند متقاعدسازی از مسیر پیرامونی صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، گیرنده پیام از طریق امور جانبی پیام مانند زیبایی، موقعیت برتر و شأن و منزلت پیام‌دهنده تأثیر می‌گیرد. تغییر نگرشی که از طریق مسیر مرکزی حاصل شده از لحاظ زمانی

نحوه عملکرد ائمه اطهار (ع) با طیف‌های وسیع و متنوع اجتماعی می‌توان به نکات مشترکی در نحوه مواجهه ایشان با پدیده هم‌نوایی اجتماعی دست یافت. بنا بر یافته‌های روان‌شناسی اجتماعی، افراد به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند. افراد خودراهبر و دگرراهبر؛ افراد خودراهبر افرادی هستند که خودشان ارزش‌ها و هنجارهایشان را تعیین می‌کنند و افراد دگرراهبر چشم به هدایت دیگران دارند. افراد دگرراهبر، مصداق افراد هم‌نوا هستند که در جامعه کنونی رو به افزایش‌اند (اسالیوان و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۹۶). همچنین برخی افراد در تصمیم‌گیری‌های عملی بیشتر تحت تأثیر نگرش هستند، ولی بعضی دیگر به انتظارات و گفته‌های دیگران توجه دارند و رفتاری را برمی‌گزینند که مورد تمایل و پسند دیگران باشد. این ویژگی همان خودنظارتی است (آجرن و دیگران، ۱۹۸۲، ص ۴۲۶-۴۳۵). ائمه اطهار (ع) به عنوان افرادی خودراهبر و دارای استقلال رأی بالا، نمونه‌ای شایسته در مدیریت مسائل و بحران‌های اجتماعی هستند.

رفتار افراد تحت تأثیر دو عامل درونی و بیرونی صورت می‌گیرد. عامل درونی مؤثر بر رفتار همان نگرش افراد است، و منظور از عامل بیرونی، ویژگی‌های موقعیتی است که باعث می‌شود افراد در بعضی شرایط زمانی و مکانی از ابراز نگرش خود و عمل بر طبق آن خودداری کنند (سالاری‌فر و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۱۲۸). بنابراین در پدیده هم‌نوایی نیز باید به دو عامل درونی و بیرونی رفتار توجه کرد. با سیری در شیوه تعامل ائمه (ع) با افراد، نحوه مواجهه ایشان با عامل درونی در افراد را با عنوان «تغییر نگرش» و نحوه مواجهه با عامل بیرونی را تحت عنوان «موقعیت‌سنجی و حل موانع» می‌توان دسته‌بندی و بررسی کرد:

۵.۱. تغییر نگرش

برخی اندیشمندان، روان‌شناسی اجتماعی را مطالعه علمی نگرش‌ها می‌دانند (آلپورت و جونز، ۱۳۷۱، ص ۱۱۷). بیشتر روان‌شناسان اجتماعی، نگرش را نظامی بادوام می‌دانند که شامل یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و یک عنصر رفتاری است. عنصر شناختی، شامل اعتقادات و باورهای شخص درباره یک اندیشه یا شیء است. عنصر احساسی یا عاطفی، بیانگر آن است که معمولاً نوع احساس عاطفی با باورهای ما پیوند دارد و عنصر رفتاری، تمایل به عمل به جهت آمادگی برای پاسخ‌گویی به شیوه‌ای خاص اطلاق می‌شود (کریمی، ۱۳۸۱، ص ۲۹۵).

یا حق و باطل را به صورت درآمیخته پذیرفته‌اند. در این گونه موارد، ائمه علیهم‌السلام افرادی را که درواقع به دنبال کشف حقیقت بودند با روش‌های متفاوت آگاه می‌کردند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ائمه علیهم‌السلام با روش‌های زیر و با هدف تقویت بعد شناختی افراد به اصلاح نگرش در آنها می‌پرداختند تا از ایجاد هم‌نوایی نامطلوب جلوگیری کنند:

الف. تفکر و استدلال

توصیه به تفکر (سبأ: ۴۶؛ انعام: ۵۰؛ نحل: ۴۴) و تعقل (انعام: ۶۵ و ۹۰) در آموزه‌های دینی فراوان دیده می‌شود. بیش از ۲۰ آیه قرآن به تعقل توصیه کرده است (برای نمونه، رک. انفال: ۲۲؛ بقره: ۷۳؛ اعراف: ۱۶۹). اگر قدرت تفکر و تجزیه تحلیل افراد بالا رود به راحتی نظرات دیگران را بدون استدلال و دلیل عقلی نخواهند پذیرفت. افرادی که قدرت تفکر و تعقل ضعیفی دارند در مواجهه با نگرش و اعتقادات جدید دچار نوعی انفعال و سردرگمی خواهند شد. در این گونه مواقع لازم است به تقویت قدرت درک و فهم افراد در تشخیص حقیقت اهتمام ورزید و آنها را در این مسیر راهنمایی کرد.

از نمونه‌های تاریخی که افراد از نظر شناختی به مشکل برخوردند و به عبارتی درگیر فتنه شدند زمان امامت حضرت علی علیه‌السلام و به‌خصوص درگیری ایشان در جنگ‌های سه‌گانه نهروان، جمل و صفین بود. سران هر سه گروه افرادی به‌ظاهر مسلمان، با اعتقادات الهی و با سابقه‌ای از ایثار و مجاهدت بودند، ولی هر گروه بنا بر مبنای اعتقادی خود در مقابل امام زمان خود که با اصرار و پافشاری نصب کرده بودند ایستادند. امام علیه‌السلام با استدلال و بیان مبانی متقن عقلی و نقلی، نادرستی مبانی اعتقادی هر کدام از گروه‌ها را بیان می‌کردند و با این روش سعی در تقویت قوه شناخت و فهم مردم داشتند. تعداد زیادی از افراد که تحت تأثیر گروه و بدون شناخت کافی، با عقاید نادرست این گروه‌ها هم‌نوایی می‌کردند با درک حقیقت از ادامه همراهی با نگرش باطل گروه‌های منحرف خودداری کردند. حضرت با شیوه‌های زیر سعی کردند به افراد کمک کنند تا وجه عقلانی و شناختی پیام امام را درک کنند:

-ارسال پیام

در جنگ جمل، حضرت پیام‌های متعددی به عایشه، طلحه و زبیر فرستادند تا آنان را از جنگ منصرف سازد (ابن‌قتیبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱،

پایدارتر از تغییری است که از طریق مسیر پیرامونی حاصل شده است و همچنین این تغییر به عمل نزدیک‌تر است. در مجموع تغییر نگرش از مسیر مرکزی، یک تغییر واقعی در شیوه فکر کردن در مورد یک موضوع است و در سازمان‌دهی شناختی استفاده خواهد شد (سالاری‌فر و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۱۳۶).

خداوند شیوه دعوت و مواجهه با مردم را این گونه به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معرفی می‌کند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵). این آیه دعوت به راه خدا و به عبارتی دیگر، ایجاد نگرش الهی چند روش را معرفی می‌کند. علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «حکمت» به معنای رسیدن به حق به وسیله علم و عقل است. «موعظه» یادآوری کارهای نیک به صورتی است که قلب شنونده از شنیدن آن بیان، رقت پیدا کند و در نتیجه تسلیم شود. سپس می‌فرماید منظور از حکمت، حجتی است که حقیقت را ثابت کند، به گونه‌ای که هیچ شک و وهن و ابهامی در آن باقی نماند، و موعظه بیانی است که نفس شنونده را نرم، و قلبش را به رقت درآورد و باعث صلاح حال شنونده شود. «جدال» دلیلی است که صرفاً برای منصرف نمودن دشمن از مطلب مورد نزاع به کار می‌رود، بدون اینکه خاصیت روشنگری حق را داشته باشد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۲، ص ۱۳۷-۱۷۳). بنابراین به بیان قرآن، حکمت شیوه‌ای برای تقویت شناخت افراد است و موعظه با تأثیر بر قلب به تحریک عواطف می‌پردازد. این دو روش در کنار هم به روشنگری و تغییر نگرش منتهی می‌شود.

ائمه اطهار علیهم‌السلام با توجه به عوامل درونی هم‌نوایی و بر مبنای آموزه‌های قرآن در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری به تغییر نگرش افراد اقدام می‌کردند.

۱-۱-۵. بعد شناختی

نگرش‌های تثبیت‌شده و نگرش‌هایی که ریشه در اعتقادات و ارزش‌های دینی دارد تأثیرات قوی‌تری بر رفتار دارند. همچنین هر اندازه نگرش نیرومندتر باشد تأثیر بیشتری بر رفتار دارد (بارون و بایرن، ۱۹۹۷). بنابراین از شیوه‌های مقابله با هم‌نوایی نامطلوب ایجاد آگاهی و افزایش شناخت مردم است. در هم‌نوایی اطلاعاتی، افراد درواقع از نظر شناختی با مشکل روبه‌رو شده‌اند و دستگاه محاسباتی افراد دچار اختلال شده است. این افراد، یا حق و باطل را نادرست دریافت کرده‌اند

پنج هزار نفر از خوارج جدا شدند و بعضی به طرف امام (ع) گرویدند و برخی نیز به کوفه یا مدائن رفتند (طبری، ۱۹۷۰، ج ۵، ص ۸۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۰۵؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۶۹).

– مطالعه احوال گذشتگان

مطالعه و تفکر در احوال گذشتگان شیوه دیگری برای افزایش شناخت انسان است. برخی آیات قرآن کریم به این شیوه تأسیسی یا اصلاحی اشاره دارند (برای نمونه، ر.ک. اعراف، ۱۷۶؛ یوسف، ۱۱۱؛ روم: ۴۲). امیرالمؤمنین علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه، فرزندشان امام حسن (ع) را با توجه و مطالعه در احوال گذشتگان به عمل بر اساس درک و آگاهی و دوری از تردید و شبهه این‌گونه پند می‌دهند: «پسرم من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، ولی به رفتار آنها نگاه کردم و در اخبارشان اندیشیدم... از آن ترسیدم که مبدا رأی و هوایی که مردم را دچار اختلاف کرد، و کار را بر آنان شبهه‌ناک ساخت، به تو نیز هجوم آورد. آگاه شدن و استوار ماندن را ترجیح دادم، تا تسلیم هلاکت‌های اجتماعی نگردی... تلاش کن تا درخواست‌های تو از روی درک و آگاهی باشد، نه آنکه به شبهات روی‌آوری... از هر کاری که تو را به شک و تردید می‌اندازد، یا تسلیم گمراهی می‌کند پرهیز کن و هنگامی که یقین کردی دلت روشن و فروتن شد و اندیشه‌ات کامل گردید، و اراده‌ات به یک‌چیز متمرکز گشت، آنگاه اندیشه کن در آنچه برای تو تفسیر می‌کنم، اگر در این راه آنچه را دوست می‌داری فراهم نشد و آسودگی فکر و اندیشه نیافتی، آگاه باش راهی را که ایمن نیستی می‌پیمایی و در تاریکی راه می‌روی» (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، نامه ۳۱).

در فرازهای فوق، حضرت امیر (ع) به صراحت با عبرت‌گیری از گذشتگان، برای جلوگیری از هلاکت اجتماعی، تمایلات رفتاری مبتنی بر درک و آگاهی و پرهیز از شک و تردید را توصیه می‌کنند.

۲-۱.۵. بعد عاطفی

همان‌گونه که در بیان انواع هم‌نوایی بیان شد نوعی از هم‌نوایی به این دلیل رخ می‌دهد که فرد عقاید یک گروه را صحیح می‌داند و با پذیرش عقاید گروه با آن گروه هم‌نوا می‌شود. شیوه مواجهه با این نوع هم‌نوایی، کمک به فرد برای تشخیص واقعیت یا درک حقیقت است، ولی در نوع دیگر هم‌نوایی، فرد از نظر عاطفی ناخودآگاه، یا خودآگاه

(ص ۹۰). امام این‌گونه ایشان را به تفکر وامی‌دارند و می‌فرمایند: «اگر شما دو نفر از روی میل و انتخاب بیعت کردید تا دیر نشده برگردید و در محضر خدا توبه کنید. و اگر با اکراه بیعت کردید خود دانید؛ زیرا شما بودید که من را در حکومت بر خویش راه دادید، اطاعت از من را ظاهر کردید و نافرمانی را پنهان داشتید. به جانم سوگند شما از سایر مهاجران سزاوارتر به پنهان داشتن عقیده و پنهان‌کاری نیستید» (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، نامه ۵۴؛ خطبه ۳۱؛ مفید، ۱۳۷۴، ص ۳۱۳).

در جنگ نهروان نیز سعی حضرت بر این بود تا افرادی را که تحت تأثیر تجمع و گروه خوارج قرار گرفته بودند به تفکر وادارند و خودشان بدون فشار جو حاکم بر فضای فکری خوارج، فکر کنند. بنابراین پیام‌هایی بسیار از طریق افراد معتبری مانند ابن عباس برای آنان فرستاد. حضرت به ابن عباس می‌فرماید: «با آنها از طریق قرآن مناظره نکن؛ زیرا قرآن بار معناهای گوناگون را تحمل می‌کند، بلکه با آنها با سنت مناظره کن که راه فرار پیدا نکنند» (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، نامه ۷۷؛ طبری، ۱۹۷۰، ج ۵، ص ۶۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۳۹۳). حتی حضرت توصیه می‌کنند بر مبنای سنت با آنها استدلال کن تا به راحتی بتوانی آنها را اقناع کنی.

– گفت‌وگوی چهره به چهره

بعد از ارسال پیام، خود حضرت به مذاکره با طلحه و زبیر پرداخت تا در حد امکان، افراد را از همراهی و هم‌نوایی با گروه منحرف بازدارند. با درایت و استدلال‌های ایشان، زبیر از هم‌نوایی با جمعی که منجر به جنگ جمل شد خودداری کرد (مسعودی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۳۷۱؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۹۲؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۸۲).

– سخنرانی

با وجود ارسال پیام‌های متعدد، امام (ع) خودشان دو مرتبه به قرارگاه خوارج رفتند و سخنرانی کردند (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، خطبه ۱۲۱ و ۱۲۷ و ۱۷۷؛ طبری، ۱۹۷۰، ج ۵، ص ۸۴؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۰۴) و در آخر خطبه تصریح کردند که اگر بتوان یک اصل و خصلتی را پیدا کرد که عامل وحدت کلمه و ترک مخاصمه بین دو گروه گردد، بدان عمل و از جنگ امتناع خواهد کرد. حاصل اقناع و سخنرانی حضرت، تغییر دیدگاه نزدیک به دو هزار نفر بود. حضرت بعد از سخنرانی، به خوارج امان دادند که در پرتو امان علوی، نزدیک به

اخلاق نیک و والای ایشان (قلم: ۶)، دلسوزی، مهربانی و اهتمام شدید حضرت به مردم (توبه: ۱۲۸)، نمودهایی از لزوم ابراز محبت به منظور تأثیرگذاری بر مخاطبان است.

گاهی، افراد به دلیل وابستگی عاطفی و یا تعلق خاطر به گروه، به پذیرش نگرش نادرست گروه تن می‌دهند. در حقیقت حب و بغض، به قوه تشخیص فرصت فعالیت نمی‌دهد. ائمه علیهم‌السلام با آگاهی از ظرافت‌های روان‌شناختی انسان‌ها، از یک‌سو، افراد را از هم‌نشینی و دوستی با افراد منحرف باز می‌دارند و به خطر تأثیر دوستان در انحراف انسان یادآور می‌شوند؛ مانند این روایت که «از مصاحبت با فاسقان دوری کن؛ زیرا بدی به بدی می‌پیوندد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۹۹). از سوی دیگر، همواره با ابراز محبت در تعاملات خود با افراد دایره نفوذ خود بر نگرش، عواطف و رفتار افراد را گسترش می‌دادند. همچنین به ابراز محبت و دوستی با دیگران در روابط اجتماعی تشویق می‌کنند؛ مانند این سخن پیامبر که می‌فرماید: «مؤمن الفت می‌گیرد و با او الفت می‌گیرند و کسی که الفت بگیرد و الفت‌پذیر نباشد از خیر و برکت بی‌بهره است» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۲۸۵).

-تکریم و احترام

یکی از مبانی انسان‌شناختی در اسلام کرامت نفس انسانی است. خداوند تذکر و راهنمایی‌های خود را همراه با بیان کرامت و برتری روح و جوهره انسانیت یادآور می‌شود (اسراء: ۷۰). ائمه علیهم‌السلام نیز بنای اصلاحات و هدایت خود را بر حفظ شأنیت و کرامت انسانی افراد قرار داده‌اند. از این‌رو در تعاملات و رابطه خود با افراد همواره در تلاش بوده‌اند عزت نفس و حرمت افراد حفظ و تقویت شود. با تکریم افراد و تقویت عزت نفس در آنها، فرد به ارزش ذاتی خود پی می‌برد و جرئت و اعتماد به نفس لازم برای ابراز وجود و ناهم‌نوایی با گروه در او ایجاد می‌شود. همچنین اگر تطمیع و منافع مادی باعث شده تا فرد برای حفظ منافع زودگذر نظرات نادرست گروه را بپذیرد با درک ارزش وجودی خود ارزش منافع گذرای حضور در گروه برای او بی‌ارزش می‌شود و هم‌نوایی نامطلوب فرد با گروه کاهش می‌یابد. امام حسین علیه‌السلام در ماجرای کربلا و بیعت نکردن با یزید، درباره عزت نفس و دوری از ذلت، سخن‌های فراوانی دارند. برای نمونه می‌فرمایند: «موت فی عزة خیر من حیاة فی ذل» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۱۹۲)؛ مرگ با عزت، بهتر از زندگی با ذلت است. ایشان پذیرش عقاید

تحت تأثیر عقاید گروه قرار می‌گیرد، در نتیجه، با گروه همراهی می‌کند. در این نوع هم‌نوایی، دیگر دستگاه شناخت فرد دچار مشکل نشده و ضرورتاً نیازی به تقویت بعد شناختی نیست، بلکه باید با شیوه‌های گوناگون و از بعد عاطفی و انگیزشی، بر نگرش فرد تأثیر گذاشت و با پدیده هم‌نوایی مواجه شد (فرانزوی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۴).

نگرش را به دو دسته آشکار و ضمنی می‌توان تقسیم کرد. نگرش‌های آشکار، رفتارهای عمدی، کنترل‌شده و آشکار را پیش‌بینی می‌کنند و نگرش‌های ضمنی، رفتارهایی غیرقابل کنترل، پنهان و ناهشیار را پیش‌بینی می‌کنند. فرایندهای شکل‌گیری نگرش آشکار، مناسب رویکردهای شناختی و باور محور است، ولی فرایندهای شکل‌گیری نگرش ضمنی، ماهیت عاطفی دارند (وارگاس، ۲۰۰۴، ص ۲۷۵-۲۹۰). به بیان دیگر، رفتارهای آشکار و خودآگاه افراد تحت تأثیر شناخت آنهاست، ولی رفتارهای ناخودآگاه آنها متأثر از عواطف و احساسات آنهاست. بنابراین گاهی عوامل عاطفی به صورت ناخودآگاه علت هم‌نوایی افراد می‌شود. با این توضیح، می‌توان گفت ائمه اطهار علیهم‌السلام در مواردی که افراد از قوه شناخت عالی برخوردار نبودند و یا اینکه علل عاطفی و انگیزشی باعث بروز هم‌نوایی بود از بعد عاطفی با این پدیده روبه‌رو می‌شدند. ائمه اطهار علیهم‌السلام با روش‌های زیر با تأثیر بر بعد عاطفی افراد پدیده هم‌نوایی را مدیریت می‌کردند.

-مهربانی و محبت

یکی از شیوه‌های تأثیر و نفوذ در افراد ابراز محبت به آنهاست. زمانی که فرعون طغیان و ادعای الوهیت کرد، خداوند به حضرت موسی و برادرش هارون دستور داد تا با ملایمت و آرامی با فرعون سخن بگویند (طه: ۴۲-۴۴). روشن است که فرعون مدعی الوهیت با داشتن روحیه خشن و تند هرگز دعوت همراه با خشونت را نمی‌پذیرفت و به انکار و تندی خود می‌افزود. بنابراین خداوند حضرت موسی را به صحبت نرم و آرام و همراه با محبت توصیه می‌کند. به اعتقاد روان‌شناسان، هرگاه یک موضوع نگرشی همراه با یک محرک عاطفی مثبت یا منفی همراه شود حس عاطفی مثبت یا منفی به نگرش تعمیم داده می‌شود (بارون و بایرن، ۱۹۹۷). نمونه‌ای از این تأثیر ناخودآگاه تجربه احساس خوشایند بر نگرش افراد، در ابراز محبت به وقوع می‌پیوندد. نرم‌خویی پیامبر (آل عمران: ۱۵۹)،

اندیشمندان نظریه یادگیری اجتماعی، مهم‌ترین نوع یادگیری انسان را می‌توان یادگیری مشاهده‌ای دانست (سیف، ۱۳۷۰، ص ۲۱۲). یادگیری مشاهده‌ای، در حقیقت همان روش الگویی است. تلاش ائمه (ع) در تغییر نگرش افراد در بعد رفتاری را می‌توان در سه شیوه الگودهی، الگوپردازی و الگودایی بیان کرد.

الف. الگودهی

منظور از الگودهی ارائه الگوهای مثبت و واقعی است که در خارج تحقق یافته و قابل مشاهده است. گاهی الگودهی با معرفی کردن افراد دیگر به عنوان انجام می‌شود (ممتحنه: ۶ و ۴) و گاهی خود فرد رفتار و صفات مطلوب را به صورت عملی به دیگران نشان می‌دهد. امام صادق (ع) در همین مورد می‌فرماید به غیر کلام‌تان دیگران را دعوت کنید (کلینی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۸۳، ح ۱۴). رفتار ائمه اطهار (ع) الگوی عملی تعاملات اجتماعی صحیح در جامعه اسلامی محسوب می‌شود. ائمه اطهار (ع) خود یک الگوی عینی و عملی در ثبات و استواری قدم بودند و با وجود فشارها و تهدیدات فراوان جانی، مالی و روانی هرگز از عمل به اعتقاد راستین خود دست برنداشتند و هیچ‌یک از تمایلات مادی و معنوی برای ایشان مانع عمل به حقیقت نبود. ثبات قدم امیرالمؤمنین علی (ع) در پایداری به سیره پیامبر و پشت پا زدن به پذیرش بالاترین منصب رسمی جامعه، نقطه اوج ناهم‌نوایی با افکار انحرافی جامعه است (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۲، ح ۵۵۷؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۵؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۲). دیگر ائمه (ع)، از جمله امام حسین (ع) نیز نمونه‌های برجسته استقامت در برابر نگرش نادرست فراگیر در سطح جامعه به حساب می‌آیند. روش الگودهی در شکل‌دهی به نگرش افراد بسیار تأثیرگذار است. امام علی (ع) به استفاده از این روش برای اصلاح نگرش تأکید دارند: «ادب کردن دیگران باید به کردار باشد، نه به گفتار» (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، ص ۴۸۰).

ب. الگوپردازی

در شیوه الگوپردازی، با بیان و توصیف ویژگی‌های الگوی مطلوب، به ایجاد نگرش مثبت از الگوی مورد نظر در اذهان پرداخته می‌شود. بیان ویژگی‌های «مؤمنون»، «متقون»، «مهمتدون»، «اولو الالباب»، «مفلحون»، «عباد الرحمن» و... نمونه‌هایی از الگوپردازی در قرآن کریم

نگرش‌های مخالف با عقاید باطنی و برحق خود را خلاف عزت نفس می‌دانند. به عبارتی هم‌نوایی با باطل را نوعی ذلت می‌شمارند که کرامت انسانی را خدشه‌دار می‌کند؛ بنابراین ائمه اطهار (ع) در سیره خود با تقویت عزت نفس و تکریم انسان‌ها، آنها را در مقابل هم‌نوایی و پذیرش عقایدی برخلاف عقاید باطنی خود مصون می‌کردند.

ـ شهامت دادن

شهامت بخشیدن به افراد و تحریک حس شجاعت باعث می‌شود فرد خطرات احتمالی ناهم‌نوایی نامطلوب با گروه را بپذیرد و به سکوت خود در قبال نظرات نادرست گروه پایان دهد. شهامت دادن ایجاد تمایل و جسارت در افراد است تا بر عقاید به حق خود پابرجا بمانند، و به منظور کسب منافع ناچیز مادی، از مواضع به حق خود کوتاه نیایند. امیرالمؤمنین علی (ع) در خطبه اول نهج البلاغه در بیان ویژگی‌های پیامبران می‌فرماید: «کمی نفرت و زیادی دشمنان و تکذیب‌کنندگان، آنها را از انجام وظایف باز نمی‌داشت». در این سخنان ناهم‌نوایی با گروه باطل از ویژگی بزرگ‌مردان تاریخ ذکر شده است. در روایتی دیگر از پیامبر خدا (ص) این گونه می‌خوانیم که «محبوب‌ترین جهاد نزد خداوند عزوجل، سخن حقی است که به پیشوای ستمگر گفته شود» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۵۱). درواقع، گفتن سخن حق در برابر کانون قدرت و خشونت نوعی جهاد به‌شمار می‌آید. این بیانات اوج ناهم‌سویی با باطل را ترسیم می‌کند و با بیان ارزش آن، شجاعت و شهامت این رفتار را به جامعه تزریق می‌کند.

امیرالمؤمنین علی (ع) زمانی که یک جمع نخبگانی برای نصب جانشین خلیفه دوم تشکیل شده بود و شرط خلافت و جانشینی را پابندی به سنت شیخین اعلام کردند با شجاعت و صلابت تمام با نظر این گروه به اصطلاح نخبگانی مخالفت کردند، بر عقیده خود مقتدرانه پافشاری کردند و تنها عمل به کتاب و سنت نبی را پذیرفتند (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۲، ح ۵۵۷؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۵؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۲). ناهم‌نوایی با این گروه، منجر به عدم نصب ظاهری حضرت امیر به مقام ولایت و خلافت شد. این سیره به عنوان نمونه شهامت‌ورزی در ناهم‌نوایی با افکار نادرست گروه قابل ملاحظه است.

۳-۱-۵. بعد رفتاری

در بعد رفتاری تغییر نگرش با روش الگویی اتفاق می‌افتد. از منظر

۵-۲. موقعیت‌سنجی و حل موانع

همان‌گونه که گفته شد در نوع دوم هم‌نوایی که هم‌نوایی هنجاری نامیده می‌شود افراد در شناخت واقعیت ناتوان نیستند و حقیقت امور را درک می‌کنند، ولی به دلایل متفاوت حقیقت را مخفی یا انکار می‌کنند. در این‌گونه موارد افزایش شناخت در افراد لازم نیست. باید عوامل بروز این تمایلات را شناسایی کرد و درصدد اصلاح برآمد. بروز این تمایلات ممکن است به دلایل گوناگونی از جمله نیازهای مادی مانند فقر و کمبود اقتصادی و احساس ناامنی و یا دیگر فشارهای اجتماعی رخ دهد. بنابراین رفع نیازها روش مهمی برای جلوگیری از هم‌نوایی نامطلوب است. ائمه علیهم‌السلام با تشخیص این موارد و به عبارتی موقعیت‌سنجی به پاسخ‌گویی متناسب با نیازها می‌پرداختند و درصدد رفع موانع هم‌نوایی مطلوب در جامعه بودند.

در بعضی مواقع نیازهای مادی و فقر باعث می‌شود افراد جرئت لازم برای ناهم‌نوایی با نگرش‌های نامطلوب را نداشته باشند. ائمه علیهم‌السلام با اعطای حقوق مالی و دستگیری از افراد سعی در رفع نیازهای آنها دارند. خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهِ وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ...» (توبه: ۶۰). «مؤلفه قلوبهم» یعنی کسانی که انگیزه معنوی نیرومندی برای همراهی با دین‌داران را ندارند و با تشویق مالی می‌توان تألیف قلوب، و جلب محبت نمود.

توصیه به دیدوبازدید (کلینی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۴۰)، کمک به یکدیگر در شرایط دشوار (کلینی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۵۹، ۱۵۷، ۱۵۴)، عیادت از بیماران (کلینی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۴۱)، تسلیت دادن به داغ‌دیدگان (کلینی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۳۶)، ناظر به رفع نیازهای افراد است که می‌تواند بر نگرش‌های آنها تأثیر گذارد.

نمونه‌ای دیگر از موقعیت‌سنجی و توجه به علل نگرش و رفتار و حل موانع را می‌توان در رفتار امام حسن مجتبی علیه‌السلام مشاهده کرد. مردی از اهل شام می‌گوید، در مدینه مردی زیبا و خوش‌لباس دیدم از آن مرد خوشم آمد. وقتی فهمیدم ایشان امام حسن علیه‌السلام هستند به او و پدرش دشنام دادم. هنگامی که سخن من تمام شد آن حضرت به من گفت: فکر کنم تو در این شهر غریب هستی و شاید اشتباه کرده‌ای، اگر درصدد جلب رضایت ما هستی از تو راضی هستیم و اگر چیزی از ما بخواهی به تو می‌دهیم و اگر راهنمایی و ارشاد بخواهی ارشادت می‌کنیم و اگر برای برداشتن بارت از ما کمک بخواهی بارت را برمی‌داریم، اگر گرسنه‌ای سیرت کنیم، اگر برهنه‌ای پوشانیمت و اگر نیازمندی بی‌نیازت گردانیم، اگر آواره‌ای در پناه

می‌باشد. قرآن کریم در الگوپردازی از افرادی که با پیامبر هم‌نوا شدند با توصیف ویژگی‌های آنها به رستگاران، به ایجاد نگرش مثبت از این افراد در مردم می‌پردازد. خداوند می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ... فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف: ۱۵۷)؛ آنان که از فرستاده خدا پیامبر امی پیروی می‌کنند... کسانی که به او ایمان آوردند و حمایت و یاری‌اش کرده و از نوری که با او نازل شده پیروی کردند، آنان رستگاران‌اند.

ج. الگودایی

در روش الگودایی ویژگی‌های الگوها و شخصیت‌های منفی را بیان می‌کنند تا نگرش منفی در افراد، نسبت به آن الگو ایجاد شود. امام علی علیه‌السلام شناخت هدایت را در گرو شناخت ضلالت و گمراهی می‌داند و می‌فرماید رستگاری را نخواهید شناخت، مگر آنکه واگذارنده آن را بشناسید و هرگز به پیمان قرآن وفادار نخواهید بود، مگر اینکه پیمان‌شکنان آن را بشناسید... (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۳۶۷، ح ۳۴). آیات و روایات فراوانی با بیان ویژگی‌های افراد منافق، کذاب، ظالم و... به صورت غیرمستقیم نگرشی منفی از این الگوها در افراد ایجاد می‌کنند. توصیف عواقب و پیامدهای سوء برخی رفتارها نیز در راستای تغییر نگرش در افراد صورت می‌گیرد (برای نمونه، ر.ک. بقره: ۲۵ و ۸۲؛ رعد: ۲۹؛ انعام: ۴۵؛ انفال: ۲۵؛ سبا: ۱۹ و ۴۲).

امام صادق علیه‌السلام با بهره‌گیری از کلام پیامبر می‌فرماید: «با بدعت‌گذاران رفاقت نکنید و با آنها هم‌نشین نشوید که نزد مردم مانند یکی از آنها خواهید بود! رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: انسان پیرو دین‌دوست و رفیقش است» (کلینی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۶۴۲ ح ۱۰). به بیان دیگر، پیامد هم‌نشینی با گروه‌هایی که از نظر فکری منحرف هستند را انحراف افراد بیان می‌کنند. حضرت علی علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «هم‌نشینی با خوبان، بدان را به خوبان ملحق می‌کند؛ و هم‌نشینی نیکان با بدان، نیکان را به بدان ملحق می‌سازد... کسی که وضع او برای شما مبهم است و از دین او آگاه نیستید، به دوستان و هم‌نشینانش نگاه کنید، اگر با دوستان خدا هم‌نشین است او را از مؤمنان بدانید؛ و اگر با دشمنان حق است، او را از بدان بدانید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۱۹۷). این روایات به صراحت تأثیر گروه در افراد را بیان کرده، با برشمردن آثار و پیامدها، نگرش افراد را نسبت به این واقعیت اجتماعی تغییر می‌دهند.

و تحت تأثیر آن قرار گیرد. هم‌نوایی افراد با عقاید به‌حق گروه‌ها مطلوب اجتماعی است، ولی هم‌نوایی افراد با عقاید نادرست و ضد ارزش، از معضلات اجتماعی است. ائمه (ع) به‌عنوان مصلحان اجتماعی و با علم به این پدیده روان‌شناختی - اجتماعی، شیوه‌های راهگشایی در مواجهه با این کنش اجتماعی دارند. این شیوه‌ها را می‌توان در دو دسته تغییر نگرش و موقعیت‌سنجی و رفع موانع دسته‌بندی کرد. همچنین تا آنجا که به تغییر نگرش مربوط می‌شود، ائمه (ع) در بعد شناختی با روش تفکر و استدلال و مطالعه احوال گذشتگان درصدد تقویت قوه تشخیص در راستای تغییر نگرش بودند. در بعد عاطفی با روش‌های ابراز محبت، تکریم و احترام و شهامت دادن به تغییر نگرش اهتمام داشتند. در بعد رفتاری نیز با سه روش الگودهی، الگوپردازی و الگوزدایی به تغییر نگرش در مردم مبادرت می‌ورزیدند. در روش موقعیت‌سنجی نیز زمینه‌های محیطی، مشکلات اقتصادی و یا ناامنی که باعث شکل‌گیری هم‌نوایی نامطلوب در افراد می‌شود را شناسایی کرده و به رفع موانع پرداخته‌اند.

خوشت گیریم، و اگر خواسته‌ای داری انجامش دهیم و اگر مرکب و بارونه‌ای را به خانه ما انتقال دهی و تا وقتی که قصد رفتن داری مهمان ما باشی برای ما آسان‌تر و محبوب‌تر است. این برخورد آنچنان زلزله در وجود این شخص به وجود آورد که با چشمان گریان گفت: «گواهی می‌دهم که به‌راستی تویی خلیفه خدا بر روی زمین و خدا دانای‌تر است که رسالت خود را در چه جایی قرار دهد و تو و پدرت، مبعوض‌ترین خلق خدا نزد من بودید و اکنون تو محبوب‌ترین خلق خدا پیش من هستید» درنهایت آن مرد از دوستان آن خاندان شد (شوشتری، ۱۳۲۶، ج ۱۱، ص ۱۱۷-۱۱۹؛ این شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۹).

موقعیت‌های اجتماعی دیگری که باعث می‌شود افراد برخلاف عقاید خود با دیگران هم‌نوایی کنند، نبود امنیت و وجود خطرات جانی، مالی و آبرویی است که افراد را تهدید می‌کند. این موقعیت در زمان زندگی ائمه (ع) زیاد به وجود می‌آمد. ائمه (ع) با در نظر گرفتن قدرت نظامی و اجتماعی شیعیان به دو شیوه از وقوع هم‌نوایی باطل ممانعت می‌کردند. در موقعیتی که تشیع قدرت نظامی یا اجتماعی برتری نداشت و خطرات جانی و مالی جدی بود، تقیه را تجویز می‌کردند و افراد با تقیه و ابراز هم‌نوایی ظاهری با جامعه و پایبندی مخفیانه قلبی به عقاید برحق خود از خطرات مصون می‌ماندند. این شیوه در طول تاریخ، موقعیت‌های زیادی را نصیب تشیع کرد. برای نمونه، افراد بسیاری با ارشاد و توصیه ائمه (ع) در دستگاه قدرتمند و تأثیرگذار خلفا نفوذ می‌کردند و با ابراز هم‌نوایی ظاهری و تقیه، در پیشبرد اهداف نظام حق تلاش می‌کردند. برای نمونه به نفوذ افرادی در دستگاه خلافت عباسی در زمان امام موسی کاظم (ع) می‌توان اشاره کرد که به‌ظاهر با سران قدرت هم‌نوایی می‌کردند، ولی درواقع بر نگرش خود پابرجا بودند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۷۴-۲۷۵)، ولی در زمانی که تشیع از قدرت اجتماعی برخوردار بودند و خطر جدی آنها را تهدید نمی‌کرد، دیگر نیازی به تقیه احساس نمی‌شد؛ با شجاعت از عقاید خود دفاع می‌کردند و به تبلیغ و گسترش آشکار مبانی و اصول فکری خود می‌پرداختند. یکی از دوران‌های اوج قدرت تشیع در زمان امام صادق و امام باقر (ع) بود که نشر و تبلیغ عقاید به‌راحتی صورت می‌گرفت.

نتیجه‌گیری

هم‌نوایی افراد با گروه‌ها از واقعیات حاکم بر تعاملات اجتماعی است. هم‌نوایی، یعنی فرد آگاهانه یا ناآگاهانه، اعتقادات گروه و جمع را بپذیرد

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (۱۳۹۵). تصحیح صبحی صالح. قم: مرکز البحوث الاسلامیه.
- آذربایجانی، مسعود و دیگران (۱۳۸۲). روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آلپورت، گوردن و جونز ادواردی (۱۳۷۱). روان‌شناسی اجتماعی از آغاز تا کنون. ترجمه محمدتقی منشی طوسی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۴۱۲ق). مناقب آل ابی طالب. قم: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵ق). الکامل فی التاریخ. بیروت: دار صادر.
- ابن خنبل، احمد بن (بی تا). مسند احمد. قاهره: مؤسسه قرطبه.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۰ق). الامامة والسیاسة. تحقیق علی شیری. بیروت: دار الاضواء.
- اسالیوان، تام و دیگران (۱۳۸۵). مفاهیم کلیدی ارتباطات. ترجمه میرحسین رئیس زاده. تهران: فصل نو.
- بیرو، آلن (۱۳۸۰). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷). لغتنامه دهخدا. زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران.
- راسخ، کرامت‌الله (۱۳۹۱). فرهنگ جامع جامعه‌شناسی و علوم انسانی. جهرم: دانشگاه آزاد اسلامی.
- روشه، گی (۱۳۸۸). کشش اجتماعی. ترجمه هما زنجانی زاده. تهران: سمت.
- سالاری، فرح و محمدرضا و دیگران (۱۴۰۱). روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی کجروی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سیف، علی اکبر (۱۳۷۰). روان‌شناسی پرورشی. تهران: آگاه.
- شوشتری، نورالله (۱۳۲۶). ملحقات احقاق الحق. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: اسماعیلیان.
- طبری، محمد بن جریر (۱۹۷۰م). تاریخ الامم و الملوک. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: دار المعارف.
- فرانزوی، استفن ال (۱۳۸۱). روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه مهرداد فیروزبخت و منصور قنادان. تهران: رسا.
- فرگاس، جوزف پی (۱۳۷۳). روان‌شناسی تعامل اجتماعی. ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت. تهران: ابجد.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۷ق). المحجة البيضاء. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۱). روان‌شناسی اجتماعی. تهران: ارسباران.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۰). اصول کافی. تهران: فرهنگ اهل بیت (ع).
- متقی هندی، حسام‌الدین (۱۴۰۹ق). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت: مؤسسه الرسالة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. تحقیق جمعی از محققان. ج دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۱ق). مروج الذهب و معادن الجواهر. تحقیق و تعلیق سعید محمد اللحام. بیروت: دار الفکر.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۳۷۴). الجمل. تحقیق سیدعلی میرشریفی. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). الإرشاد. قم: کنگره شیخ مفید.
- میرعرب، فرج‌الله و کریمی، محمدکاظم (۱۳۹۴). درآمدی بر هم‌نوایی اجتماعی از منظر قرآن کریم. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۸، ۷۱-۹۱.
- میرعرب، فرج‌الله (۱۳۹۹). تأثیر روابط خویشاوندی در هم‌نوایی اجتماعی محبت‌بنیان از منظر قرآن. اسلام و علوم اجتماعی، ۳۳، ۵۷-۷۷.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی تا). تاریخ یعقوبی. بیروت: دار صادر.
- Ajzen, I., c. Timco & j.b. white (1982). self-monitoring and the attitude-behavior relation. *Jornal of personality and Social Sychology*, 52, 426-435.
- Alkcock, J.E. & others (2000). *A Textbook of social psychology*. Pearson Canada.
- Baron, R. A. & D. Byrne (1997). *Social Psychology*. 8th ed, Allyn and Bacon.
- Hovland, C. L. & others (1940). Minor Studies in Aggression: VI. Correlation of lynchings with Economic Indices. *Journal of Psychology*, 9, 301-310.
- Petty, R. E., Haugtvedt, C. P., & Smith, S. M (1995). Elaboration as a determinant of attitude strength. In R. E. Petty & J. A. Krosnick (eds.), *Attitude strength: Antecedents and consequences*, Lawrence Erlbaum Associates.
- Sears, David and others (1985). *Social Psychology*. Prentice-Hall.
- Vargos, P. T, (2004). The Relationship between Implicit Attitudes and Behavior: Some Lessons from the past and Directions for the future. *Contemporary Perspectives on Psychology of Attitudes*. London: Psychology Press, Taylor & Francis.

The Position and the Role of Culture Building Strategy in Increasing Fertility and Population

Esmail Cheraghi Kutiani  / Assistant Professor at the Department of Sociology, the Imam Khomeini Institute for Education and Research

Received: 2025/02/04 - Accepted: 2025/04/21

esmaeel. cheraghi@gmail. com

Abstract

The low rate of fertility and population is considered as a multifaceted issue. However, this is more a cultural phenomenon than a demographic one. Thus, just as low fertility spread through culture in Iran decades ago, the way to tackle this problem is through culture. Culture building is one of the most important strategies for increasing fertility and population. Policymakers cannot ignore cultural strategies when designing population growth models. Culture's profound impact on shaping social worlds and meaning systems makes culture building essential in this regard. Therefore, this study tries to examine the position of culture building in boosting fertility and population. Using descriptive-analytical method, the data were collected via documentary and library sources. The findings indicate that culture building strategy through promoting Islamic lifestyle, timely and easy marriage, condemning celibacy, reforming the consumption model, utilizing the supportive capacity of the elderly, normalizing the culture of having large families, discouraging divorce, and promoting natural childbirth effectively increase fertility.

Keywords: culture, strategy, culture building, fertility, population.

نوع مقاله: ترویجی

جایگاه و نقش راهبرد فرهنگ‌سازی در افزایش باروری و جمعیت

esmaeel.cheraghi@iki.ac.ir

اسماعیل چراغی کوتیانی  / استادیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۶ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

چکیده

موضوع کم‌فرزندآوری و کاهش باروری، دارای ابعاد و زوایای گوناگون است. با این همه، اما بیش از آنکه مسئله‌ای جمعیت‌شناختی باشد، پدیده‌ای فرهنگی است. از این‌رو راه برون‌رفت از آن نیز از سنخ امر فرهنگی است. همان‌گونه که کم‌فرزندآوری در دهه‌های پیشین فرایندی بود که از طریق فرهنگ در جامعه ایرانی، اشاعه یافت. یکی از مهم‌ترین راهبردهای فرهنگی برای افزایش باروری و جمعیت، فرهنگ‌سازی است. سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در طراحی، تدوین و اجرای الگوی افزایش جمعیت، از فرهنگ‌سازی بی‌نیاز نیستند. اهمیت و ضرورت فرهنگ‌سازی در موضوع افزایش باروری از آن جهت است که مسئله فرهنگ بر شکل‌گیری جهان اجتماعی و نظام‌های معنایی متفاوت تأثیری شگرف دارد. از این‌رو در این نوشتار تلاش شده است تا جایگاه فرهنگ‌سازی در افزایش باروری و جمعیت، مورد بررسی قرار گیرد. داده‌های پژوهش به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و با کاربرست روش توصیفی و تحلیلی، پردازش شده‌اند. یافته‌ها بیانگر این است که راهبرد فرهنگ‌سازی از طریق ترویج سبک زندگی اسلامی، ترویج ازدواج بهنگام و آسان، نکوهش تجرد، اصلاح الگوی مصرف، بهره‌گیری ظرفیت حمایتگری سالمندان، اشاعه گفتمان خانواده پرفرزند، تقبیح طلاق و فرهنگ‌سازی برای زایمان طبیعی بر افزایش باروری تأثیر می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، راهبرد، فرهنگ‌سازی، باروری، جمعیت.

مقدمه

فرهنگی در سه مرحله تولید، توزیع و مصرف کالاهای فرهنگی رخ داده و زمینه برای تغییر نگرش‌ها، باورها، ایدئولوژی‌ها، انتقال اطلاعات و سبک‌های زندگی در فرایند انطباق افراد با محیط را فراهم می‌آورد (Bennet, 1973, p. 313). یکی از شاخص‌های مهم فرهنگ‌سازی، تثبیت مؤلفه‌های فرهنگ است. از این رو فرهنگ‌سازی به تغییر رویه‌های مقطعی و زودگذری که بر اثر پُر واک اجتماعی ایجاد شده باشند، اطلاق نمی‌شود. بر این اساس، فرهنگ‌سازی از هر طریقی که پدید آید باید به گونه‌ای صورت پذیرد که ارزش‌ها، ایده‌ها، سنت‌ها و سبک‌های شاخص به‌عنوان بنیادهای فرهنگ تداوم، استمرار و تثبیت یابند (Lull, 1988, p. 7-15). به‌هررو، منظور از فرهنگ‌سازی در اینجا، عبارت است از: اشاعه و تثبیت هرگونه عناصر و مجموعه‌های فرهنگی که به افزایش باروری و جمعیت کمک می‌کند.

اهمیت و ضرورت فرهنگ‌سازی در موضوع افزایش جمعیت از آن جهت است که مسئله فرهنگ بر شکل‌گیری جهان اجتماعی و نظام‌های معنایی متفاوت تأثیری شگرف دارد. به تعبیر برخی اندیشمندان «فرهنگ می‌تواند تبیین کند چرا افراد یا جوامعی که به‌ظاهر از نظر اقتصادی در شرایط یکسانی به سر می‌برند، ولی از نظر آداب و رسوم و زبان متفاوت هستند، در زمینه‌های جمعیتی، متفاوت عمل می‌کنند. فرهنگ می‌تواند توضیح دهد که چرا یک منطقه در طول زمان از نظر جمعیتی، یکسان عمل می‌کند، هرچند شرایط اقتصادی آنان تغییر می‌یابد. به‌کارگیری فرهنگ، به‌عنوان مبانی تحلیل، می‌تواند زمینه‌های تبیین را به سطحی بالاتر ارتقاء دهد» (hammel, 1990, p. 455).

آنچه در فرایند فرهنگ‌سازی در موضوع جمعیت مورد تأکید است، آشکارسازی نقش ارزش‌ها و نظام‌های معنایی در شکل‌گیری رفتارهای باروری و بعد مطلوب خانواده است. فرایند فرهنگ‌سازی، می‌کوشد تأثیر زمینه اجتماعی و فرهنگی رفتار باروری را در نظر گرفته و بر عواملی که در ایجاد و تغییر این ارزش‌ها و نظام‌های معنایی مهم‌اند، تأکید کند.

اهمیت فرهنگ‌سازی در موضوع افزایش جمعیت به میزانی است که رهبر معظم انقلاب به‌صورت ویژه بر آن تأکید دارند. ایشان ضمن تأکید بر اهمیت فرهنگ‌سازی در حوزه جمعیت، از انجام نشدن کار صحیح فرهنگی اظهار تأسف می‌کنند. ایشان معتقدند: می‌خواهیم مسئله به شکل عمیق و علمی حل بشود؛ گره‌های

موضوع جمعیت، موضوعی متأثر از ساختارهای فرهنگی است. این بدان معناست که مسئله جمعیت پیش از آن زاینده اقتصاد و یا سیاست باشد، اثرپذیر از فرهنگ و عناصر فرهنگی، به‌ویژه اجرای الگوهای نوسازی غربی در ساخت‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. از این رو مواجهه با مسئله فرهنگی، از مسیری فرهنگی باید پی گرفته شود. گفتمان کم‌فرزندآوری، در دهه‌های پیشین از طریق فرهنگ در جامعه ایرانی، اشاعه یافت؛ از این رو راه حل مسئله‌مندی جمعیت نیز از مسیر دگرگونی‌های فرهنگی امکان‌پذیر است. بنابراین باید پذیرفت که بازگشت‌پذیری وضعیت کنونی نه نیازمند به اصلاحات تک‌ساختی، مقطعی و کوتاه مدت که وابسته به سامان‌دهی ساختارهای شالوده‌ای و تحولات گفتمانی است که فرصتی فراخ را می‌طلبد. این امر، نشانگر اهمیت و ضرورت توجه به فرایندهای سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی است.

پیش‌فرض اساسی نوشتار این است که امروزه هم موضوع جمعیت و هم مسیرهای افزایش آن به‌مثابه موضوعی راهبردی باید نگریسته شود. منظور از راهبرد، هرگونه سیاست، برنامه یا یک طرح کلان به منظور سازماندهی و مدیریت اقدامات گوناگون برای دستیابی به اهداف مشخص و بلندمدت با توجه به تغییرات محیطی و شکل دادن به آینده و کنترل آن است. از این رو یک راهبرد بهینه، حاوی تعریف هدف بلندمدت، راهکارهای دستیابی به آن، چگونگی به‌کارگیری ظرفیت‌های گوناگون و پیش‌بینی منابع لازم است (انوری، ۱۳۸۱، ص ۲۶۸). بنابراین در موضوع افزایش جمعیت و باروری نگرش راهبردی به‌معنای، تدوین سیاست‌ها و طرح و برنامه‌ها به‌گونه‌ای است که همه اقدامات برای رسیدن به این هدف مهم را مدیریت کرده و راهبردها و راهکارهای دستیابی به آنها را بیان کند.

یکی از مهم‌ترین راهبردهای فرهنگی برای افزایش باروری و جمعیت، فرهنگ‌سازی است. منظور از فرهنگ‌سازی، فرایند نهادینه‌سازی و تثبیت مؤلفه‌های فرهنگ در جامعه است. برخی اندیشمندان فرهنگ‌سازی را مظهر تعامل بین ساختار ذهنی اقناع‌کننده و پایدار به‌عنوان ژرفای فرهنگ و پوسته فرهنگی لایه‌های زندگی روزمره دانسته‌اند (Lull, 2000, p. 130). از رهگذر این تعامل است که مؤلفه‌های فرهنگ در جامعه اشاعه یافته و تثبیت می‌شوند. این تعامل از طریق واسطه‌های

و راهکارهای افزایش جمعیت پرداخته است. کتاب *رسانه ملی و تغییر سیاست جمعیتی؛ مسئله‌شناسی، راهبردها و سیاست‌ها* (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۱) به بحث از راهبردهای افزایش جمعیت پرداخته است. این اثر که حاصل گفت‌وگوی نویسنده با تعدادی از صاحب‌نظران حوزه جامعه‌شناسی و رسانه است، صرفاً بر راهبردهای رسانه‌ای برای افزایش جمعیت تمرکز کرده است. کتاب فرصت جمعیت؛ چشم‌انداز تحولات جمعیت در ایران (فولادی، ۱۳۹۹) نیز در پایان فصل چهارم خود به برخی از راهبردها و راهکارهای افزایش باروری با عطف توجه بر راهبردهای اجتماعی - فرهنگی و راهبردهای اقتصادی پرداخته است. با این همه آنچه این اثر را از نگاشته‌های پیشین متمایز می‌کند، تمرکز بر «فرهنگ‌سازی» به‌عنوان یکی از راهبردهای فرهنگی افزایش باروری و جمعیت است.

۱. جایگاه فرهنگ‌سازی در افزایش باروری و جمعیت

موضوع باروری و جمعیت، موضوعی چندبعدی بوده و فرهنگ و ساختارهای فرهنگی جایگاه و نقشی تعیین‌کننده در دگرگونی‌های آن، ایفا می‌کنند. شناخت دقیق این جایگاه، می‌تواند به مردم، سیاست‌گذاران و متولیان امر جمعیت در پیشبرد الگوی افزایش یاری رساند. فرهنگ‌سازی هم می‌تواند توسط خود مردم و گروه‌های مختلف اجتماعی و هم توسط حکومت‌ها، تحقق پذیرد، اما از آنجاکه موضوع فرهنگ‌سازی امروزه به‌سبب نقش تأثیرگذار رسانه‌های ارتباطی در اشاعه فرهنگ از یک‌سو و انحصار ابزار پیشرفته ساخت و انتشار فرهنگ در دست حکومت‌ها، از سوی دیگر است. در اینجا بیشتر بر نقش سیاست‌گذاران جمعیتی و مسئولان و متولیان امر فرهنگ، در فرهنگ‌سازی تأکید می‌شود. در ادامه به جایگاه و نقش فرهنگ‌سازی در راستای افزایش جمعیت پرداخته می‌شود.

۱-۱. ترویج سبک زندگی اسلامی

بیش از هر راهکار فرهنگی برای حل مسائل اجتماعی به‌صورت عام و مسئله جمعیت به‌صورت خاص، ترویج سبک زندگی و گسترش فرهنگ دینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا ارزش‌ها و باورهای دینی، حمایتگر و توصیه‌کننده به تشکیل خانواده، تکثیر نسل و فرایندهای آن هستند. بنابراین همه آحاد جامعه به‌صورت عام و دولت اسلامی به‌صورت خاص، باید در راستای ترویج سبک

ذهنی‌ای که وجود دارد باز بشود، حقیقت قضیه روشن بشود... از گذاشتن قانون به‌نظر من مهم‌تر است؛ چون فرهنگ‌سازی در این مسئله مثل خیلی از مسائل دیگر اجتماعی، حرف اول را می‌زند؛ باید فرهنگ‌سازی بشود که متأسفانه امروز این فرهنگ‌سازی نیست، تعطیل است؛ با اینکه حالا گفته شده، ما هم گفته‌ایم، دیگران هم گفته‌اند، در مجلس هم مطرح شده، بعضی‌ها هم کم و بیش اینجا و آنجا بحث می‌کنند، لکن کار فرهنگی به‌معنای صحیح انجام نگرفته (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای همایش ملی تغییرات جمعیتی، ۱۳۹۲/۸/۶).

ایشان ضمن اشاره به نتایج بررسی علمی و کارشناسی دقیق مبنی بر کاهش و سالمندی جمعیت در آینده نزدیک، همه مسئولان و نیز روحانیت را بر انجام کار فرهنگی تکلیف کرده و تأکید می‌کنند که:

اینها چیزهای خطرناکی است؛ اینها را بایستی مسئولان کشور بجد نگاه کنند و دنبال کنند. در این سیاست تحدید نسل حتماً بایستی تجدیدنظر شود و کار درستی باید انجام بگیرد. این مسئله افزایش نسل و اینها جزو مباحث مهمی است که واقعاً همه مسئولان کشور - نه فقط مسئولان اداری - روحانیون، کسانی که منبرهای تبلیغی دارند، باید در جامعه درباره آن فرهنگ‌سازی کنند (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران، ۱۳۹۱/۵/۳).

نظر به اهمیت موضوع فرهنگ‌سازی در موضوع افزایش باروری و جمعیت، در این نوشتار تلاش شده است تا به پرسش از «نقش فرهنگ‌سازی در افزایش باروری و جمعیت» پاسخ داده شود. در این میان به نقش سیاست‌گذاران و متولیان فرهنگ در راستای فرهنگ‌سازی موضوع افزایش باروری و جمعیت نیز پرداخته شده است. گردآوری داده‌ها و اطلاعات به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و در پردازش داده‌ها از شیوه توصیفی و تحلیلی استفاده شده است.

علی‌رغم تأکید بسیاری از اندیشمندان بر ضرورت فرهنگ‌سازی در عرصه باروری و فرزندآوری، اما به اثر علمی که به‌صورت ویژه به این موضوع پرداخته باشد، دست نیافتیم. اما در برخی آثار به مناسبت بحث از عوامل تأثیرگذار بر باروری به موضوع فرهنگ نیز پرداخته شده است. کتاب *بحران خاموش* (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۷) در خصوص بررسی علل فرهنگی - اجتماعی کاهش باروری در خانواده ایرانی است. نویسنده در بخش پایانی کتاب به‌صورت گذرا به برخی راهبردها

ص ۵۸۳)، قرار گرفتن در ولایت و حمایت خداوند (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۵۴)، به خشم آوردن شیطان (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۲۱)، کامل شدن ایمان (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۵۶)، زیاد شدن روزی (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۵۸۶)، برتری عبادت (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۵۸۴) بیان شده است.

از سوی دیگر مسلمانان را تشویق می‌کند که ازدواج را به تأخیر نیندازند. امام صادق علیه السلام فرمودند:

جبرئیل امین بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و عرض کرد: ای محمد پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: دختران و زنان باکره مانند میوه درختان هستند و همان‌طور که میوه وقتی می‌رسد، چاره‌ای جز چینیدن ندارد، و گرنه تابش خورشید و وزش باد آن را فاسد می‌کند، دختران و زنان باکره هم، چاره‌ای جز ازدواج ندارند، و گرنه از گرفتار شدن به فتنه و انحراف، در امان نیستند چون بشرند (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۶۰۴).

در برخی روایات یکی از نشانه‌های خوشبختی مرد این دانسته است که دخترش در خانه پدری حیض نبیند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱، ص ۹۲). بدون شک تشویق به تشکیل خانواده و عدم تأخیر ازدواج بستری مقبول و مشروع برای زادآوری و نیز زادآوری زیاد است. وقتی جوانان در سنین پایین‌تر ازدواج کنند، بازه زمانی بیشتری برای فرزندآوری در اختیار خواهند داشت. این در حالی است که به جهت بروز مشکلات اقتصادی و گران بودن تشکیل خانواده از یک‌سو و رواج پاره‌ای از سنت‌های فرهنگی بی‌پایه از سوی دیگر، تشکیل خانواده «دیر» و «سخت» تحقق پیدا می‌کند. سخت بودن و دیر تشکیل شدن خانواده بیش از آنکه به عوامل اقتصادی وابسته باشد، ناشی از سنت‌های فرهنگی است. از این‌رو یکی از راهبردهای فرهنگی مهم و تأثیرگذار در فرایند افزایش جمعیت، فرهنگ‌سازی در خصوص شکل‌گیری ازدواج‌های بهنگام و آسان است. حاکمیت اگر به‌صورت جدی به دنبال افزایش باروری و جمعیت است، نخستین گام آن شکل‌گیری بستر فرزندآوری، یعنی خانواده است. از این‌رو باید به موضوع ازدواج و خانواده به صورت ویژه پرداخته و برای تشکیل بهنگام و آسان آن برنامه‌ریزی کرده و از طریق فرایند فرهنگ‌سازی به اشاعه و تثبیت آن کمک کند. هرچند فرایند فرهنگ‌سازی در حیطه یک منطقه کوچک و محدود و توسط مردم نیز امکان تحقق دارد؛ اما از آنجاکه ابزار پر قدرت فرهنگ‌سازی چون

زندگی اسلامی و تحقق اندیشه و اهداف دینی، به ایفای نقش فعال بپردازند. در حقیقت، تلاش برای ارتقای اندیشه و بنیادها و ترویج سبک زندگی دین‌مدار از طریق فرهنگ‌سازی، یکی از کارویژه‌های حکومت اسلامی است. حاکمیت دینی همان‌گونه که نسبت به آبادانی کشور، سلامت عمومی، اقتصاد، محیط‌زیست و... وظایفی را بر عهده دارد، نسبت به بالا بردن وضعیت اعتقادی و اخلاقی و رفتاری جامعه هم مسئول است. بنابراین در پیش گرفتن سیاست‌هایی که در تضاد با آموزه‌ها و سبک زندگی دینی بوده و به گسترش اندیشه‌های نادرست، افزایش حرص و آزمندی، دنیاگرایی، زوال مرزهای جنسیتی، تضعیف کارکردهای ضروری خانواده، دگرگونی الگوهای تربیتی، کاهش همبستگی اجتماعی، کاهش گرایش به ازدواج، افزایش ناپایداری خانواده و... می‌انجامد، حرکت در خلاف جهت اندیشه دینی است. از سویی، هر کدام از این وضعیت‌ها به نوعی در کاهش فرزندآوری تأثیرگذارند. بدین‌سبب، نظام اسلامی باید نسبت به پیامدهای اعتقادی و اخلاقی و رفتاری و جمعیت‌شناختی اندیشه‌های غیر دینی در قالب‌های گوناگون از محتواهای رسانه‌ای گرفته تا اسناد توسعه‌ای، حساس بوده و از اشاعه این‌گونه اندیشه‌ها در ساحت جامعه اسلامی جلوگیری کند. حکومت اسلامی در انجام این مسئولیت باید همه ظرفیت‌های نظام آموزشی، ابزار رسانه‌ای و نظام حقوقی و اخلاقی خود را به کار گیرد. افزون بر مقابله با اندیشه‌های وارداتی مخرب باید در ساحت ایجابی نیز به فرهنگ‌سازی و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی، به‌ویژه در عرصه تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده و نیز فرزندآوری و فرزندپروری جامعه همت گمارد.

۱-۲. ترغیب به ازدواج بهنگام و آسان

امروزه یکی از عوامل مهم در کاهش باروری، بالا رفتن سن ازدواج و تأخیر در رویداد ازدواج است. این در حالی است که اسلام با رویکردی مثبت به ازدواج نگریده و خواستار تحقق آن در آغازین سال‌های بلوغ است. از منظر قرآن، ازدواج مایه آرامش روان آدمی و یکی از نشانه‌های رحمت و بزرگی خداوند است (روم: ۲۱). ترغیب مسلمانان به ازدواج خصوصاً در سن جوانی، و ناپسند دانستن تجرد و رهبانیت، در سخنان پیشوایان دینی آمده است. در اسلام از یک‌سو برای ازدواج کارکردهای بسیاری چون پیروی از سنت پیامبر (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱۰،

تجربه کردند، رابطه‌ای معنادار دارد. این پژوهش‌ها عامل اصلی در افزایش سن ازدواج را، سرمایه‌ی انسانی و درواقع تحصیلات می‌داند (حبیب‌پورگنتابی و غفاری، ۱۳۹۰، ص ۲۹). از این رو اموری چون شناور کردن ساختار نظام آموزشی و طولانی‌تر کردن داوطلبانه بازه زمانی تحصیلات برای زنان و اموری از این دست، راهکارهایی برای فرایند انطباق نظام آموزشی با نقش‌های جنسیتی است.

اهمیت و ضرورت این دست از فرهنگ‌سازی‌ها وقتی روشن می‌شود که بدانیم، تحقق دیر هنگام ازدواج و افزایش سن ازدواج، یکی از مهم‌ترین عوامل در کاهش باروری است؛ زیرا افزایش سن ازدواج خصوصاً در دختران به معنای کوتاه شدن بازه زمانی توانایی باروری آنان است.

۱-۳. نکوهش تجرد

ازدواج رخدادی زیستی، اجتماعی و فرهنگی است که نقشی بنیادین در تأمین نیازهای اساسی انسان دارد. نیازهایی که عدم ارضای صحیح و به هنگام آنها، آسیب‌های جسمی، روحی و روانی را به دنبال دارد. بدین جهت، اسلام بر ضرورت و اهمیت ازدواج تأکید کرده و جوانان را نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده ترغیب نموده است (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۳۲۸). نظر به جایگاه قدسی ازدواج در گفتمان دینی، ترجیح تجرد، تأخیر در سن ازدواج، به‌ویژه تأخیر طولانی مدت و محرومیت قطعی از ازدواج، در صورت فقدان توجیه، با فلسفه وجودی خانواده در نظام ارزشی اسلام تعارض دارد (شرف‌الدین، ۱۳۹۸، ص ۲۱).

در ایران بر اساس آمارها، از سال ۱۳۷۵، درصد تجرد قطعی برای پسران و دختران همواره روند افزایشی داشته است. در سال ۱۳۴۵، آمار تجرد قطعی پسران، ۶۸ درصد بیشتر از دختران بود، اما از سال ۱۳۸۵، تجرد قطعی دختران از پسران پیشی گرفت، به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۵، آمار تجرد قطعی دختران به میزان ۱/۴۷ درصد بیش از پسران شد (مرکز آمار ایران). گفتنی است که رواج این پدیده در بین دختران از ضریب آسیب‌زایی بیشتری برخوردار است؛ زیرا افزون بر بروز آسیب‌های روانی، اجتماعی، اقتصادی برای آنها (ر.ک. قانزاده و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۴۰۳-۴۲۶). گذر دختران از سن تجرد قطعی به معنای محرومیت جامعه از توانایی باروری آنها نیز می‌باشد.

با در نظر گرفتن اهمیت ازدواج از نگاه دینی، خانوادگی و

رسانه و نظام آموزشی در دست دولتهاست، بخش گسترده‌ای از این فرایند بر عهده آنهاست. نهادها و سازمان‌های مسئول، می‌توانند با استفاده از این ظرفیت به فرهنگ‌سازی درباره بهنگام و آسان بودن ازدواج همت گمارند. رهبر معظم انقلاب با تأکید بر اینکه «مسئله ازدواج یک مسئله کاملاً فردی و شخصی است. خانواده‌ها باید فکر کنند» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از جوانان، ۱۳۷۷/۲/۷)، اما به‌هرروی دستگاه‌های دولتی را به توصیه عمومی تشویق کرده و می‌فرماید:

من خودم توصیه‌ام این است که ازدواج را آسان بگیرند؛ مهریه‌ها زیاد نشود؛ جهیزیه‌ها سنگین نشود؛ در مراسم مهمانی‌ها، خیلی ریخت و پاش نشود و اسراف‌آمیز نباشد. باید روی این کار شود. چقدر خوب است که از لحاظ فرهنگی و هنری تبلیغ شود تا مردم اینها را فراگیرند اگر این را فراگرفتند من فکر می‌کنم که ازدواج آسان خواهد شد (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از جوانان، ۱۳۷۷/۲/۷).

ایشان در ابلاغ سیاست‌های کلی خانواده نیز بر «ایجاد نهضت فراگیر ملی برای ترویج و تسهیل ازدواج موفق و آسان برای همه دختران و پسران و افراد در سنین مناسب ازدواج و تشکیل خانواده و نفی تجرد در جامعه با وضع سیاست‌های اجرایی و قوانین و مقررات تشویقی و حمایتی و فرهنگ‌سازی و ارزش‌گذاری به تشکیل خانواده متعالی بر اساس سنت الهی» (رهبر معظم انقلاب، ابلاغ سیاست‌های کلی خانواده، ۱۳۹۵/۶/۱۳) تأکید می‌کنند.

بنابراین، انجام فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی در این امر با مشارکت دستگاه‌های تبلیغی و فرهنگی و نمایش معایب زندگی در تجرد و تنهایی؛ بازنمایی الگوهای دینی در خصوص ساده و بهنگام بودن ازدواج در آثار هنری، رسانه‌ها و محتواهای آموزشی، تشویق مادی و معنوی زوج‌های جوانی که بهنگام و ساده زندگی را آغاز می‌کنند و... از جمله اقدامات تأثیرگذار در تحقق این راهبرد می‌باشند. در این میان، تغییر نظام آموزشی خصوصاً نظام آموزش دختران و انطباق هرچه بیشتر آن با نقش‌های جنسیتی، می‌تواند در حل مسئله افزایش سن ازدواج جوانان، کارآمد باشد؛ زیرا نتایج پژوهش‌ها در خصوص تأثیر تحصیلات بر پذیرش دیر هنگام ازدواج از جانب دختران، بیانگر آن است که افزایش امکان تحصیلات برای دختران با افزایش سن ازدواج دختران در کشورهایی که این شاخص‌ها را

دیگر، نکوهش مجردزیستی باید به صورتی هنرمندانه و تأثیرگذار در همه برنامه‌های پربیننده رسانه ملی بازنمایی شود. افزون بر اینکه محتوای درسی در نظام آموزشی هم جایگاه مناسبی برای بازنمایی این نگرش نکوهش‌آمیز است. گنجاندن تأهل به‌مثابه امری فرهنگی در شرایط احراز مشاغل و مناصب اجتماعی نیز می‌تواند بر نکوهش‌آمیز بودن مجرد و گرایش افراد برای خروج از زیست مجردانه تأثیرگذار باشد.

۱-۴. فرهنگ‌سازی خانواده پرفرزند

فرهنگ‌سازی برای داشتن خانواده پرفرزند، از دیگر عناصر مهم در تحقق راهبرد فرهنگ‌سازی برای افزایش جمعیت است. در دهه اخیر به جهت چیرگی گفتمان کم‌فرزندآوری، تصویرپردازی از خانواده به‌گونه‌ای بود که داشتن خانواده پرفرزند، نوعی بی‌فرهنگی تلقی می‌شد.

هر جامعه‌ای بر اساس طیفی از معیارها سلسله‌مراتبی را برای افراد مشخص می‌کند که از طریق آن، پایگاه اجتماعی اعضا مشخص می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۸۹، ص ۴۱۸). در فضای گفتمانی جدید، کم‌فرزندی به‌عنوان شاخصی از پایگاه اجتماعی معرفی می‌شود که بر اساس آن مقولاتی چون آگاه بودن، بافرهنگ بودن و مدرن بودن را با خود به دنبال دارد. امروزه در جامعه ایرانی به جهت غلبه گفتمان کم‌فرزندآوری و مفاهیم پیرامونی آن از یک‌سو شمار اندک فرزندان و کیفیت آنها به‌صورت یک عنصر مهم و تمایزبخش درآمده و از سوی دیگر، شمار زیاد فرزندان به‌مثابه امری غیرفرهنگی بازنمایی می‌شود. در چنین فضایی اگر کسانی تمایل به داشتن شمار بیشتری فرزند داشته باشند، از ترس فشار اجتماعی، کمتر جرئت پیدا می‌کنند که تمایل خود را بیان و یا در مرحله عمل آشکار کنند. راه گذر از این فضای محدودیت‌آفرین، فرهنگ‌سازی برای غلبه گفتمان پرفرزندگی و خانواده پرجمعیت است. برای غلبه یافتن یک گفتمان، صرف رواج گزاره‌های تشویقی کفایت نمی‌کند. در کنار اشاعه مفاهیم، وجود ساختارهای پشتیبان هم ضرورت دارد. به‌عبارت دیگر، گفتمان زمانی می‌تواند از سطح نخبگانی به عرصه عمومی جامعه نفوذ کند که از طریق منابع نهادی پشتیبان مورد حمایت قرار گیرد. وجود ساختارهای معاضد می‌تواند بر شدت، سرعت انتشار و باورپذیری بیشتر این مفاهیم بیفزاید. در گفتمان خانواده پرجمعیت، باید مفاهیم و مقوله‌های طرفدار پرفرزندگی، در سطحی وسیع از

اجتماعی، بالا رفتن سن ازدواج و احتمال مجرد تا پایان عمر، یکی از مسائل اجتماعی مهم محسوب می‌گردد که امروزه جامعه با آن مواجه است. از این‌رو یکی از راهبردهای مهم در حل این مسئله اجتماعی، فرهنگ‌سازی در خصوص نگرش منفی به مجرد است. سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی جامعه باید تلاش کنند تا علاوه بر فرهنگ‌سازی برای ازدواج و تشکیل خانواده، نوع نگرش جامعه را به‌گونه‌ای شکل دهند که بر اساس آن مجرد زیستی در نزد آنان امری ناپسند و غیرقابل قبول باشد. ایجاد این نگرش نکوهش‌آمیز، همان هدفی است که دین بر آن تأکید دارد. روایات بسیاری از پیشوایان دینی در نکوهش مجرد وارد شده است که قابل تأمل بوده و نشانگر نگرش منفی دین به موضوع مجردزیستی است. در روایات برای مجرد تعبیرهای چون «فرومایه‌ترین مردگان» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۴)، «بدترین شما» (نوری طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۵۵)، «بیشترین افراد جهنمی» (فیض کاشانی، ۱۳۸۸، ج ۲۱، ص ۳۲) بیان شده است. رهبر معظم انقلاب نیز با تأکید بر رویکرد دین به نکوهش مجرد معتقدند که «خدای متعال از زن و مرد تنها خوشش نمی‌آید... خدای متعال از زندگی مشترک و مزدوج خوشش می‌آید» (بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم عقد و ازدواج، ۱۳۷۵/۱۱/۲۰). از نظر ایشان «آدم تنها، مرد تنها و زن تنها که همه عمر را به‌تنهایی می‌گذرانند، از دید اسلام یک چیز مطلوبی نیست، مثل یک موجود بیگانه است در مجموعه پیکره انسانی. اسلام این‌طور خواسته که خانواده، سلول حقیقی مجموعه پیکره جامعه باشد، نه فرد تنها» (بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم عقد و ازدواج، ۱۳۷۵/۱۰/۵).

با توجه به این‌گونه گزاره‌های دینی که با هدف آگاهی‌بخشی به جامعه در خصوص آسیب‌زایی مجرد زیستی، بیان شده است، لازم است که سیاست‌گذاران فرهنگی جامعه با وسواس بیشتری به این موضوع بنگرند. در وهله نخست لازم است علل و عوامل گوناگون مجردزیستی، به‌ویژه علل فرهنگی، رصد شده و به رفع موانع ازدواج و تشکیل خانواده، همت گمارند. چون به‌هرروی، همه مجردزیستی‌ها انتخابی نیستند و گاه عوامل و بسترهای گوناگونی این پدیده را به‌صورت ناخواسته برای جوان پدید می‌آورند. تبیین کارکردهای مثبت تشکیل خانواده از یک‌سو و بیان کارکردهای مجردزیستی از سوی دیگر، احیا واسطه‌گری در ازدواج متناسب با شرایط و اقتضائات دنیای جدید و... از اقداماتی است که می‌تواند صورت پذیرد. از سوی

طریق منابع نهادی در جامعه رواج داده شوند.

یکی از مهم‌ترین پشتیبانان دخیل در گفتمان فرزندآوری، نهاد پزشکی و بهداشت است. این نهاد باید با صدور احکام، گزاره‌ها و اصول پزشکی، به‌مثابه گزاره‌های آگاهی‌بخش، تلاش کند تا از یک‌سو عوارض پزشکی و منفی پرهیز از بارداری را نشان دهد و از سوی دیگر، مزایای فرزندآوری و پرفرزدی و بارداری را با مستندات علمی برای جامعه بازنمایی کند.

دومین پشتیبان معناساز در گفتمان فرزندآوری، سازمان‌های دینی است. از آنجاکه جامعه ایران جامعه‌ای دیندار بوده و مردم کنش‌های خویش را اغلب بر اساس هنجارهای دینی تنظیم می‌کنند، گفتمان خانواده پرفرزد نمی‌تواند بدون حمایت نهادهای دینی با موفقیت‌قربین باشد. اثربخشی این نهادها در گسترش این گفتمان تا حدی است که در تبیین علت موفقیت برنامه تنظیم خانواده پس از انقلاب در برابر ناکامی این طرح در دوره پیش از انقلاب، می‌توان بر نقش مهم و تأثیرگذار این نهادهای پشتیبان تأکید کرد. بدین معنا که یکی از مهم‌ترین علل شکست در دوره پیشین نابرخورداری آن از حمایت نهادهای دینی بود. در آن زمان، مردم برنامه‌های کنترل جمعیت را الهام‌گرفته از غرب و عملی غیرمذهبی و خلاف مذهب می‌دانستند (خانی، ۱۳۷۷، ص ۱۹۴). از این‌رو در گفتمان خانواده پرجمعیت نیز باید از نهاد یاری جست. به‌طور مشخص، نهادهای تبلیغی در حوزه‌های علمیه در این مسیر باید به‌صورت جدی‌تری عمل کنند. محتواهای تبلیغی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که موضوع خانواده پرفرزد، در همه دوره‌های تبلیغی در طول سال در بین مردم، تبلیغ و ترویج شود.

نظام آموزشی نیز یکی دیگر از نهادهای اثرگذار در اشاعه گفتمان خانواده پرجمعیت است. نهادهای آموزشی یکی از مهم‌ترین عوامل جامعه‌پذیری و آشنا نمودن اعضای جامعه با فرهنگ و نظام ارزشی است. کنشگری این نهاد در اشاعه گفتمان خانواده پرجمعیت از چند طریق امکان تحقق دارد. نخست اینکه این نهاد با استفاده از ظرفیت محتواهای آموزشی و کتاب‌های درسی و با ترویج محتواهایی که با سبک زندگی اسلامی ایرانی‌ساخت دارد، می‌تواند نقش مؤثری در تحولات هویتی داشته و به فراگیرشدن ارزش‌های فرهنگی و دینی کمک کند.

اهمیت نقش نظام آموزشی در غلبه گفتمان‌ها وقتی بهتر فهمیده

می‌شود که بدانیم پس از تدوین و اجرای برنامه تنظیم خانواده (گفتمان کم‌فرزندآوری)، وزارت آموزش و پرورش، مکلف به بالا بردن سطح سواد در کلیه اقشار جامعه، به‌ویژه آموزش بزرگسالان (تا ۳۰ سال) و گنجاندن مطالب آموزشی مربوط به جمعیت و تأمین سلامت مادران و کودکان در متون درسی خود برای بالا بردن سطح آگاهی دانش‌آموزان دبیرستانی (به‌ویژه دختران) نسبت به زبان‌های باروری بالا در کشور شد (ملک‌افضلی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۶۸).

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های گسترش یک گفتمان، نزدیکی آن به رسانه است. اساساً گفتمان زمانی می‌تواند از سطح نخبگانی به عرصه عمومی جامعه نفوذ کند که رسانه، به‌ویژه تلویزیون، درباره چیستی و ضرورت آن گفتمان گفت‌وگو کنند تا به گفتمانی فراگیر در جامعه مبدل شود. رسانه‌ها از طریق دو سازوکار بازنمایی و طبیعی‌سازی بر نگرش مخاطبان تأثیر می‌گذارند. در هر نظام بازنمایی، گفتمانی بر اساس دفاع از یک ایدئولوژی وجود دارد. از این‌رو نظام‌های بازنمایی نظام‌های طرد و برجسته‌سازی هستند که چیزهایی را به حاشیه رانده و چیزهایی را گزینش کرده و برجسته می‌کنند. طبیعی‌سازی نیز به فرایندی ایدئولوژیکی اطلاق می‌شود که وظیفه تقویت ایدئولوژی مسلط را بر عهده داشته و از طریق آن ساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی به صورتی عرضه می‌شوند که گویی اموری طبیعی استند (هیوارد، ۱۳۸۱، ص ۲۰۴).

سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی کشور باید بکوشند تا گفتمان خانواده پرفرزد را با استفاده از رسانه به‌عنوان امری طبیعی و هنجارمند و کم‌فرزدی را امری غیرمتعارف و غیرطبیعی بازنمایی کنند. از یک‌سو لازم است وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، زمینه‌های جلب مشارکت فعال و مؤثر روزنامه‌نگاران، فیلم‌سازان و سایر هنرمندانی را که به‌گونه‌ای با آن وزارتخانه مرتبط هستند، فراهم آورد و برای بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی از کارکردهای پرفرزدی و خانواده پرفرزد از همه این ظرفیت‌ها استفاده کند و از سوی دیگر، صدا و سیما باید با تدوین و ساخت برنامه‌هایی هم‌نوای با این گفتمان در قالب‌های مختلف علمی و هنری و عرضه پرحجم آن به بدنه جامعه به ایفای نقش بپردازد. شبکه‌ها و پیام‌رسان‌های داخلی نیز باید در همین مسیر سازماندهی شوند.

۱-۵. ترویج ناپسندی طلاق

واقعیت این است که میزان طلاق در جوامع نوین افزایش یافته است. بروس کوئن در واکاوی ریشه‌ای‌ترین عامل طلاق در جوامع نوسازی‌شده، بر تغییرات ارزشی و نگرشی جامعه تأکید کرده و معتقد است: پدیده طلاق بیش از آنکه معلول گسیختگی و تباهی خانواده باشد، محصول دگرگونی‌های به‌وجودآمده در ارزش‌ها و نگرش‌های جامعه است. امروزه دیگر زن و شوهر برای تأمین نیازمندی‌ها و خدمات خود تنها به خانواده متکی نیستند، از این‌رو گسست پیوند زناشویی بسیار آسان‌تر بوده و ننگ بزرگی شمرده نمی‌شود (کوئن، ۱۳۷۵، ص ۱۳۳).

مهم‌ترین عوامل فرهنگی طلاق را می‌توان اموری چون آزادی‌های جنسی، فردگرایی، ضعف پابندی به مذهب، افزایش سن ازدواج، تحول نقش‌های جنسیتی، تحول در سبک زندگی و الگوی مصرف‌گرا، ضعف مهارت‌های زندگی، تغییر در ساختار خانواده و کاهش هزینه‌های روانی و اجتماعی طلاق و... برشمرد (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۷، ص ۲۲۱). طلاق به هر دلیلی که رخ داده باشد، یکی از مهم‌ترین عوامل بی‌واسطه کاهش باروری است؛ زیرا جدایی زن و مرد به‌معنای عدم ارتباط جنسی است. فقدان رفتار جنسی به‌معنای کاهش احتمال باروری است. بنابراین در گفتمان خانوادهٔ پرجمعیت، باید برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای کاهش میزان طلاق تلاش شود.

یکی از راهکارهای کاهش طلاق، فرهنگ‌سازی برای تقبیح طلاق است. روند کاهش قبح طلاق، به‌ویژه در بین جوانان، که نخست در نظام معنایی غرب پدیدار شده بود، جهان‌های اجتماعی دیگر را نیز درنور دیده است. اگر در گذشته زشتی طلاق و رویکرد نکوهش‌آمیز جامعه به آن، به‌مثابه «داغ ننگ» در کاهش طلاق مؤثر بود، در سال‌های اخیر طلاق به تدریج در حال تبدیل شدن به امری معمولی است. حتی گاه برخی جوانان به تقلید از غرب، از طلاق در زندگی خود به‌مثابه یک امر مثبت یاد کرده و برای آن جشن می‌گیرند. این در حالی است که از منظر فرهنگی و دینی، طلاق امر خوشایندی نیست. از منظر اسلام طلاق مبغوض‌ترین حلال خدا (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۶۴) بوده که عرش خدا را به لرزه می‌اندازد (حر عاملی، ۱۴۰۲ق، ج ۷، ص ۲۶۷). هر خانه‌ای که در آن طلاق گیرد را خانه مبغوض خدا (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۶۵) معرفی کرده است. از سوی دیگر، در اسلام مردان و زنان ذوّاق و طلاق دهنده، افرادی منفور در نگاه خدا (کلینی، ۱۳۸۸،

ج ۱، ص ۴۶۵) توصیف شده‌اند. بدون شک این‌گونه توصیف‌ها درباره طلاق با معرفی طلاق به‌عنوان امری نامطلوب از نظر دین، مؤمنان را وامی‌دارد تا از زمینه‌های وقوع آن جلوگیری کنند. در هر جامعه‌ای که طلاق امری قبیح تلقی گردد، شمار طلاق کاهش یافته و این مسئله زمینه را برای زادآوری بیشتر فراهم می‌سازد. نظر به اهمیت و تأثیر نگرش جامعه به طلاق در گرایش رفتاری به این پدیده، رهبر معظم انقلاب در ابلاغ سیاست‌های کلی خانواده بر موضوع «فرهنگ‌سازی کراهت طلاق» (رهبر معظم انقلاب، ابلاغ سیاست‌های کلی خانواده، ۱۳۹۵/۶/۱۳) تأکید می‌کند.

بنابراین سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان باید برای نگرش به طلاق به‌مثابه «پدیده زشت و قبیح» فرهنگ‌سازی کنند. در این فرایند نیز می‌توان از ظرفیت نظام‌های آموزشی و محتوای درسی کمک استفاده کرد. همه رسانه‌های پرمخاطب و تأثیرگذار نیز قابل بهره‌برداری هستند. در این میان، نقش رسانه ملی در بازنمایی طلاق به‌عنوان «امر قبیح» با استفاده از قالب‌های علمی و هنری برجسته‌تر است. سوگمندان باید گفت که گاه بازنمایی طلاق به‌مثابه «امری آسان و زیبا» توسط رسانه‌ها زمینه را برای وقوع بیشتر آنها فراهم آورده است. نهادهای تبلیغی حوزهٔ علمیه نیز می‌توانند با سوق دادن محتوای سخنرانی به سوی این گفتمان در ایام تبلیغی و نیز در طول سال، به فرهنگ‌سازی در این خصوص همت گمارند.

نکته دیگری که لازم است به آن اشاره شود، نقش ارائه آمارهای طلاق به‌صورت غیردقیق، در فرهنگ‌سازی برای سهولت وقوع طلاق است. هر از چند گاهی در رسانه‌ها موضوع افزایش آمار طلاق مورد توجه قرار گرفته و گاه به‌مثابه یک بحران از آن یاد می‌شود، اما در بیان دلایل افزایش طلاق غالباً به نوعی خاص از محاسبه میزان طلاق استناد می‌شود که از نظر علمی مورد سؤال است (ر. ک. دلاور، ۱۴۰۱). به‌هرروی، عرضه غیردقیق آمار طلاق و بازنمایی آن به‌منزله یک بحران، زمینه را برای قبح‌شکنی از طلاق فراهم می‌آورد و مخاطب را به این تصور غلط وامی‌دارد که وقتی چیزی این‌قدر فراوانی دارد که بخش زیادی از جامعه به آن عمل می‌کنند، پس لزوماً زشت و قبیح نیست. از این‌رو سیاست‌گذاران و حاکمیت که وظیفه فرهنگ‌سازی را بر عهده دارد در فرایند فرهنگ‌سازی باید به کنترل رسانه‌ها همت گماشته و از بازنمایی‌هایی که ناهم‌نوی با گفتمان «امر قبیح بودن طلاق» است، جلوگیری کند.

۱-۶. فرهنگ‌سازی تکریم سالمندان

سالمندی به‌مثابه مرحله‌ای مهم از زندگی انسانی، فرایندی است که تغییرات فیزیولوژی و روانی به همراه کنش و واکنش‌های اجتماعی متفاوت در آن رخ داده و محدودیت‌هایی برای فرد رخ می‌دهد. اغلب از ورود افراد به ۶۰ سالگی به دوره سالمندی یاد می‌شود (منافی‌فر و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۲۷). در خلال دهه‌های اخیر، توسعه اقتصادی اجتماعی، کاهش باروری و به دنبال آن کاهش رشد جمعیت و افزایش امید زندگی منجر به ایجاد دگرگونی‌های زیادی در ساختار جمعیت جهان شده است، به‌طوری‌که طی این مدت تعداد سالمندان افزایش یافته است (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۵۹).

آنچه در این نوشتار در راستای راهبرد فرهنگ‌سازی مورد توجه است، فرهنگ‌سازی تکریم سالمندان و نقش آن در تمایل زوج‌های جوان به افزایش باروری است. اگر نسل جوان نگرش‌شان به سالمندان، به منزله یک موجود از کارافتاده و بی‌خاصیت و مصرفی باشد، فرصت بهره‌مندی از ظرفیت سالمندان را از جوانان خواهد گرفت. سالمندان کوله‌باری از تجربه هستند. جوانان می‌توانند از تجربیات آنها در خصوص زندگی استفاده کنند. افزون بر اینکه می‌توان از آنها در خصوص مراقبت از فرزندان استفاده کرد. پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها هم علاقه‌مند به مراقبت از نوه‌های خود هستند و هم از انگیزه کافی در این خصوص بهره‌مندند. اهمیت این امر وقتی روشن می‌شود که بدانیم بخشی از علل بی‌انگیزگی زوج‌های جوان برای فرزندآوری، فقدان فرصت برای مراقبت و تربیت فرزندان است. این در حالی است که جوانان از ظرفیت سالمندان، غفلت می‌کنند. در خانواده‌های گسترده سنتی، کودکان از حمایت و مراقبت طیف گسترده‌ای از خویشاوندان خود بهره‌مند بودند. این امر باعث می‌شد که زوج‌های جوان دیگر دغدغه مراقبت از کودکان را کمتر احساس کرده و همین امر به میزانی بار سنگین مراقبت از کودکان را از آنان برداشته و با سهولت بیشتری به فرزندآوری می‌پرداختند. اما امروزه با دگرگونی در ساختار خانواده و غلبه خانواده هسته‌ای و خالی شدن خانه‌ها از سالمندان و نابهره‌مندی جوانان از حمایت‌ها و تجارب آنان، زوج‌های جوان به سوی کم‌فرزندآوری سوق یافته‌اند.

تجربه سالمندان منبعی غنی از داشته‌های انسانی است که می‌تواند چند گام، زوج‌های جوان را به جلو پیش ببرد. این موضوع در

خصوص فرزند و تربیت او از برجستگی زیادی برخوردار است. این ظرفیت باید از سوی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان و متولیان موضوع جمعیت به‌صورت جدی و از طریق فرهنگ‌سازی به جامعه معرفی شود. در نظام آموزشی و محتوای درسی و همچنین برنامه‌های فرهنگی، باید تکریم سالمندان به‌معنای مراقبت و محافظت و استفاده از تجربه‌های آنان در زندگی، مورد تأکید قرار گیرد. رسانه‌ها نیز در معرفی این استعدادها به نسل‌های بعد نقش تأثیرگذاری دارند. گام اول، معرفی ظرفیت‌های سالمندان در خصوص تربیت فرزندان به زوج‌های جوان است. باید به آنان آموزش داده شود که سالمندان با توجه به تجربه‌های غنی از زندگی می‌توانند با فرزندان ارتباط برقرار کرده و به حل مشکلات آنان را کمک کنند. جوانان نیز گاهی در بیان درد دل‌هایشان با پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها راحت‌ترند و به تجربه آنها اعتماد دارند. گام دوم رسانه، آموزش خود سالمندان است، بدین معنا که با دادن اطلاعات و مهارت‌هایی به سالمندان می‌توان به آنها کمک کند تا با دسته‌بندی درست تجربیات غنی‌شان، آنها را تأثیرگذارتر کنند. گام سوم این است که رسانه می‌تواند به مخاطبان یاد دهد که چگونه می‌توانند از انگیزه‌ها و علاقه سالمندان به نوه‌های خود، برای محافظت و مراقبت از فرزندان استفاده کنند. این کار باعث می‌شود که هم سالمند به انگیزه و علاقه‌اش دست یابد و هم احساس کارآمدی کند و هم اینکه فرزندان از تجربیات و داشته‌های سالمندان استفاده بیشتری ببرند.

در این مسیر می‌توان از بیان دیدگاه و رویکرد دین در خصوص سالمندان و تکریم آنان کمک گرفت. این کار، به‌معنای زنده کردن انگیزه‌های دینی مخاطبان در خصوص تکریم سالمندان است. آموزه‌های دینی موضوع تکریم سالمندان را با تعبیرهای گوناگونی مورد تأکید قرار داده است. در کتاب کافی، فصلی تحت عنوان «اجلال الکبیر» وجود دارد که در آن بر لزوم تکریم سالمندان تأکید شده است. در روایات از تکریم سالمندان تحت عنوان «تجلیل خدا» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۶۵) یاد شده است. همچنین فرموده‌اند که «از ما نیست کسی که بزرگسال ما را احترام نکند» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۶۵). نیز سفارش کرده‌اند که «بزرگان‌تان را احترام کنید» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۶۵) و جایگاه آنان در بین خانواده و خویشان، را جایگاه پیامبر دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۱۳۷). بی‌شک هدف روایات صرفاً خضوع بدنی و ظاهری برای

برای برآوردن بیشینه داشته‌های مادی فرزندان، شبانه‌روز به تلاش می‌پردازند، درحالی‌که خداوند این حد از تلاش برای کسب روزی را از آنها طلب نکرده است. این سبک از زندگی بستر را برای کاهش تمایل به فرزندآوری فراهم است. ازاین‌رو سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی باید در مقوله اصلاح الگوی مصرف با هدف کاهش هزینه‌های زندگی و بسترسازی برای افزایش باروری، همت گمارند. این کار می‌تواند به واسطه آموز ذیل صورت گیرد:

الف. به‌کارگیری ظرفیت نظام آموزشی کشور برای آگاه ساختن مردم با مصرف درست، به‌گونه‌ای که هرچه سطح آموزش افزایش یابد. آگاهی و شناخت بیشتری در خصوص درک و ضرورت اصلاح الگوی مصرف در جامعه حاصل شود. هم محتوای درسی و هم برنامه‌های فرهنگی، بستری مناسب برای آگاهی‌بخشی است. این کار می‌توان از طریق قالب‌های داستانی، بازی و سرگرمی، محتوای علمی، فیلم و تئاتر و مسابقه‌های فرهنگی و... بازنمایی شود.

ب. بهره‌گیری از همه رسانه‌های جمعی، به‌ویژه رسانه ملی در ترویج و اشاعه سبک زندگی اسلامی ایرانی. به‌هرحال بخش زیادی از جامعه از رسانه‌های جمعی برای کسب اطلاعات استفاده می‌کنند. افزون بر اینکه رسانه‌های جمعی یکی از عوامل مهم جامعه‌پذیری به‌شمار می‌روند.

در دوره مدرن به‌سبب کالایی‌شدن زندگی و گسترش مصرف‌گرایی، انتظار مردم از زندگی بالا رفته است، به‌گونه‌ای که گاه مصرف خانواده هم‌نوا با پایگاه اجتماعی و سطح درآمدی او نیست. بخشی از این ناهمخوانی سطح درآمد و میزان مصرف به تغییر نگرشی برمی‌گردد که رسانه‌ها عامل به وجود آمدن آن هستند. ازاین‌رو رسانه‌های جمعی، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی و رسانه ملی می‌تواند با تولید برنامه‌های آموزشی، نخست با نفی مصرف‌گرایی جامعه را نسبت به تأثیر آن در تزلزل پایه‌های خانواده، آگاه سازد و در مرحله بعد با تولید برنامه‌های آموزشی و مهارتی فاخر، خانواده را با امر تقدیر معیشت و برنامه‌ریزی اقتصادی در حوزه مصرف، آشنا کند. در روایت آمده است که «شنیدم شخصی به امام صادق علیه السلام عرض می‌کرد: به ما گفته‌اند اقتصاد و تدبیر در معیشت، نیمی از کسب است. حضرت فرمود: نه، بلکه همه کسب است و تدبیر در معیشت جزئی از دین (و دینداری) است» (طوسی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۶۷۰).

به‌هرروی، این امر مهم نیاز آموزش و مهارت دارد که رسانه ملی می‌تواند این نقش را در سطحی وسیع ایفا کند. وقتی خانواده‌ها در

سالمندان نیست، بلکه تک‌تیم سالمند شاخص‌های گوناگونی دارد که ازجمله آنها به‌کارگیری ظرفیت‌ها و استفاده از تجارب آنان در زندگی است. نظر به اهمیت این موضوع، رهبر معظم انقلاب در ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت بر «فرهنگ‌سازی برای احترام و تکریم سالمندان و ایجاد شرایط لازم برای تأمین سلامت و نگهداری آنان در خانواده و پیش‌بینی سازوکار لازم برای بهره‌مندی از تجارب و توانمندی‌های سالمندان در عرصه مناسب» (مقام معظم رهبری، ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت، ۱۳۹۳/۲/۳۰) تأکید می‌کنند.

۱-۷. فرهنگ‌سازی اصلاح الگوی مصرف

بخش عمده‌ای از علل فرهنگی کاهش تمایل به فرزندآوری را می‌توان ناشی از رواج الگوهای غلط مصرفی و همچنین برخی رسوم نادرست دانست. هرچند فشارهای اقتصادی بر خانواده‌ها، تا حدودی تمایل آنان به فرزندآوری را کاهش داده است، اما همه علل را نمی‌توان به علل اقتصادی فروکاست، بلکه بیش از عناصر اقتصادی، عناصر فرهنگی در این خصوص تأثیرگذارند. ازاین‌رو لازم است تا سبک زندگی افراد جامعه در ساحت مصرف و سبک زندگی اصلاح شود.

برخی مشکلات موجود ناشی از سبک‌های غلط زندگی عبارت‌اند از:

- سبک غلط برخی خانوارها در تهیهٔ سیسمونی برای نوزادان؛
- سبک غلط حمایت از فرزندان که باعث کاستن از توان والدین در کمک به فرزندان می‌شود؛

- تجملات در زندگی‌های امروزی باعث کاهش توان خانواده‌ها برای کمک به فرزندانشان شده است؛

- سبک غلط تربیت فرزندان و افزایش توقعات آنها نیز باعث افزایش بیش از حد مخارج خانوارها می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۱، ص ۲۰۴).

امروزه رواج مصرف‌گرایی و زندگی مسرفانه نقش زیادی در کاهش توان مالی خانوارها برای فرزندآوری داشته است. این در حالی است که اسلام مصرف‌گرایی، اسراف، تبذیر و اتراف را نکوهش کرده و آن را از عوامل فقر دانسته (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۳۲۷) و بر قناعت و مصرف در حد کفاف، تأکید کرده است (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۸۸). بی‌توجهی به این حقیقت، زادآوری را با چالش‌هایی جدی مواجه ساخته است. برخی والدین

مادری که با روش سزارین دو فرزند به دنیا می‌آورد، ممکن است برای به دنیا آوردن فرزند سوم با روش سزارین، با محدودیت‌ها و خطرهایی روبه‌رو شود که این امر او را از ادامه فرزندآوری منصرف کند. گفته می‌شود ایران در رتبه دوم جهان در سزارین است (محمدی‌سعادت، ۱۳۹۲). آخرین بررسی‌های وزارت بهداشت از آمار سزارین در کشور در سال ۱۴۰۳، حاکی از آن است که ۵۵/۸ درصد از زایمان‌ها، یعنی بیش از نیمی از تولدهای کشور به روش سزارین انجام می‌شود. با مقایسه این رقم با میانگین جهانی، درمی‌یابیم که آمار سزارین در ایران بیش از ۳ برابر متوسط جهانی است (جباری فاروجی، ۱۴۰۳).

گرایش زنان به سزارین عللی دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از: کمبود امکانات در زایمان طبیعی، تسهیلات کمتر بیمه و روش نامناسب زایمان طبیعی در شرایط فعلی، برخورد نامناسب با زنان باردار در بلوک زایمان، سزارین به‌منزله مد و فرهنگ، احتمال کمبود مهارت در کادر پزشکی یا مامایی در فوریت‌ها، نداشتن اطمینان به حضور به‌موقع پزشک و عمل بر طبق میل و خواسته پزشک (علی‌محمدزاده و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۳۲).

روشن است که به هر میزان روش زایمان غیرطبیعی در جامعه گسترش یابد، به همان میزان بر کاهش باروری تأثیرگذار است. افزون بر اینکه اساساً زایمان‌های غیرطبیعی آثار عوارض زیادی برای مادر و کودک به همراه دارد. نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مادرانی که با روش سزارین زایمان کرده‌اند در مقایسه با مادرانی که از طریق واژینال زایمان کرده‌اند، رضایت کمتری از زایمان نشان می‌دهند، احتمال شیردهی کمتری با شیر مادر دارند، زمان بسیار طولانی‌تری را برای اولین تعامل با نوزاد خود تجربه کرده‌اند. پس از تولد واکنش‌های مثبت کمتری نسبت به آنها داشت و کمتر در خانه با آنها تعامل داشته‌اند (Dimatteo, 1996, p. 303). در کنار عوارض سزارین برای مادر، عوارضی هم برای جنین محتمل است. به عبارت دیگر این عوارض در نوزادان سزارینی بیشتر از نوزادان زایمان طبیعی است؛ مثل یرقان (زردی)، مشکلات تنفسی (ریوی)، خطر ابتلا به دیابت نوع اول (وابسته به انسولین)، ابتلا به آسم و آلرژی و... (ر.ک. فلام، ۱۳۸۷). در برابر زایمان طبیعی عوارض کمتر و فواید بیشتری برای مادر و کودک دربر دارد (فلام، ۱۳۸۷). نظر به همین واقعیت‌های علمی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی بر این نکته تأکید دارند که «متخصصین باید زیان‌های ناشی از وضع حمل‌های غیرطبیعی و همچنین فواید و آثار

تقدیر معیشت آموزش ببینند، سطح مصرف به سطح درآمد نزدیک‌تر شده و سختی‌های اقتصادی مانعی برای باروری ایجاد نخواهند کرد، اما با این همه تأکید باید روی آموزش «درست مصرف کردن» و اجتناب از «مصرف‌گرایی» باشد. مصرف‌گرایی هزینه‌های زندگی را به‌صورت رنج‌آوری افزایش داده و زمینه‌ساز کم کردن باروری است.

ج. ارائه الگوی مصرف درست: وقتی سیاست‌گذاران جامعه، الگوی مصرف مسرفانه را نکوهش و طرد می‌کنند، باید الگوی جایگزین آن ارائه دهند. از این‌رو لازم است تا الگوی مناسب و اصولی مصرف، از طریق سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با مصرف در همه ساحت‌های زندگی و حامل‌های انرژی به جامعه معرفی شده و به مردم آموزش داده شود. برای مثال سازمان‌های برق، آب، گاز و... می‌تواند از طریق آموزش مصرف بهینه در قبوض مشترکین به ارائه الگوهای مناسب مصرفی در راستای اصلاح مصرف اقدام نماید. این کار ضمن کاهش هزینه‌های خانواده‌ها، می‌تواند به تغییر نگرش آنها در خصوص تراحم فرزندآوری با رفاه اقتصادی خانواده کمک کند.

د. تبیین رویکرد نکوهش‌آمیز دین نسبت به مصرف مسرفانه و ضدارزش نشان دادن مصرف‌گرایی براساس ارزش‌ها و آموزه‌های دینی، مثلاً در قرآن اسراف‌کنندگان با تعبیرهای نکوهش‌آمیزی چون «برادران شیطان» (اسراء: ۲۷) یاد شده‌اند. در روایات نیز اسراف به‌عنوان «نابودکننده فراوانی» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۲۰۹)، «عامل فقر» و میانه‌روی «عامل بی‌نیازی» معرفی شده است (حر عاملی، ۱۴۰۲، ج ۱۵، ص ۲۵۸).

د. طرد الگوی مصرف نمایشی و معرفی آن به‌مثابه فرهنگ وارداتی و ضد ارزش: امروزه، بخشی از مصرف، نه به دلیل نیاز به کالاها، بلکه به دلیل کسب منزلت بالاتر و به تعبیری به‌صورت مصرف نمایشی، صورت می‌پذیرد. در این زمینه مصرف نه به‌خاطر نیاز، بلکه به جهت چشم و هم‌چشمی و نمایش خود با مقیاس‌های ظاهری مانند اتومبیل، لباس و... برای کسب احترام انجام می‌شود. گفتنی است که سیاست‌گذاران برای طرد این الگو نیز به استفاده از ظرفیت نظام آموزشی و رسانه نیاز دارند.

۱-۸. ترویج زایمان طبیعی

یکی از دلایل کاهش میزان باروری، افزایش میزان زایمان‌های غیرطبیعی (سزارین) است (محمدیگی و رحیمی، ۱۳۸۳، ص ۴۰)؛ زیرا

مثبت زایمان طبیعی در حفظ سلامت مادر و کودک را مکرراً در مجامع عمومی و رسانه‌ها تبیین کنند» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان جمعیت مامایی کشور، ۱۳۹۳/۲/۱۵).

بنابراین لازم است که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان برای گرایش خانواده‌ها به گرینش زایمان طبیعی فرهنگ‌سازی کنند تا هم یکی از علل و موانع کم‌فرزندآوری، از پیش پای خانواده ایرانی برداشته شود و هم مادران و کودکان ایرانی با کمترین عوارض ناشی از زایمان مواجهه شده و سلامتی آنها به‌مثابه سرمایه‌های انسانی ایران، تضمین شود. در اینجا نیز برای فرهنگ‌سازی باید از ظرفیت نظام آموزشی و محتوای درسی بهره جست. گنجاندن داده‌ها و اطلاعات علمی درباره کارکردهای مثبت زایمان طبیعی و تبیین کارکردهای زایمان سزایی و نیز بهره‌گیری از برنامه‌های علمی و فرهنگی در تحلیل این موضوع، می‌تواند آگاهی‌های خوبی را در اختیار مخاطبان قرار دهد. رسانه ملی نیز با تولید برنامه‌های فاخر در قالب‌های علمی با حضور پزشکان متخصص و متعهد به مقایسه این دو روش زایمان پرداخته شود. نهاد بهداشت و درمان نیز با تولید گزاره‌ها و احکام پزشکی هم‌نوی با گرینش زایمان طبیعی و اشاعه آنها از طریق مجلات علمی، کتابچه‌ها و بروشورها و... و انتشار آنها در بیمارستان‌ها و خانه‌های بهداشت، می‌تواند در فرهنگ‌سازی به ایفای نقش بپردازد.

نتیجه‌گیری

موضوع جمعیت و باروری، پدیده‌ای چندوجهی و دارای زوایای گوناگون است. متغیرهای گوناگون جمعیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر تغییرات جمعیتی تأثیرگذارند. اما با این همه، این پدیده بیش از همه متأثر از پدیده‌های فرهنگی است. بدین معنا که دگرگونی‌های جمعیتی بیش از همه، از تغییرات فرهنگی و ارزشی تأثیرپذیرند. از این‌رو سیاست‌گذاران و متولیان امر جمعیت باید به این موضوع، بیشتر به‌مثابه امری فرهنگی بنگرند. از سویی پدیده فرهنگی برای اشاعه و نیز نهادینه شدن، نیازمند فرایند فرهنگ‌سازی است. بدون شک حل مسائل اقتصادی و اجتماعی تا حدودی در گرایش به فرزندآوری تأثیرگذارند، اما از آنجاکه کنش انسان بیش از هر چیز دیگر متأثر از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های اوست. تلاش برای فرهنگ‌سازی و نهادینه‌سازی فرایندهایی که به فرزندآوری منجر می‌شود، تأثیری دو چندان دارد. از این‌رو لازم است موضوع

فرزندآوری و جمعیت و فرایندهای مرتبط با آن، به‌عنوان امری فرهنگی و نیازمند به فرهنگ‌سازی مورد توجه مسئولان و متولیان و سیاست‌گذاران قرار گیرد. بدین منظور در این نوشتار راهکارهای تحقق فرهنگ‌سازی در خصوص افزایش جمعیت مورد بررسی قرار گرفت. بر این اساس، ارتقای فرهنگ دینی، فرهنگ‌سازی برای ازدواج آسان و به‌هنگام، نکوهش تجرد، اصلاح الگوی مصرف، بهره‌گیری از ظرفیت حمایتگری سالمندان، اشاعه گفتمان خانواده پرفرزند، تقبیح طلاق و فرهنگ‌سازی برای زایمان طبیعی، راهکارهایی هستند که به تحقق راهبرد فرهنگ‌سازی برای افزایش جمعیت، عینیت می‌بخشند.

منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). تحف‌العقول. تصحیح علی‌اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- بیانات رهبر معظم انقلاب، khamenei.ir
- جباری فاروجی، صابر (۱۴۰۳). ۵۶ درصد زایمان‌های کشور سزایی است. mehnews.com/x36p5R
- جمعی از نویسندگان (۱۴۰۱). درس‌نامه مفاهیم و ابعاد جمعیت. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۹۷). بحران خاموش: واکاوی جامعه‌شناختی علل فرهنگی اجتماعی کاهش باروری در ایران. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حبیب‌پورگابی، کرم و غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). علل افزایش سن ازدواج دختران. زن در توسعه و سیاست، ۱ (۹)، ۷-۳۴.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۲ق). وسائل‌الشیعه. تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- خانی، علیرضا (۱۳۷۷). نگاهی به عوامل جامعه‌شناختی رشد جمعیت در ایران. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۲۹-۱۳۰، ص ۱۹۰-۱۹۷.
- دلاور، علیرضا (۱۴۰۱). دروغ بزرگ بحران طلاق در ایران. مصاحبه با خبرگزاری دانشجو، ۱۴۰۱/۱۰/۱۶، snn.ir/fa/news
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۹). آناتومی جامعه. تهران: شرکت سهامی خاص.
- شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۹۸). تأملی بر موضوع تجرد زنان در ایران. مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، ۱۲ (۱)، ۱-۲۲.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۹۱). رسانه ملی و تغییر سیاست جمعیتی؛ مسئله‌شناسی، راهبردها و سیاست‌ها (مجموعه گفت‌وگو). قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۵ق). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۸). *مالی*. ترجمه صادق حسن‌زاده. قم: اندیشه هادی.

علی‌محمدزاده، خلیل و دیگران (۱۳۹۲). مرور نظام‌مند سه دهه مقالات علمی - پژوهشی «علل سزارین» و راهبردهای مدیریت سلامت جمعیت. *مطالعات راهبردی زنان*، ۶۱ (۱۶)، ۵۷-۷.

فلام، بروس ال. (۱۳۸۷). *چرا سزارین؟* ترجمه فریبا جعفری نمینی، تهران: نسل نواندیش.

فولادی‌وند، محمد (۱۳۹۹). *فرصت جمعیت: چشم‌انداز تحولات جمعیت در ایران؛ چالش‌ها و راهبردها*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۸۸). *الوافی*. اصفهان: عطر عترت.

فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۷ق). *المحجۃ البیضاء*. قم: جامعه مدرسین. قادرزاده، امید و دیگران (۱۳۹۶). بازسازی معنایی تجربه زیسته دختران از *تجرد*. زن در توسعه و سیاست، ۳ (۱۵)، ۴۰۳-۴۲۶.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). *الکافی*. به اهتمام محمدحسین درایتی. قم: دارالحديث.

کوئن، بروس (۱۳۷۵). *درآمدی بر جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن صیوری. تهران: توتیا.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بخارالانوار*. بیروت: مؤسسة الوفاء. محمدبیگی، ربابه و رحیمی، عزت‌الله (۱۳۸۳). اثر سزارین بر کاهش باروری در زنان حامله شهر سنج. *مجله دانشگاه علوم پزشکی کردستان*، ۳۴ (۹)، ۴۴-۴۰.

محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۸۸). *میزان الحکمه*. قم: دارالحديث. محمدی‌سعادت، فرحناز (۱۳۹۲). رتبه دوم سزارین در جهان. *isna.ir/news*

ملک‌افضلی، حسین و دیگران (۱۳۸۷). *برنامه تنظیم خانواده در جمهوری اسلامی*. تهران: نخبگان.

منافی‌فر، سیده‌فاطمه‌زها و دیگران (۱۳۹۹). *سالمندی سالم چیست؟ تعاریف و عوامل مؤثر*. سلامت و سالمندی خزر، ۱ (۵)، ۳۴-۲۷.

میرزایی، محمد و دیگران (۱۳۹۶). *سالخوردگی جمعیت در ایران و هزینه‌های* رو به افزایش بهداشت و درمان. *سالمند*، ۲ (۱۲)، ۱۵۹-۱۶۹.

نوری طبرسی، میرزااحسین (۱۴۱۵ق). *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.

هیوارد، سوزان (۱۳۸۱). *مفاهیم کلیدی در مطالعات سینمایی*. ترجمه فتاح محمدی. زنجان: هزاره سوم.

Bennet, J. (1973). Culture, in *Encyclopedia Americana*. USA: Chicago Publisher.

Dimatteo, MR, Morton SC, Lepper HS, Damush TM, Carney MF, Pearson M, Kahn KL. (1996). Caesarean childbirth and Psychological Outcomes: A meta-Analysis. *Health Psychology*, 15(4), 303-314.

Hammel, E.A. (1990). A Theory of culture demography. *population and development review*, 16 (3), 455-485.

Lull, James (2000). *Media, Communication, Culture: A Global Approach*. Second Edition, Cambridge, UK: Polity Press.

Lull, James. (ed.), (1988), *World Families Watch Television*, Newbury Park, CA: Sage

The Role of Awaiting Deliverance (Intizār-e Faraj) in the Life of Contemporary Man: Focusing on Ayatollah Javadi Amoli's View

Khadijeh Nazari  / Level 3 Student at Seminary School (Hawza), the Qur'anic Sciences and Exegesis, Fatima Masumeh Higher Education Institute, Bandar Abbas

khadijeh31365@gmail.com

Received: 2024/12/31 - **Accepted:** 2025/04/07

Abstract

Awaiting the Promised Deliverer is a pervasive religious teaching influencing broad dimensions of man's contemporary life. Undoubtedly, it elevates life quality, yet many people constrained by socio-cultural-economic structures miss its benefits amid pressures. Therefore, this research answers the question of what role Intizār-e Faraj plays in man's contemporary life focusing on Ayatollah Javadi Amoli. The data were collected using a descriptive-analytical method and library sources. The research findings show that comfort and ease of life, resolving difficulties, being endeared by Ahl al-Bayt (PBUT), cultivating Islamic ethics, elevating knowledge, manifesting servitude to God, instilling vitality, hope and enthusiasm, exercising patience against hardships, strengthening family, promoting modesty and chastity, creating social reforms, encouraging humility, avoiding arrogance and encouraging the culture of courage and martyrdom are the effects of Intizār-e Faraj in man's contemporary life.

Keywords: awaiting deliverance (Intizār-e Faraj), man's social life, Ayatollah Javadi Amoli.

نوع مقاله: ترویجی

نقش انتظار فرج در زندگی انسان معاصر با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

khadijeh31365@gmail.com

خدیدجه نظری  / طلبه سطح سه تفسیر و علوم قرآنی، مؤسسه عالی فاطمه معصومه  بندرعباس

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

چکیده

انتظار فرج موعود از فراگیرترین آموزه‌های دینی است که دامنه آن بخش گسترده‌ای از ابعاد زندگی انسان معاصر را دربر گرفته است. بی‌تردید انتظار فرج، نقش بسزایی در ارتقای کیفیت زندگی انسان معاصر دارد، اما متأسفانه بسیاری از مردم، به دلیل ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حاکم، فرصت‌های لازم برای بهره‌برداری از این انتظار را نمی‌یابند و تحت فشارهای مختلف قرار دارند. از این‌رو تحقیق حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که نقش انتظار فرج در زندگی انسان معاصر با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی چیست؟ داده‌های این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که آسایش و آسودگی زندگی، گشایش در مشکلات، عزیز شدن نزد اهل بیت ، تخلق به اخلاق اسلامی و ارتقای علمی، تجلی عبودیت، سرزندگی و امید و شوق‌آفرینی، صبوری در برابر مشکلات و استحکام خانواده، ترویج حیا و عفت در جامعه، مصلح اجتماعی و اصلاحگری جامعه، تواضع و فروتنی و اجتناب از تکبر، ترویج فرهنگ شجاعت و شهادت، از جمله آثار انتظار فرج موعود در زندگی انسان معاصر است.

کلیدواژه‌ها: انتظار فرج، زندگی اجتماعی بشر، آیت‌الله جوادی آملی.

مقدمه

یادآوری می‌کند که انتظار فرج نه تنها یک مفهوم دینی، بلکه یک راهکار عملی برای بهبود زندگی فردی و اجتماعی است. همچنین، بیان نیاز و ضرورت تحقیق در این زمینه به وضوح نشان‌دهنده خلأ علمی موجود در ادبیات پژوهشی است. در حال حاضر، تحقیقات کمی در این زمینه انجام شده و نیاز به بررسی‌های بیشتر احساس می‌شود.

روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزارهای کتابخانه‌ای و فیش‌برداری می‌باشد. این روش به ما این امکان را می‌دهد که به بررسی دقیق‌تری از موضوع پردازیم و به نتایج قابل اعتمادی دست یابیم.

آثاری که در این زمینه به رشته تحریر درآمده است، به قرار ذیل است: مقاله «نقش انتظار فرج در انسجام اسلامی گروه‌های سیاسی - اجتماعی و وظایف دولت زمینه‌ساز» (داوودپور، ۱۳۸۸)، به بررسی نقش آموزه‌های دینی و فرهنگ انتظار در ایجاد انسجام اجتماعی و هم‌بستگی سیاسی پرداخته است. سؤال اصلی مقاله این است که چگونه این آموزه‌ها می‌توانند به تقویت پیوندهای اجتماعی و کاهش تفرقه در جامعه کمک کنند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که نهادهای سازنده فرهنگ انتظار در مدارس و جامعه، می‌توانند موجب هم‌سویی نهادها با ارزش‌های مهدوی شود و در نهایت گروه‌های سیاسی را به سمت تشکیل حکومت جهانی واحد مهدوی سوق دهد. این مقاله به تحلیل ابعاد مختلف این موضوع و ارائه راهکارهایی برای تحقق آن می‌پردازد.

مقاله «خوانش آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی از آموزه انتظار فرج» (شاکر، ۱۴۰۲)، به بررسی مفهوم انتظار فرج و نقش آن در تحرک و پویایی اجتماعی پرداخته است. سؤال اصلی مقاله این است که چگونه خوانش‌های مختلف از انتظار می‌تواند بر رفتار فردی و اجتماعی انسان‌ها تأثیر بگذارد؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که انتظار عالمانه و مثبت می‌تواند به عنوان عاملی برای امید، عدالت‌خواهی و مبارزه با فساد عمل کند، درحالی‌که خوانش منفی از انتظار می‌تواند منجر به رکود و تسلیم در برابر ظلم شود.

مقاله «وظایف جوانان در جامعه منتظر» (برنجکار و سیادت، ۱۴۰۲)، در این مقاله بیان شده است که جامعه منتظر با بنیاد نهادن بایسته‌های زمینه‌ساز در ظهور و تداوم حکومت مهدوی گام برمی‌دارد.

جوانان در این حوزه باید معرفت خود نسبت به حجت الهی را افزایش دهند، قدرت جسمانی و نظامی خود را تقویت کنند و در

فرج وجود مبارک امام عصر علیه السلام از بزرگ‌ترین آرزوهای پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام است که سبب امید به آینده و حرکت و پویایی در جامعه اسلامی است. مهم، باور حتمی بودن ظهور و انتظار راستین برای تحقق آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۳). بی‌تردید، انسان معاصر نقش مهمی در تربیت نسل آینده دارد و از آن‌رو که سهمی درخور از آرامش و امنیت روانی و تثبیت عقاید نسل آینده و امدار نقش بی‌نظیر انسان معاصر است؛ نیز صلاح و سداد نسل فردا در گرو صلاح و سداد انسان معاصر است. انتظار فرج موعود به عنوان یک اصل اعتقادی و معنوی، تأثیر عمیقی بر سبک زندگی فردی و اجتماعی انسان معاصر دارد. این انتظار نه تنها به عنوان یک امید برای ظهور منجی، بلکه به عنوان یک عامل مؤثر در شکل‌گیری رفتارها و نگرش‌های انسان معاصر مطرح می‌شود. در این راستا وضعیت مطلوب در این زمینه، ایجاد فضایی است که انسان با تکیه بر آموزه‌های دینی و اخلاقی، به عنوان الگوهایی برای خانواده و جامعه عمل کنند و به تقویت ارزش‌های انسانی و دینی بپردازند، اما متأسفانه در وضعیت کنونی، بسیاری از افراد به دلیل چالش‌های اجتماعی و فرهنگی، از این آموزه‌ها فاصله گرفته و در معرض مشکلاتی چون عدم آگاهی، فشارهای اجتماعی و فرهنگی و ناهنجاری‌های رفتاری قرار دارند. این وضعیت موجود نشان‌دهنده کمبودهایی در زمینه آموزش و ترویج فرهنگ انتظار فرج است، به‌ویژه آفت بزرگی که می‌تواند مانع کارکرد اساسی و ثمربخش این بخش از اجتماع شود و آنان را که قادر بوده عامل سعادت فرد و جامعه باشند به ابزار انحطاط خویش و جامعه بدل کند. همانا فقدان صفت‌هایی است که امام عصر علیه السلام آنها را بایسته امت مهدوی می‌داند و آراستگی به آن صفات را از درگاه عز ربوبی برایشان درخواست می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۰-۲۱۱). از این‌رو تحقیق حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که نقش انتظار فرج موعود در سبک زندگی انسان معاصر از دیدگاه تفسیری آیت‌الله جوادی آملی چیست؟ به عبارت دیگر، ما باید بررسی کنیم که چگونه انتظار فرج می‌تواند به بهبود وضعیت اجتماعی افراد کمک کند و چه تأثیراتی بر رفتارها و نگرش‌های آنها دارد.

اهمیت این مسئله در این است که با ترویج فرهنگ انتظار فرج، می‌توان به بهبود وضعیت فردی و اجتماعی انسان معاصر کمک کرد و از این طریق به تحقق آرمان‌های انسانی و دینی نائل آمد. این نکته به ما

انتظار فرج بر زندگی روزمره انسان‌ها و چگونگی پیوند آن با آموزه‌های آیت‌الله جوادی آملی است که می‌تواند به درک بهتر از این مفهوم در دنیای معاصر کمک کند.

۱. معنای انتظار و منتظر

«انتظار» در لغت، به معنای چشم داشتن، ترقب و توقع، منتظر بودن و چشم‌به‌راه بودن است (دهخدا، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۴۴). به معنای عام آن، که برخاسته از خوش‌بینی به روند کلی حرکت تاریخ و اطمینان به آینده نیکوست، امری فطری و همگانی است که میان پیروان هر قوم و آیینی وجود دارد، اما انتظار با مفهوم و محتوای خاص شیعی، ویژگی‌هایی دارد که مهم‌ترین آن چند چیز است (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۹، ص ۳۶۹). مُتَنَظِرُ «نَظَر» نگاه عمیق در امر مادی یا معنوی، با چشم یا از روی بصیرت و تأمل است. «انتظار» درنگ و چشم‌داشت و توقع چیزی است. به گفته برخی، واژه «انتظار» دارای گستره مفهومی فراتر از واژگان همگون آن، مانند «ترجی» (امید نیکی) و «تربص» (درنگ طولانی) و «امهال» (مکث نامشخص) است و بر امیدواری به امر شدنی دلالت دارد؛ خیر باشد یا شر؛ یقینی باشد یا نه. (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۹، ص ۳۵۵). به معنای چشم‌به‌راهی و انتظار فرج امام زمان علیه السلام از بهترین عبادات و از ارکان ایمان به‌شمار می‌رود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۷۶).

۲. نقش انتظار فرج در زندگی انسان معاصر

انتظار فرج در زندگی انسان معاصر آثار و پیامدهای بسیاری در ساحت‌های گوناگون زندگی انسان ایفا می‌کند این تأثیرات نشان‌دهنده نقش انتظار فرج موعود در زندگی انسان معاصر است. مشارکت فعال در فعالیت‌های اجتماعی و دینی انتظار فرج می‌تواند انسان را به سمت مشارکت فعال در فعالیت‌های اجتماعی و دینی سوق دهد. با توجه به باور به ظهور منجی و تحقق عدالت، منتظران مهدی موعود، در جامعه تشویق می‌شوند تا به‌عنوان فاعل فعال در زمینه‌های اجتماعی و دینی مشارکت کنند. این روحیه فعال می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی اجتماعی، تقویت روحیه همبستگی و ایجاد امید در جامعه منجر شود. قرآن نیز به همکاری و مشارکت در امور نیکو تأکید دارد و انتظار فرج به‌عنوان یک امید مشترک، می‌تواند به تقویت روحیه همبستگی و ایجاد امید در جامعه منجر شود. با ترویج حیا و عفت، منتظران

برابر مشکلات مقاوم باشند. همچنین، جوانان باید مسئولیت‌های خود را پذیرفته و به خودباوری دست یابند.

مقاله «چشم‌انداز جامعه منتظر در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (کارگر، ۱۳۹۹)، در این مقاله بررسی و تحلیل آرا و اندیشه رهبر معظم انقلاب در مورد آینده مطلوب جامعه منتظر صورت گرفته است. با استفاده از روش تدوین چشم‌انداز، این مقاله توصیف و تحلیل نکاتی درباره ارزش‌ها و اهداف بنیادین جامعه منتظر ارائه می‌دهد و بر اهمیت پویایی و توانمندی در پیوند با ظهور امام زمان علیه السلام تأکید دارد.

مقاله «بررسی وضعیت حیطه‌های مختلف انتظار فرج در دانشجویان و رابطه آن با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی» (مرادی و قلمکاریان، ۱۳۹۳)، این مقاله به بررسی مسئله مهدویت و اندیشه ظهور مهدی موعود در بین دانشجویان دانشگاه‌های پیام نور استان چهارمحال و بختیاری پرداخته است. سؤال اصلی مقاله این است که میزان انتظار فرج و رابطه آن با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی دانشجویان چگونه است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که انتظار ظهور در بین دانشجویان بالاتر از سطح متوسط است و مهم‌ترین حیطه انتظار فرج، اهمیت داشتن سلامتی و آرامش حضرت است. همچنین، تنها جنسیت، سن و دانشگاه با میزان انتظار فرج دانشجویان رابطه معناداری دارد.

مقاله «بررسی تحولات در خوانش از مفهوم انتظار فرج در دوران غیبت کبری» (دهقانی فارسانی و دیگران، ۱۳۹۳)، در این مقاله به بررسی تحولات مفهوم «انتظار فرج امام قائم» در دوره غیبت کبری پرداخته می‌شود. سؤال اصلی مقاله این است که چه عواملی موجب تغییر در خوانش مفهوم «انتظار فرج» در طول زمان شده است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که با گذر زمان، تغییرات قابل‌توجهی در درک و تفسیر این مفهوم در میان دانشمندان شیعه رخ داده است که به نیازهای اجتماعی و فرهنگی جامعه شیعه در آن دوران پاسخ می‌دهد.

نوآوری و وجه تمایز مقاله حاضر این است که با استفاده از دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی، مفسر و مرجع تقلید، نگاهی عمیق به نقش انتظار فرج در زندگی انسان معاصر دارد. با تحلیل روایات و شواهد، تأثیرات این مفهوم بر ابعاد مختلف زندگی اجتماعی انسان معاصر را بررسی می‌کند و بر خلاف تحقیقات قبلی، بر تعاملات اجتماعی و جمعیت‌شناختی و مسئولیت‌های انسان معاصر تمرکز دارد. نوشتار حاضر به ارائه تحلیلی عمیق از تأثیرات فردی و معنوی

بارهای تکالیف سنگین و زنجیرها که بر دوش عقل و جان آنان است برمی‌دارد. مهدی موعود، همانند حضرت ختمی نبوت ﷺ عهده‌دار چنین هدایت است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰-۱۲۱).

آیت‌الله جوادی آملی در آثار خود به این نکته اشاره می‌فرماید که حیات طویه قناعت و حسن خلق وابسته است و محبت سرمنشأ این حیات طویه است. چنان‌که می‌فرماید:

محبت، شجره طویه‌ای است که ریشه در اعماق وجود آدمی و شاخه در گستره آسمان معنویت دارد و میوه این شجره طوبا، گذشته از عقیده صائب و اخلاق، اعمال خیری است که از اعضا و جوارح انسان ظاهر می‌شود. همان‌طور که اصل به بار نشستن درخت و خوش‌رنگ و خوش‌طعم بودن میوه، نشانه حیات و شادابی درخت است، اعمال آدمی نیز نشان نشاط یا پژمردگی درخت محبت در وجود اوست (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۰).

«مَنْ أَرَادَ مِنْكُمْ أَنْ يَعْلَمَ كَيْفَ مَنَزَلَتُهُ عِنْدَ اللَّهِ فَلْيَنْظُرْ كَيْفَ مَنَزَلَةُ اللَّهِ مِنْهُ عِنْدَ الدُّنْيَا» (این‌شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۱۰۷)؛ اگر در درون آدمی، محبت واقعی وجود داشته باشد، اولین اثرش، جلب رضای محبوب و تقسیم آن بر رضای دیگران است.

بنابراین، زنان با پیروی از این آموزه‌ها می‌توانند در خانواده‌های خود فضایی آرام و محبت‌آمیز ایجاد کنند. انتظار فرج به آنها این امکان را می‌دهد که با امید به آینده‌ای بهتر، و با محبت خدا و حجت خدا در زمین، به حیات طویه نائل گشته و بر مشکلات و چالش‌های روزمره غلبه کنند و به‌جای تمرکز بر نواقص، بر روی نعمت‌های موجود در زندگی خود تأکید کنند.

۲-۲. گشایش در مشکلات

گشایش در مشکلات، ترکیبی از دعا و تلاش جمعی است. دعا برای فرج، امیدبخش است، اما گشایش پایدار، نیازمند همکاری و رهبری انسان کامل است. در کنار نیایش، توجه به تلاش‌های جمعی برای تحقق گشایش واقعی در زندگی ضروری است. دعا برای فرج آن حضرت که مجرای فیض خدای سبحان است می‌تواند زمینه گشایش دشواری‌های موردی و مقطعی افراد یا جامعه را برطرف نماید، گرچه فرج اصیل و گشایش نهایی فقط در ظل زعامت انسان کامل محقق می‌شود. البته روشن است که منظور از دعا این نیست که انسان به گفتن «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ» اکتفا کرده، بدین

مهدی موعود، می‌توانند به بهبود کیفیت زندگی اجتماعی و تقویت روابط انسانی کمک کنند و از این طریق، به تحقق آرمان‌های بلند انسانی و دینی نائل آیند. قرآن می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مانده: ۲)؛ و باید با یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید. آموزه‌های قرآن تأکید می‌کند که همکاری و مشارکت در امور نیکو می‌تواند به پیشرفت جامعه کمک کند و انتظار فرج به منظور تحقق این همکاری ضروری است.

بنابراین، فرهنگ شهامت و شجاعت، اجتناب از تکبر، مصلح شدن جامعه، اصلاحگری، ترویج حیا و عفت در جامعه در زندگی انسان معاصر از نقش‌آفرینی انتظار فرج موعود است که در ادامه به تبیین و تحلیل آن پرداخته می‌شود:

۲-۱. آسایش و آسودگی زندگی

آیت‌الله جوادی آملی بر این باور است که زندگی آسوده و راحت، آرزوی همگان است و انسان کامل، راهنمای رسیدن به این هدف است. ساده‌زیستی و قناعت، کلید دستیابی به حیات طویه و آرامش درونی محسوب می‌شوند. انتظار فرج، علاوه بر امید به آینده، به انسان معاصر کمک می‌کند تا با تمرکز بر سادگی، از تجملات دوری کرده و زندگی آرام‌تری داشته باشد. انسان کامل، با درک باطن و ظاهر عالم، سعادت را در سادگی و دوری از تجملات می‌داند؛ چراکه زیبایی حقیقی در درون انسان نهفته است. خداوند به مؤمنان، حیات طویه وعده داده است، که شامل زندگی ساده و قانعانه می‌شود، و روایات نیز قناعت را به‌عنوان تفسیری از حیات طیب معرفی می‌کنند. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: قناعت، گونه‌ای پادشاهی است و حسن خلق، گونه‌ای نعمت است. هنگامی که از او در این سخن خدای عزوجل پرسیدند: «زندگی خوش و پاکیزه به او خواهیم داد» فرمود: این زندگی خوش و پاکیزه قناعت است» (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹). خلاصه آنکه جامعه جاهل چیزی را از دست می‌دهد که مایه آرامش اوست و چیزی را جمع کرده و به آن اعتماد دارد و بر آن پایه خرسند است که سبب ناآرامی اوست. آن ترک ناروا و این جذب نابجا اضطراب‌آور است و چنین جامعه‌ای بین دو جدار فشاردهنده و دو بند مهارکننده گرفتار می‌شود. آنکه این بندها را بشناسند و راه برون‌رفت از آنها را بیاموزاند و شیوه عملی آن را اراده کند، انسان کامل است: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف: ۱۵۷)؛ و

طریق اسقاط تکلیف کند، بلکه دعا باید به زبان حال و استعداد باشد. از این جهت کسی می‌تواند واقعاً و از عمق جاننش برای تعجیل در امر فرج آن حضرت دعا کند که انتظارش انتظار حقیقی باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۶-۱۱۷). همچنین دعاکننده باید در نیایش موحد باشد و غیر خدا را نخواند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۶۷).

گشایش در مشکلات، نه تنها به دعا و نیایش، بلکه به تلاش و همت جمعی نیز بستگی دارد. دعا برای فرج و ظهور منجی، الهام‌بخش و امیدبخش است، اما گشایش پایدار در زندگی اجتماعی انسان معاصر، نیازمند همکاری و تلاش جمعی است. در کنار دعا و نیایش، باید به اهمیت رهبری و زعامت انسان کامل و همچنین تلاش‌های جمعی برای تحقق گشایش واقعی در زندگی توجه داشت.

۲-۳. عزیز شدن نزد اهل بیت

عزیز شدن نزد اهل بیت، آرزوی معنوی مؤمنان است که به دنبال تقرب به خداوند و درک مقام والای عترت طاهره هستند. انتظار فرج و ظهور امام زمان، به عنوان اصولی اساسی در تشیع، نه تنها امیدی برای آینده‌ای روشن است، بلکه عاملی برای تقویت ارتباط با اهل بیت و کسب محبت و رحمت آنها محسوب می‌شود. این انتظار، انگیزه‌ای برای جهاد و تلاش در مسیر ارزش‌های الهی و قرار گرفتن در زمره منتظران صالح است. آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید:

مقام والای عترت طاهره، یعنی «مقام محمود عندالله»،

بالاترین مراتب تقرب به خداوند است و آرزوی هر مؤمن

صاحب معرفت می‌باشد. اگرچه رسیدن به این مقام برای

افراد عادی دشوار است، اما با توجه به مراتب مختلف

وجودی، ورود به آن برای سالکان صادق و صاحب معرفت، بر

اساس مرتبه وجودی‌شان، امکان‌پذیر است. بسیاری از

منتظران حجت منتظر که در جهاد اوسط و اکبر کوشیده‌اند و

به بارگاه قبول اهل بیت، رسیده‌اند، مشمول نگاه رحمت‌آمیز

عترت طاهره شده‌اند و مس وجودشان تحت تأثیر نگاه

کیمیایی آنان، گرانها گشته است. این افراد شایسته‌اند که به

مقام محمود اهل بیت دست یابند و مدال «منا اهل بیت» را

کسب کنند، همان‌طور که بزرگانی مانند فضه، ابوذر، سلمان و

دیگران با ارتباط راستین با ولی زمانشان، به این افتخار نائل

آمدند. فضه خادمه خانه نورانی علوی و فاطمی است که

روزگاری مس وجودی داشت، ولی به برکت وجود کیمیا اثر خاندان عترت، طلایش گردانید و تا مقامی بار یافت که در فضیلت «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (انسان: ۸) (و غذا را در عین دوست داشتن، به مسکین و یتیم و اسیر انفاق می‌کنند)، با موالیانش شرکت جست و به افتخار «منا اهل بیت» رسید (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۸).

درجه گواهی به ولایت امامان معصوم، پیوند معنوی و معرفت قلبی به مقام ولایت آنان است. گرایش درونی و پیوند روحی با مقام ولایت، سبب نزدیکی و باریافتگی به آستان ملکوتی آن ذوات قدسی می‌شود، به گونه‌ای که پیامبر در ارج‌گذاری انسان‌های روشن‌ضمیری مانند جناب سلمان، وی را از باریافتگان به آستان اهل بیت می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۶۷). چنان‌که می‌فرماید: «سلمان منّا اهل بیت» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۳۹۶).

بنابراین، می‌توان گفت که انتظار فرج و ظهور امام زمان، نه تنها یک وظیفه دینی، بلکه یک فرصت برای عزیز شدن نزد اهل بیت است. این انتظار، مؤمنان را به تلاش و جهاد در راه حق وادار می‌کند و آنان را به سمت تقرب به عترت طاهره هدایت می‌نماید. همان‌طور که شخصیت‌های بزرگی چون فضه خادمه و ابوذر به برکت ارتباط با اهل بیت، به مقام‌های والایی دست یافتند، منتظران واقعی نیز می‌توانند با تلاش و اخلاص، به این مقام نائل شوند. در نهایت، عزیز شدن نزد اهل بیت، نتیجه تلاش مستمر در راستای تحقق ارزش‌های الهی و انتظار فرج است که می‌تواند به باروری روحی و معنوی انسان‌ها منجر شود و آنان را در زمره «منا اهل بیت» قرار دهد.

۲-۴. تخلق به اخلاق اسلامی و ارتقای علمی

انتظار فرج، مفهومی دینی است که نه تنها امیدی برای ظهور منجی است، بلکه راهنمایی برای زندگی روزمره با اخلاق الهی، برای انسان معاصر محسوب می‌شود. آیت‌الله جوادی آملی بر این باور است که انتظار واقعی در اعمال و رفتار ما تجلی می‌یابد. این انتظار، انسان را توانمند می‌سازد تا با ایجاد فضایی محبت‌آمیز در خانواده، از کینه دوری کرده و به خیرخواهی بپردازند. درواقع، انتظار فرج، تلاشی برای اصلاح خود و دیگران و زندگی کردن به روشی است که آمادگی برای ظهور منجی را نشان دهد. آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید:

منتظران واقعی امام عصر، با تخلق به اخلاق الهی، از حرام‌ها

کرده و به تعالی اندیشه و دانش و رشد اخلاق و معنویت در خانواده‌ها می‌انجامد. چنان که آیت‌الله جوادی آملی می‌فرماید:

اثاره دفائن عقول و شکوفایی گنج‌های اندیشه انسان‌ها از برترین برنامه‌های وجود مبارک امام عصر ع است، همان گونه که در بسیاری از روایات ظهور حضرتش به اوج گرفتن سطح آگاهی در عصر ظهور تصریح شده است. سیر طبیعی علوم از سویی و کوشش بی‌وقفه علما و صاحبان عقل و دانش و فرهنگ از سویی دیگر، سبب گسترش مباحث و معارف علمی و زمینه رشد فکر و شکوفایی اندیشه را فراهم می‌آورد. این حرکت و جنبش علمی که با تألیف کتاب یا سایر دستاوردهای علمی و فکری و به دست علما که سربازان واقعی و مستظران حقیقی امام عصر هستند به وجود می‌آید، فتنه‌های برخاسته از خواسته‌های نفسانی برای خاموش کردن چراغ عقل را ناکام می‌گذارد و سبب تعالی اندیشه و دانش خواهد گشت (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۶-۱۸۷).

انتظار فرج، فرصتی برای تقویت ایمان و اراده و ارتقای دانش و علم اخلاق و تحقق اخلاق نظری است که به یادگیری و پژوهش در زمینه‌های اخلاقی، علمی و فرهنگی می‌انجامد. این انتظار، روابط خانوادگی و اجتماعی را مستحکم‌تر کرده و فضایی سالم و محبت‌آمیز ایجاد می‌نماید. آیت‌الله جوادی آملی بر اهمیت آن در شکوفایی اندیشه‌ها و ارتقای آگاهی تأکید دارد. انتظار فرج، انگیزه‌ای برای کسب علم و دانش است و به ایجاد محیطی علمی و فرهنگی در خانواده کمک می‌کند. پدر و مادر، با تقویت روابط و تربیت نسل‌ها، می‌توانند خانواده را به سوی اهداف والای انسانی و دینی هدایت کنند. چنان که آیت‌الله جوادی آملی می‌فرماید:

در نظام مهدوی، رشد عقلی و شعور جمعی بالا می‌رود تا جامعه بشری ظرفیت ادراک معارف والای دینی را داشته باشد. ارتقای سطح فهم و ادراک جمعی، سبب می‌شود مردم دنیا پیام نجات‌بخش اسلام را دریافت کنند و به امام معصوم روی آورند. شکوفایی عقلانیت در عصر ظهور، هماهنگ با تعلیمات و حیاتی و محوریت آموزه‌های دین است؛ یعنی عقلانیت آخرتگرا و ارزش‌محور است، از این‌رو در حکومت دین‌مدار مهدوی، عقلانیت و فرزائگی، با عبودیت و بندگی خدای متعالی هماهنگ می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۱۰، ص ۳۱۳).

دوری می‌کنند و جان خود را از معصیت پاک نگه می‌دارند. آنها تلاش می‌کنند واجبات را انجام داده و مستحبات را نیز در حد توان خود به جا آورند. این رفتار، آنها را مستحق عنایت و نگاه ویژه امام و عترت طاهره می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۶).

انتظار فرج به انسان قدرت می‌دهد تا با تقویت ایمان و اراده، از وسوسه‌های شیطانی دوری کند و به کارهای نیک بپردازد. این امر می‌تواند روابط خانوادگی را مستحکم‌تر کرده و فضایی محبت‌آمیز ایجاد کند. منتظران حقیقی باید با عمل به آموزه‌های مکتب انتظار، مانند کسب دانش و خیرخواهی، خود را برای ظهور آماده کنند. همچنین، باید به غیر خدا تکیه نکرده و مراقب قلب خود باشند تا از کینه و غفلت دوری کنند. در غیراین‌صورت، هویت انسانی و سعادت دنیوی و اخروی خود را از دست خواهند داد و آنگاه چنین انسانی مصداق بارز «خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ» (حج: ۱۱) خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۱).

آیت‌الله جوادی آملی به این نکته اشاره می‌فرماید که اگر قلبی آلوده به کینه باشد، شایسته بذرافشانی معرفت و محبت نیست. بنابراین، انسان با تخلق به اخلاق الهی و دوری از کینه و حسد، می‌تواند به‌عنوان الگوهایی برای خانواده‌های خود عمل کنند و فضایی آرام و محبت‌آمیز ایجاد نمایند. همچنین، انتظار فرج به آنها کمک می‌کند تا به غیر خدا تکیه نکنند و امید خود را تنها به او ببندند، که این امر می‌تواند به تقویت ایمان و اعتماد به نفس آنها منجر شود. چنان که آیت‌الله جوادی آملی می‌فرماید: «شیعه، هم منتظر ظهور مهدی موجود موعود است؛ هم غیر از انتظار و امید، مراقبه و رابطه هم دارند؛ یعنی باور دارند که حضرت، ولی آنان است و به او تعهد می‌سپارند که مراقب گفتار، رفتار، سیره و صفت خودشان باشند» (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۱۰، ص ۷۳).

انتظار فرج به‌عنوان عاملی برای شکوفایی اندیشه‌ها و رشد فکری و ارتقای اخلاق نظری شناخته می‌شود. آیت‌الله جوادی آملی بر برنامه امام عصر ع برای ارتقای آگاهی تأکید دارد و انسان‌های منتظر می‌توانند با کسب علم و دانش، با ارتقای اخلاق نظری و دانایی به علم اخلاق، فضایی اخلاقی، علمی و فرهنگی در خانواده ایجاد کنند. پیروی از این آموزه‌ها به تربیت نسل‌های آگاه و رشد اخلاقی خانواده‌ها، کمک کرده و محیطی سرشار از علم و معنویت و اخلاق و آگاهی فراهم می‌آورد. این حرکت علمی همچنین فتنه‌های نفسانی را خنثا کرده و خواسته‌های نفسانی و رذائل اخلاقی را کنترل

۲-۵. تجلی عبودیت

بر اساس آموزه‌های دین، معرفت و اطاعت از خداوند با شناخت و پیروی از اولیای معصوم^{علیهم‌السلام} مرتبط است. عبودیت واقعی در گرو رهنمودهای این پیشوایان هدایت است و دستاوردهای معرفتی و تربیتی انسان در عرصه عبودیت الهی به شناخت و عمل به دستورات آنان وابسته است. اولیای معصوم^{علیهم‌السلام} به عنوان دروازه‌های عبودیت و راه رسیدن به قرب الهی شناخته می‌شوند. امام باقر^{علیه‌السلام} نیز معرفت و پیروی از امام را کلید حقیقت و خرسندی خداوند دانسته و عبادت بدون اعتراف به ولایت آنان را مردود می‌شمارد (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۹، ص ۴۳۴-۴۳۵). چنان که امام باقر^{علیه‌السلام} در این باره می‌فرماید: «ذُرْوَةُ الْأَمْرِ وَ سَنَامُهُ وَ مِفْتَاحُهُ وَ بَابُ الْأَشْيَاءِ وَ رِضَا الرَّحْمَنِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الطَّاعَةُ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۱۹)؛ بلندای امر و قله بلند و کلید آن در هر چیز و رضایت خدای رحمان پس از شناخت امام^{علیه‌السلام} پیروی از اوست و خداوند فرموده: هر که از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده و هر که روی برتابد [حسابش با ماست] ما تو را بر آنان نگهبان [اعمالشان که به طور اجبار از فسق و فجور حفظشان کنی] نفرستادیم.

۲-۶. سرزندگی و امید و شوق آفرینی

آیت‌الله جوادی آملی در آثار خود، انتظار فرج را به عنوان یک اصل اعتقادی معرفی می‌کند که امید به آینده‌ای روشن را در دل‌ها زنده نگه می‌دارد. ایشان تأکید دارند که انتظار فرج، نه یک حالت انفعالی، بلکه یک حرکت فعالانه است که انسان را به صبر و پایداری در برابر مشکلات دعوت می‌کند. این امیدواری، به‌ویژه در خانواده، باعث تقویت روحیه اعضا و استحکام بنیان خانواده می‌شود.

انتظار فرج، اصولی اعتقادی است که امیدی برای ظهور منجی محسوب می‌شود و نیروی محرکی در زندگی روزمره، برای انسان معاصر است. آیت‌الله جوادی آملی بر سرزندگی و شوق آفرینی این مفهوم تأکید دارد. انتظار فرج، به افراد کمک می‌کند تا امید و شوق را در زندگی خود تقویت کرده و با نگاهی به آینده‌ای روشن، روحیه خود و خانواده‌شان را بالا ببرند. این امیدواری، فضایی مثبت و شاداب در خانواده ایجاد می‌کند. چنان که می‌فرماید:

آموزه انتظار ویژگی‌هایی چون سرزندگی، شوق آفرینی و ماندگاری

دارد. انتظار ظهور مهدی موعود با گذر زمان دچار روزمرگی نمی‌شود و شمار مشتاقان او افزایش می‌یابد. این پویایی و جذب به‌حدی است که امامان پیشین نیز اشتیاق و علاقه شدید خود را به وجود مقدس او ابراز کرده‌اند. هنگامی که یکی از یاران امام صادق^{علیه‌السلام} درباره ولادت حضرت قائم (عج) پرسید، حضرت صادق^{علیه‌السلام} پاسخ داد: نه! سپس اشتیاق و صفناپذیر خویش را درباره آن یگانه دوران، این‌گونه آشکار کرد: «وَلَوْ أَذْرَكْتُه لَخَدَمْتُه أَيَّامَ حَيَاتِي» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ص ۱۴۸)؛ اگر او را درک می‌کردم و می‌دیدم روزهای عمرم را در خدمت او می‌بودم. راز این شور و شیدایی، آن است که آن موعود موجود الهی، همان‌گونه که خودش نمود همه انبیاء و اولیاء^{علیهم‌السلام} است، ظهور او نیز تجلی‌گاه تمام نیکی‌ها و تحقق بخش همه آرمان‌های بلند آدمی در پهنای تاریخ است (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۹، ص ۳۶۹-۳۷۰).

انتظار فرج به انسان معاصر این امکان را می‌دهد که با تقویت ایمان و اراده خود، در برابر چالش‌ها و مشکلات زندگی ایستادگی کنند. این رویکرد می‌تواند به تقویت روابط خانوادگی و ایجاد فضایی محبت‌آمیز و سالم در خانواده‌ها منجر شود. همچنین، امید به ظهور امام زمان^{علیه‌السلام} می‌تواند به عنوان یک منبع آرامش و انگیزه برای تلاش در جهت بهبود وضعیت زندگی و دستیابی به آرمان‌های بلند انسانی عمل کند.

اشتیاق فراوان جوانان به طریقت نورانی وحی و عترت، صفای باطنی، نورانیت ضمیر و زمینه مستعد برای قبول بذر هدایت، آنان را قابل می‌سازد تا بر اساس «يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (انبیاء: ۷۳) با فیض امام هدایت و با «کن فیکون» حضرتش متحول گردند و خالصانه در مسیر اعتلای کلمه الله از هیچ کوشش و بخششی دریغ نورزند و امام عصر که تحقق بخشنده آمال و اهداف تمام انبیای الهی در طول تاریخ بشر است، بر اساس سیره مشترک همه انبیای الهی که استفاده از زبان لَین و قول بلیغ در اوضاع عادی و زبانه تیغ در حال ضرورت است، پرچم توحید را بر فراز جامعه بشر به اهتزاز درخواهد آورد. آثار رحمت الهی با ظهور آن حضرت تجلی دیگری خواهد یافت و وعده قرآنی «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف: ۹۶) عملی خواهد شد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۵).

بنابراین، آموزه‌های آیت‌الله جوادی آملی نشان می‌دهد که امید به ظهور امام زمان^{علیه‌السلام} نقش مهمی در ایجاد آرامش و تقویت روحیه

در خانواده دارد. این امید خانواده را از فروپاشی در برابر مشکلات حفظ کرده و به آنها انگیزه می‌دهد تا برای آینده‌ای بهتر تلاش کنند. انتظار فرج به‌عنوان یک عامل مؤثر در سرزندگی و امیدآفرینی، به انسان معاصر کمک می‌کند تا فضایی مثبت و شاداب در خانواده و اجتماع ایجاد کنند. بنابراین، انتظار فرج نه تنها یک مفهوم دینی، بلکه یک راهکار عملی برای بهبود روابط اجتماعی و خانوادگی در تربیت نسل‌های آینده است و منتظران موعود، می‌توانند به‌عنوان الگوهایی برای تحقق اهداف عالی انسانی و دینی عمل کنند.

۲-۷. صبوری در برابر مشکلات و استحکام خانواده

انتظار فرج، اصولی اعتقادی است که نه تنها امیدی برای ظهور منجی محسوب می‌شود، بلکه عاملی برای تحقق صبر و استقامت در زندگی روزمره است. آیت‌الله جوادی آملی بر حفظ آرامش در برابر سختی‌ها تأکید دارد. افرادی که به انتظار فرج می‌پردازند، الگوهایی برای صبر در خانواده خود می‌شوند. این انتظار به آنها کمک می‌کند تا در شرایط سخت، با توکل به خدا، ستون‌های محکم خانواده باشند. این رویکرد، نه تنها وضعیت معنوی آنها را بهبود می‌بخشد، بلکه انسجام و استحکام خانواده را حفظ می‌کند. آیت‌الله جوادی آملی بر تحمل سختی‌های موقتی تأکید دارد، و افراد با تقویت صبر، در زمان‌های بحرانی، الگوهایی مثبت و حمایتگر برای خانواده خود می‌شوند. چنان که در این باره می‌فرماید: «صبر همانا حفظ نفس از بی‌تابی، جزع و آشفتگی است، نه خاموشی گزیدن و انفعال. بر آن دسته از منتظران راستین امام عصر^{علیه السلام} که از اغنیا نیستند، رواست که با پرهیز از آشفتگی و بی‌تابی که زمینه‌ساز انحراف آنان است و با آرامش نفس به امداد خداوند قادر اتکال و بر بالای مضيقه معاش صبر کنند: «وَعَلَى الْفُقَرَاءِ الصَّبْرُ» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۳).

انتظار فرج، پایداری خانواده را تقویت می‌کند. افرادی که به ارزش‌های آن پایبند هستند و صبر و استقامت را پیشه می‌کنند، الگوهایی الهام‌بخش برای حفظ انسجام خانواده می‌شوند. این نقش در شرایط سخت، برجسته‌تر است؛ زیرا صبر و استقامت، ستون‌های محکم خانواده را تشکیل می‌دهند. قرآن نیز بر صبر تأکید دارد و وعده نصرت الهی را می‌دهد. این وعده، امیدی برای غلبه بر مشکلات و کمک به پایداری خانواده است. انتظار فرج، روحیه خانواده را تقویت کرده و بنیان آن را استحکام می‌بخشد. قرآن می‌فرماید: «فَصَبِّرْ جَمِيلٌ» (یوسف: ۱۸)؛ در هر صورت صبر جمیل کنم.

طبق آموزه‌های قرآن و اهل بیت^{علیهم السلام}، به زنان توصیه می‌شود که صبر و استقامت خود را در حفظ خانواده تقویت کنند، به‌طوری‌که انتظار فرج خود به‌عنوان یک امید مشترک، به پایداری خانواده‌های معاصر منجر شود. صبر به‌معنای تحمل دشواری گزرای دوران آزمون الهی است؛ نه تحمل مقهورانه. وعده تخلف‌ناپذیر خدا با بیان «كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ»، زمینه ارتقاب و مراقبت صریح و سریع را فراهم می‌کند، از این جهت، هم صبر لازم است؛ هم ارتقاب (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۹، ص ۲۶۴).

در نتیجه از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، انتظار فرج می‌تواند به‌عنوان یک عامل مؤثر در ایجاد صبر و استحکام خانواده در زندگی انسان معاصر عمل کند. این انتظار، به آنها کمک می‌کند تا با تقویت روحیه صبر و استقامت، فضایی مثبت و حمایتگر در خانواده‌های خود ایجاد کنند. بنابراین، انتظار فرج نه تنها یک مفهوم دینی، بلکه یک راهکار عملی برای دستیابی به زندگی با کیفیت و پر از امید است که می‌تواند به بهبود روابط خانوادگی و تربیت نسل‌های آینده کمک کند. با این رویکرد، منتظران مهدی موعود می‌توانند به‌عنوان الگوهایی برای خانواده‌ها و جامعه عمل کنند و به تحقق اهداف عالی انسانی و دینی نائل آیند.

۲-۸. ترویج حیا و عفت در جامعه

انتظار فرج، مفهومی دوگانه است: امیدی برای ظهور منجی و ترویج حیا و عفت در جامعه. آیت‌الله جوادی آملی، انسان منتظر را پاسداران حیا می‌داند. خانواده‌هایی که به این مفهوم پایبند هستند، الگوهایی برای حیا بوده و با حفظ عفت، به ارتقای اخلاقی جامعه کمک می‌کنند. این رویکرد، فضایی مثبت و اخلاقی ایجاد می‌نماید، و انسان‌های منتظر با مراقبت از نفس، ارزش‌های دینی را حفظ می‌نمایند. آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید:

حیا به‌معنای مراقبت از نفس در برابر هر نوع آلودگی و زشتی و عیب است. بانوان منتظر، اماتداران مظهریت اسمای جمالی خداوندند. آنان باید این امانت الهی را پاس دارند و خویش را در برابر وسوسه‌های شیاطین ظاهری و باطنی که می‌کوشند تا با شکستن حریم شرع، عقل و اخلاق، این امانت بزرگ الهی را ضایع کنند، حفظ و مراقبت کنند تا به دام شیطان نیفتند، که هر سخن یا عمل برخلاف موازین آموزه‌های ناب قرآن و عترت، به منقصت، کدورت و تاریکی جان انسان می‌انجامد و از دام‌های شیطان به‌شمار می‌آید. انسان منتظر آخرین حجت خداوند، پاسدار حریم

عفت‌اند. حفظ عفت، یعنی نگهداشتن نفس از تمایلات و شهوات نفسانی، فضیلت والای انسان اهل انتظار است. بسا که جاهلیت مدرن روزگار ما تمایلات و هواهای نفسانی را دامن بزنند و شهوات را برای انسان زینت دهند؛ اما بر انسان منتظر شایسته است که با نگهداشتن از حریم عفت خویش زمینه اعتلای روح خویش را فراهم آورند و از پیروی وسوسه‌های نفسانی و شیطانی احتراز کنند و هیچ زینتی را برون از حوزه جان‌شان و هیچ افتخاری را برتر از حفظ گوهر الهی وجودشان نشناسند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۱).

بنابراین، انتظار فرج، به گفته آیت‌الله جوادی آملی، انسان را به ترویج حیا و عفت تشویق می‌کند. این انتظار، با حفظ حریم عفت و مراقبت از نفس، به ایجاد جامعه‌ای اخلاقی و مثبت کمک می‌نماید. انتظار فرج، نه تنها یک باور مذهبی است، بلکه راه‌حلی عملی برای زندگی بهتر و پرامید است که می‌تواند روابط اجتماعی را بهبود بخشیده و ارزش‌های اخلاقی را تقویت کند. انسان منتظر، با این رویکرد الگوهایی الهام‌بخش برای دیگران بوده و به اهداف والای انسانی و دینی دست می‌یابد.

۲-۹. مصلح اجتماعی و اصلاحگری جامعه

انتظار فرج، مفهومی است که امید به ظهور منجی را با تلاش برای اصلاح جامعه در زندگی روزمره انسان معاصر پیوند می‌دهد. آیت‌الله جوادی آملی بر این باور است که منتظران واقعی، با الهام از امام زمان علیه السلام، باید در ایجاد جامعه‌ای عادلانه کوشا باشند. افرادی که به این مفهوم اعتقاد دارند، می‌توانند به عنوان اصلاحگران اجتماعی، با امید به آینده، خود و جامعه را بهبود بخشند. این رویکرد، فضایی مثبت و الهام‌بخش در جامعه ایجاد می‌نماید و انسان منتظر را به الگوهایی برای دیگران تبدیل می‌کند. چنان که در این باره می‌فرماید: **باور به بی‌ثمر بودن تلاش‌ها برای اصلاح امور در غیبت ولی خدا، انگیزه‌ای برای مبارزه با ظالمان باقی نمی‌گذارد. اما کسانی که به انتظار فرج امیدوارند و می‌دانند صالحان بالاخره حاکم خواهند شد، برای رسیدن به آن جامعه ایدئال، هم خود را اصلاح می‌کنند و هم در اصلاح جامعه تلاش می‌نمایند. اینان، به عنوان منتظران واقعی، هم صالح هستند و هم مصلح. چنین کسی با اقتدا به دعای مولای خویش از خدای سبحان چنین می‌خواهد: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ، نَعْرِضُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ، وَ نُذِلُّ بِهَا التَّفَاقَ وَ أَهْلَهُ، وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدَّاعَةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ» (ابن**

طاووس، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۷۶)؛ خدا یا به سوی تو مشتاقیم برای یافتن دولت کریمه‌ای که اسلام و اهلش را به آن عزیز گردانی، و نفاق و اهلش را به وسیله آن خوار سازی و ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به سوی طاعتت و رهبران به سوی راحت قرار دهی. این همان معنای بلندی است که امام معصوم علیه السلام بدان اشاره و در بیان وظیفه شیعیان در عصر غیبت می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالدُّعَاءِ وَ اتِّبَاطِ الْفَرَجِ»؛ بر شما باد به دعا و انتظار فرج؛ چرا که اگر دعا ناظر به جنبه فردی و خودسازی تنها باشد، انتظار فرج قطعاً ناظر به هر دو جنبه فردی و اجتماعی یا به سخن دیگر، خودسازی و دیگرسازی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۳-۱۸۴).

انتظار فرج به عنوان یک امید مشترک، می‌تواند به تقویت روحیه همبستگی و ایجاد انگیزه برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و دینی منجر شود. این مشارکت نه تنها به بهبود کیفیت زندگی اجتماعی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به تحقق آرمان‌های بلند انسانی و دینی نیز منجر شود. انسان معاصر با تکیه بر آموزه‌های دینی و اخلاقی، می‌تواند به عنوان پیشگامان اصلاحگری اجتماعی عمل کنند و به تحقق جامعه‌ای عادلانه و سالم کمک نمایند.

انتظار فرج، اصولی اعتقادی است که نه تنها امیدی برای ظهور منجی است، بلکه عاملی برای تربیت مصلحان اجتماعی و اصلاحگری جامعه و بهبود وضعیت انسان معاصر است. آیت‌الله جوادی آملی تأکید می‌کند که منتظران واقعی باید با امید به آینده، جامعه‌ای عادلانه بسازند. زنانی که به انتظار فرج می‌پردازند، می‌توانند مصلحان اجتماعی باشند و با امید به آینده‌ای روشن، به اصلاح خود و جامعه کمک کنند. این رویکرد، فضایی مثبت و سازنده در جامعه ایجاد می‌نماید. آیت‌الله جوادی آملی بر اهمیت صالح و مصلح بودن تأکید دارد، و زنان با اصلاح خود و تلاش برای بهبود جامعه، الگوهایی الهام‌بخش می‌شوند. چنان که آیت‌الله جوادی آملی می‌فرماید:

اندیشه‌ای که به ثمر نشستن تلاش‌ها برای اصلاح امور شک دارد، انگیزه‌ای برای مبارزه با ظالمان و مقاومت در برابر سختی‌ها باقی نمی‌گذارد. اما اگر فردی به آینده امیدوار باشد و بداند که حکومت صالحان بالاخره برقرار خواهد شد، آنگاه برای رسیدن به چنین جامعه‌ای تلاش می‌کند، هم خود را اصلاح می‌نماید و هم دیگران را. این فرد، به عنوان منتظری واقعی، نه تنها صالح است، بلکه در حد توان خود به اصلاح جامعه نیز می‌پردازد. وقتی در حضور امام علیه السلام از غیبت امام

بدین معنا که از درون و بیرون نفس خویش را در مرتبه فرودست‌تری که همانا فقر محض نسبت به ایزد متعالی است بشناسند و ثروت خود را از آن خدا دانسته و خویش را در ردیف سایر بندگان خدا ببینند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۲).

چنان‌که امام زمان ع می‌فرماید: «وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالْتَوَاضُعِ» (عاملی کفعمی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۵۰). انتظار فرج به‌عنوان یک امید مشترک، می‌تواند به تقویت روحیه همبستگی و ایجاد انگیزه برای همکاری در امور اجتماعی منجر شود. این همکاری نه‌تنها به بهبود کیفیت زندگی اجتماعی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به تحقق آرمان‌های بلند انسانی و دینی نیز منجر شود. انسان منتظر، با تأسی از امام معصوم ع و با تکیه بر آموزه‌های دینی و اخلاقی، می‌تواند به‌عنوان پیشگامان تواضع و اجتناب از تکبر عمل کند و به تحقق جامعه‌ای عادلانه و سالم کمک نماید.

۲-۱۱. ترویج فرهنگ شجاعت و شهادت

انتظار فرج، به انسان کمک می‌کند تا با تقویت شهامت و شجاعت، در برابر چالش‌های اجتماعی ایستادگی کند و الگوهای الهام‌بخش باشند. این امر، نه‌تنها وضعیت معنوی آنها را بهبود می‌بخشد، بلکه جامعه‌ای مقاوم و مثبت ایجاد می‌کند. آیت‌الله جوادی آملی بر تعالی فرهنگ و فهم عمومی به‌عنوان زمینه‌ای ضروری برای درک پیام منجی تأکید دارد. چنان‌که آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید: انتظار فرج، به‌معنای آماده‌سازی جامعه برای ظهور منجی است، که شامل مجاهده و تلاش در مسیر پیشرفت فرهنگی و اجتماعی می‌شود. این انتظار، با رشد فکری و تقویت شهامت و شجاعت، جامعه را برای درک و اجرای احکام الهی آماده می‌کند. هدف نهایی، ایجاد جامعه‌ای است که بتواند معارف الهی را درک کرده و در برابر چالش‌ها و چهل ایستادگی نماید. و به فرموده امام باقر ع شجاعت، صلابت و نفوذ در اجرای احکام الهی از ویژگی‌های یاران وجود مبارک امام زمان (عج) است. امام باقر ع می‌فرماید: «أَجْرِي مِنْ لَيْثٍ وَ أَمْضَى مِنْ سَيَّانٍ» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۴)؛ و چون جامعه اسلامی در رشد و تعالی فرهنگ و خردورزی از سویی و بالندگی شجاعت، شهامت و مدیریت از سوی دیگر به نصاب خود رسید، زمینه ظهور حجت مطلق الهی فراهم می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۲-۱۹۳).

عصر ع سخن به میان آمد، یکی از حاضران گفت: وظیفه شیعیان شما چیست؟ فرمود: دعا و انتظار فرج؛ و ذکر فیه غیبة المهدی ع، قلت: کیف تصنع شیعتک؟ قال: «علیکم بالدعاء و انتظار الفرّج» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۲، ص ۳۳۶). اگر فرضاً دعا به جنبه فردی و خودسازی تنها نظر داشته باشد، چنان‌که از دعای منقول در دنباله روایت چنین استنباط می‌شود انتظار فرج قطعاً به هر دو جنبه خودسازی و دگرسازی نظر دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۴۲-۴۴).

بنابراین انتظار فرج، مفهومی قدرتمند است که امید به ظهور منجی را با راهنمایی برای زندگی اخلاقی روزمره، برای انسان معاصر، ترکیب می‌کند. این انتظار، انسان را تشویق می‌کند تا با ایجاد محبت در خانواده، از حسد دوری کرده و به خیرخواهی بپردازد. همچنین، ترویج حیا و عفت را تقویت می‌کند و به افراد کمک می‌نماید تا با حفظ عفت، جامعه‌ای اخلاقی‌تر بسازند. انتظار فرج، ایمان و اراده را تقویت کرده و به یادگیری و پژوهش علمی و فرهنگی منجر می‌شود. در نهایت، نه‌تنها یک باور مذهبی، بلکه راه‌حلی عملی برای زندگی بهتر و کمک به جامعه است.

۲-۱۰. تواضع و فروتنی و اجتناب از تکبر

انتظار فرج، مفهومی است که انسان را به تواضع، فروتنی و دوری از تکبر تشویق می‌کند. آیت‌الله جوادی آملی معتقد است: استکبار، مانعی برای ارتباط با خداست. افرادی که به انتظار فرج ایمان دارند، با شناخت محدودیت‌های خود و قدردانی از نعمت‌های الهی، تواضع را تمرین می‌کنند. این امر نه‌تنها به رشد معنوی آنها کمک می‌کند، بلکه جامعه‌ای همدل و محبت‌آمیز را ترویج می‌نماید. انسان متواضع، الگوهای الهام‌بخش برای دیگران هستند و به ایجاد یک محیط مثبت در جامعه کمک می‌کنند. چنان‌که در این باره می‌فرماید:

استکبار و خودبرتربینی، انسان را از خداوند غافل می‌کند و به ورطه هلاکت می‌افکند. خطر ابتلا به این آفت، زمانی جدی‌تر می‌شود که انسانی بر اثر توانایی و تمول خدادادی، قارونی و فرعونی بیندیشد، ثروت را دستاورد تلاش‌های خویش و قدرت را محصول توانایی تدبیرش ببیند، از این رو ثروتمندانی که در انتظار آخرین پرچمدار اندیشه توحیدی به سر می‌برند می‌بایست بکوشند تا هرچه بیشتر به صفت تواضع درآیند؛

انتظار فرج، به عنوان یک امید مشترک، می تواند روحیه همبستگی را تقویت کرده و انگیزه های برای مشارکت افراد در فعالیت های اجتماعی و دینی باشد. این مشارکت فعال، نه تنها به بهبود زندگی اجتماعی کمک می کند، بلکه به تحقق آرمان های انسانی و دینی نیز می انجامد. انسان معاصر، با الهام از آموزه های دینی، می تواند پیشگامان شجاعت، شهامت و شهادت بوده و در ایجاد جامعه ای عادلانه و سالم نقش داشته باشند.

نتیجه گیری

این پژوهش، تأثیر انتظار فرج بر سبک زندگی انسان معاصر را از منظر آیت الله جوادی آملی بررسی می کند. نتایج نشان می دهد که انتظار فرج، به عنوان یک اصل معنوی، نه تنها ایمان و امید انسان معاصر را تقویت می کند، بلکه به آنها کمک می کند تا با چالش ها به شیوه ای مثبت روبه رو شوند. این انتظار، منجر به صبر، استقامت و خودباوری در زندگی انسان معاصر می شود و روحیه ای مثبت اندیش ایجاد می نماید. در عرصه خانوادگی، انتظار فرج به انسان معاصر کمک می کند تا با ایجاد محیطی محبت آمیز، روابط خانوادگی را مستحکم تر کرده و مهارت های تربیتی خود را بهبود بخشند. این امر به تشکیل خانواده هایی سالم و متعهد می انجامد. در بعد اجتماعی انسان، با انتظار فرج می توانند در فعالیت های اجتماعی و خیریه مشارکت کرده و تأثیرگذاری خود را در جامعه افزایش دهند. این انتظار، به رهبری و هدایت مثبت افراد در محیط اجتماعی منجر می شود.

نتایج یافته ها نشان می دهد که انتظار فرج به عنوان یک اصل می تواند معضلات موجود در زندگی انسان معاصر را حل کند. این یافته ها در مقایسه با تحقیقات پیشین، تأکید بیشتری بر نقش فعال انسان معاصر منتظر در ایجاد تغییرات مثبت دارند و نشان دهنده تفاوت های معناداری در رویکردهای گذشته در این زمینه است.

با توجه به این نتایج، می توان مشکلات و معضلات موجود در جامعه را که به نوعی متأثر از خلأهای معنوی، اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی هستند، با استفاده از مفاهیم و آموزه های انتظار فرج کاهش داد. از جمله این مشکلات می توان به کاستی ها در روابط خانوادگی، نیاز به افزایش آگاهی اجتماعی و فقدان مشارکت فعال انسان معاصر در مسائل اجتماعی اشاره کرد. انتظار فرج به عنوان یک مبنای نظری و عملی می تواند در حل این معضلات مؤثر واقع شود و انسان معاصر را به سمت ارتقاء کیفیت زندگی در عصر نوین سوق دهد.

منابع

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). *تحف العقول*. تصحیح علی اکبر غفاری. چ دوم. قم: جامعه مدرسین.
- برنجکار، رضا و سیادت، سیدحسن (۱۴۰۲). وظایف جوانان در جامعه منتظر. *جامعه مهدوی*، ۲ (۳)، ۱۱۴-۱۳۹.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *دب فای مفریان*. تحقیق محمد صفایی. چ پنجم. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *عصاره خلقت*. تحقیق محمد صفایی. چ یازدهم. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *امام مهدی (عج) موجود موعود*. تحقیق محمدحسن مخیر. چ ششم. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). *دب فای مفریان*. تحقیق مجید حیدری فرد و احسان ابراهیمی. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). *دب فای مفریان*. تحقیق قنبرعلی صمدی و احسان ابراهیمی. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). *تسنیم*. تحقیق محمدجواد دشتی و دیگران. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶). *دب فای مفریان*. تحقیق قنبرعلی صمدی و احسان ابراهیمی. قم: اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. تحقیق مؤسسه آل البیت. قم: مؤسسه آل البیت.
- داوودپور، مرتضی (۱۳۸۸). نقش انتظار فرج در انسجام اسلامی گروه های سیاسی - اجتماعی و وظایف دولت زمینه ساز. *مشرق موعود*، ۳، ۳۱-۴۶.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰). *لغتنامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- دهقانی فارسانی، یونس و دیگران (۱۳۹۳). بررسی تحولات در خوانش از مفهوم انتظار فرج در دوران غیبت کبری. *مطالعات قرآن و حدیث*، ۱۴ (۷)، ۹۱-۱۱۶.
- شاکر، محمدتقی (۱۴۰۲). خوانش آیت الله العظمی صافی گلپایگانی از آموزه انتظار فرج. *جامعه مهدوی*، ۱ (۴)، ۱۰۲-۱۰۳.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*. تحقیق محسن کوچه باغی. چ دوم. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۱۸ق). *البلد الامین و الدرع الحصین*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- کارگر، رحیم (۱۳۹۹). چشم انداز جامعه منتظر در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای. *جامعه مهدوی*، ۲، ۶۲-۸۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). *کافی*. قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. تصحیح جمعی از محققان. چ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مرادی، اعظم و قلمکاریان، محمد (۱۳۹۳). بررسی وضعیت حیطه های مختلف انتظار فرج در دانشجویان و رابطه آن با ویژگی های جمعیت شناختی. *مشرق موعود*، ۳۲ (۸)، ۱۰۷-۱۲۵.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۲). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت*. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.

The Impact of Lifestyle on Victimization Prevention: An Islamic Perspective

Vahid Nekunam  / Associate Professor at the Department of Criminal Law and Criminology, Hazrat Masumeh University
Received: 2024/12/31 - **Accepted:** 2025/04/07 vahid.nekoonam@gmail.com

Abstract

The expansion of interdisciplinary studies in recent decades along with the emergence of postmodernism has made lifestyle a key focus. In criminology, lifestyle is vital for understanding crime etiology and prevention. This study aims to explain the relation between lifestyle, as a psycho-sociological indicator, and victimization prevention. The descriptive-analytical method and library sources were used in this study. The data were collected through documentary method and studying reliable sources. The research findings show that the formation of a lifestyle depends on cultural and social factors and changes in individual and social attitudes. Although lifestyle is seemingly individual, it is shaped by interactions between personal and social life and cyberspace. In criminology, etiology and its prevention are the most important issues. Components like patience and tolerance, goal protection, types of clothing, family interactions, urban design, and controlled cyber usage in victims' lifestyles significantly contributes to crime prevention.

Keywords: lifestyle, victimization, situational prevention, social prevention, Islamic law.

نوع مقاله: ترویجی

تأثیر سبک زندگی بر پیشگیری از بزه‌دیدگی با نگاهی به مبانی اسلامی

vahid.nekoonam@gmail.com

وحید نکونام /  دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشگاه حضرت معصومه 

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

چکیده

گسترش مطالعات بین‌رشته‌ای در دهه‌های اخیر با ظهور مباحث پست‌مدرنیسم سبب شد سبک زندگی به‌عنوان موضوعی مهم مورد توجه اندیشمندان قرار گیرد. در حوزه مطالعات جرم‌شناختی نیز سبک زندگی در مباحث علت‌شناسی وقوع جرم و پیشگیری از آن حائز اهمیت است. با این توضیح، هدف اصلی این پژوهش تبیین ارتباط میان سبک زندگی به‌عنوان یک شاخص روان‌شناختی - جامعه‌شناختی در موضوع پیشگیری از بزه‌دیدگی است. این مقاله به روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته، همچنین گردآوری اطلاعات به روش اسنادی و از طریق مطالعه منابع معتبر انجام شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش شکل‌گیری سبک زندگی تابع مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی و تحول در نگرش‌ها و رجحان‌های فردی و اجتماعی است. از این‌رو هرچند سبک زندگی در ظاهر هویتی فردی می‌باشد، لیکن کنش میان زندگی فردی، اجتماعی و فضای مجازی در شکل‌گیری آن مؤثر است. در موضوعات جرم‌شناختی، توجه به علت‌شناسی وقوع جرم و پیشگیری از آن، مهم‌ترین حوزه‌های بحث می‌باشد. در این راستا مؤلفه‌هایی چون روحیه صبر و مدارا، محافظت از آماج‌ها، نوع پوشش، تعاملات خانوادگی، تغییر در کالبد شهری، میزان استفاده از فضای مجازی در سبک زندگی بزه‌دیده نقش مهمی در پیشگیری از جرم ایفا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، بزه‌دیدگی، پیشگیری وضعی، پیشگیری اجتماعی، حقوق اسلام.

مقدمه

اقدامات غیرکیفری و غیرقهرآمیز تأکید داشته‌اند (نیازپور، ۱۳۸۳، ص ۱۷۰). شورای اروپا در توصیه‌نامه شماره ۷ (۸۳) R به کشورهای عضو، پیشگیری کیفری را از محدوده پیشگیری خارج ساخت (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ص ۷۸). پیشگیری از بزه‌دیدی نیز در زمره پیشگیری غیرکیفری قرار می‌گیرد. مطابق یک دسته‌بندی کلاسیک و رایج، پیشگیری غیرکیفری به اجتماعی و وضعی تقسیم می‌گردد. پیشگیری اجتماعی با ایجاد تغییر در فرد و جامعه به دنبال جلوگیری از جرم به شکل همیشگی و پایدار است. این رویکرد با دخالت فعال حاکمیت در محیط زندگی عمومی مردم و توجه به علل زیربنایی بزه و آسیب‌های اجتماعی، بستر زیست کرامت‌مدار شهروندان را از طریق پاسداشت حقوق سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فراهم می‌آورد. به دیگر سخن، این نوع پیشگیری فعالیت‌هایی چون کاهش فقر و آسیب‌های اجتماعی، بیکاری، آموزش و پرورش ناکارآمد و شناخت علل بنیادین رفتار منحرفانه را شامل می‌شود (Lab, 2014, p. 353). با این بیان، پیشگیری اجتماعی خود به دو گونه محیط‌مدار (Environmental crime prevention) و رشد‌مدار (Developmental crime Prevention) تقسیم می‌گردد.

مقصود از پیشگیری وضعی نیز مجموعه تدابیری است که با تسلط بر شرایط پیرامونی و محیط با کاهش وضعیت‌های پیش‌جنایی که وقوع جرم را مساعد می‌کند، به دنبال افزایش خطر شناسایی و دستگیری بزهکاران بالقوه است (Berelson-Steiner, 2010, p. 169). به بیان دیگر، پیشگیری وضعی از جرم بر طراحی و کنترل محیط فیزیکی متکی است، به این منظور که فرصت‌های ارتکاب جرم را کاهش داده و یا خطر تعقیب راه، در صورتی که ارباب مؤثر واقع نشود، افزایش دهد (Bourdieu, 2003, p. 127).

در نظریه سبک زندگی، الگوی پیشگیرانه، بر اساس مفهوم خطر دنبال می‌شود. از این منظر بسیار ضروری است که روشن شود چرا برخی از گروه‌های انسانی بیشتر از دیگران در معرض خطر بزه‌دیدی قرار دارند. طبعاً اگر بتوان این عوامل را بازشناسی کرد، می‌شود از آن به‌عنوان یک عامل بازدارنده و پیشگیرانه در بحث بزه بهره برد. فردسون و گاروفالو بر این باورند که الگوهای عملکرد یا شیوه سبک زندگی افراد، تحت تأثیر سه عامل نقش اجتماعی، موقعیت فردی در ساختار اجتماعی و عقلانیت افراد قرار دارد (اکبری، ۱۳۸۰، ص ۵۴).

از زمان ظهور مطالعات جرم‌شناختی حول پدیده مجرمانه، توجه متفکران عمدتاً بر بزه و بزهکار متمرکز و سیاست جنایی بر این دو محور استوار گردیده بود، لیکن در دهه‌های اخیر به موضوع بزه‌دیده به‌عنوان یک وضعیت ماقبل جنایی و مؤثر در ارتکاب جرم توجه ویژه‌ای شده است؛ چراکه برای ارتکاب جرم علاوه بر وجود یک مرتکب با انگیزه و دارای مهارت و ابزار لازم، یک آماج مناسب و حفاظت‌نشده نیز لازم می‌باشد. این بُعد به نوعی به بزه‌دیده، رفتارهای وی و محیط پیرامونی او می‌پردازد. به قول مارک آنسل یکی از تحولات علوم جنایی پس از ملحوظ داشتن عمل مجرمانه و شخصیت مجرم، توجه به بزه‌دیده است و این تحول، علمی نوین به نام بزه‌دیده‌شناسی را ایجاد نموده است (آنسل، ۱۳۹۱، ص ۱۵۰). در این بحث برخی نویسندگان در تقسیم بزه‌دیدگان، فرضی را مطرح می‌کنند که در آن خود بزه‌دیده خواسته یا ناخواسته با ایجاد موقعیت‌های خطرناک شرایط بزه‌دیدی را فراهم می‌آورد (ویانو، ۱۳۷۶، ص ۴۴۹).

بحث بزه‌دیدی از منظر جرم‌شناسی حداکثر قدمتی صد ساله دارد. با این حال، دین مبین اسلام از بدو پیدایش در بسیاری از آموزه‌های خود به تأثیر سبک زندگی بر بزه‌دیدی توجه داشته است؛ چراکه فهم علل و زمینه‌های بزه‌دیدی راه را برای پیشگیری هموار می‌سازد. پیشگیری از جرم ماهیتی کیفری و غیرکیفری دارد و با وجود آنکه تمامی جوامع از ابزارهای کیفری برای این منظور بهره می‌گیرند، لیکن توجه به پیشگیری غیرکیفری نیز اهمیت قابل‌توجهی خواهد داشت.

یکی از حوزه‌های قابل بحث در این حیطه موضوع سبک زندگی است. اهمیت پرداختن به سبک زندگی در پیشگیری از بزه‌دیدی در آن است که بررسی این امر تأثیر بسزایی در شناخت عوامل و زمینه‌های بزه‌دیدی دارد و با وجود آنکه در موضوع سبک زندگی به طور عام و تأثیر سبک زندگی بر بزهکاری به طور خاص، آثاری به رشته تحریر درآمده است، لیکن پژوهش حاضر به جهت تمرکز بر موضوع پیشگیری از بزه‌دیدی و اشاره به برخی آموزه‌های دینی در این عرصه بدیع می‌باشد.

۱. رابطه میان سبک زندگی و انواع پیشگیری

بر اساس یک تقسیم‌بندی کلی، پیشگیری به کیفری و غیرکیفری تقسیم می‌گردد و حتی برخی نویسندگان در تعریف پیشگیری تنها بر

اینکه فرد در جامعه چه نقشی داشته و روابط و مناسبات او با سایر اقشار جامعه چگونه است؛ موقعیت افراد در ساختار اجتماع از این منظر که هرچه موقعیت شخص بالاتر باشد خطر بزه‌دیدگی کاهش می‌یابد؛ همچنین عقلانیت از این جهت که به افراد امکان تشخیص موقعیت‌ها و شناخت رفتارها و اتخاذ تمهیدات رفع خطر را می‌دهد، مؤلفه‌های تأثیرگذار موضوع هستند.

با این توضیحات مشخص می‌گردد که بحث سبک زندگی در هر دو موضوع پیشگیری وضعی و اجتماعی مؤثر خواهد بود.

۲. ادبیات نظری

گئورگ زیمل که از پیشروان طرح بحث سبک زندگی در حوزه مطالعات جامعه‌شناسی است در تبیین مفهوم سبک زندگی به تلاش انسان برای یافتن فردیت برتر خود در فرهنگ عینی‌اش و شناساندن این جایگاه به دیگران اشاره نموده است (Simmel, 1990, p. 310). آدلر روان‌شناس آلمانی نیز سبک زندگی را کلیت بی‌مانند و اختصاصی انسان که همه فرایندهای عمومی زندگی در ذیل آن تعریف می‌شود، معرفی می‌کند (kattryn-dominic, 2008, p. 235).

سبک زندگی رفتار و منش نیست، بلکه امری است که همه رفتارها و تجربیات انسانی را هدایت می‌کند و خود به واسطه خوی‌ها و منش شخصی شکل می‌گیرد (شاکسمیت و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۱۲۷). این مفهوم، نظام‌واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد. این نظام‌واره هندسه کلی رفتار بیرونی و جوارحی است و افراد، خانواده‌ها و جوامع را از هم متمایز می‌سازد.

نظریه سبک زندگی در یک چارچوب وسیع در ذیل نظریه‌های انتخاب عقلانی قرار می‌گیرد. نظریه فعالیت‌های روزانه نیز زیرمجموعه همین دیدگاه است. به نظر برخی نویسندگان، نظریه انتخاب عقلانی در پی علت‌شناسی بزهکاری و انگیزه‌های وقوع جرم نیست، بلکه به علل وضعی نظر دارد. از این رو کارکرد آن بیشتر در پیشگیری وضعی است (والکلیت، ۱۳۸۶، ص ۸۲).

برخی نویسندگان چون هیندلنگ، گات فردسن به دنبال درک این معنا بوده‌اند که به چه دلیل برخی گروه‌های خاص از مردم بیش از دیگران در خطر بزه‌دیدگی هستند. پاسخ آنان این بود که فعالیت‌های الگوبندی‌شده یا شیوه زندگی افراد به نرخ‌های متفاوت

مجرم‌زایی می‌انجامد (ویلیامز و فرانکلین، ۱۳۹۱، ص ۲۴۵). کوهن نیز معتقد است همان متغیرهایی که برخورداری از مزایای زندگی را افزون می‌سازد موقعیت‌های وقوع خشونت و تعدی را نیز افزایش می‌دهد. برای مثال، استفاده از خودرو، همان‌طور که برای شهروندان تسهیل‌کننده است، آماج‌های آسیب‌پذیر را برای سرقت خودرو فراهم می‌آورد. فعالیت‌هایی چون حضور در کلاس درس، حضور زنان در فعالیت‌های شغلی، شهرنشینی، حاشیه‌نشینی، استفاده از فناوری‌های الکترونیکی خطر بزه‌دیدگی را افزایش می‌دهد (Cohen, 1979).

مطابق نظریه سبک زندگی فردسون که در بالا اشاره شد، سبک‌های متفاوت زندگی افراد آنها را در مجاورت بیشتر بزهکاران قرار داده و احتمال بزه‌دیدگی‌شان را افزایش می‌دهد، از این رو بر اساس این رویکرد بزه‌دیدگی یک پدیده اتفاقی نیست. تمرکز این دیدگاه بر وضعیت پیش‌جنایی است؛ یعنی عواملی که بزه‌دیدگی را به دنبال دارد. بنابراین، طبعاً می‌توان با ملاحظه عواملی همچون نقش اجتماعی فرد، موقعیت اجتماعی او و میزان عقلانیتی که در زندگی روزمره به کار می‌گیرد، احتمال بزهکاری یا بزه‌دیدگی او را پیش‌بینی نمود، و تمهیدات لازم را برای رفع خطر لحاظ کرد. برای مثال کسانی که به واسطه نقش و موقعیت اجتماعی‌شان، تعامل بیشتری با مجرمان و مکان‌های جرم‌خیز دارند، خطر و احتمال بزه‌دیدگی‌شان بیشتر است و برعکس، افرادی که متعلق به طبقات بالای اجتماع بوده و به واسطه شیوه و سبک زندگی‌شان با مجرمان و محل‌های جرم‌خیز سروکاری ندارند، با خطر بزه‌دیدگی کمتری مواجه هستند (اکبری، ۱۳۸۰، ص ۸۶).

این امر سبب توجه به نقش‌آفرینی بزه‌دیده به‌عنوان متغیری مستقل در شکل‌گیری جرم گردید و به مرور برخی جرم‌شناسان جرم را مولود رفتارهای بزه‌دیده و کنش وی با بزهکار دانستند (ویانو، ۱۳۷۶، ص ۴۴۳). برای مثال پژوهش ولفانگ در خصوص قتل در آمریکا نشان داد که در بسیاری از آنها بی‌احتیاطی قربانی در تحقق قتل سهم بسزایی دارد (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۱۵۱). پژوهش بودون و بوریکا نیز ثابت کرد تغییر در سبک زندگی مانند برچیده شده مغازه‌های محلی و رشد فروشگاه‌های زنجیره‌ای، افزایش اشتغال زنان، سپری کردن بخش عمده‌ای از زمان در بیرون از خانه توسط اعضای خانواده و مسیرهای طولانی میان خانه تا محل کار، هسته‌ای‌شدن خانواده‌ها و کاهش ارتباطات اجتماعی زمینه‌ساز بزه‌دیدگی هستند (بودون - بوریکا، ۱۳۷۷، ص ۳۶).

مبانی اسلام نیز به موضوع سبک زندگی توجه ویژه‌ای داشته است و این مبانی مبتنی بر آموزه‌هایی است که نقش مهمی در تحقق آرمان جامعه بدون جرم دارد؛ چراکه تعالیم این دین که از قرآن، روایات و عقل نشئت می‌گیرد با تأکید بر سبک زندگی مؤمنانه، نه تنها انسان را از ارتکاب جرم دور می‌دارد، بلکه در پیشگیری از بزه‌دیدی نیز مؤثر است. پیشگیری از وقوع جرم و ارزیابی میزان تأثیر آنها در علوم جنایی و اجتماعی مورد توجه بوده و هست و گام اول و اساسی آن تغییر بینش و نگرش افراد می‌باشد. یک بعد اساسی پیشگیری اتخاذ تدابیری است که انسان را از ارتکاب اعمال مجرمانه و ناپسند برحذر دارد، لیکن بعد دیگر آن تغییر رفتارها و رویکردهایی است که زمینه بزه‌دیدی افراد را فراهم می‌آورد.

با وجود آنکه خاستگاه مفهوم سبک زندگی به جهت توجه به افتراقات فردی، رجحان‌ها و عادت‌ها در نگاه نخستین امری روان‌شناختی است، لیکن به دلیل کارکردهای اجتماعی در دهه‌های اخیر مورد توجه علوم جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی قرار گرفته است و این مفهوم به جهت مواجهه با متغیرهای فرهنگی، اجتماعی، دینی و... نیازمند تحلیل بین‌رشته‌ای می‌باشد. ازاین‌رو سبک زندگی که در نظریه‌های کلاسیک روان‌شناسی تنها امری فردی محسوب می‌شد دیگر تاب این نگاه محدود را ندارد.

با این بیان، اولاً سبک زندگی معطوف به سلوک فردی است، لیکن به جهت مناسبات اجتماعی این سلوک نمی‌تواند بدون تأثیرپذیری از محیط اطراف باشد. ثانیاً سبک زندگی در سطح عمومی برآیند رفتارهای عامه مردم است و افراد تحت تأثیر موقعیت‌ها و شرایط و اوضاع و احوال محیط پیرامونی رفتار کرده و از آن تأثیر می‌پذیرند، ازاین‌رو سبک زندگی تحت تأثیر ملاحظات اجتماعی خواهد بود. ثالثاً خانواده‌ای که فرد در بستر آن رشد می‌کند و نیز محیط‌های آموزشی و همسالان نقش شگرفی در سبک زندگی وی ایفا می‌کند، هرچند در دهه اخیر فضای مجازی نیز در این عرصه به بازیگری مهم تبدیل شده است.

با این اوصاف سبک زندگی ارتباط مستقیمی با بزه‌دیدی دارد. برای نمونه به هر میزان فرد فعال‌تر بوده و حضور اجتماعی بیشتری داشته باشد، احتمال بزه‌دیدی او افزون‌تر است. جوان‌ها به جهت ارتباطات اجتماعی بیشتر و روحیه ریسک‌پذیری، بیشتر در معرض بزه‌دیدی هستند. با این اوصاف برای بررسی تأثیر سبک زندگی بر

بزه‌دیدی چند عامل نقش تعیین‌کننده‌ای دارند:

اول. خلیات و ویژگی‌های فردی که در رفتارهای انسان بروز و ظهور می‌یابد. این امر به نوعی به رویکرد عقلانی که افراد در مواجهه با پدیده‌های اجتماعی دارند مرتبط است. برای مثال روحیه جوانی با ریسک‌پذیری همراه بوده و به دلیل خطرپذیری، امکان بزه‌دیدی را افزایش می‌دهد.

دوم. نقش اجتماعی و موقعیت فرد در ساختار اجتماع، یعنی نقشی که مردم در جامعه ایفا می‌کنند و جایگاهی که در ساختار اجتماعی دارند.

سوم. عاملی که در دهه اخیر مهم تلقی می‌شود نقش فضای مجازی در پدیده‌های مختلف است؛ چراکه در فضای مجازی شخصیت افراد متفاوت می‌باشد. چه‌بسا یک انسان عادی به یک انسان جذاب، فردی گوشه‌گیر به انسانی اجتماعی، انسانی متزلزل به فردی قدرتمند تبدیل گردد. نقاب فضای مجازی سن، جنسیت، وضعیت‌های اقتصادی و اجتماعی را در پس زمینه از بین می‌برد و فعالان این عرصه در وضعیتی برابر قرار می‌گیرند و در اینجا است که شخصیتی متفاوت از فضای حقیقی پیدا می‌کنند. این موضوع به مرور سبک زندگی مجازی را شکل می‌دهد که این امر نیز در بزه‌دیدی نقش خواهد داشت.

با توجه به این تفکیک به بررسی تأثیر این سه مؤلفه بر بزه‌دیدی و راهکارهای پیشگیری از آن می‌پردازیم.

۳. سبک زندگی فردی و بزه‌دیدی

در این بحث بایسته است تمام مواردی که به جهت ویژگی‌های فردی و شخصیتی در موضوع اثرگذار است مورد توجه قرار گیرد. از جهت اعتقادی، خداآوری و نفی پلورالیسم دینی سبب معنابخشی به زندگی انسان و آرامش درونی می‌گردد. انسان بی‌اعتقاد در مواجهه با مشکلات احساس یأس و پوچی و اضطراب و بی‌هویتی می‌کند و این خود زمینه تن دادن به هر رفتاری است که عملاً در بسیاری از موارد زمینه بزه‌دیدی را فراهم می‌آورد. در این شرایط اصولاً با بزه‌دیدگانی مواجه هستیم که خود در تحقق بزه‌دیدی نقش دارند.

روحیه صبر و مدارا و خویش‌داری در افراد در بسیاری از موارد از بزه‌دیدی آنان جلوگیری می‌کند. در سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منقول است کسی که چهار خصلت داشته باشد، خیر دنیا و آخرت به او داده شده

ورود به مکان‌های ناامن؛ ارتباط با افراد خطرناک یا مجرمان؛ عدم تشخیص تهدیدهای اطراف.

این افراد اغلب با برچسب‌های منفی از جانب جامعه مواجه می‌شوند. این مسئله می‌تواند حمایت اجتماعی از آنها را کاهش داده و آنها را از دسترسی به کمک‌ها و حمایت‌های لازم محروم کند. در چنین شرایطی، افراد ممکن است به راحتی توسط دیگران فریب بخورند و یا قربانی خشونت شوند.

افراد معتاد برای تأمین هزینه‌های مصرف خود ممکن است به طور مداوم تحت فشار مالی قرار بگیرند. این وضعیت می‌تواند آنها را به سمت اقدامات پرخطر و جرایم کوچک مانند سرقت سوق دهد، و همچنین زمینه را برای سوءاستفاده دیگران فراهم کند:

– افراد ممکن است طعمه کلاهبرداران شوند.

– برای تأمین نیاز مواد، مجبور به مبادلاتی ناعادلانه یا غیرقانونی شوند.

یکی از موضوعات مربوط به سبک زندگی فردی، نوع پوشش افراد است. این امر در زنان بیشتر موضوعیت پیدا می‌کند، بدین جهت رعایت الزامات پوشش در بسیاری از مکاتب و فرهنگ‌ها از جمله اسلام توصیه شده است. امیرالمؤمنین علی^{علیه السلام} در نامه ۳۱ نهج^۱ //البلاغه دلیل شدت حجاب را حفظ زنان عنوان کرده‌اند؛ چراکه فقدان حجاب نگاه ابرازی را نسبت به آنان تقویت می‌کند. این موضوع مورد اعتراف جرم‌شناسان غربی نیز قرار گرفته و آنان نیز فرهنگ برهنگی را موجب افزایش بزهکاری می‌دانند (پیکا، ۱۳۷۰، ص ۵۲).

در قرآن، فلسفه حجاب به عنوان امری که از اذیت و آزار زنان جلوگیری می‌کند بیان شده است (احزاب: ۵۹)؛ در جای دیگر قرآن نیز به زنان توصیه شده به نحو هوس‌انگیز سخن نگویند تا افراد بیماردل در آنان طمع نکنند (احزاب: ۳۲).

خلاصه آنکه سبک زندگی فردی در شکل باورها، شیوه گذران روزها، شغل و تحصیلات، عادات غذایی، نوع پوشش و چگونگی کسب درآمد و خرج آن تجلی می‌یابد. این موارد با همه جنبه‌های آن، نقشی دوگانه بر بزه‌دیدگی ایفا می‌کند. اگر این سبک زندگی در راستای انتخاب‌های سالم، پایبندی به ارزش‌ها، و برنامه‌ریزی آگاهانه باشد، احتمال بزه‌دیدگی کاهش می‌یابد. در مقابل، سبک زندگی ناسالم یا رفتارهای پرخطر، افراد را در معرض آسیب و قربانی شدن قرار خواهد داد.

است. یکی از آن موارد حلم و بردباری است تا به وسیله آن چهل جاهل را از خود دور کند (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰۰، ص ۲۳۸). این ویژگی در جرایم علیه تمامیت جسمانی مانند قتل و ضرب و جرح و نیز جرایم مالی چون تخریب که افراد در تماس مستقیم هستند، تأثیرگذار خواهد بود. حتی در روایات تأکید می‌گردد در مقابل چنین افراد بی‌خردی حلم و بردباری داشته باشید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۷۰).

شخصیتی که مبتنی بر روحیه صبر و مدارا و تحریک نکردن است، کمتر بزه‌دیده واقع می‌گردد؛ چراکه برخی بزهکاران به دلیل مشکلات روانی و عقده‌های درونی با کمترین فشار تحریک شده و دست به ارتکاب جرم می‌زنند و خویشتن‌داری زمینه را از چنین افرادی می‌گیرد. از منظر اسلام عدم توجه به گفتار هتک‌آمیز و سرزنش جاهلان با عبارت «عرض عن الجاهلین» (اعراف: ۱۹۹) بیان شده و بهترین روش نادیده انگاشتن آنان است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۶۴). همچنین ضعیف بودن از بعد جسمی و ذهنی از امور دیگری است که انسان را معد برای بزه‌دیدگی می‌سازد. در جرایم علیه تمامیت جسمانی، افراد ضعیف بیشتر آسیب‌پذیر هستند و در جرایم مالی چون کلاهبرداری ضریب هوشی در بزه‌دیدگی و حجم آن مؤثر است.

نکته مهم دیگری که سهم بسزایی در فرایند بزه‌دیدگی دارد، عدم محافظت از آماج‌هاست؛ یعنی بزه‌دیده به جهت خصلت‌های فردی مراقبت‌های لازم را انجام نمی‌دهد. همچنین وضعیت‌هایی مانند عادت به تنهایی و رها کردن منزل در مدت طولانی، آماج‌ها را بی‌حفاظ می‌سازد. کراهتی که در برخی روایات نسبت به تنها خوابیدن و سفر کردن مطرح شده می‌تواند در این راستا باشد (صلوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۷۷).

موضوع دیگر در این حوزه اعتیاد به مواد مخدر و الکل به عنوان یک سبک زندگی، علاوه بر اینکه خود نوعی بزهکاری است، زمینه بزه‌دیدگی را نیز فراهم می‌کند. افراد معتاد از یک سو بیشتر در موقعیت‌های خطرناک که مجرمان بالقوه در آن حضور دارند قرار می‌گیرند و طبعاً برای مجرمان در دسترس‌تر هستند و از سوی دیگر، وضعیت خاص ناشی از وابستگی به مواد، مقاومت آنان را در مقابل بزهکاران کاهش می‌دهد.

افرادی که تحت تأثیر الکل یا مواد مخدر قرار دارند، معمولاً قدرت قضاوت و توانایی تصمیم‌گیری درست را از دست می‌دهند. این وضعیت ممکن است آنها را در موقعیت‌های خطرناک قرار دهد، مانند:

۴. سبک زندگی اجتماعی و بزه‌دیدگی

زندگی اجتماعی همان‌گونه که سهولت را به همراه داشته است فرصت‌های بزه‌دیدگی را نیز افزایش می‌دهد. استفاده مداوم از خودرو با وجود رفاه و سرعت عمل، بهترین فرصت را برای مجرم مهیا می‌سازد. سبک زندگی اجتماعی و بزه‌دیدگی ارتباط بسیار قوی با تعاملات اجتماعی دارد. بر اساس پژوهشی که در آمریکا انجام شده است افراد جوان، مجرد، بیکار و سیاه‌پوست بیشتر در معرض خطر بزه‌دیدگی هستند تا افراد بزرگسال، متأهل، شاغل و سفیدپوست، و البته این تفاوت می‌تواند ناشی از سطوح مختلف آمادگی‌های ساختاری و همچنین تفاوت‌های موجود در فعالیت‌های روزانه و سبک زندگی باشد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵، ص ۲۶۰).

یکی از ابعاد مهم نظریه سبک زندگی تأکید بر این امر است که میان احتمال وقوع جرم و میزان حضور افراد در مکان‌های جرم‌خیز و پرخطر رابطه معناداری وجود دارد، از این رو سکونت یا اشتغال و یا رفت و آمد در چنین مراکزی خطر بزه‌دیدگی را افزایش می‌دهد. کوهن و فلسون در مطالعات خود تأکید دارند که «تغییر در کالبد محیط شهری» و به‌طور کلی طراحی محیطی در میزان وقوع جرم تأثیر داشته و از این رو ابزارهایی چون ایجاد محدودیت و کنترل دسترسی، دشوار کردن اهداف مجرمانه، کنترل و مراقبت از عرصه‌های عمومی و مداخلات و پیوستگی‌های اجتماعی محله‌ای، مشرف بودن، نورپردازی فضای عمومی، در پیشگیری نقش مهمی دارد (نوروزی و نصیری سقرلو، ۱۳۹۴، ص ۱۰۴).

با این اوصاف، سبک زندگی به‌خودی‌خود در ساختار امنیتی محیط عمومی تأثیرگذار است و البته این امر نیازمند مشارکت جمعی شهروندان، دولت، شهرداری‌ها و نهادهای انتظامی است.

در زندگی اجتماعی، خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین و در عین حال، مهم‌ترین رکن در موضوع بزه‌دیدگی نقش‌آفرین است؛ چراکه سبک زندگی در گام نخست در خانواده شکل می‌گیرد و این کانون، مکانی برای بروز و ظهور عواطف انسانی و پرورش اجتماعی و محلی برای آرامش فرد حفظ سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی است. عملکرد ناسالم خانواده علاوه بر ایجاد اختلالات روانی، زمینه‌ساز ناهنجاری‌های اجتماعی خواهد شد این بدان معناست که خانواده در سلوک فردی و اجتماعی افراد مؤثر است. نوع مدیریت خانواده در سهل‌گیری یا سخت‌گیری از موضوعاتی می‌باشد که بر شیوه زندگی و ترجیحات فرد تأثیرگذار می‌باشد رویکرد خانواده از جهت روابط فی‌مابین، پیوستگی یا ازهم‌گسستگی،

اشتغال پدر یا مادر و و یا هردوی آنان در نوع رفتار اعضای آن مؤثر است (Heather, Turner, Finkelhor, Ormod, 2012).

یکی دیگر از ابعاد تغییر از سبک زندگی سنتی به مدرن، حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی به‌خصوص در مراکز غیردولتی و شرکت‌های خصوصی است که به همان میزان که محدودیت‌های خانه‌نشینی را کاهش داده و استعدادهای فردی آنان را شکوفا می‌سازد، خطر بزه‌دیدگی را افزایش می‌دهد.

در سبک زندگی اجتماعی، یکی دیگر از موارد تسهیلگر در بزه‌دیدگی، آپارتمان‌نشینی است. نیومن پژوهشگر حوزه معماری، طراحی ساختمان‌ها را به صورت آپارتمانی و مجتمع مورد انتقاد قرار می‌دهد؛ چراکه این ساختمان‌ها زمینه بزه‌دیدگی افراد را فراهم می‌سازد. وی بیان می‌دارد با تغییرات محیطی، سبک زندگی و عادات روزانه افراد تغییر کرده و آنها می‌توانند رویکرد بهتری نسبت به رفتارهای ضداجتماعی داشته باشند (جانکی فیروز و قورچی بیگی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۷). زندگی در مجتمع‌های آپارتمانی به دلیل عدم انسجام محیطی، وجود ورودی‌ها و خروجی‌های غیرقابل کنترل، ارتباط کم ساکنان، شرایط بزه‌دیدگی را تسهیل می‌کند؛ این در حالی است که محله‌های قدیمی به جهت ارتباط منسجم ساکنان و شناخت افراد از یکدیگر و احساس مسئولیت متقابل سبب کاهش جرم می‌گردد.

۵. سبک زندگی مجازی و بزه‌دیدگی

در سال‌های اخیر به دلیل گسترش شبکه‌های مجازی شاهد تغییر در عادات و عقاید و رفتارهای مردم هستیم، به نحوی که متفکران برای بیان این وضعیت از تعبیر زیست مجازی، یعنی حضور مردم به شیوه سازمان‌یافته جهت برقراری ارتباط در حوزه علائق مشترک، یاد می‌کنند که البته روز به روز این فضا تأثیر بیشتری بر زیست حقیقی انسان می‌گذارد (Riding, Gefen, Arinze, 2002, p. 273). جایگاه فضای مجازی در زندگی امروز بشر به‌حدی است که می‌توان با بهره‌گیری از هوش مصنوعی و کنار هم قرار دادن کلیدواژه‌های مندرج در جست‌وجوهای افراد در موتورهای جست‌وجو نیمرخ (Profile) از شخصیت کاربر که شامل سلیقه‌ها، علایق، عادات و وضعیت جسمی و روحی اوست ترسیم نمود. این امر سبب گردیده این فضا به دنیای واقعی نزدیک شده و حتی برخی از آن به فراواقعیت تعبیر کرده‌اند (مختاری و ملک‌احمدی، ۱۳۹۶، ص ۷۵).

درصد بزه‌دیدگان فضای سایبر زن هستند (Halder, 2010). در سبک زندگی مجازی، گاهی با بزه‌دیدگان دارای خطرپذیری بالا مواجه هستیم که زندگی شخصی - اجتماعی‌شان آنان را در معرض خطر تحمل آسیب قرار می‌دهد، مانند کودکانی که مدت استفاده آنان از فضای مجازی زیاد بوده و تحت نظارت و کنترل نیز نمی‌باشند؛ در برخی موارد اگر فعالیت مجازی چنین افرادی توجه مجرم را جلب نماید، چه‌بسا بکوشد به او دسترسی فیزیکی نیز پیدا کند. از این‌رو مهارت استفاده از این فضا و زمان صرف‌شده برای فعالیت در اینترنت ارتباط مستقیمی با بزه‌دیدگی دارد؛ همچنین کسانی که در زندگی واقعی خود زورپذیر هستند، اصولاً در فضای مجازی نیز بیشتر متحمل بزه‌دیدگی می‌شوند. در پژوهشی که در سال ۲۰۰۸ انجام پذیرفت چنین افرادی بیش از دو و نیم برابر بزه‌دیدگی در فضای مجازی را تجربه کرده‌اند (Hinduja- Patchin, 2018, p. 42).

مثال قابل توجه در خصوص تأثیر تغییر سبک زندگی بر بزه‌دیدگی، قرنطینه ناشی از کرونا و ویروس بود. در این وضعیت افراد به جهت ایمن نبودن مکان‌های عمومی ضمن اجتناب از حضور فیزیکی در بیرون از خانه، اقدام به فعالیت‌های روزانه آنلاین می‌کردند و این تغییر در عادات زندگی روزانه محیط جرم و بزه‌دیدگی را تغییر داد. بر اساس گزارشی که در آوریل ۲۰۲۰ از سوی مقامات قضایی چین ارائه گردید شیوع و ویروس سبب گردید نرخ بازداشت‌ها ۴۱ درصد کاهش یابد. این در حالی است که نرخ جرم رایانه‌ای حدود ۴۱ درصد و جرایم اینترنتی ۳۲ درصد افزایش یافت (Cao-Feng, 2020).

مهم‌ترین مؤلفه پیونددهنده نظریه سبک زندگی و فعالیت روزانه با پیشگیری وضعیت‌محور، کاربست تدابیر وضعی است، از این‌رو هرگونه بی‌توجهی به امنیت رایانه ناشی از ویژگی‌های فردی یا عدم مهارت در این عرصه تعیین‌کننده می‌باشد. در این راستا می‌توان به نصب دیوار آتشین و ویروس‌کش‌ها و به‌روزرسانی آنها، عدم ذخیره رمز عبور در مرورگرها، خارج کردن سیستم از دسترسی از راه دور، رمزگذاری بر روی فایل‌ها و پوشه‌ها، عدم استفاده از رمزهای قابل پیش‌بینی مانند سال تولد، شماره شناسنامه و البته قرار دادن ترکیب حروف و اعداد و علائم بر روی رمزها، استفاده از نرم‌افزارهای کنترل شبکه، ارائه خدمات اینترنتی بر مبنای احراز هویت، پرهیز از دانلود نرم‌افزارهای ناشناخته و ایجاد شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های آموزشی و فرهنگی منطبق با فرهنگ ایرانی - اسلامی اشاره نمود.

برخی جرم‌شناسان معتقدند واگرایی فضای فیزیکی و مجازی، مؤلفه مهمی در ایجاد جرایم و بالطبع بزه‌دیدگی است. نظریه (انتقال فضا) تعبیری برای رویکرد افرادی است که رفتارهای هنجارمند و ناهنجار خود را در فضای مجازی نشان می‌دهند (Jaishankar, 2007, p. 7). نکته قابل‌ملاحظه در حوزه فضای مجازی آن است که نه‌تنها سبک زندگی بر بزه‌دیدگی در این فضا تأثیرگذار است، بلکه خود این فضا نیز با تغییر سبک زندگی انسان، زمینه بزه‌دیدگی در فضای حقیقی را فراهم می‌آورد. توسعه فناوری‌های نوین در عین آنکه معرف موفقیت در توسعه و بهبود حیات اجتماعی است، زمینه بزه‌دیدگی در فضای مجازی می‌گردد. بزه‌دیدگی در این محیط می‌تواند افسردگی و اضطراب، گسترش افکار خودکشی، احساس تنهایی و پوچی و ناسازگاری‌های اجتماعی، خودپنداره منفی و خود را سزاوار سوءاستفاده دانستن را به دنبال داشته باشد. پژوهش بونلگا و دیگران در سال ۲۰۱۲ به این نتیجه رسید که میان بزه‌دیدگی در فضای مجازی با تنهایی و انزوا و افسردگی و استرس ادراک‌شده همبستگی معناداری وجود دارد. روابط خوب اعضای خانواده زمینه گفت‌وگوی هدفمند آنان را در خصوص مخاطرات فضای مجازی فراهم می‌کند و این امر بزه‌دیدگی را کاهش می‌دهد (Buelga-Martinez-Cava, 2012).

در سطح خانواده جو منفی خانوادگی و چالش‌های مستمر زمینه آسیب‌پذیری بیشتر افراد را در فضای مجازی میسر می‌کند. روابط ناهنجار خانوادگی سبب می‌شود افراد زمان بیشتری را در فضای مجازی سپری کنند تا این امر به نوعی جایگزین تعاملات خانوادگی گردد و از سوی دیگر، این ناهنجاری‌ها استمرار بزه‌دیدگی در این فضا را در پی دارد. فشار اطرافیان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بزه‌دیدگی در فضای مجازی تلقی می‌شود؛ چراکه نارضایتی فرد از اطرافیان، بی‌احتیاطی و رفتارهای جسورانه را در وی تقویت می‌کند و این امر خود تسریع‌کننده بزه‌دیدگی است؛ همچنین این موضوع سبب می‌گردد چنین افرادی به پیشنهاد ارتباط و دوستی دیگران پاسخ مثبت دهند و عملاً در بسیاری از موارد با این اقدام بزهکاران را وارد حریم خصوصی خود می‌کنند.

جنسیت نیز در فضای مجازی تأثیر مهمی دارد؛ چراکه زنان به دلیل داشتن زمان، بیشتر از این فضا استفاده می‌کنند. بر اساس آمارهای موجود دختران دو برابر پسران در شبکه‌های اجتماعی حضور دارند (Fritth, 2017). مطابق پژوهش دیگری حدود ۷۳

البته این موارد به‌تنهایی نمی‌تواند از بزه‌دیدگی پیشگیری نماید؛ چراکه درونی‌سازی هنجارها و ارزش‌های جامعه از طریق پیشگیری رشد‌مدار و نیز نگاه اجتماعی به پدیده مجرمانه تأثیر عمیق‌تری در موضوع پیشگیری دارد.

نتیجه‌گیری

تحولات نوین علوم اجتماعی و جرم‌شناسی توجه پژوهشگران را بر بُعد دیگر پدیده مجرمانه، یعنی بزه‌دیده یا قربانی جرم معطوف ساخت. بر این اساس در رویکرد بزه‌دیده‌محور، سبک زندگی قربانی جرم شامل زیست فردی، تعاملات اجتماعی و کنش‌ها در فضای مجازی، مؤلفه مهمی در بزه‌دیدگی هستند. بر این اساس در پژوهش صورت‌گرفته سه حوزه مورد توجه قرار گرفت. در سبک زندگی فردی خداباوری، روحیه صبر و مدارا و خویشتن‌داری، محافظت از آماج‌ها، عادت به‌تنهایی یا رها کردن منزل در مدت طولانی، اعتیاد به مواد مخدر و الکل و نوع پوشش در بزه‌دیدگی مؤثر است.

در سبک زندگی اجتماعی حضور در مکان‌های جرم‌خیز، تغییر کالبد محیط شهری، کنترل و مراقبت از عرصه‌های عمومی، نوع تعاملات خانوادگی رابطه مستقیمی بر بزه‌دیدگی دارد؛ همچنین در سبک زندگی مجازی، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، جنسیت و مهارت استفاده از این فضا و کاربست تدابیر وضعی عناصر تعیین‌کننده در مقوله بزه‌دیدگی هستند.

مزیتی که پیشگیری از طریق تغییر در سبک زندگی ایجاد می‌کند آن است که اولاً فرد با مشارکت در خودمراقبتی، عدم تحریک دیگران و رعایت احتیاطات لازم امکان بزه‌دیدگی را به حداقل می‌رساند و ثانیاً این وضعیت حتی در خصوص بزه‌کارانی که ارزیابی دقیقی از رفتار خود ندارند، نیز مؤثر است؛ چراکه به جای منصرف کردن بزه‌کار، امکان ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد. در این راستا مهم‌ترین راهکار کاهش بزه‌دیدگی، آموزش مهارت‌های زندگی است. این آموزش‌ها به طور نظام‌مند و کاربردی می‌تواند از بزه‌دیدگی افراد پیشگیری نماید.

منابع

- آنسل، مارک (۱۳۹۱). *دفاع/اجتماعی*. ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: گنج دانش.
- اکبری، لیلا (۱۳۸۰). *بررسی شیوه‌های پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. تهران: دانشگاه تهران.
- ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۷). *پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر*. رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی. تهران: دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
- بودن، بوریکاد و ریمون، فرانسیس (۱۳۷۷). جرم. بصیرت. ۱۵، ۳۱-۳۸.
- پیکا، ژرژ (۱۳۷۰). *جرم‌شناسی*. ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- جانکی فیروز، محمود و قورچی بیگی، مجید (۱۳۸۸). نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم. *مطالعات حقوق خصوصی*. ۲، ۳۴۵-۳۶۷.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی کجروی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شاکسمیت، جنت و دیگران (۱۳۸۳). *اوقات فراغت و سبک زندگی جوانان*. ترجمه فرامرز ککولی دزفولی. تهران: سازمان ملی جوانان.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۰ق). *بحار/الأنوار*. بیروت: مؤسسة الطبع و النشر.
- مختاری، مریم و ملک‌احمدی، حکیمه (۱۳۹۶). *هرزه‌نگاری و فراواقیبت*. راهبر فرهنگ. ۳۷، ۷۱-۹۹.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۶۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- نوروزی، نادر و نصیری سقرلو، اقلیمه (۱۳۹۴). *نقش سبک زندگی در پیشگیری از جرم*. تهران: مجد.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۳). *حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران*. حقوقی دادگستری. ۴۸ و ۴۹، ۱۶۹-۲۲۶.
- والکلیت، ساندر (۱۳۸۶). *شناخت جرم‌شناسی*. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. تهران: میزان.
- ویانو، امیلیو (۱۳۷۶). *بزه‌دیده‌شناسی*. ترجمه نسرین مهرا. تحقیقات حقوقی. ۱۲۲، ۴۳۸-۴۵۶.
- ویلیامز، مک شین، فرانکلین، مریلین (۱۳۹۱). *نظریه‌های جرم‌شناسی*. تهران: میزان.

- Berelson, B and Steiner, G.A. (2010). *Human Behaviour*. Harout Brace & World Pub.
- Bourdieu, P. (2003). *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste*. New York: Routledge & Kegan paul.
- Buelga, S., Cava, M. J., & Musitu, G. (2012). Validación de la escala de victimización entre adolescentes a través del teléfono móvil y de Internet. *Revista Panamericana de Salud Pública*, 32, 36-42.
- Cao, Y., & Feng, Y. (2020). *Victims of family in the COVID-19*

- pandemic: Weakened self-help system. Southern Weekly, march 19. In Chinese. Accessed: <https://link.springer.com/article/10.1007/>.*
- Cohen, L. E., & Felson, M. (1979). Social change and crime rate trends: A routine activity approach. *American Sociological Review*, 44(4), 588-608.
- Frith, Emily (2017). *Social media and children mental health: a review of the evidence*. Education Policy Institute, London.
- Halder, D. And Jaishankar, K. (2010). *Cyber Crime and Victimization of Women: Laws, Rights, and Regulations*. USA: IGI Global.
- Heather A. Turner, David Finkelhor, and Richard Ormrod (2012). Family Context, Victimization, and Child Trauma Symptoms: Variations in Safe, Stable, and Nurturing Relationships During Early and Middle Childhood. *American Journal of Orthopsychiatry*, 82, 209-219.
- Hinduja, S., & Patchin. J. W. (2018). Cyberbullying: An exploratory analysis of factors related to offending and victimization. *Deviant Behavior*, 29, 129-156.
- Jaishankar K (2007). Cyber criminology: Evolving a novel discipline with a New journal, *International Journal of Cyber Criminology*, India, 1-1, 1-6.
- Katryn t-dominic v (2008). *the psychology of life style*. London: Routledge.
- Lab, P. Steven (2014). *Crime Prevention; Approaches. Practices and Evaluations*: Anderson Publishing.
- Ridings, Catherine M., Gefen, David. and Arinze, Bay (2002). Some Antecedents and Effects of Trust in Virtual Communities. *The Journal of Strategic Information Systems*. 11, 271-295.
- Simmel g, (1990). *the philosophy of money*. tom bohomer&pavid frisby (trans), 3rd Edition. New York: Routledge.

Analyzing Spirituality in Tourism

 **Sajjad Ferdowsi** / Assistant Professor at the Department of Management and Tourism Economics, Faculty of Tourism, University of Tehran, Tehran, Iran sajad.ferdowsi@ut.ac.ir
Nasrin Kazemi / Assistant Professor, at the Department of Management and Tourism Economics, Faculty of Tourism, University of Tehran, Tehran, Iran nasrinkazemi@ut.ac.ir
Received: 2025/03/14 - **Accepted:** 2025/08/02

Abstract

Over time, the concept of tourism has somehow changed from a concept focused on physical and material to a multidimensional one including spiritual element. This study aims to explain spirituality's role and position in tourism. The method used in this study is descriptive-analytical. Data were collected and analyzed using documentary method and through referring to the articles and texts related to the research topic. Findings indicate that spirituality in tourism is an important and integral aspect of travel experience and tourism. Therefore, raising awareness of tourism's spiritual dimension and incorporating it into tourism planning can enhance tourists' satisfaction and experience quality. Moreover, a better understanding of the relationship between spirituality and travel and tourism can foster tourism culture and increase understanding and interaction among different communities.

Keywords: tourism, spirituality, religion, travel.

نوع مقاله: ترویجی

واکاوی معنویت در گردشگری

sajad.ferdowsi@ut.ac.ir
nasrinkazemi@ut.ac.irسجاد فردوسی  / استادیار گروه مدیریت و اقتصاد گردشگری، دانشکده گردشگری، دانشگاه تهران، تهران، ایران
نسرین کاظمی / استادیار گروه مدیریت و اقتصاد گردشگری، دانشکده گردشگری، دانشگاه تهران، تهران، ایران
دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۴ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲

چکیده

به مرور زمان، مفهوم گردشگری تا حدودی تغییر کرده و از مفهومی متمرکز بر تجربه فیزیکی و مادی به یک تجربه چندبعدی و شامل عنصر معنوی تبدیل شده است. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش و جایگاه معنویت در گردشگری نگاشته شده است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته است. داده‌ها و اطلاعات به روش اسنادی و با مراجعه به مقالات و متون مرتبط با موضوع پژوهش گردآوری و مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها حاکی از آن است که معنویت در گردشگری به عنوان یک جنبه مهم و جدایی ناپذیر از تجربه سفر و گردشگری مطرح می‌شود. بنابراین، ارتقاء آگاهی از بُعد معنوی گردشگری و توجه به آن در طراحی برنامه‌ها و فعالیت‌های گردشگری می‌تواند باعث بهبود کیفیت تجربه گردشگران و افزایش رضایت آنها شود. همچنین، درک بهتری از ارتباط معنویت با سفر و گردشگری می‌تواند به توسعه فرهنگ گردشگری و افزایش درک و تعامل میان جوامع مختلف کمک کند.

کلیدواژه‌ها: گردشگری، معنویت، دین، سفر.

مقدمه

و دیگران، ۱۳۹۴)؛ نویسندگان بیان می‌کنند که در هر سه گونه از تعاملات فرهنگی ثابت، متحرک و زندگی روزانه، مؤلفه‌های معنویت به صورتی خاص قابل تفسیر است، اما شرط این مهم وجود آمادگی گردشگر برای درک، تعمق، تدبر و دریافت این مفاهیم از پوسته ظاهری ارتباطات است.

مقاله «واکاوی انواع رویکردهای مفهومی تبیین‌کننده گردشگری معنوی - مذهبی در مطالعات اسنادی» (جهانیان و رستگار، ۱۳۹۴)؛ نویسندگان شش رویکرد را مورد اشاره قرار دادند: رویکرد دینی، رویکرد جغرافیایی، رویکرد فرهنگی - تاریخی، رویکرد اقتصادی، رویکرد کاربردی، و رویکرد جامعه‌شناسانه.

مقاله «بررسی ارتباط میان سفر و معنویت در ادیان پیش از اسلام» (ایمانی خوشخو و دیگران، ۱۳۹۴)؛ نویسندگان بیان داشتند که در ادیان پیش از اسلام سفرهای زیارتی در کلیات و آداب بسیار به یکدیگر شباهت دارند، اما در هیچ‌یک از کتب آنها به سفری جز سفرهای زیارتی اشاره نشده است.

سؤالی که این پژوهش در پی پاسخ به آن است این است که کارکرد و آثار معنویت در گردشگری چگونه است؟ در این راستا ابتدا، به تبیین مفهوم گردشگری و نقش آن در توسعه اقتصادی و فرهنگی پرداخته شده، سپس مفهوم معنویت و تمایز آن با دین مورد بحث قرار گرفته است. در ادامه رابطه معنویت و گردشگری تبیین و تحلیل شده است. با توجه به اینکه این بُعد از گردشگری معمولاً مورد توجه کمتری قرار می‌گیرد، این پژوهش با هدف روشن‌تر کردن نقش و جایگاه معنویت در گردشگری نگاشته شده است. تبیین مفهوم معنویت در گردشگری و توسعه دانش نظری در حوزه معنویت و گردشگری به‌عنوان نوآوری تحقیق حاضر مطرح است.

۱. مفاهیم و دیدگاه‌های نظری

۱-۱. گردشگری

آغازین نوشته‌ها درباره گردشگری در دائرةالمعارف گردشگری و سفر، به بررسی بُعدهای تاریخی این پدیده متمرکز بوده است. در گذر زمان، تعاریف و مفاهیم مرتبط با گردشگری تغییر کرده‌اند. اگرچه تعاریف ابتدایی بیشتر تمرکز خود را بر گردشگری به‌عنوان

گردشگری، به‌عنوان یکی از صنایع مهم و برجسته در اقتصاد جهانی، همواره مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است. این فعالیت که یک تاریخچه پر بار دارد، امروزه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در سطح جهان شناخته می‌شود. رونق گردشگری، علاوه بر ایجاد فرصت‌های شغلی و رشد اقتصادی، به ایجاد تعاملات فرهنگی و ارتباطات بین‌المللی نیز تأکید دارد. با این حال، در دنیایی که مبادی مصرف و نوع زندگی به سرعت تغییر می‌کند، گردشگری به‌تنهایی به‌عنوان یک فعالیت تفریحی مطرح نمی‌ماند. در عوض، مفهوم گردشگری تا حدودی تغییر کرده و از مفهومی متمرکز بر تجربه فیزیکی و مادی به یک تجربه چندبعدی و شامل عنصر معنوی تبدیل شده است. در ادامه به برخی پژوهش‌ها که حوزه معنویت و گردشگری را مورد بحث قرار داده‌اند، اشاره شده است:

مقاله «دستاوردهای معنوی صنعت توریسم» (سادات‌حسینی، ۱۳۹۹)؛ نویسنده دستاوردهای معنوی صنعت توریسم را احیای معنویت به وسیله اعتلای سطح علمی افراد جامعه به صورت مستقیم (گردشگری علمی) و غیرمستقیم (احیای اقتصاد اسلامی)، اعتلای اخلاق اسلامی در سایه تعامل نیکو بر اساس آموزه‌های معنوی اسلام بین گردشگر و جامعه معنوی، اعتلای اقتصاد اسلامی به وسیله حل مشکلات اقتصادی برای نوع بشر و ایجاد فراغت بال برای تحصیل امور معنوی، اعتلای سطح عدالت و امنیت به وسیله ژئوپلیتیک گردشگری و ایجاد فضای رقابت میان کشورها در راستای سرمایه‌گذاری در توسعه پایدار گردشگری و ایجاد فضای مناسب برای ترویج معنویت اسلامی و اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی با ارائه صحیح آموزه‌های فرهنگ‌ساز و تمدن‌ساز معنوی به گردشگران می‌داند.

مقاله «تبیین مفهوم معنویت در گردشگری با استفاده از تحلیل محتوا» (شفیعا و دیگران، ۱۳۹۵)؛ نویسنده بیان می‌کند که گردشگری معنوی واژه نادرستی است که معنویت را به گونه‌ای از گردشگری تقلیل داده است. معنویت قابلیت حلول در هرگونه از گردشگری را داراست که وابستگی زیادی به توان، علاقه و موقعیت گردشگر، فعالیت و محیط دارد. از این رو گردشگری و معنویت اشاره به معنویت قابل درک در تمامی گونه‌های گردشگری دارد و با گردشگری مذهبی بسیار متفاوت است.

مقاله «ارتباطات بین فرهنگی و معنویت در گردشگری» (رضایی

یک منبع اقتصادی معطوف می‌کردند (بريجز، ۱۹۵۹، ص ۲۵)، اما تعاملات اخير، مفاهيم متنوعی را شامل می‌شود. ظاهراً دیدگاه‌های جدید ناشی از پیشرفت دانش انسان در زمینه ابعاد گردشگری است؛ زیرا امروزه مشخص است که گردشگری یک پدیده چندبعدی و بسیار پیچیده است (گان، ۲۰۰۲، ص ۸).

در فرهنگ لغت فارسی، گردشگری به‌طور کلی به معانی متعددی اطلاق شده است: از جمله سفر و شناخت در مناطق مختلف دنیا؛ مسافرت به منظور تفریح و لذت بردن؛ سفری که در آن فرد به یک مقصد سفر می‌کند و سپس به محل اقامت خود بازمی‌گردد (الوانی و دهدشتی، ۱۳۷۳، ص ۱۸). بر اساس تعریف دیگری، گردشگری به‌عنوان جابه‌جایی موقت افراد به مناطق خارج از محیط زندگی و کارشان، با انجام فعالیت‌های مختلف در مقصد و فراهم‌سازی تسهیلات مناسب برای رفع نیازهایشان، تعریف شده است (مدیسون و وال، ۱۹۸۲، ص ۱۶). از دیدگاه عموم مردم، عبارت گردشگری بیشتر به سفرهای تفریحی و تجربیات لذت‌بخش اشاره دارد و اغلب به‌عنوان مترادف تعطیلات استفاده می‌شود. با این حال، سازمان‌های گردشگری و دیگر مراکز مسئول توسعه، بازاریابی و هماهنگی گردشگری در کشورهايشان، سعی در اندازه‌گیری گسترده‌تری از این مفهوم دارند؛ به نظر آنها، گردشگری به مسافرت با هدف‌های مختلف به‌جز سفر به‌منظور کار، مهاجرت و فعالیت‌های محلی و منطقه‌ای اشاره دارد (شمس و امینی، ۱۳۸۸، ص ۸۴). همچنین، رضوانی در کتاب *جغرافیا و صنعت گردشگری*، گردشگری را به این شکل تعریف می‌کند: گردشگری شامل مجموعه‌ای از تغییرات مکانی و فعالیت‌هایی است که از آن ناشی می‌شود. این تغییرات به‌طور طبیعی ناشی از خواسته‌هایی هستند که انسان را به جابه‌جایی وادار می‌کند و در هر فرد با شدت و ضعف متفاوت حضور دارند (رضوانی، ۱۳۸۵، ص ۷۳).

افزون بر مواردی که از پدیده گردشگری در اواخر قرن بیستم یاد می‌شود، این پدیده در قرن جدید در قالب گونه‌های مختلف از جمله اکوتوریسم (مودودی ارخودی و دیگران، ۱۴۰۰؛ گلستانی و دیگران، ۱۳۹۴؛ فردوسی، ۲۰۲۴)، ژئوتوریسم (پورفرج و دیگران، ۱۳۹۸؛ ۲۰۲۰؛ ضیائی و فردوسی، ۲۰۲۰)، گردشگری روستایی (مودودی ارخودی و فردوسی، ۱۴۰۲؛ ۱۴۰۰؛ ۱۳۹۹؛ نعمتی و فردوسی، ۱۴۰۰)، گردشگری شهری (باشکوه اجیرلو و دیگران،

۱۴۰۲؛ مودودی ارخودی و دیگران، ۱۴۰۲؛ ۱۳۹۸؛ شایان و دیگران، ۱۴۰۱؛ قادری و دیگران، ۱۳۹۹؛ فردوسی و دیگران، ۱۳۹۷؛ فردوسی و فیروزجاه، ۱۳۹۴؛ ۱۳۹۳؛ کروی و فردوسی، ۲۰۲۱)، گردشگری سلامت (نعمتی و دیگران، ۱۴۰۰؛ جلالی و دیگران، ۱۳۹۵)، گردشگری ساحلی و دریایی (فردوسی و دیگران، ۱۳۹۹؛ ۱۳۹۶؛ زبیری و دیگران، ۱۳۹۹؛ ۱۳۹۸؛ دربان آستانه و دیگران، ۱۳۹۷؛ پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۶؛ ۱۳۹۵؛ مطیعی لنگرودی و دیگران، ۱۳۹۶) و غیره به شدت گسترش یافته است. افزایش درآمد، افزایش زمان فراغت، تغییرات در نگرش‌ها و دیدگاه‌های جدید نسبت به زندگی، و نیازمندی‌های بین‌المللی، توسعه و گسترش قابل‌توجه گردشگری را الزامی می‌سازد (جولیا شارپلی، ۱۳۸۰، ص ۱). در حقیقت، گردشگری یکی از عوامل مؤثر در ایجاد تغییرات اساسی در اقتصاد، جامعه و فرهنگ شهرها بوده و اکنون به‌عنوان یک صنعت پویا و مؤثر در اقتصاد شناخته می‌شود. این صنعت امروزه در زمره مهم‌ترین صنایع جهان قرار دارد و در بسیاری از جوامع، به‌عنوان رکن اصلی اقتصاد تلقی می‌شود (گی، ۱۳۸۲، ص ۱۹). این صنعت می‌تواند با ایجاد تغییر در ابعاد مختلف اقتصادی، جمعیتی، فرهنگی و دیگر ویژگی‌های اجتماعی، در تغییرات فضایی شهرها نقش مهمی ایفا کند (حاجی‌نژاد و احمدی، ۱۳۸۹، ص ۸).

۱-۲. معنویت

مفهوم معنویت به ساحتی از ساحت وجودی انسان اشاره دارد. به‌گونه‌ای که تقسیم‌بندی دو بعد اصلی انسان، ابعاد مادی و معنوی را دربر می‌گیرد. صاحب‌نظران در مورد اینکه این بعد از وجود انسان غالباً به چه مؤلفه‌هایی اشاره دارد، دچار تفاوت رأی و تناقض دیدگاه هستند. برخی آن را بنیه اصلی و وجودی انسان می‌دانند، و عده‌ای به آن به‌عنوان یک نوع منش انسانی برتر می‌نگرند. هنگامی که مفهوم معنویت به میان می‌آید، نظرها به سمت مذهب، زیارت یا حتی روش‌های آرامش روح متمایل می‌شود. اینها ممکن است مصداق‌های قابل درکی از معنویت باشند، اما در اینجا منظور از معنویت رسیدن به نظامی از معانی است. با نگاهی عمیق‌تر به مفهوم معنویت می‌توان دریافت که انسان ذاتاً کنج‌کاو است و همواره به دنبال درک ابعاد جدیدی از زندگی است. از این‌رو در تعاملات و ارتباطات خود، بعد از درک صورت یک موضوع، به

(جکسون و دیگران، ۲۰۱۶، ص ۲۸۹). برخی از محققان در راستای مفهوم‌سازی عنصر معنویت، آن را به نوعی کیفیت روانی نسبت می‌دهند که فرای اعتقادات مذهبی بوده و منجر به ایجاد احساساتی در انسان همچون محترم شمردن خلقت و درک عظمت الهی می‌شود. به‌طور کلی، معنویت از جمله فضایل انسانی است که به زندگی انسان معنا و هدف غایی می‌بخشد و موجب شیوه‌ای خاص از زندگی می‌شود که باعث پیوند میان فرد با خود، دیگران و کل جهان می‌گردد (ایمانی خوشخو و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۶).

به‌طور کلی، معنویت پدیده‌ای جهان‌شمول است و در رأس سلسله‌مراتب نیازهای آبراهام مازلو قرار دارد. ویژگی‌ای که به زندگی انسان معنا بخشیده و موجب ارتباط انسان و خالق عالم هستی می‌شود (بسته‌نگار و حسنی، ۱۳۹۷، ص ۴۶). در این راستا، واحدیان عظیمی و رحیمی (۱۳۹۲) به مفهوم‌شناسی معنویت پرداخته‌اند و با تأکید بر چندبُعدی بودن مفهوم معنویت، این ابعاد را در دو طبقه کلی «متفاوت بودن معنی و مفهوم معنویت از دیدگاه افراد» و «ابعاد متنوع و گوناگون معنویت» مطرح نموده‌اند (جدول ۱).

جدول ۱. مفهوم‌شناسی معنویت

محور اصلی	طبقات اصلی	طبقات فرعی
چندبُعدی بودن مفهوم معنویت و ابعاد آن	متفاوت بودن معنی و مفهوم معنویت از دیدگاه افراد	نگرش‌ها و اعتقادات متفاوت افراد به فلسفه هستی‌شناسی
	ابعاد متنوع و گوناگون معنویت	معرفت‌شناسی و شیوه‌های مختلف درک این مفاهیم در شناخت خود و جهان پیرامون
		انعکاس شناخت صحیح آنها در زندگی روزمره
		جسمی و بدنی
		اجتماعی ارتباطی
		فرهنگی عاطفی
		معنوی روحی
		عرفانی باطنی
		شناختی ذهنی

(منبع: واحدیان عظیمی و رحیمی، ۱۳۹۲، ص ۱۳).

سمت فهم سیرت و بطن آن حرکت می‌کند. این طبیعت جست‌وجوگر، او را به سمت درک و فهم هرچه بیشتر مضامین و مفاهیم نهفته در ارتباطات و تعاملات هدایت می‌کند (رضایی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۵).

دو مفهوم اصلی در معنویت وجود دارد: اول، تمایل یا نیاز به ساختن مفاهیم ضمنی و هدف انسان از زندگی و حضور در جهان هستی؛ دوم، ایمان به برتری خداوند که تمام هستی را تحت کنترل خویش دارد (ایمانی خوشخو و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۵). معنویت در مطالعات مدیریت از سه منظر مطرح می‌شود: معنویت فردی، معنویت در محیط کار، و معنویت سازمانی. همچنین، معنویت را می‌توان از منظر مذهبی در نظر گرفت (روچا و پینه‌یرو، ۲۰۲۰، ص ۹). در دیدگاه اسلام، معنویت امری ذاتی است و مرجع آن خداوند است، ساختنی و کشف‌شدنی است. معنویت همه ابعاد وجود انسان، حتی بعد جسمی را تعالی می‌بخشد و صرفاً به پرورش روح مربوط نمی‌شود (واحدیان عظیمی و رحیمی، ۱۳۹۲، ص ۱۶). در این میان، در ادیان شرقی مانند بودائیسیم و هندوئیسم، معانی‌ای مانند ارتباطات پویا، انرژی، و سلامت به معنویت نسبت داده می‌شود؛ این در حالی است که در ادیان ابراهیمی مسیحیت، یهودیت، و اسلام، معنویت به حقیقت و راستی و برتری مطلق یک خدای واحد مرتبط می‌شود. از نگاه سکولاریسم، معنویت به فرایندی پویا در زندگی اطلاق می‌شود که متمرکز بر ارزش‌ها و اهداف زندگی است و درواقع عاملی معنادهنده به زندگی روزانه مادی قلمداد می‌شود (ایمان‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۷۶؛ اشعری و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۹۵).

معنویت، به‌عنوان یکی از جنبه‌های وجودی انسان به‌منظور جست‌وجو و کسب معنا و غایت، و برقراری ارتباط در لحظه با خود، دیگران، طبیعت و ساحت غیرمادی و روحانی، مورد توجه قرار می‌گیرد (پوکالسکی و دیگران، ۲۰۱۴، ص ۶۵۱). این مفهوم به مفهوم سطح شعور، هوش و احساس انسانی اشاره دارد که او را از سایر موجودات متمایز و امکان ارتباط با ابعاد غیرمادی هستی و وجود خود را فراهم می‌نماید. به‌طور کلی، معنویت همان بُعد غیرمادی انسانی است که در ارتباط با خود، دیگران، طبیعت و خالق هستی، معنا پیدا کرده و امکان تعامل و کسب تعالی و غایت هستی را برای انسان امکان‌پذیر می‌سازد. از این‌رو این مفهوم می‌تواند سلامت جسمی و روانی را برای انسان به همراه داشته باشد

۱-۳. دین و معنویت

در رویکرد روان‌شناسانه سنتی، دین سازهای بسیار گسترده بود و تمایز صریحی از معنویت نداشت. اما این نگاه در رویکرد مدرن روان‌شناسی دچار تحول شد و دین را به‌عنوان یک عامل محدودتر و کمتر تأثیرگذار تعریف کرد. در نتیجه این نگاه، معنویت به‌طور روشن از دین قابل تمیز است و از این‌رو یک دوقطبی دین و معنویت شکل گرفته است که طی آن، دین نهادی تأثیرگذار و بیرونی در برابر معنویت که امری درونی و شخصی است قرار گرفته است (کیانی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۰۴، به نقل از: زینبائر و دیگران، ۱۹۹۹). از نگاه برخی صاحب‌نظران تا قرن‌ها مطالعه دین می‌توانست معنویت را هم تحت پوشش قرار دهد، اما به‌طور مستقیم از معنویت بحثی به میان نمی‌آمد. بنابراین دسته‌ای از اندیشمندان این عرصه، معنویت را به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از دین دانستند و یا در برخی موارد به جای همدیگر از این دو استفاده کردند. اکنون برخی محققان و اندیشمندان معنویت را امری کاملاً جدا از دین تفسیر کرده‌اند. این امر معمولاً در قامت اندیشه ناخداپاورانه نمود پیدا کند و تلاش می‌کند هرگونه ارتباط بین معنویت با فراطبیعت‌گرایی، وجود امر مقدس و نهاد دین را انکار نماید (موبرگ، ۲۰۱۰). سه سطح متمایز، اما به هم وابسته را می‌توان در فهم معنویت تشخیص داد:

۱. معنویت به‌منزله تجربه و یا عمل و فعل زیسته در زمینه‌ای دینی؛
۲. معنویت به‌مثابه آموزه‌هایی است که از این عمل به ظهور می‌رسد و آن را هدایت می‌کند؛ یعنی همان اصول و قواعد معنوی و توصیه‌های گوناگون برای رسیدن به کمال که در دین‌های متفاوت مشاهده می‌شوند؛
۳. مطالعه نظام‌مند و تطبیقی و نقادانه تجربه‌ها و آموزه‌های معنوی که در زمانه ما به روشی کاملاً تازه تکامل یافته‌اند (هینلز، ۱۳۸۶، ص ۴۴). در این میان، عواملی از جمله جست‌وجوی حقیقت، روشنگری و کسب تجربه ارزشمند آمیخته با شئون الهی و مقدس، انسان‌ها را بر آن می‌دارد که به مکان‌ها و مقصدهایی سفر کنند که از فضای دنیوی و زندگی عادی فراتر است. درواقع در طول تاریخ، آیین و سنت‌های دینی عامل جذب افراد به سفر بوده‌اند (شاکلی، ۲۰۰۱، ص ۵۶). در تفکر دینی، اسلام برای گردشگری، کارکردی خاص مد نظر قرار داده است، به‌گونه‌ای که سیر در زمین

برای رسیدن به درکی بالا جهت ستایش قدرت مطلق و تأمل در نظام آفرینش خداوندگار از سفارش‌های مؤکد قرآنی است. در قرآن مجید اهمیت سیر و سیاحت و گردشگری به وضوح به مردم نشان داده شده و از آنها خواسته شده تا در زمین بنگرند و در آثار برجای‌مانده از گذشته بیندیشند و از سیر گذشته‌شان پند بگیرند (جهانیان و رستگار، ۱۳۹۴، ص ۷).

۲. یافته‌های پژوهش

۲-۱. معنویت و گردشگری

با توجه به وجود عوامل بالقوه در عرصه گردشگری که توانایی تأثیرگذاری قابل‌توجهی بر کیفیت زندگی گردشگران دارد، درک و فهم جنبه معنویت در گردشگری می‌تواند زمینه را برای تقویت و توسعه هرچه بیشتر این عرصه فراهم نماید. از این‌رو ورود بُعد معنویت به گردشگری به ارتقای سطح تجربه گردشگران منجر شده و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی ایشان را در پی خواهد داشت (شفیعا و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۰۹).

برخی معنویت را مختص وجود خود گردشگر می‌دانند که از دریافت و درک کاملاً شخصی حاصل می‌شود. در نتیجه، معنویت را تجربه فردی معرفی می‌کنند. از سوی دیگر، معنویت از دیدگاه کسب معانی فرهنگی نیز در مطالعات گردشگری بررسی شده است (گارسس و دیگران، ۲۰۱۸، ص ۱۱۳). اوتزان و دیگران (۲۰۱۳) عقیده دارند که معنویت شامل مؤلفه‌هایی نظیر نظامی انسان، هدف زندگی، وجود برتر، و نیاز به دانستن، درک و تجربه هستی و خداوند می‌شود؛ چراکه سفر می‌تواند یک منبع ارزشمند برای دستیابی به این اهداف برای انسان در زندگی باشد. برای بسیاری از پژوهشگران حوزه گردشگری، هدف از سفر کشف معنی خویشتن، زندگی و خداوند است. بنابراین، گردشگری بیشتر از تفریح، تجربه‌های بالارزشی است که معنویت را برای گردشگر محقق می‌نماید (عابدی سماکوش و دوستی، ۱۴۰۲). گردشگری و سفر به‌عنوان نیازی درونی و از اهداف آفرینش است. سفر و گردشگری، هم در زندگی بیرونی و عینی که عامل اقتصادی، اعتقادی، فکری و سیاسی است و هم در زندگی درونی و باطنی انسان که در حال حرکت دائمی

جدول ۲. مفهوم‌سازی معنویت در گردشگری

ابعاد	مؤلفه‌ها	زیرمؤلفه‌ها	ابعاد	مؤلفه‌ها	زیرمؤلفه‌ها
رسیدن به تعالی	روح	عزت نفس	فراطبیعی		حقیقت پدیده‌ها
		خودشناسی			فلسفه خلقت و حوادث
		خودشکوفایی			دین و اعتقادات دینی
		افکار مثبت			مذهب
		آرامش			زیارت و برقراری ارتباط فراحسی
جسمی	سلامت روحی و جسمی	امنیت	رسیدن به درک متقابل	طبیعی	هماهنگی و نظم
		کیفیت تجربه			وحدت با طبیعت
		دستیابی به آگاهی			ارتباطات متقابل
رسیدن به معنا	آموزش و پندآموزی	تفاوت‌ها	اجتماعی		سبک زندگی
		تغییر نگرش			کیفیت زندگی فرهنگی
		درک ارزش‌های مقدس			ارزش‌های اخلاقی
		هویت‌یابی			ارتباط مؤثر
کاوشگری	تعقل و کاوشگری	درک فرهنگی	بین فردی		مفاهیم جدید

(منبع: شفیعا و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۲۲)

در ادیان مختلف، معنویت را روشی مؤثر در ایجاد انگیزه سفر و تنوع و انتقال می‌دانند (جهانیان و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۳). دین و

است، موجبات گسستن بندهایی می‌شود که عامل رکود و توقف است. از مهم‌ترین علل آن، گسترش و تحرک جهان‌بینی انسان می‌باشد. بنابراین، توجه به محصول گردشگری باید به شیوه‌ای باشد که نیاز او را در زندگی درونی و بیرونی به شکلی فراهم نماید که مدام بین این دو در حرکت باشد (قیمتی، ۱۳۹۴، ص ۴).

اغلب محققان معتقدند که گردشگری معنوی را نمی‌توان به‌عنوان یک گونه خاص از گردشگری در نظر گرفت؛ زیرا معنویت به‌عنوان یک چتر است که می‌تواند انواع مختلف گردشگری را دربر گیرد و منجر به ایجاد حس تعالی و ارزش‌های مقدس شود (حق و دیگران، ۲۰۰۹، ص ۲). بنابراین، گردشگری معنوی به‌عنوان نمایانگر معنویت است که گردشگر در جهت دستیابی به ارزش‌های غیرمادی در حین سفر در آن مشغول است. گردشگری را می‌توان به‌عنوان یک فعالیت معنوی دانست که به دنبال غنی‌سازی شخصیت و تعالی شخصی است. به عبارت دیگر، جست‌وجو برای معنای زندگی، بخش بزرگی از تجربه گردشگری است (گارسس و دیگران، ۲۰۱۸، ص ۱۱۳). در گردشگری، تحقق معنویت (رسیدن به معنا) می‌تواند از طریق ارتباط با خود، با دیگران (گردشگرانی که با آنها هم‌سفر هستیم یا جوامع محلی) و با محیط به وجود آید (شارپلی، ۲۰۱۶، ص ۱۷). پژوهشگران بسیاری از جمله فیلیپ و پیرس (۲۰۱۴) در نتایج تحقیقات خود به این نکته تأکید می‌کنند که ماهیت کلیدی بررسی احساس مثبت، مثبت‌اندیشی، سلامت روان، خوشبختی و امید در زندگی ماهیتی معنوی دارند و درواقع، یک مفهوم فلسفی در گردشگری به‌شمار می‌رود که رویکرد روان‌شناسی نیز ملزم به شناخت دقیق‌تر مفهوم معنویت است؛ زیرا تمامی این مؤلفه‌ها به‌عنوان اهدافی که هر فرد در زندگی آن را جست‌وجو می‌نماید، از طریق شناخت بهتر معنویت محقق می‌شود و در این میان، گردشگری می‌تواند به‌عنوان یک منبع تحقق این اهداف در نظر گرفته شود. ماهیت گردشگر، حالات روحی و روانی گردشگر از جمله احساس شادی، تجربه مثبت، حس خوشبختی و رضایت‌خاطر از مضامین معنوی در نظر گرفته شده‌اند (شهرابی، ۱۳۹۷، ص ۴). به نقل از: گارسس و دیگران، ۲۰۱۸. گردشگری برای معنویت خواهان جهان، بستری فراهم می‌کند که با استفاده از آن به آرامش همراه با معنویت می‌رسند (پیمان، ۱۳۹۴، ص ۷). شفیعا و دیگران (۱۳۹۵) در پژوهشی به مفهوم‌سازی معنویت در گردشگری پرداخته‌اند (جدول ۲).

مکان‌های تاریخی پیدا می‌شود، می‌تواند به فرد کمک کند تا به خودشناسی عمیق‌تری دست یابد و با ارزش‌های زندگی خود در ارتباط باشد. ادیان مختلف معتقدند که معنویت در سفر و گردشگری نقش مهمی دارد و این روند به تقویت ارتباط انسان با خود، با دیگران و با محیط اطراف کمک می‌کند. بنابراین، ارتقاء آگاهی از بُعد معنوی گردشگری و توجه به آن در طراحی برنامه‌ها و فعالیت‌های گردشگری می‌تواند باعث بهبود کیفیت تجربه گردشگران و افزایش رضایت آنها شود. همچنین، درک بهتری از ارتباط معنویت با سفر و گردشگری می‌تواند به توسعه فرهنگ گردشگری و افزایش درک و تعامل میان جوامع مختلف کمک کند.

جست‌وجو برای معنای زندگی، بخش قابل‌توجهی از تجربه گردشگری تعریف شده است. به اعتقاد برخی محققان، بررسی احساس مثبت، مثبت‌اندیشی، سلامت روان، خوشبختی و امید در زندگی ماهیتی معنوی دارند و درواقع، یک مفهوم فلسفی در گردشگری به‌شمار می‌روند. ماهیت گردشگر، حالات روحی و روانی گردشگر از جمله احساس شادی، تجربه مثبت، حس خوشبختی و رضایت‌خاطر از مضامین معنوی در نظر گرفته شده‌اند. درنهایت، می‌توان گفت که توجه به بُعد معنوی گردشگری نه تنها به بهبود تجربه گردشگران کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به توسعه پایدار و تعادل‌بخشی در صنعت گردشگری نیز کمک کند؛ زیرا این رویکرد به ارتقاء رفاه اجتماعی و فرهنگی جوامع محلی و جهانی نیز می‌انجامد. بنابراین از دیدگاه معنوی، مهم‌ترین مسئله در صنعت گردشگری، شناسایی و تقویت مؤلفه‌هایی است که منتج به یک تجربه معنوی برای گردشگران شود؛ در این خصوص، بایستی زمینه جاری‌سازی معنویت را در همه گونه‌های گردشگری فراهم نمود تا از این طریق بتوان اهداف مرتبط با آرامش روحی و روانی گردشگران را نیز مورد توجه قرار داد.

معنویت به‌عنوان عنصر کلیدی زندگی انسان در سفر و گردشگری است. حتی سفری که ماهیت زیارتی نداشته باشد نیز می‌تواند توأم با معنویت نتایج معنوی داشته باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت: ادیان مختلف به معنویت در سفر اعتقاد دارند و آن را نهایت دستاورد یک سفر می‌دانند (ایمانی خوشخو و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۷). اصولاً انسان به‌عنوان موجودی کمال‌طلب مطرح است که همواره در پی شناخت است و سفر و گردشگری مبتنی بر حرکت، زمینه تحقق معناگرایی وی را ایجاد نموده است (ایمانی خوشخو و شهرابی فراهانی، ۱۳۹۷، ص ۱۶۱). از آنجا که سفر، گردشگر را به جست‌وجوی معنا سوق می‌دهد، می‌توان گردشگری را به کالبد زاینده معنویت تعبیر نمود (امبروز و اوسنیک، ۲۰۱۱، ص ۷۶). سفر منجر به شکل‌گیری و ارتقای هوش معنوی می‌شود و در نتیجه ادراک معنویت فرد را ارتقا می‌دهد (خوشه‌بست و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۵). در نگاه اولیه به معنویت در گردشگری، عنصر معنویت به‌عنوان یک عامل انگیزشی مطرح است که انگیزه سفر را در فرد تقویت می‌کند و گردشگر علاقه‌مند به معنویات، فردی است که سفرهای زیارتی و مذهبی را به منظور درک حس متعالی در پیش می‌گیرد (شفیعا و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۱۶).

نتیجه‌گیری

با پیشرفت و گسترش صنعت گردشگری در جهان، تفاوت‌ها و دیدگاه‌های گوناگونی نسبت به گردشگری شکل گرفته است. اغلب تحقیقات، گردشگری را از منظر مادی بررسی کرده و به جنبه‌های معنوی آن کمتر توجه کرده‌اند. از دیدگاه اسلام، معنویت همه ابعاد وجود انسان، حتی بُعد جسمی را تعالی می‌بخشد و صرفاً به پرورش روح مربوط نمی‌شود. در این زمینه لازم است جنبه‌های معنوی گردشگری و تأثیرات آن بر روح و روان انسان مورد بررسی و توجه قرار گیرد و به موضوع اصلی گردشگری، که آرامش روحی و روانی انسان است، توجه شود. به‌طور کلی، معنویت در گردشگری به‌عنوان یک جنبه مهم و جدایی‌ناپذیر از تجربه سفر و گردشگری مطرح می‌شود. این معنویت نه تنها به جنبه‌های فردی مرتبط با دیدگاه و باورهای شخصی گردشگران، بلکه به جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی مرتبط با مقصدها و مسیرهای سفر نیز ارتباط دارد. گردشگری ممکن است به‌عنوان فرصتی برای تأمل و آرامش در نظر گرفته شود. آرامشی که در مکان‌های طبیعی، مکان‌های مذهبی یا

خوشه‌بست، فرزانه و دیگران (۱۳۹۵). بررسی تأثیر گردشگری بر هوش معنوی و ارتقای معنویت. *سمینار علمی جایگاه گردشگری در اقتصاد مقاومتی*. تهران.

دربان آستانه و دیگران (۱۳۹۷). شناسایی مطلوب‌ترین نقاط جهت احداث سایت گردشگری دریایی (مطالعه موردی: شهرستان تنکابن). *اطلاعات جغرافیایی (سپهر)*، ۲۷(۱۰۶)، ۲۲۹-۲۳۹.

رضایی، محمد و دیگران (۱۳۹۴). ارتباطات بین فرهنگی و معنویت در گردشگری. *اولین کنفرانس بین‌المللی گردشگری و معنویت*. تهران: دانشگاه علم و فرهنگ.

رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۵). *جغرافیا و صنعت توریسم*. تهران: دانشگاه پیام نور. زیاری، کرامت‌الله و دیگران (۱۳۹۸). تعیین ظرفیت تحمل اجتماعی گردشگران ساحلی (مطالعه موردی: بندر گز). *علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*، ۲۱(۵)، ۱۲۳-۱۳۵.

زیاری، کرامت‌الله و دیگران (۱۳۹۹). تعیین ظرفیت تحمل فیزیکی - اکولوژیکی گردشگری ساحلی و تأثیرپذیری آن از میزان رضایت‌مندی گردشگران (مطالعه موردی: بندر گز). *علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*، ۲۲(۶)، ۱۸۹-۲۰۲.

سادات‌حسینی، فهیمه (۱۳۹۹). *دستاوردهای معنوی صنعت توریسم*. *مطالعات دین‌پژوهی*، ۴(۸)، ۱۰۹-۱۳۳.

شایان، حمید و دیگران (۱۴۰۱). رفتارشناسی عرضه و تقاضای گردشگری مبتنی بر تحولات نظام سرمایه‌داری. *مطالعات اجتماعی گردشگری*، ۱۰(۱۹)، ۲۸۱.

شفیعا، سعید و دیگران (۱۳۹۵). تبیین مفهوم معنویت در گردشگری با استفاده از تحلیل محتوا. *مطالعات مدیریت گردشگری*، ۱۱(۳۵)، ۱۰۷-۱۲۷.

شمس، مجید و امینی، نصیره (۱۳۸۸). ارزیابی شاخص فرهنگ ایرانی در توسعه گردشگری. *جغرافیای انسانی*، ۴(۱)، ۸۱-۹۳.

شهرابی فراهانی، مهدیه (۱۳۹۷). *ارائه الگوی ادراک معنوی گردشگران فرهنگی کلان‌شهرهای ایران از سفر*. *مطالعه موردی گردشگران خارجی شهر اصفهان*. رساله دکتری مدیریت گردشگری. تهران: دانشگاه علم و فرهنگ.

عابدی سماکوش، محبوبه و دوستی، مرتضی (۱۴۰۲). نقش گردشگری ورزشی در معنویت. *برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، ۱۲(۴۵)، ۱۵۱-۱۳۱. فردوسی، سجاد و دیگران (۱۳۹۶). مطالعه پتانسیل‌های اقلیم گردشگری سواحل جنوبی دریای خزر. *اطلاعات جغرافیایی (سپهر)*، ۲۶(۱۰۴)، ۱۰۳-۱۱۵.

فردوسی، سجاد و دیگران (۱۳۹۷). تحلیلی بر شاخص باقی‌مانده ظرفیت تحمل جامعه میزبان نسبت به توسعه گردشگری (مطالعه موردی: شهر شاهرود). *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۸(۴۹)، ۹۳-۱۱۰.

فردوسی، سجاد و دیگران (۱۳۹۹). تحلیلی بر ریسک‌ها و مخاطرات مقاصد گردشگری (مطالعه موردی: بندر انزلی). *پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری*، ۱۰(۲۰)، ۱۳-۲۶.

فردوسی، سجاد و فیروزجاه، پری شکری (۱۳۹۳). اهمیت رنگ در فضای

منابع

اشعری، زهرا و دیگران (۱۳۹۱). بررسی مفهوم، اصول و روش‌های تربیت معنوی از دیدگاه علامه طباطبائی. *تربیت اسلامی*، ۷(۱۵)، ۸۹-۱۱۲.

ایمان‌زاده، علی (۱۳۹۴). *بررسی تطبیقی مفهوم اهداف اصول و روش های تربیت معنوی از دیدگاه علامه طباطبائی و دیوید کار*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. ملایر: دانشگاه ملایر.

ایمانی خوشخو و دیگران (۱۳۹۴). بررسی ارتباط میان سفر و معنویت در ادیان پیش از اسلام. *اولین کنفرانس بین‌المللی گردشگری و معنویت*. تهران: دانشگاه علم و فرهنگ.

ایمانی خوشخو، محمدحسین و شهرابی فراهانی، مهدیه (۱۳۹۷). بررسی ارتباط میان عناصر معناگرایی و ادراک گردشگر از سفر (مطالعه موردی گردشگران خارجی بازار تهران). *مطالعات مدیریت گردشگری*، ۱۳(۴۴)، ۱۴۳-۱۷۰.

باشکوه اجیرلو و دیگران (۱۴۰۲). تأثیر ملاحظات زیست‌محیطی بر بازاریابی سبز در صنعت هتل‌داری (مورد مطالعه: هتل‌های شیراز). *علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*، ۲۵(۸)، ۸۹-۱۰۵.

بسته‌نگار، مهرنوش و حسنی، علی (۱۳۹۷). رواداری راهبردی معنوی یا معنویت راهبردی در توسعه گردشگری خلاق. *باغ نظر*، ۱۵(۶۰)، ۳۸-۵۰. پوراحمد، احمد و دیگران (۱۳۹۵). بررسی شاخص‌های گردشگری دریایی در استان‌های ساحلی ایران. *علوم و فناوری دریای*، ۲۰(۷۸)، ۵۵-۶۴. پوراحمد، احمد و دیگران (۱۳۹۶). تبیین آسایش اقلیمی گردشگری ساحلی. *علوم و فناوری دریای*، ۲۱(۸۱)، ۶۳-۷۳.

پورفرج، اکبر و دیگران (۱۳۹۸). واکاوی آسیب‌پذیری جاذبه‌های ژئوتوریستی در مقصدهای گردشگری. *پژوهش‌های فرسایش محیطی*، ۹(۳)، ۲۳۴۲. پیمان، آیت (۱۳۹۴). گردشگری، معنویت و صلح و دوستی. *اولین کنفرانس بین‌المللی گردشگری و معنویت*. تهران: دانشگاه علم و فرهنگ.

جلالی، محبوبه و دیگران (۱۳۹۵). واکاوی و تبیین اثرات گردشگری بر کیفیت زندگی (مطالعه موردی: شهر بابک کرمان). *آمایش جغرافیایی فضا*، ۶(۲۰)، ۱۶۱-۱۷۴.

جولیا شاریلی، ریچارد (۱۳۸۰). *گردشگری روستایی*. ترجمه رحمت‌الله منشی‌زاده و فاطمه نصیری. تهران: منشی.

جهانبیان، منوچهر و رستگار، ابراهیم (۱۳۹۴). واکاوی انواع رویکردهای مفهومی تبیین‌کننده گردشگری معنوی مذهبی در مطالعات اسنادی (مورد پژوهش: مقالات علمی - پژوهشی فارسی). *اولین کنفرانس بین‌المللی گردشگری و معنویت*. تهران: دانشگاه علم و فرهنگ.

حاجی‌نژاد، علی و احمدی، علی (۱۳۸۹). تأثیرات اقتصادی گردشگری تجاری بر مناطق شهری مطالعه موردی شهر بانه. *پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری*، ۲(۱)، ۷-۲۲.

حاجی‌نژاد، علی و احمدی، علی (۱۳۹۸). تأثیرات اقتصادی گردشگری تجاری بر مناطق شهری مطالعه موردی شهر بانه. *پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری*، ۲(۱)، ص ۷-۲۲.

- شهری. مطالعات در دنیای رنگ، ۴(۳)، ۷۲-۶۱.
- فردوسی، سجاد و فیروزجاه، پری شکری (۱۳۹۴). تحلیل فضایی - کالبدی نواحی شهری بر اساس شاخص‌های رشد هوشمند. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۶(۲۲)، ۳۲-۱۵.
- قادری، اسماعیل و دیگران (۱۳۹۹). تبیین تأثیر خودکارآمدی کارآفرینی و قابلیت نوآوری بر عملکرد کسب‌وکارهای گردشگری (مورد مطالعه: شهر تبریز). برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، ۹(۳۵)، ۱۱۲-۱۳۴.
- قیمتی، محمدرضا (۱۳۹۴). بررسی انگیزه‌های انسان به سفر و چگونگی محصول گردشگری. اولین کنفرانس بین‌المللی گردشگری و معنویت. تهران: دانشگاه علم و فرهنگ.
- کیانی، معصومه و دیگران (۱۳۹۴). مفهوم‌شناسی معنویت از دیدگاه اندیشمندان تربیتی غربی و مسلمان. اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۷(۱۴)، ۹۷-۱۱۸.
- گلستانی، میترا و دیگران (۱۳۹۴). سنجش پارامترهای اقلیمی با هدف توسعه بوم گردی (اکوتوریسم) در شهرستان نور. نیوار، ۳۹(۹۰-۹۱)، ۵۵-۶۲.
- گی، چاک وای (۱۳۸۲). جهانگردی در چشم‌اندازی جامع. ترجمه علی پارسایان و سیدمحمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسن و دیگران (۱۳۹۶). تبیین اثرات رضایتمندی گردشگران در بازاریابی گردشگری دریایی (مورد مطالعه: نواحی ساحلی استان گلستان). برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۷(۲۶)، ۴۱-۵۴.
- مودودی ارخودی، مهدی و دیگران (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر بر وفاداری و ماندگاری گردشگران در هتل‌ها (مطالعه موردی: هتل‌های پنج ستاره شهر مشهد). جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۶(۱)، ۲۰۷-۲۲۲.
- مودودی ارخودی، مهدی و دیگران (۱۴۰۰). بررسی اثرات گردشگری در مناطق حفاظت‌شده (مورد مطالعه: منطقه حفاظت‌شده شاسکوه خراسان جنوبی). جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۱۹(۲)، ۲۶۳-۲۹۱.
- مودودی ارخودی، مهدی و دیگران (۱۴۰۲). تدوین مدل مفهومی کارآفرینی همکارانه در حوزه گردشگری. کاوش‌های مدیریت بازرگانی، ۱۵(۳۱)، ۹۷-۱۲۷.
- مودودی ارخودی، مهدی و فردوسی، سجاد (۱۳۹۹). سنجش الگوی رفتاری عرضه و تقاضای گردشگری مبتنی بر تحولات نظام سرمایه‌داری (مورد مطالعه: شهر کرج و روستاهای پیرامونی). مطالعات شهری، ۹(۳۶)، ۸۵-۱۰۰.
- مودودی ارخودی، مهدی و فردوسی، سجاد (۱۴۰۰). تبیین نقش بوم‌گردی در توسعه جوامع روستایی (مورد مطالعه: روستای افین). کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی، ۹(۱)، ۲۴۱-۲۵۷.
- مودودی ارخودی، مهدی و فردوسی، سجاد (۱۴۰۲). شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقاء مقصدهای گردشگری روستایی (مورد مطالعه: استان لرستان). تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۳۳(۶۹)، ۲۳۹-۲۵۸.
- نعمتی، ولی و دیگران (۱۴۰۰). تأثیر گردشگری سلامت بر ارتقاء رفاه اجتماعی جامعه میزبان. سلامت و بهداشت، ۱۲(۲)، ۲۰۸-۲۲۱.
- نعمتی، ولی و فردوسی، سجاد (۱۴۰۰). تبیین اثرات توسعه گردشگری روستایی بر ظرفیت تحمل جامعه محلی (مطالعه موردی: روستای کندلوس، شهرستان نوشهر). روستا و توسعه، ۲۴(۱)، ۵۳-۸۰.
- واحدیان عظیمی، امیر و رحیمی، ابوالفضل (۱۳۹۲). تبیین مفهوم معنویت: تحلیل محتوای قراردادی. تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۲(۱)، ۱۱-۲۰.
- الوانی، سیدمهدی و دهدشتی، زهره (۱۳۷۳). اصول و مبانی جهانگردی. تهران: بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی.
- هینلز، جان راسل (۱۳۸۶). فرهنگ/ادیان جهان. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- Ambroz, M., & Ovsenik, R. (2011). Tourist origin and spiritual motives. *Management: journal of contemporary management issues*, 16(2), 71-86.
- Bridges, J. G., (1959). *A short History of tourism Travel and tourism Encyclopedia* in H. P. sales. (ed). London: travel world.
- Filep, S. & Pearce, P. (2014). A blueprint for tourist experience and fulfillment research, in, P. Pearce and, S. Filep (eds.), *Tourist experience and fulfillment: insights from positive psychology*. New York: Routledge.
- Garces, S., Pocinho, M. & de Jesus, S.N. (2018). Review of optimism, creativity and spirituality in tourism research. *Tourism and Hospitality Management*, 24(1), 107-117.
- Geoheritage. 12(4), 1-21.
- Gunn, C. A. (2002). *Tourism plaming Concepts Basics cases*. New York: Routledge.
- Haq, M; Newby, L; Jackson, A (2009). *Segmentation of the spiritual tourism market*. CQUniversity. Conference contribution. <https://hdl.handle.net>
- Ivtzan, I., Chan, C., Gardner, H. & Prashar, K. (2013). Linking Religion and Spirituality with Psychological Well-being: Examining Self-actualisation, Meaning in Life, and Personal Growth Initiative. *Journal of Religion and Health*, 52(3), 15-29.
- Jackson, D., Colleen, D., Capon, H. & Pringle, E. (2016). Spirituality, spiritual need, and spiritual care in aged care: What the literature says. *Journal of Religion, Spirituality & Aging*, 28(4), 281-295.
- Karoubi, M., Ferdowsi, S. (2021). Impact of Perceived Social Apathy on Tourists' Behavioral Intentions. *Leisure Studies*. 40(5), 628-644.
- Mason, P., 2003, *Tourism Impacts Planning and Management*. Oxford: Butterworth Heinemann.
- Mathison, A. & Wall, G. (1982). *Tourism Economics physical and social Impacts*. London: Longman.
- Moberg, D. O. (2011). Expanding Harizons for Spirituality Research. Retrieved on 15 October 2013 from <http://hir.hartsem.edu/sociology/spiriyuality-research.html>.
- Pourfaraj, A., Ghaderi, E., Jomehpour, M., Ferdowsi, S. (2020). Conservation Management of Geotourism Attractions in Tourism Destinations.
- Puchalski, C. M., Vitillo, R., Hull, S. K. & Reller, N. (2014). Improving the spiritual dimension of whole person care: Reaching national and international consensus. *Journal of Palliative Medicine*, 17(6), 642-656.
- Rocha, R. G., & Pinheiro, P. G. (2020). Organizational Spirituality: Concept and Perspectives. *Journal of Business Ethics*, 171(2), 241-252.
- Shackley, M (2001). 2001, *Managing Sacred Sites: Service Provision and Visitor Experience*. New York: Continuum.
- Sharpley, R. (2016). Tourism and Spirituality: An Evolving Relationship. *International Journal of Tourism and Spirituality (IJTS)*, 1(1), 8-24.
- Ziaee, M., Ferdowsi, S. (2020). A Systematic Review of Iranian Research in the Field of Geotourism Studies. *Geoheritage*. 12(4), 1-13.
- Zinnbauer, B. J., Pargament, K. I., & Scott, A. B. (1999). The emerging meanings of religiousness and spirituality: Problems and prospects. *Journal of personality*, 67(6), 889-919.

In the name of Allah

MARIFAT

Scientific monthly in the field of humanities

Vol. 34, N. 2, Special of Sociology, Summer 2025

A Publication by Imam Khomeini Educational and Research Institute

Editor in Chief: Seyed Ahmad Rahnamaei

Editor: Abolfazl Sajedi

Secretary of Sociology Department: Muhammad Fooladi

Coordinator: Ruhollah Farisabadi

Print Supervisor: Hamid Khani

Print: Zamzam

Editorial Board: (In alphabetical order of the group name)

Hoj. Dr. Sayyid Akbar Hosseini (Religious) - the IKI - Associate

Dr. Mohsen Khandan "Alviri" (History) - Baqerul Uloom University - Professor

Ayatollah Professor Mahmoud Rajabi (Quranic Interpretation and Sciences) - the IKI - Professor

Hoj. Dr. Muhammad Fooladi (Sociology) - the IKI - Associate

Dr. AbbasAli Kadkhodaei (Law) - University of Tehran - Professor

Dr. Mohammad Karim Khodapanahi (Psychology) - Shahid Beheshti University - Professor

Hoj. Dr. Alireza Kermani (Erfan) - the IKI - Associate

Hoj. Dr. Abbas Ali Shamili (Educational Sciences) - Al-Mustafa International University - Associate

Dr. Mohammad Fanaei Askevari (Philosophy) - the IKI - Professor

Hoj. Dr. Abolfazl Sajedi (Theology) - the IKI - Professor

Articles in this publication are available in sid.ir; isc.gov.ir; magiran.com; noormags.ir.

Address: Qom - Amin Boulevard, Islamic Republic Boulevard - IKI, Fourth Floor - No. 33.

S. C: 186-37165 / **Phone:** (Editorial) 32113468 - (Subscribers) 32113482 - Fax: 32934483 (025).

Email: marifat@qabas.net

Internet: www.nashriyat.ir

Website: nashriyat.ir/SendArticle

Marifat (Online): 2980-8383